



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سیرت النبی

غلام محمد گلزار



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیعیان کشمیر (از آغاز تا دوره معاصر)

نویسنده:

غلام محمد متو (گلزار)

ناشر چاپی:

مجمع جهانی شیعه شناسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	شیعیان کشمیر (از آغاز تا دوره معاصر)
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۶	تقدیم به
۴۵	مقدمه استاد انصاری بویراحمدی
۴۵	پیشگفتار
۵۳	فصل اول: جغرافیا و تاریخچه کشمیر
۵۳	۱- شبه قاره هند
۵۷	۲- جغرافیای کشمیر
۵۷	۱- ۲- جغرافیای طبیعی
۵۸	۲- ۲- جغرافیای سیاسی
۶۰	۳- ۲- ویژگی های منطقه کشمیر از لحاظ جغرافیا (اهمیت ژئوپلیتیکی)
۶۱	۴- ۲- جغرافیای انسانی
۶۲	۵- ۲- نژاد کشمیری ها
۶۳	۶- ۲- زبان های رایج در کشمیر
۶۴	۳- تاریخچه کشمیر
۶۴	اشاره
۶۵	۱- ۳- تاریخچه کهن (قبل از اسلام)
۶۵	۱- ۱- ۳- تاریخچه پیدایش کشمیر
۶۷	۲- ۱- ۳- خانواده پاندو
۶۷	۳- ۱- ۳- خانواده موری
۶۸	۴- ۱- ۳- خانواده «کشن»
۶۸	۵- ۱- ۳- خانواده «گوستد»

۶۹	۶- ۱- ۳- خانواده «سفید هن»
۶۹	۷- ۱- ۳- خانواده «کر کوتاه»
۶۹	۸- ۱- ۳- خانواده «اتپالا»
۷۰	۹- ۱- ۳- خانواده «لوهر اول»
۷۰	۱۰- ۱- ۳- خانواده «لوهر دوم»
۷۰	۲- ۳- تاریخ کشمیر هنگام ورود اسلام تا پایان استقلال آن ۹۹۴ هجری
۷۳	۳- ۳- تاریخ معاصر کشمیر
۷۸	۱- ۳- ۳- نوع حکومت
۷۹	خلاصه
۸۳	فصل دوم: ورود و گسترش تشیع در کشمیر
۸۳	بخش اول
۸۳	۱- پیشینه اسلام در کشمیر
۸۳	اشاره
۸۸	۱- ۱- چگونگی راهیابی اسلام به کشمیر
۹۰	۲- ۱- اوضاع داخلی کشمیر هنگام ورود اسلام
۹۱	۳- ۱- قبول اسلام توسط رینچن شاه
۹۳	۲- نقش میر سیدعلی همدانی در ترویج دین اسلام در کشمیر
۹۳	اشاره
۹۶	۱- ۲- مذهب میر سید علی همدانی
۹۶	۲- ۲- دلایل شیعه بودن میر سید علی
۱۰۰	۳- ۲- اما قرائن
۱۰۱	۳- میر سید محمد همدانی
۱۰۳	بخش دوم: پیشینه تشیع در کشمیر
۱۰۳	۱- شیعه و تشیع
۱۰۳	اشاره
۱۰۵	۱- ۱- سید محمد مدنی

- ۱-۲- سید حسین رضوی قمی - ۱۰۸
- ۱-۳- ملا عالم انصاری - ۱۱۱
- ۱-۴- میر شمس الدین عراقی (اراکي) - ۱۱۲
- ۱۱۲- اشاره -
- ۱-۴-۱- نقش میر شمس الدین عراقی - ۱۱۴
- ۱-۴-۲- سفر اول میر شمس الدین عراقی به کشمیر - ۱۱۵
- ۱-۴-۳- سفر دوم میر شمس الدین عراقی به کشمیر - ۱۱۹
- ۲- وضعیت دینی و فرهنگی مردم کشمیر هنگام ورود میر شمس الدین - ۱۲۰
- ۳- فعالیت میر شمس الدین در کشمیر - ۱۲۳
- ۱۲۳- اشاره -
- ۳-۱- فعالیت تبلیغی - ۱۲۴
- ۱۲۴- اشاره -
- ۳-۱-۱- موانع تبلیغی میر شمس الدین عراقی - ۱۲۵
- ۱- مخالفت بعضی از علما و مآلهای درباری - ۱۲۵
- ۲- درگیری با سید محمد بیهقی - ۱۲۶
- ۳-۱-۲- سفر میر شمس الدین عراقی به اسکردو و لداخ - ۱۲۸
- ۳-۱-۳- انهدام بتخانه ها و ساخت مساجد و بناهای اسلامی به جای آن - ۱۳۰
- ۳-۲- فعالیت های فرهنگی میر شمس الدین عراقی - ۱۳۲
- ۱۳۲- اشاره -
- ۳-۲-۱- ساخت عبادتگاه در زدی بل - ۱۳۲
- ۳-۲-۲- بازسازی آستان میر سید علی همدانی - ۱۳۴
- ۳-۲-۳- ساخت مساجد - ۱۳۴
- ۳-۲-۴- احیای فرهنگ جهاد - ۱۳۴
- ۳-۲-۵- ایراد خطبه به اسم دوازده امام در مسجد جامعه - ۱۳۷
- ۳-۲-۶- اعزام مبلغین به مناطق دور افتاده - ۱۳۸
- ۳-۳- فعالیت علمی میر شمس الدین - ۱۳۹

۱۴۰	۴-۳- کتاب احوط
۱۴۲	۵-۳- دلایل استمداد اهل تسنن از دولت هند
۱۴۴	۶-۳- وفات میر شمس الدین عراقی
۱۴۸	۷-۳- مذهب میر شمس الدین عراقی
۱۵۱	۸-۳- دلایل شیعه بودن میر شمس الدین عراقی
۱۵۳	۴- میر سید دانیال
۱۵۵	خلاصه
۱۵۹	فصل سوم: شیعیان در دوره چک ها
۱۵۹	اشاره
۱۶۱	مقدمه
۱۶۲	۱- تاریخچه اجمالی دوره چک ها
۱۶۴	۲- وضعیت سیاسی شیعیان کشمیر در دوران چک ها
۱۶۴	اشاره
۱۶۵	۱- ۲- مظالم میرزا حیدر بر شیعیان کشمیر
۱۶۵	اشاره
۱۶۷	الف - به قتل رساندن میر دانیال فرزند میر شمس الدین عراقی
۱۶۷	ب - کشتار عموم علمای شیعه
۱۶۸	ج - غارت خانه های شیعیان
۱۶۸	د - سوزاندن آستان میر شمس الدین عراقی و توهین به جنازه میر
۱۶۹	۲- ۲- کشته شدن میرزا حیدر
۱۶۹	۳- حکومت شیعیان در کشمیر
۱۶۹	اشاره
۱۶۹	۱- ۳- پادشاهی غازی چک
۱۷۰	۲- ۳- حسین چک
۱۷۱	۳- ۳- علی چک
۱۷۱	۴- ۳- مرتبه اول پادشاهی یوسف چک

- ۱۷۲ ۵-۳- لوهر چک
- ۱۷۲ ۶-۳- مرتبه دوم پادشاهی یوسف چک
- ۱۷۴ ۷-۳- یعقوب چک
- ۱۷۷ ۴- عوامل سقوط حکومت چک ها
- ۱۷۷ اشاره
- ۱۷۷ ۴-۱- عوامل داخلی
- ۱۷۸ ۲-۴- عوامل خارجی
- ۱۷۸ ۵- وضعیت فرهنگی شیعیان کشمیر در دوره چک ها
- ۱۷۸ اشاره
- ۱۸۱ الف - ساخت حسینیه جدی بل
- ۱۸۱ ب - ایراد خطبه به اسم دوازده امام[^] در مسجد جامعه
- ۱۸۲ ۶- علمای شیعیان در دوره حکومت پادشاهان چک
- ۱۸۲ اشاره
- ۱۸۳ ۱-۶- بابا خلیل
- ۱۸۴ ۲-۶- شیخ حسن
- ۱۸۵ ۳-۶- بابا مهدی
- ۱۸۶ ۴-۶- مولانا حافظ بصیر
- ۱۸۶ ۵-۶- ملا حسن اسود
- ۱۸۶ ۶-۶- ملا عینی
- ۱۸۷ ۷- زبان فارسی در دوران شاهان چک
- ۱۸۸ ۸- ادبیات شیعیان در دوران چک ها
- ۱۸۸ اشاره
- ۱۸۹ ۱-۸- بابا طالب اصفهانی
- ۱۹۱ ۲-۸- میر علی
- ۱۹۱ ۳-۸- ملاّ نامی اوّل
- ۱۹۳ ۴-۸- ملاّ نامی ثانی

- ۵- ۸- مولانا مهري ۱۹۵
- ۶- ۸- ملا محمد امين مستغني ۱۹۵
- ۷- ۸- ميرزا علي خان ۱۹۷
- ۸- ۸- حسين شاه چک ۱۹۷
- ۹- ۸- علي ملک چک ۱۹۸
- ۱۰- ۸- ملک حيدر چادوره ۱۹۸
- ۱۱- ۸- پادشاه يوسف چک ۱۹۸
- ۱۲- ۸- حبه خاتون (زوني) ۱۹۹
- اشاره ۱۹۹
- ۱- ۱۲- ۸- کارهای ملکه حبه خاتون ۲۰۰
- ۹- وضعیت اجتماعی شیعیان کشمیر در دوران چک ها ۲۰۰
- اشاره ۲۰۰
- ۱- ۹- تعامل شیعیان کشمیر با دیگر ادیان و مذاهب ۲۰۲
- ۱۰- وضعیت اقتصادی شیعیان کشمیر در دوران چک ها ۲۰۵
- شیعیان ۲۰۵
- ۱- ۱۰- دلایل حضور بیشتر شیعیان در ارتش ۲۰۶
- خلاصه ۲۰۶
- فصل چهارم: شیعیان از دوره مغول تا دوگره (از دوره ۱۵۸۶ تا ۱۹۴۷ میلادی) ۲۱۰
- مقدمه ۲۱۰
- ۱- تاریخچه اجمالی از دوره مغول تا دوگره ۲۱۳
- ۲- وضعیت سیاسی شیعیان کشمیر در دوره مغول ۲۱۶
- اشاره ۲۱۶
- ۱- ۲- دلایل گرایش شیعیان به جنگ های چریکی ۲۱۶
- ۲- ۲- حاکمان و والیان شیعه در دوره مغول ۲۲۰
- اشاره ۲۲۰
- ۱- میرزا حیدرملک ۲۲۰

- ۲- علی مردان خان ۲۲۱
- ۳- ابراهیم خان ۲۲۲
- ۴- میرزا احسن الله ۲۲۲
- ۵- برهان الدین ۲۲۲
- ۳- وضعیت اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره مغول ۲۲۳
- اشاره ۲۲۳
- ۳-۱- ارتباط شیعیان با دیگر فرقه ها در دوره مغول ۲۲۵
- ۴- وضعیت فرهنگی شیعیان در دوره مغول ۲۳۰
- اشاره ۲۳۰
- ۴-۱- فعالیت اجتماعی و فرهنگی حاکمان شیعه ۲۳۲
- اشاره ۲۳۲
- ۱- ساخت کاروانسراها؛ ۲۳۳
- ۴-۲- ادبیات شیعیان در دوره مغول ۲۳۴
- اشاره ۲۳۴
- ۱- ملا مظهری ۲۳۵
- ۲- اوجی ۲۴۴
- ۳- حاجی محمد جان قدسی ۲۵۱
- ۴- طغرا ۲۶۰
- ۵- محمد قلی سلیم ۲۶۳
- ۶- میرزا طالب کلیم ۲۶۶
- ۷- میر الهی ۲۶۸
- ۸- محمد رضا مشتاق ۲۷۱
- ۹- میرزا داراب جويا ۲۷۵
- ۱۰- میرزا کامران بیگ گويا ۲۷۹
- ۱۱- خواجه علی اکبر ۲۸۲
- ۱۲- ملا ساطع ۲۸۴

۲۹۰	۱۳- حاجی بابا معنی
۲۹۳	۱۴- شاه فتح الله
۲۹۵	۱۵- «شارق»
۲۹۷	۱۶- حاجی حیدر
۲۹۷	۱۷- محمد رفیع
۲۹۸	۵- وضعیت اقتصادی شیعیان در دروه مغول
۳۰۰	۶- حکومت افغان ها در کشمیر و اوضاع شیعیان در آن دوره
۳۰۰	اشاره
۳۰۲	۱- ۶- وضعیت سیاسی شیعیان در دوره افغان ها
۳۰۲	۲- ۶- حاکمان شیعه مذهب در دوره افغان ها
۳۰۳	۳- ۶- وضعیت اجتماعی شیعیان در دوره افغان ها
۳۰۴	۴- ۶- درگیری های مذهبی در این دوره
۳۰۶	۵- ۶- وضعیت فرهنگی شیعیان کشمیر در دوره افغان ها
۳۰۸	۷- حکومت سیک ها در کشمیر و اوضاع شیعیان در این دوره
۳۰۸	اشاره
۳۰۹	۱- ۷- اوضاع شیعیان در حکومت سیک ها
۳۱۳	۸- حکومت دوگره ها در کشمیر و اوضاع سیاسی شیعیان در آن دوره
۳۱۳	اشاره
۳۱۵	۱- ۸- وضعیت مردم کشمیر در حکومت دوگره
۳۱۶	۲- ۸- وضعیت شیعیان در این دوره
۳۱۹	خلاصه
۳۲۴	فصل پنجم: علمای بزرگ و آثار و اماکن مذهبی شیعیان کشمیر
۳۲۴	مقدمه
۳۲۷	۱- آستان ها و عبادتگاه های معروف شیعیان
۳۲۷	۱- ۱- آستان سید محمد مدنی
۳۲۹	۲- ۱- آستان میر شمس الدین

- ۳-۱- آستان حسن آباد ۳۳۱
- ۴-۱- آستان بابا خلیل الله ۳۳۲
- ۵-۱- قبرستان (مقبره) شاهی ۳۳۲
- ۲- مساجد تاریخی شیعیان ۳۳۳
- ۱-۲- پتهری مسجد (مسجد سنگی) ۳۳۳
- ۲-۲- مسجد حسن آباد ۳۳۶
- ۳-۲- مسجد حاجی عیدی جدی بل ۳۳۶
- ۴-۲- مسجد بُدگام ۳۳۷
- ۳- حسینیه های تاریخی شیعیان کشمیر ۳۳۷
- ۱-۳- حسینیه زدی بل ۳۳۷
- ۲-۳- حسینیه حسن آباد ۳۳۹
- ۳-۳- حسینیه بُدگام ۳۴۰
- ۴-۳- حسینیه احمد پوره ماگام ۳۴۰
- ۴- ساختِ باغات و پارک های عمومی توسط شیعیان ۳۴۱
- ۱-۴- باغ پادشاه حسین چک (۹۷۱ تا ۹۷۸ ه- ق) ۳۴۱
- ۲-۴- باغ یوسف شاه چک ۳۴۲
- ۳-۴- باغ ملکه نور جهان ۳۴۲
- ۴-۴- باغ رئیس الملک میرزا حیدر ملک چادوره ۳۴۳
- ۵-۴- باغ آصف جاه ۳۴۴
- ۶-۴- باغ صادق خان ۳۴۵
- ۷-۴- باغ ظفر خان احسن ۳۴۶
- ۳۴۶ اشاره
- الف - باغ ظفر آباد ۳۴۶
- ب - باغ گلشن ۳۴۶
- ج - باغ احسن آباد ۳۴۷
- د - باغ عنایت ۳۴۷

- ۳۴۷ ۸-۴- باغ علی مردان خان
- ۳۴۸ ۹-۴- باغ کفایت خان
- ۳۴۸ ۵- علمای بزرگ شیعیان کشمیر
- ۳۴۸ اشاره
- ۳۴۹ ۱-۵- سید مهدی موسوی صفوی
- ۳۵۰ ۲-۵- سید محمد
- ۳۵۱ ۳-۵- سید احمد
- ۳۵۱ ۴-۵- سید یوسف
- ۳۵۴ ۵-۵- ملا فضل علی
- ۳۵۵ ۶-۵- ملا جواد
- ۳۵۵ ۷-۵- ملا عبدالله انصاری
- ۳۵۶ ۸-۵- مولوی حیدر علی انصاری
- ۳۵۷ ۹-۵- سید محمد
- ۳۵۸ ۱۰-۵- ملا محمد مهدی
- ۳۵۹ ۱۱-۵- ملا محمد مقیم
- ۳۵۹ ۱۲-۵- حاجی سید حسن رضوی
- ۳۶۰ ۱۳-۵- شیخ علی اصغر
- ۳۶۱ ۶- علمای کشمیر خارج از کشور
- ۳۶۱ اشاره
- ۳۶۲ ۱-۶- علامه تفضل حسین خان کشمیری ۱۲۱۵ هجری
- ۳۶۴ ۲-۶- ملا محمد علی کشمیری
- ۳۶۵ ۳-۶- ملا عبدالغنی بن ابوطالب کشمیری متوفی ۱۱۳۹ هجری
- ۳۶۶ ۴-۶- ملا مراد کشمیری
- ۳۶۶ ۵-۶- ملا محمد جعفر کشمیری
- ۳۶۷ خلاصه
- ۳۷۰ فصل ششم: وضعیت فعلی شیعیان کشمیر

۳۷۰	مقدمه
۳۷۳	۱- وضعیت اجتماعی شیعیان کشمیر
۳۷۳	اشاره
۳۷۵	۱-۱- تاریخچه گروه بندی شیعیان کشمیر
۳۸۱	۲- پیامدهای انقلاب اسلامی ایران در کشمیر
۳۸۱	اشاره
۳۸۲	۱-۲- تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جامعه کشمیر
۳۸۲	۱-۱-۲- تأثیرات مذهبی
۳۸۲	۲-۱-۲- تأثیرات فرهنگی
۳۸۲	۳-۱-۲- تأثیرات سیاسی
۳۸۳	۲-۲- تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان کشمیر
۳۸۳	۱-۲-۲- امنیت
۳۸۳	۲-۲-۲- احیای فکر اصیل اسلامی
۳۸۴	۳-۲-۲- احیای تفکر دینی
۳۸۵	۳- عوامل عدم اتحاد میان علما و رهبران شیعیان کشمیر
۳۸۵	اشاره
۳۸۶	۱-۳- عوامل تفرقه شیعیان کشمیر
۳۸۷	۴- خرافات
۳۸۷	اشاره
۳۸۷	۱-۴- عوامل گسترش برخی خرافات در بین شیعیان
۳۸۹	۵- تعامل شیعیان کشمیر با اهل تسنن و دیگر ادیان و مذاهب
۳۸۹	۱-۵- تعامل شیعیان کشمیر با اهل تسنن
۳۹۳	۲-۵- تعامل شیعیان با دیگر ادیان و مذاهب
۳۹۴	۳-۵- نیازمندی های اجتماعی شیعیان
۳۹۴	۶- وضعیت اقتصادی شیعیان کشمیر
۳۹۴	اشاره

- ۱-۶- امکانات موجود ۳۹۵
- ۲-۶- وضعیت اشتغال ۳۹۶
- ۳-۶- عوامل عقب ماندگی اقتصادی شیعیان ۳۹۸
- ۴-۶- راه های اشتغال زائی ۳۹۸
- ۵-۶- راه های فقر زدائی و بالا بردن سطح معیشتی مردم ۳۹۹
- ۶-۶- نیازهای اقتصادی شیعیان کشمیر ۴۰۱
- ۷- وضعیت آموزشی شیعیان کشمیر ۴۰۲
- اشاره ۴۰۲
- ۱-۷- مؤسسات آموزشی شیعیان کشمیر ۴۰۳
- ۲-۷- علل و عوامل عدم توسعه علمی شیعیان کشمیر ۴۰۶
- اشاره ۴۰۶
- ۱-۲-۷- تلاش های دولت و حکومت ۴۰۶
- ۲-۲-۷- فقر و تهیدستی شیعیان ۴۰۷
- ۳-۲-۷- عدم فرهنگ دانش آموزی شیعیان ۴۰۷
- ۴-۲-۷- خود کم بینی شیعیان ۴۰۸
- ۵-۲-۷- نبود مدارس و امکانات درس ۴۰۸
- ۶-۲-۷- گروه بندی و فرقه پرستی ۴۰۸
- ۷-۲-۷- اختلاف مذهبی با اهل تسنن و نبودن امنیت ۴۰۸
- ۳-۷- راهکار ها برای فرهنگ سازی علمی و آموزشی شیعیان کشمیر ۴۰۹
- ۸- وضعیت فرهنگی شیعیان کشمیر ۴۱۱
- اشاره ۴۱۱
- ۱-۸- انواع تهاجم فرهنگی به مسلمانان کشمیر ۴۱۱
- ۱-۱-۸- نظری ۴۱۱
- ۲-۱-۸- عملی ۴۱۱
- ۲-۸- نویسندگان معروف شیعیان کشمیر ۴۱۴
- ۳-۸- مؤسسات فرهنگی شیعیان کشمیر ۴۱۵

- ۴-۸- مراکز فرهنگی ۴۱۶
- ۴-۸- مساجد ۴۱۶
- ۴-۸- حسینیه ها ۴۱۷
- ۴-۸- آرامگاه علما ۴۱۸
- ۸-۵- کتابخانه های شیعیان کشمیر ۴۱۹
- ۸-۶- اسامی کتابخانه های شیعیان ۴۲۰
- ۸-۷- نیازمندی فرهنگی شیعیان کشمیر ۴۲۱
- ۹- وضعیت سیاسی شیعیان کشمیر ۴۲۱
- ۱۰- راهکارهای ارتقای آگاهی و شعور سیاسی شیعیان ۴۲۶
- ۱۰-۱- ترویج سواد آموزی عمومی بین شیعیان ۴۲۶
- ۱۰-۲- تشکل های سیاسی شیعیان کشمیر ۴۲۷
- ۱۱- وضعیت دینی و مذهبی شیعیان کشمیر ۴۲۸
- اشاره ۴۲۸
- ۱۱-۱- فعالیت علمی و آموزشی مؤسسه تنظیم المکاتب ۴۲۹
- ۱۱-۲- نماز جمعه و جماعت شیعیان کشمیر ۴۳۲
- ۱۱-۳- عزاداری و مراسم دینی شیعیان کشمیر ۴۳۳
- ۱۱-۴- عید نوروز در کشمیر ۴۳۵
- ۱۱-۵- حوزه های علمیه شیعیان کشمیر ۴۳۶
- ۱۱-۵-۱- باب العلم ۴۳۶
- ۱۱-۵-۲- جامعه علمیه امام رضا ۴۳۷
- ۱۱-۵-۳- «جامعه امامیه» ۴۳۸
- ۱۱-۵-۴- مکتبۀ الزهرا ۴۳۹
- ۱۱-۵-۵- جامعه الزهرا ۴۳۹
- ۱۱-۶- مسائل و مشکلات اعتقادی و مذهبی شیعیان کشمیر ۴۴۰
- ۱۱-۷- راه حل ۴۴۱
- ۱۱-۸- نیازمندی های شیعیان کشمیر در زمینه تبلیغی و مذهبی ۴۴۲

۴۴۳ خلاصه
۴۴۸ فصل هفتم: نتیجه
۴۴۸ نتیجه
۴۵۷ نیازمندی های شیعیان کشمیر در زمینه های مختلف
۴۵۷ ۱- آموزشی
۴۵۷ ۲- فرهنگی
۴۵۷ ۳- اجتماعی
۴۵۷ ۴- پزشکی و بهداشتی
۴۵۸ ۵- اقتصادی
۴۵۸ ۶- تبلیغی و مذهبی
۴۶۰ فصل هشتم: بررسی منابع
۴۶۰ بررسی منابع
۴۶۰ اشاره
۴۶۲ ۱- منابع کهن
۴۶۲ ۱- ۱- بهارستان شاهی
۴۶۵ ۲- ۱- تحفه الاحباب
۴۶۶ ۳- ۱- واقعات کشمیر
۴۶۹ ۴- ۱- تاریخ حسن
۴۷۱ ۵- ۱- تاریخ رشیدی
۴۷۲ ۲- منابع جدید و معاصر
۴۷۲ ۱- ۲- کشمیر بهشت زخم خورده
۴۷۲ ۲- ۲- تاریخ شیعیان کشمیر
۴۷۳ ۳- ۲- شیعیان کشمیر هندوستان تا دوره پایان مغول
۴۷۴ ۴- ۲- تاریخ بلتستان
۴۷۴ ۵- ۲- کشمیر، گذشته، حال، آینده
۴۷۵ ۶- ۲- شیعه در هند

۴۷۵ ----- ۷-۲- تاریخ شیعیان علی

۴۷۸ ----- فهرست منابع

۵۰۶ ----- درباره مرکز

شیعیان کشمیر (از آغاز تا دوره معاصر)

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی کشمیری، سیدمحسن

عنوان و نام پدیدآور: شیعیان کشمیر (از آغاز تا دوره معاصر) / نگاشته غلام محمد متو (گلزار).

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۴۶۰ ص.

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: مجتهدان و علما -- هند -- جامو و کشمیر -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره: BP۵۵-ح ۴ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۶

ص: ۱

اشاره

نام کتاب: شیعیان
کشمیر

نام مؤلف: غلام محمد متو
(گزار)

ناشر: انتشارات آشیانه
مهر

ویراست علمی و تحقیق: خلیل بخشی
زاده

صفحه آرایی/تنظیم و طرح جلد: علی اکبر رشیدی
گلروئیه

ویراستار: سید علی سجادی
بهسودی

تعداد صفحات:
۴۶۰

چاپخانه:
اسوه

چاپ: اول /
۱۳۹۱

تیراژ:
۳۰۰۰

قیمت:

شابک:

او که مصیبتش پشت کوه را شکست.

در ماتمش «صبر» گریبان غم درید.

واژ [ایثار و فداکاری] از نارسایی شرمسار گشت.

«شجاعت و مظلومیت» در میان خلائق معنی و تجلی یافت. و عاشقانه در هجده سالگی به شهادت رسید. اما تا هنوز قبرش ناپیدا است.

سر سلسله گواه عالم، پاره جگر، و میوه دل پیامبر، و اولین مظلومه جهان «حضرت فاطمه زهرا» صلوات الله و سلام الله علیها.

و معمار قرن بیستم، روح بلند و ملکوتی حضرت امام خمینی، احیاگر اندیشه حکومت دینی در دنیای مادی کنونی.

مقدمه استاد انصاری بویراحمدي

پيشگفتار

ص: ۲۵

تشیع به عنوان یکی از مذاهب اسلامی با پیشینه ای بلند در کشمیر، تاریخ پرفراز و نشیبی دارد. این مذهب که توسط مبلغان و روحانیان ایرانی به کشمیر وارد شد در زمان کوتاهی به تمام نقاط آن، از لداخ، بلتستان گرفته تا پونجه و جامو سرایت کرده پیروان چشمگیری به خود اختصاص داد. و با گذشت کمتر از یک قرن مذهب رسمی کشور اعلام گردید. اما مخالفان این مذهب که با موجودیت آن، منافع نامشروع خودشان را در خطر می دیدند، برای از بین بردن و نابودی آن هیچگاه دست از فریب کاری ها و توطئه ها علیه این مذهب برنداشتند. به طوری که شیعیان را ده ها بار در طول تاریخ مورد تهاجم و حملات گسترده قرار دادند.

اما

با تمام کردن تیرهای ترکش خود نتوانستند چراغ تشیع را در این سرزمین خاموش بکنند. با وجود تمام این مشکلات و تنگناها شیعیان کشمیر توانستند در ابعاد گوناگون تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشمیر کارهای فراموش نشدنی انجام دهند. و تا امروز در این منطقه حضوری فعال داشته باشند.

این کتاب مشتمل بر هشت فصل است. فصل اول مربوط به جغرافی طبیعی و سیاسی و نیز تاریخ کشمیر است در این فصل اشاره کوتاهی بر پیشینه اسلام در کشمیر شده

ص: ۲۹

است. تبلیغ دین اسلام در کشمیر به وسیله جهانگردان، بازرگانان، و ماجراجویان آغاز شد و بعد با سفر روحانیون و مبلغین از ایران و آسیای مرکزی تحرك بیشتری یافت.

سید شرف الدین موسوی اولین مبلغی است که توانست پادشاه کشمیر به نام رینچن شاه را مسلمان کند. با ورود میر سید علی همدانی به کشمیر اسلام پیشرفت بزرگی کرد. در فصل دوم پشینه تشیع در کشمیر بررسی می شود. گرچه تشیع خیلی زودتر از میر شمس الدین عراقی به کشمیر وارد شد. اما بنا بر دلایلی تا زمان ورود میر در مناطق مخصوص محدود بود. اما فعالیت میر شمس الدین که از خراسان به آنجا سفر کرد سبب شد تشیع بیش از پیش در کشمیر رواج پیدا کند. او توانست در بعضی از افراد سرشناس در دولت و قدرت کشمیر نفوذ کند و آنان را به دایره تشیع وارد نماید.

میر با فعالیت تبلیغی توانست با کمک ملک موسی رینه نخست وزیر کشمیر ۲۴ هزار خانواده هندو ها را به تشیع هدایت کند.

در فصل سوم دولت شیعیان کشمیر (چک ها) و اوضاع سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و اقتصادی آنان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم مربوط به دوره های

مغول، افغان، سیک ها و دوگره ها است. در این فصل اوضاع سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و اقتصادی شیعیان به تفصیل مورد بحث

و بررسی قرار گرفته است. و بیان می گردد چگونه شیعیان در این دوره ها بویژه در دوره افغان ها در کشمیر از اکثریت به اقلیت مبدل گردیدند.

در فصل پنجم توضیح مختصری درباره فعالیت، تلاش، و کوشش های علمای شیعیان برای ترویج مذهب و آثار و اماکن مذهبی و فرهنگی تشیع داده شده است.

فصل ششم که به نظر اینجانب حاصل زحمات این تحقیق می باشد مربوط به اوضاع فعلی شیعیان کشمیر است. در آن اوضاع سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و اقتصادی شیعیان به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و نیز تهدیدها، موانع و مشکلات شیعیان کشمیر و فرصت ها و راه کارها و راه حل ها برای مقابله با آنها بیان شده است.

در فصل هفتم به نتیجه گیری نهایی پرداخته و در فصل هشتم منابع بررسی شده است.

شبه قاره هند بخشی از شبه جزیره های جنوب آسیا است. این شبه قاره شامل کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، نپال و یونان و گاه میانمار (برمه) است.

از دید جغرافیایی، شبه قاره بودن آن به خاطر این است که بر صفحه (زمین ساختی) جدا از قاره آسیا قرار دارد.

در شمال شبه قاره هند کوه های مرتفعی قرار دارد که همانند دیواری بخش های شمالی آن را در برمی گیرد. در شمال شرقی و شمال غربی هیمالیا و سلیمان از مهم ترین رشته کوه های این بخش است.

رودهای سند (ایندوس)، گنگ و برهماپوترا از این ارتفاعات سرچشمه می گیرند. آب و هوای آن موسمی است. جاهایی که در معرض بادهای موسمی قرار می گیرند به ویژه در تابستان از بارندگی زیادی برخوردارند. به طوری که در بنگلادش و ایالت آسام هند در فصل تابستان بدون وقفه باران می بارد. در چراپونچی **chava panji** واقع در ایالت آسام - که بیش از همه جای دنیا باران می بارد میزان ریزش باران به حدود ۱۲ متر می رسد. با این حال برخی از مناطق شبه قاره مانند بلوچستان،

پاکستان، آب و هوای خشک دارند. شرایط جغرافیایی مناسب همچون دما، رطوبت و خاک حاصل خیز این منطقه را بسیار پربرکت نموده و امکانات فوق همراه با وفور مواد غذایی تراکم جمعیت را در آسیای جنوبی بالا برده است. به طوری که در مساحتی به وسعت تقریبی ۴۵۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع، بیش از یک میلیارد نفر یعنی ۲۰ درصد جمعیت جهان سکونت دارند. ترکیب نژادی جمعیت نیز از تنوع زیادی برخوردار بوده و در نواحی کوهستانی قبایل متعدد کوچکی سکونت دارند که آداب و رسوم مخصوص به خود را دارند. در نواحی ساحلی و جلگه و همچنین شبه جزیره دکن گروه های بزرگی سکونت دارند که بخش عظیمی از کشورهای این ناحیه را تشکیل می دهند.

مهم ترین کشورهای شبه قاره به ترتیب وسعت عبارتند از: هند، پاکستان، بنگلادش، سری لانکا، نپال و مالدیو.

وسیع ترین و پرجمعیت ترین این کشورها هند با ۳۲۸۸۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و بیش از یک میلیارد نفر جمعیت است و کوچک ترین و کم جمعیت ترین آنان مالدیو با ۲۹۸ کیلومتر مربع وسعت و قریب به ۲۰۰۰۰ نفر است.

از بیش از یک میلیارد و نیم مسلمان که در جهان زندگی می کنند متجاوز از ۴۰۰ میلیون نفر آن در آسیای جنوبی و یا در همان شبه قاره سکونت دارند که بیش از دویست و پنجاه میلیون نفر در کشورهای مستقل اسلامی یعنی پاکستان، بنگلادش و مالدیو زندگی می کنند.

لازم به ذکر است که بنگلادش به عنوان بخش شرقی پاکستان و تحت قلمرو این کشور بود تا اینکه در سال ۱۹۷۱م به رهبری شیخ مجیب الرحمن و پس از مبارزات گسترده ای به استقلال رسید و همچنین کشمیر نیز زمانی یکی از کشورهای شبه قاره هند بوده است اما پس از، تصرف توسط پادشاه مغول در سال ۱۵۸۶ میلادی بصورت پراکنده اداره می شود.

۲- جغرافیای کشمیر

۲-۱- جغرافیای طبیعی

کشمیر در دامنه کوه هایی پربرف قرار دارد. مرغزار های سرسبز، کشتزارهای زعفران، جنگل هایی انبوه، دریاچه های آرام، چنارهایی با شکوه، چشمه سارها و آبشارهایی خروشان همواره الهام بخش ادیبان و شاعران این سرزمین بوده است. به سبب زیبایی کشمیر، پادشاهان مغول آن را بهشت روی زمین خواندند.

کوه ها گرداگرد این سرزمین چون حصار کشیده شده اند. با اینکه ارتفاع وادی کشمیر از سطح دریا بین ۱۵۸۰ تا ۱۸۲۹ متر است ولی هوای آن مانند مناطق کوهستانی سرد نیست زیرا در واقع کوه های بلند و مرتفعی که دور تا دور منطقه را فرا گرفته اند آن را از هوای سرد شمالی و باد تند و سوزان جنوبی محفوظ می دارند. (۱)

ص: ۳۷

۱- شفیق، محمد یوسف، آینه کشمیر، ص ۲۰.

کشمیر دارای چهار فصل می باشد(۱) که از این رو به لحاظ زیبایی طبیعت و آب و هوا همانند ایران است.

۱- فصل بهار یا سونته: از ۲۱ مارچ تا ۲۰ جون است (از اول فروردین تا ۳۱ خرداد ایرانی)؛

۲- فصل رته کول یا حار (تابستان): از ۲۱ جون تا ۲۰ سپتامبر (از اول تیر تا ۳۱ شهریور ایرانی)؛

۳- فصل هرد (پائیز): از ۲۱ سپتامبر تا ۲۰ دسامبر (اول مهر تا ۳۰ آذر ایرانی)؛

۴- فصل ونده یا پوه (زمستان): از ۲۱ دسامبر تا ۲۰ مارچ (از اول دی تا ۳۰ اسفند ایرانی)؛

یکصد سال قبل جاده ای که کشمیر را به جهان خارج متصل کند تقریباً وجود نداشت و تنها پیاده ها، قاطرها، فیل ها و گاوهایی وحشی از گذرگاه کوهستانی عبور می کردند.(۲)

۲-۲- جغرافیای سیاسی

کشمیر در قلب آسیا، شمال شبه قاره هند قرار دارد و از شمال و شرق با چین و از شمال غربی با افغانستان و از غرب با پاکستان و از جنوب با هند دارای مرز

ص: ۳۸

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲- (الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۱۴.

مشترک است و یک باریکه به نام واخان آن را از جمهوری تاجیکستان و ازبکستان جدا می سازد.

ایالت جامو و کشمیر که از نقطه نظر سیاسی به نام کشمیر معروف است از پنج منطقه جداگانه تشکیل شده است. دره کشمیر یا وادی، جامو، لداخ، گلگت و بلتستان، کشمیر آزاد.

وادی، جامو و لداخ و که قسمت عمده ایالت کشمیر را تشکیل می دهند در اشغال هند است و مناطق گلگت و بلتستان و کشمیر آزاد زیر نظر پاکستان است.

مساحت کشمیر همانطور که در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ نشان داده شده است ۲۲۲۸۸۰ کیلومتر مربع است (۱). کشمیر از شمال به جنوب ۶۴۰ کیلومتر و از شرق به غرب ۴۸۰ کیلومتر طول دارد.

پس از بروز جنگ میان هند و پاکستان بر سر آینده کشمیر در ژانویه ۱۹۴۷ یک خط آتش بس در کشمیر به وجود آمد که به تجزیه جغرافیای کشمیر منجر شد. کشمیر هند منطقه ای به وسعت ۱۳۸۹۹۲ کیلومتر مربع است درحالی که کشمیر پاکستان ۸۳۷۸۷ کیلومتر مربع وسعت دارد مرز چین با کشمیر پاکستان بلامنازع است.

ص: ۳۹

(۱) همان، ص ۱۱.

مساحتی برابر ۳۷۵۵۵ کیلومتر مربع از مناطق لداخ واقع در شمال شرقی سرزمین کشمیر نیز در جنگ ۱۹۶۲ به اشغال چین در آمده است و بعداً پاکستان نیز مساحتی برابر ۵۱۸۰ کیلومتر مربع در اختیار چین قرار داده است. (۱)

در مجموع می توان گفت کشمیر از سه منطقه تشکیل شده است که منطقه شمال شرقی در اختیار چین، شمال غربی در اختیار پاکستان و مناطق دیگر نیز در اختیار هند قرار دارد.

۳-۲ ویژگی های منطقه کشمیر از لحاظ جغرافیا (اهمیت ژئوپلیتیکی)

ویژگی های سیاسی این منطقه را می توان در پنج بند از قرار زیر ذکر کرد.

۱- کشمیر در قلب آسیا و در میان کشورهای چین و هند و پاکستان قرار دارد که به لحاظ سوق الجیشی هند و پاکستان بسیار اهمیت دارد.

۲- پنج رودخانه مهم «سند»، «جهلم»، «چناب»، «راوی» و «ساتلج» یا از کوه های کشمیر سرچشمه می گیرد یا از این سرزمین می گذرند. بدین ترتیب، کنترل بر کشمیر به معنای امکان بهره برداری بیشتر از این رودخانه ها است.

۳- شاهراه ارتباطی، نظامی قراقرم که در کشمیر پاکستان واقع شده است. اهمیت این منطقه را بیشتر نمایان می سازد.

۴- ارتفاعات شمال کشمیر به سان سنگر مستحکمی در دفاع از هند انگاشته

ص: ۴۰

۱- (سید نصری، حمید رضا، کشمیر، گذشته، حال، آینده، ص ۲۲).

می شود. پس از استقلال، سه جنگ بین هند و پاکستان برای دست یابی به این ارتفاعات صورت گرفت.

۵- کشمیر الآن بین دو کشور هسته ای مورد منازعه قرار گرفته است که هر آن امکان درگیری بین آنها وجود دارد که در صورت جنگ نه فقط منطقه بی ثبات خواهد بود بلکه با توجه به قدرت هسته ای هر دو آنان، امنیت جهان در خطر خواهد افتاد.

۴-۲- جغرافیای انسانی

از آنجا که از سال ۱۹۸۹ در کشمیر نهضت اسلامی و رهایی بخش کشمیر شروع شد لذا از آن به بعد آمار دقیقی از جمعیت فعلی بخاطر مساعد نبودن حالات و نبودن امنیت بدست نیامد اما بنا بر سرشماری سال ۱۹۸۱ میلادی جمعیت کل کشمیر در حدود ۱۳ میلیون نفر بوده است (۱)، که به یقین می توان گفت جمعیت فعلی کشمیر از ۱۵ میلیون نفر تجاوز کرده باشد.

کشمیر در بین ۱۶۰ کشور مستقل و دارای حاکمیت عضو سازمان ملل متحد، مسافتی بیش از ۶۸ کشور و جمعیتی بالاتر از ۹۰ کشور مستقل دارد. (۲)

ایالت جامو و کشمیر به دلیل شرایط مختلف طبیعی دارای تراکم جمعیت یکسانی

ص: ۴۱

۱- مؤسسه مطالعات کشمیر، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۸.

۲- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۲۵۴.

نیست چنانکه ۵۸/۵۲ درصد از تراکم جمعیت در بخش کشمیر و ۲۰/۴۵ درصد آن در بخش جامو و تنها ۲۳/۲ درصد از جمعیت در بخش لداخ متمرکز شده اند.

طبق آخرین آمارگیری حدود ۶۷/۲۶ درصد از کل جمعیت ایالت جامو و کشمیر با سواد هستند. (۱) از جمعیت کل ایالت جامو و کشمیر ۶۵ درصد مسلمان ۳۰ درصد هندوها ۵ درصد بودائی، سیک و مسیحی هستند. (۲)

اما به طور کل در وادی (دره) کشمیر حدود ۹۴ درصد مسلمان، ۴۲/۴ هندو و ۲/۱ درصد سیک زندگی می کنند (۳). ایالت جامو و کشمیر یک ایالت کشاورزی است و بیشتر مردم حدود ۸۰ درصد به طور مستقیم یا غیر مستقیم از راه کشاورزی امرار معاش می کنند.

این ایالت در صنعت فرش، ابریشم، شال بافی، کارهای چوبی و دیگر صنایع دستی سابقه طولانی دارد.

۵-۲- نژاد کشمیری ها

درباره نژاد کشمیری ها نظریه زیر وجود دارد:

نژاد قدیمی در کشمیر به اسم «ناگ» بود و قبل از آمدن آریایی ها این نژاد

ص: ۴۲

۱- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۲۴.

۲- سید رضوی، اعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی در کشمیر، ص ۱۰.

۳- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۲۴.

در تمام هند متفرق بود اما از این که این نژاد از کجا آمده هیچ اطلاعی در دست نیست اما هنگامی که آریایی ها از شمال غرب هند به اینجا آمدند، «ناگها» نیز همانند دیگر اقوام محلی از اقتدارشان کاسته شد و به فراموشی سپرده شدند و تنها نژاد آریایی ها مطرح گردید. (۱۱)

۶-۲- زبان های رایج در کشمیر

در ایالت جامو و کشمیر زبان های زیر رایج و مرسوم است:

۱- کشمیری؛

۲- دوگری؛

۳- گوجری؛

۴- پنجابی؛

۵- لداخی؛

۶- اردو؛

۷- بلتی.

بیشترین جمعیت در جامو «دوگره» هستند. گرچه بعضی از دوگره ها مسلمان هستند اما اکثریت آنان را هندوها تشکیل می دهند. زبان اصلی و رسمی آنان «دوگری» و مرکب از سنسکریت، پنجابی و اردو است. در مناطق دور افتاده جامونژاد

ص: ۴۳

۱- (کاشمیری، عاشق حسین، تاریخ تحریک اسلامی، جامور کشمیر، ص ۲۳).

«گوجر» زندگی می کنند که زبان مرسوم بین آنان «گوجری» است.

زبان عمومی در کشمیر - که بیشترین جمعیت ایالت جامو و کشمیر را به خود اختصاص داده و ۹۴ درصد جمعیت آنان مسلمانان هستند - «کشمیری» است اما سیک ها در کشمیر به زبان پنجابی سخن می گویند اما زبان رسمی مردم در مناطق کوهستانی که از نژاد «گوجر» هستند «گوجری» است.

در «لداخ» بیشتر پیروان مذهب بودایی هستند و زبان لداخی دارند در «کارگیل» نیز زبان کارگیلی مرسوم است اما زبان رسمی ایالت جامو و کشمیر، زبان «اردو» است.

۳- تاریخچه کشمیر

اشاره

تاریخچه کشمیر را می توان در چند دوره خلاصه کرد.

الف - تاریخ کهن: از آغاز تاریخ تا ورود اسلام؛

ب - تاریخ کشمیر: از ورود اسلام (۷۲۵ هجری) تا پایان حکومت های مستقل ۹۹۴ هجری آن؛

ج - تاریخ متأخر کشمیر: (از آغاز دوره از دست دادن استقلال تا اکنون)

ص: ۴۴

طبق نظریه مورخان، کشمیر (دژه) زمانی پر از آب بوده است. درباره پیدایش آن داستان های مختلفی وجود دارد. براساس یکی از این اساطیر میلیون ها سال پیش وادی کشمیر دریاچه ای عمیق بود که ژرفای آن به چند صدمتر می رسید و در اطراف آن کوه هایی بلند وجود داشت و تنها از ناحیه غرب آن یک دهانه وجود داشت که سنگ هایی بلند آن را بسته بود. درباره خارج شدن آب از این دریاچه نظریه هایی زیادی وجود دارد که معروف ترین آنها به شرح ذیل است:

سنگ و صخره هایی که دهانه این دریاچه را بسته بودند، در اثر طوفان ها و زلزله هایی متفاوت و در مدت چند قرن شکستند و سپس آب از آنجا خارج شد و سرزمین کشمیر پیدا شد. (۱) اما در آن زمان هوای این سرزمین خیلی سرد بود و مدام برف می بارید و قابل سکونت نبود. و در نتیجه فقط در تابستان خانواده های عشایر به اینجا می آمدند و مدتی می ماندند اما با گذشت زمان سردی هوا کاهش یافت و به حد معمولی رسید. بدین ترتیب توانستند برای همیشه در اینجا زندگی کنند.

ص: ۴۵

براساس شواهد، سابقه حضور انسان در کشمیر به ۵ هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. (۱)

هرچند تاریخ مدونی از تاریخ کهن کشمیر در دست نیست ولی نام امیران و فرمانروایان آن را می‌توان به صورت پراکنده در برخی از کتاب‌های تاریخی یافت.

کشمیر می‌تواند ادعا کند تنها منطقه شبه قاره هند است که از تاریخی مدون که هیچگاه قطع نشده برخوردار است. این رویداد‌های ثبت شده گواهی است بر ادامه موجودیت یک حس واقعی تاریخی در میان مردم دره، حسی که ذهن هندی به کل آشکارا با آن بیگانه است.

«کلهن» شاعر و مورخ کشمیر کتاب خود (۲) را ۲۰۰ سال پیش از چوسر و بیش از ۴۰۰ سال قبل از شکسپیر در قرن دوازده میلادی نوشت.

این کتاب که به زبان سانسکریت است تاریخ منظوم سلسله‌های

مختلفی است که از عصر باستان تا سال ۱۱۴۸ میلادی که نویسنده نوشتن اثر خود را آغاز کرد بر کشمیر حکومت کردند.

گفته می‌شود که در زمان قبل از تاریخ، هندوها بر کشمیر حکومت می‌کردند و کشمیر در آن زمان به قسمت‌های مختلف تقسیم شده بود و هر قسمت مستقل از دیگران، اداره می‌شد و حکمرانان برهمن‌ها (روحانیون هندو) بودند و تا مدتی زیادی در

ص: ۴۶

۱- سید ناصری، حمیدرضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۳۰.

۲- راج ترنگینی.

اینجا حکومت کردند.

مدتی بعد بین برهمن ها اختلاف افتاد و یکی از آنها، راجای (حاکم) راجپوت جامو را برای کمک به کشمیر آورد. اسم این «وایاکرن» بود. همین وایاکرن نخستین راجه (حاکم) رسمی کشمیر به حساب می آید. بعد از او ۵۵ نفر از خاندان این راجا یکی بعد از دیگری حکومت کردند و به این خاندان سورج بنسی گفته می شود. (۱)

بعد از این خاندان نه خاندان دیگر هم تا ظهور اسلام در کشمیر حکومت کردند که بخاطر طولانی شدن بحث فقط به اسامی آنها بسنده می کنیم.

۲-۱-۳- خانواده پاندو

طبق نقل کلهن نگار معروف قرن ۱۱ میلادی، بعد از دوره سورج بنسی «پاندوها» به حکومت رسیدند. آنان ۳۵ نفر بودند که یکی پس از دیگری و طبق نقل مورخین نزدیک به هزار سال بر کشمیر حکومت کردند. (۲)

۳-۱-۳- خانواده مورییا

بعد از پاندوها خانواده «مورییا» بر کشمیر مسلط شدند و ۲۰ نفر از این خانواده بر کشمیر حکومت کردند. اشوک ashok که ۲۵۰ قبل از میلاد شهر تاریخی سرینگر را بنا گذاشت از همین خانواده بود.

ص: ۴۷

۱- (کاشمیری، عاشق، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ج ۱، ص ۲۷.

۲- (کاشمیری، عاشق حسین، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ص ۲۸.

وی پیرو مذهب بودا بود و آن را در کشمیر رواج داد. دوران او همراه با صلح و امنیت برای کشمیر محسوب می شود. آثار ساختمان ها و معبدهایی را که حاکمان بودایی ساخته اند، در برخی از مناطق مختلف کشمیر می توان یافت.

۴-۱-۳- خانواده «کشن»

بعد از خانواده موریا خانواده «کشن» حکومت را به دست گرفتند. از حاکمان معروف این دوره «راجه کنشک» است که در سال ۲۹ میلادی بر تخت نشست. پایتخت او پیشاور بوده است. او نیز پیرو مذهب بودایی بود که در زمان اقتدار وی در سال ۱۰۰ میلادی سومین کنفرانس مذهب بودایی در کشمیر برگزار شد.

۵-۱-۳- خانواده «گوستد»

بعد از خانواده «کشن» خانواده «گوستد» سر کار آمدند این خانواده برای احیای قوم و مذهب هندو به طور منظم کار کرد. در نتیجه مذهب هندو در کشمیر دوباره رواج پیدا کرد و هزاران معبد بودایی به آتش کشیده شد و گسترش مذهب بودایی روز به روز کاهش یافت.

ص: ۴۸

۶-۱-۳- خانواده «سفید هن»

این خانواده در سال ۵۲۸ میلادی بر سر کار آمدند «مهرآگل» مشهورترین حاکم این دوره است که پس از کشتن حاکمان دیگر به حکومت رسید. وی حامی سرسخت مذهب هندو و مخالف مذهب بودائی بود.

۷-۱-۳- خانواده «گر کوتاه»

این خانواده بعد از «سفیدهن» به حکومت رسیدند و از سال ۶۲۷ میلادی بر کشمیر حکومت کردند که «التادیته مکتاپید» از حاکمان مشهور و معروف این خانواده است. در زمان او کشمیر پیشرفت زیادی کرد. و قلمرو کشمیر نیز وسعت پیدا کرد. وی برای بهبود وضع مردم ادارات متعددی به وجود آورد و با همسایگان خود روابط دیپلماتیک برقرار کرد.

۸-۱-۳- خانواده «اتبالا»

بزرگ این خانواده «اونتی ورمن» بود. وی از سال ۸۵۷ تا ۸۸۳ میلادی بر کشمیر حکومت کرد. او به ایجاد وحدت داخلی میان کشمیری ها توجه خاصی داشت و در فراهم کردن زمین برای کاشت و آبادانی نقش به سزائی داشت. او برای این کار از متخصصین و مهندسین کمک گرفت و یکی از همین مهندسین به نام «سویه» شهر سوپور را بنا گذاشت. تا سال ۹۴۸ میلادی ۱۸ نفر از این خانواده حکومت کردند.

۹-۱-۳- خانواده «لوهر اول»

اولین نفر از این خانواده به نام «رانی دیدا» بود. و از سال ۹۵۰ میلادی و به مدت پنجاه سال بر کشمیر حکومت کرد و پس از او «سنگرام» از سال ۱۰۰۳ میلادی تا ۱۰۲۸ حکومت کرد.

در همین دوره محمود غزنوی در سال ۱۰۱۵ میلادی به کشمیر حمله کرد اما به علت ریزش برف و بوران شدید مجبور به عقب نشینی شد. این خانواده تا سال ۱۱۰۱ میلادی بر کشمیر حکومت کردند.

۱۰-۱-۳- خانواده «لوهر دوم»

بعد از خانواده «لوهر اول» خانواده «لوهر دوم» بر سر کار آمدند. «اکولا» اولین حاکم این دوره بود اما او در سال ۱۱۱۱ میلادی بر اثر شورش به قتل رسید سپس برادر او به نام «سولا» حاکم کشمیر شد و تا سال ۱۱۲۰ میلادی حکومت کرد بعد از او و به مدت ۱۵۰ سال کشمیری ها شش دوره از حکومت این خانواده را تجربه کردند.

۲-۳- تاریخ کشمیر هنگام ورود اسلام تا پایان استقلال آن ۹۹۴ هجری

از سال ۱۱۲۰ م تا ۱۳۰۰ م کشمیری ها شش دوره حکومت های

دیگر خانواده را نیز تجربه کردند. اما اوضاع داخلی کشمیر از همان قرن دوازدهم رو به وخامت گذارده بود تا آغاز قرن چهاردهم میلادی ادامه داشت. پادشاهانی که در مدت این دو قرن

بر تخت نشستند بجز تعداد کمی همه افراد نالایق بودند که زندگی خود را در عیش و عشرت می گذارند. این دوره با هرج و مرج بسیار همراه بود. تا اینکه در دوره سهدیو ۱۳۰۵ میلادی کشمیر به کشور مشروبخواران و قماربازان تبدیل شده بود. در سلطنت سهدیو یک ماجراجوی مسلمان به نام شاه میر به کشمیر مهاجرت کرد. شاه میر سربازی شجاع بود و به پادشاه در گسترش اقتدار کمک کرد.

اندکی بعد یک نوجوان بودائی به نام رینچن که از شاهزادگان بودائی لداخ بود، از پادشاه کشمیر تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. رینچن از توان و تحرک زیاد و از هوشی غیر معمول برخوردار بود، که توانست در آینده حکومت کشمیر را به دست بگیرد.

حکومت سهدیو، با تهاجم ذوالقدر خان مغول معروف به ذولچو که از طرف هلاکو خان به کشمیر حمله کرد بود به شکل فاجعه آمیزی به پایان رسید.

کشمیر با این حمله دستخوش وحشیگری بی سابقه ای شد روستاها، شهرها از جمله شهر سرینگر در آتش سوختند مردم بدون توجه به سن و جنسیت شان به شکل بی رحمانه ای قتل عام شدند. (۱)

وحشیگری های ذولچو خان حدود هشت ماه ادامه یافت تا اینکه هنگام بازگشت جایی بنام «بانها» کولاک بطور وحشتناکی او را با همراهانش و اُسرائ کشمیر، در

ص: ۵۱

۱- (ددمری، خواجه محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم داکتر شمس الدین احمد، ص ۵۰.

خود بلعید. پس از آن رینچن پسر حکمران لداخ که قبل از حمله زولچو وارد کشمیر شده بود از اوضاع نابسامان و به هم ریخته آن زمان، استفاده کرد و عنان حکومت را بدست گرفت.

وی فرمانده سهدیو را که رام چندر نام داشت کشت و همسر و خانواده او را اسیر ساخت و سر انجام به عنوان حکمران کشمیر در اواخر سال ۱۳۲۰م (۷۲۵ هجری) بر تخت نشست. (۱) حکومت رینچن در فرهنگ کشمیر انقلابی را به دنبال آورد که بنیان های کهن مذهبی و ادبی را دگرگون کرد. رینچن به دلایل سیاسی و شخصیتی رواج دین اسلام را فراهم ساخت. بعد از او در سال ۷۴۳ هجری حکومت بدست شاه میر افتاد و تا ۲۱۹ سال حاکمان این خانواده بر کشمیر حکومت کردند.

معروف ترین پادشاهان این دوره سکندر بت شکن (۷۹۶ تا ۸۲۰ هجری) و شاهی خان معروف به زین العابدین (۷۷۸ تا ۸۲۷ هجری) هستند. بعد از این خانواده طائفه چک ها (که مذهب شیعه داشتند) نیز برای مدت کوتاهی (۳۲ سال) حکومت را بدست گرفتند. اما حکومت آنان بخاطر تعصب بیش از حد بعضی از بزرگان اهل تسنن، نسبت به شیعیان و بخاطر مداخلت پیاپی و تهاجمات روز افزون مغول، نتوانست زیاد دوام بیاورد و بعد از ۳۲ سال سقوط کرد. کشمیر در سال ۹۹۴ هجری با حمله مغول استقلال

ص: ۵۲

۱- (کاشمیری، عاشق، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ج ۱ ص ۳۱؛ سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۳۳.

خود را برای قرن های طولانی از دست داد(۱۱). و پس از آن تاکنون همواره دولت های خارجی یکی پس از دیگری بر کشمیر حکومت می کنند.

۳-۳- تاریخ معاصر کشمیر

کشمیر در سال ۱۵۸۶ میلادی مصادف با ۹۹۴ هجری استقلال خود را از دست داد. اکبرشاه با کمک بعضی از خائنین محلی کشمیر، آن را اشغال کرد و سپس یکی از ایالت های هند قرار داد.

بعد از آن کشمیر همچنان زیر اشغال دولت های خارجی بوده و هست و طی چهار قرن گذشته دولت های متفاوتی بر کشمیر حکومت کردند. دوره حکومت آنان به شرح زیر بوده است:

۱- مغول ها از سال ۱۵۸۶ تا ۱۷۵۲؛

۲- افغان ها از سال ۱۷۵۲ تا ۱۸۱۹؛

۳- سیک ها از سال ۱۸۱۹ تا ۱۸۴۶؛

۴- دوگراها از سال ۱۸۴۶ تا ۱۹۴۷؛

۵- دولت هند از سال ۱۹۴۷ تا اکنون.

در سال ۱۹۴۷ میلادی هنگام تقسیم هند، کشمیر با توجه به خواسته های مردم و موقعیت جغرافیایی خود، این حق را داشت که هند یا پاکستان را برگزیند. اکثریت

ص: ۵۳

۱-) تاکنون نیز بیش از چهار قرن گذشته است.

مسلمان این منطقه خواستار الحاق با پاکستان بودند(۱) و بعضی ها

خواهان استقلال بوده اند.

مهاراجه کشمیر به نام «هری سینگ» - که از اسلاف دو گره بود - دست به توطئه زد و خواستار انعقاد معاهده ای با هر دو کشور هند و پاکستان شد. پاکستان بلافاصله این دعوت را پذیرفت ولی هند به آن توجه نکرد.

پس از انعقاد معاهده موقت پاکستان از مهاراجه درخواست الحاق کامل کشمیر را کرد اما مهاراجه وانمود می کرد که هنوز تصمیم نگرفته است ولی در حقیقت او در انتظار فرصتی بود تا تصمیم نهایی را ضد مسلمانان به اجرا در آورد.

هندوهای دو گره در شهر جامو که مسلمانان در اقلیت هستند از آنجا که موقعیت ممتاز خود را بخاطر حکومت دو گره بدست آورده بوده اند و در صورت الحاق کشمیر به پاکستان در خطر می دیدند، دست به کشتار بی رحمانه مسلمانان زدند و لذا تقریباً صد هزار نفر مجبور به ترک وطن شدند و آنان به پاکستان پناهنده شدند. در ۱۸ اکتبر ۱۹۴۷ میلادی طی یک روز در شهر جامو چهار هزار مسلمان توسط داوطلبان هندوها و سیک ها که به سلاح های اتوماتیک مسلح بودند کشته شدند.(۲)

ص: ۵۴

۱- سید رضوی، اعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی در کشمیر، ص ۲۴.

۲- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۷۶.

مسلمانان شهر جامو نیز در پی آن برخی از مناطق شهر را به اشغال خود در آوردند و از خود دفاع می کردند. اما در یک موقعیت حساس، دچار فریب یک قاضی دادگاه بنام کنور دلی سینگ شدند. او به مسلمانان قول داد، در صورت دست کشیدن از مبارزه، می تواند تحت حفاظت دولت به پاکستان بروند. مسلمان ها فریب این قاضی را خوردند و سلاح های خود را به زمین گذاشتند و در ششم نوامبر کاروانی متشکل از هفتاد کامیون با هفت هزار نفر، زن و مرد و کودک به طرف پاکستان حرکت کرد. هنگامی که کاروان به نزدیکی پیل «کوهاله» در نزدیکی مرزهای کشمیر با پنجاب غربی رسید، مورد هجوم ناگهانی سیک ها و سپاهیان دوگرا واقع شد آنها همه مسلمانان را قتل عام کردند و دختران جوانشان را با خود بردند. (۱)

مجاهدان قبایل پاکستان وقتی برخورد دوگانه راجه هری سینگ حاکم کشمیر، و نیز کشتار مسلمانان بی دفاع را دیدند به کمک مسلمانان کشمیر شتافتند و با تصرف چند منطقه در کشمیر به نزدیک سرینگر پایتخت کشمیر رسیدند.

مهاراجه و دولت هند که منتظر چنین فرصتی بودند. ورود مسلمانان قبائل پاکستان را به مثابه حمله به ایالت جامو و کشمیر قلمداد کردند.

ص: ۵۵

مهارجه که در کشمیر پایگاه مردمی نداشت، وقتی جان خود و خانواده اش را در سرینگر در خطر دید شبانه در ۲۶ اکتبر از کشمیر به جامو فرار کرد و روز بعد در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷ میلادی الحاق کشمیر به هند را امضا کرد. در سحرگاه ۲۷ اکتبر نیروهای نظامی هند در فرودگاه سرینگر پیاده شدند و قبائل پاکستان را از وادی (دره) تا مظفر آباد عقب راندند که به دو قسمت، کشمیر آزاد (با پایتخت مظفر آباد) و مقبوضه کشمیر (با پایتخت سرینگر) تقسیم شد.

الحاق و ورود ارتش هند به کشمیر برای پاکستان غیر قابل تحمل بود. لذا در سال ۱۹۴۸ جنگ اول هند با پاکستان که مدت ها قبل زمینه آن فراهم شده بود گسترش یافت و در ۱۳ اوت ۱۹۴۸ شورای امنیت قطعنامه ای در خصوص توافق آتش بس و ترک مخاصمه صادر کرد. مناطقی که هم اینک «کشمیر آزاد» نامیده می شود از کشمیر به پاکستان واگذار شد. هر دو کشور به طور رسمی قول دادند یک همه پرسی در کشمیر برگزار کنند. و با خواست مردم ماجرا را حل کنند این قول در قطعنامه های

آوریل سال ۱۹۴۸ و اوت سال ۱۹۴۸ شورای امنیت مندرج است. (۱)

کشمیر از ژانویه ۱۹۴۷ میلادی که یک موافقت نامه آتش بس بین هند و پاکستان منعقد شد یک کشور بی استقلال است. هند کنترل دو سوم از خاک کشمیر و سه چهارم از جمعیت آن را در دست دارد و کنترل یک سوم دیگر از خاک و یک چهارم جمعیت آن در

ص: ۵۶

۱- (الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۲۵۵.

دست پاکستان است. خطی که دو بخش کشمیر را جدا می سازد

خطی اجباری، ساختگی و غیرطبیعی است. جغرافیا کشمیری ها را به چند تکه و خانه و منازلشان را تقسیم کرد و خانواده ها از هم جدا شده اند.

هند و پاکستان هم اکنون سه بار بر سر آینده کشمیر با هم جنگیده اند. هند از جانب خود تمام شقوق و راه های ممکن را برای به تسلیم واداشتن و ساکت کردن مردم کشمیر بکار گرفته است. رژیم های هند یکی پس از دیگری از سیاستمداران خودخواه و تشنه قدرت برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود در کشمیر استفاده کرده اند. اما هر بار بی نتیجه بوده است.

مردم کشمیر (هند) از زمان اشغال کشورشان به وسیله مغول خود را با حکومت خارجیان تطبیق نداده اند. آنها به طریق مسالمت آمیز و هرگاه لازم شد قهرآمیز علیه استیلای خارجی مبارزه کرده اند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تمام دنیا به ویژه در منطقه کشمیر (هند) بازتاب چشمگیری داشت و یک دلگرمی برای مسلمانان کشمیر (هند) بوجود آورد مردم مظلوم کشمیر که تا آن زمان با صبر و شکیبایی منتظر سرنوشت خود بودند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روح تازه به پیکرشان دمید و سبب گشت تا در میدان سیاست حضور فعال تری داشته باشند. آنها اولاً به منظور حضور یکپارچه و یک صدا، تشکیلاتی به نام «مسلم متحده محاذ» (جبهه متحده مسلمانان) اعم از شیعه و سنی تشکیل دادند و در انتخابات سال ۱۹۸۸ میلادی با حزب دولت به رقابت سیاسی

پرداختند. با اینکه در نتایج اولیه «مسلم متحده محاذ» در تمام حوزه های رأی گیری با اکثریت بسیار جلو بود. اما در ساعت های آخر نتایج بطور مشکوک به نفع حزب دولت بنام «نیشنل کانفرنس» (کنفرانس ملی) برگردانده شد و سرانجام پیروزی رقیبان «مسلم متحده محاذ» اعلام شد.

مردم مسلمان کشمیر (هند) وقتی دیدند که با راه مسالمت آمیز نمی توانند حقوقشان را بدست بیاورند، مجبور شدند انتفاضه جدید و مسلحانه به راه بیندازند. لذا عموم مردم چه شیعه چه سنی حتی زنان کشمیر از سال ۱۹۸۹ میلادی قیام خونین جدیدی را شروع کرده اند که تاکنون بیش از صد هزار شهید، ده ها هزارخانه و کاشانه ویران و میلیاردها روپیه در این راه فدا کرده اند.

۱-۳-۳- نوع حکومت

بعد از اشغال کشمیر توسط ارتش هند در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷ در مدت ۱۷ سال کشمیر با رئیس جمهور، نخست وزیر، پرچم و زبان محلی، خود مختاری بیشتری داشت. قدرت اجرایی دولت در دست نخست وزیر بود و رئیس جمهور یک عنوان تشریفاتی به شمار می آمد. در سال ۱۹۶۴ میلادی واژه های «نخست وزیر» و «رئیس جمهور» به فرمان دار و وزیر ارشد تغییر یافت و به دنبال آن قانون اساسی سال ۱۹۵۲ میلادی کشمیر از رسمیت افتاد و کشمیر به تدریج خود مختاری خود را از دست داد. هم اکنون بالاترین منصب حقوقی در کشمیر «وزیر ارشد» است. کشمیر همچون دیگر ایالت های هند به طور فدرال اداره می شود و یک مجلس متشکل از ۸۷ نماینده دارد. نمایندگان این

مجلس از طریق انتخابات و برای چهار سال انتخاب می شوند، حزب و گروهی که بیشترین کرسی را به دست آورد، دولت را تشکیل می دهد و از میان خود «وزیر ارشد» را برای چهار سال انتخاب می کند. با آنکه جمعیت شیعیان در کشمیر بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر اعلام شده است اما حتی یک کرسی مستقل در مجلس ندارند.

خلاصه

کشمیر در قلب آسیا، شمال شبه قاره هند قرار دارد و از شمال و شرق با چین و از شمال غربی با افغانستان و از غرب با پاکستان و از جنوب با هند دارای مرز مشترک است و یک باریکه به نام واخان آن را از جمهوری تاجیکستان و ازبکستان جدا می سازد. ایالت جامو و کشمیر که از نقطه نظر سیاسی به نام کشمیر معروف است.

سرزمینی

که کشمیر نامیده می شود دو قسمت دارد. قسمت نخست، ایالت جامو و کشمیر است که در قلمرو هند قرار دارد و قسمت دوم کشمیر آزاد است که تحت کنترل پاکستان است و قسمتی نیز زیر سلطه و کنترل چین قرار دارد.

ص: ۵۹

کشمیر ۲۲۲۸۸۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. کشمیر هند منطقه ای به وسعت ۱۳۸۹۹۲ کیلومتر مربع است در حالی که کشمیر پاکستان ۸۳۷۸۷ کیلومتر مربع وسعت دارد.

بنابر سرشماری سال ۱۹۸۱ میلادی جمعیت کل کشمیر در حدود ۱۳ میلیون نفر بوده است. که به یقین می توان گفت جمعیت فعلی کشمیر از ۱۵ میلیون نفر تجاوز کرده باشد که حدود ۱۰ الی ۱۲ میلیون آن در کشمیر هند زندگی می کنند. از جمعیت کل ایالت جامو و کشمیر ۶۵٪ مسلمان، ۳۰٪ هندو ها و ۵٪ بودائی، سیک و مسیحی هستند اما به طور کل در وادی (دره) کشمیر حدود ۹۴ درصد مسلمان، ۴۲/۴ هندو و ۲/۱ در صد سیک زندگی می کنند.

کشمیر از لحاظ ژئوپلتیکی در منطقه بسیار با اهمیت است. کشمیر در سال ۱۹۴۷ میلادی هنگام استقلال شبه قاره این حق را داشت به یکی از دو کشور هند و یا پاکستان ملحق شود و یا اگر بخواهد می تواند مستقل اداره بشود. اما این حق به مردم آن منطقه محول نشد و پی آمدهای بعد از آن برای مردم این سر زمین فاجعه بود.

مردم کشمیر که هیچگاه با خواسته های نامشروع هند خودشان را تطبیق ندادند از همان آغاز تحمیل این الحاق دست به مبارزه سیاسی علیه سلطه هند زدند و تا سال ۱۹۸۹ مبارزه سیاسی مسالمت آمیزی ادامه دادند. اما هنگامی که از تمام راه ها

نا امید شدند برای به دست آوردن حقوق مشروع شان دست به قیام مسلحانه زدند. این قیام که هنوز ادامه دارد بیش از صد هزار نفر در آن کشته شدند و میلیاردها روپیه خسارت مالی به مردم وارد شد و نیز ده ها هزار نفر بی خانمان شدند.

ص: ۶۱

فصل دوم: ورود و گسترش تشیع در کشمیر

بخش اول

۱- پیشینه اسلام در کشمیر

اشاره

ص: ۶۳

برخی گفته اند که مردم کشمیر از همان زمان بعثت پیامبر | با اسلام و مسلمین آشنا شده بودند.

یک نظریه این است که پیغمبر خاتم | به پادشاهانی که برای دعوت به اسلام نامه نوشته بودند یکی از آنها پادشاه کشمیر بوده است. (۱۱)

تغییر بنیادی از هندوئیسم به اسلام در کشمیر، به شکلی آرام و مسالمت آمیز، از طریق ایمان و ارشاد به کیش تازه صورت گرفت نه جنگ های خونین.

اعراب در قرن اول در سال ۹۳ هجری پس از فتح سند توسط محمد بن قاسم متوجه کشمیر شده اند.

فتح سند به وسیله اعراب به طور بنیادی به شکل غیر مستقیم بر کشمیر تأثیر گذاشت و برای اولین بار مردم کشمیر و پیروان اسلام را در تماس با یکدیگر قرار

ص: ۶۵

۱- (پروفسور تشنه، ایم نذیر احمد، مطالعه کشمیر، ص ۱۱۴.

داد. هنگام حمله محمد بن قاسم به سند، حکومت راجه داهر (حاکم سند) از مکران گذشت و تا مرز کنونی کشمیر گسترش داشت. پسر داهر بنام «جایی سی» پس از شکست از محمد بن قاسم به کشمیر فرار کرد.

می گویند او با یک مسلمان سوری به نام حمیم یا صمیم بن شمس همراه بود و گفته می شود حمیم نخستین مسلمانی است که پا به خاک کشمیر نهاد حمیم یا صمیم به سرعت شروع به تبلیغ دین خود میان آشنایان و دوستان کرد که به تماس صمیمانه میان مردم این کشور و پیروان اسلام منجر شد و پادشاه کشمیر زمینی را به حمیم و هم کیشانش داد تا در آنجا زندگی کنند.^(۱)

برخی گفته اند مردم کشمیر در زمان حمله محمود غزنوی به کشمیر با اسلام آشنا شدند.

سلطان محمود غزنوی در سال ۳۸۸ هـ (۱۰۰۹ میلادی) «آند پال» حکمران لاهور را شکست داد و پسر «آند پال» دست استمداد به سوی «سنگرامه» حکمران کشمیر دراز کرد. حکمران کشمیر برای مقابله با محمود غزنوی به میدان روی آورد.^(۲)

سلطان محمود در سال ۳۹۳ هجری «۱۰۱۴ میلادی» به کشمیر حمله کرد و سپاه

ص: ۶۶

۱- (الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۳۹.

۲- (پروفیسور تشنه، ایم نذیر احمد، مطالعه کشمیر، ص ۱۱۴ و سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۳۱؛ تاریخ پاکستان و هند، ص ۳۲۰.

متحدین را از پای در آورد. و نیروهای خود را به سوی سری نگر فرستاد. ولی با مقاومت سخت مردم آنجا روبرو شد.

سلطان محمود، قلعه «لوهر کوت» را به مدت یک ماه در محاصره داشت ولی با آغاز فصل سرما و بارش برف، و بسته شدن راه ها و فقدان وسایل حمل و نقل، مجبور به ترک محاصره شد.

ولی آتش انتقام محمود فرو ننشست و در سال ۴۰۰ هجری و (۱۰۲۱ میلادی) دوباره با تجهیزات بیشتری به کشمیر حمله کرد. (۱) محمود از همان راه، مجدداً به کشمیر حمله و قلعه مذکور را محاصره کرد ولی بعد از یک ماه زمستان فرا رسید و محمود دچار همان تنگنای قبلی شد و به ناچار دست از محاصره کشید و برگشت پس از آن دیگر در صدد انتقام جویی از کشمیری ها و حمله به آن سرزمین نیامد.

بعضی ها معتقدند که مسلمانان در اوائل قرن چهاردهم در زمان به قدرت رسیدن «رینچن شاه» وارد کشمیر شده اند. اما این نظریه صحت ندارد. چون جهانگرد معروف ونیزی قرن سیزده میلادی گزارش می دهد مسلمانان قبل از پایان قرن سیزدهم در کشمیر ساکن شده بودند. در شهر «سرینگر» (که پایتخت کشمیر است) مسلمانان یک شهرک هم دارند. (۲) این مدرک ثابت می کند

که سال ها قبل از به قدرت رسیدن رینچن

ص: ۶۷

۱- همان، ص ۱۱۴؛ سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۳۲.

۲- کاشمیری، عاشق، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ج ۱، ص ۳۳؛ الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۴۰.

تبلیغ اسلام به وسیله جهانگردان، بازرگانان و ماجراجویان آغاز شد و بعد با سفر روحانیون و مبلغین از ایران و آسیای مرکزی که بعداً به کشمیر آمده اند تحریک بیشتری یافت.

۱-۱- چگونگی راهیابی اسلام به کشمیر

بین مورخان درباره اولین مسلمان در کشمیر اختلاف نظر وجود دارد. ولی کسی شک ندارد که اولین مبلغ اسلام در کشمیر سید شرف الدین عبدالرحمن معروف به «بلبل شاه» است. (۱)

زادگاه بلبل شاه ترکستان است. سید شرف الدین از همان کودکی فراگیری علم و معرفت و تربیت را آغاز کرد و در همان سنین قرآن را حفظ کرد. (۲)

برخی می گویند او برای ادامه تحصیل به بغداد سفر کرد در آن زمان در بغداد محافل و مجالس شیخ شهاب الدین سهروردی و سید شاه نعمت ولی فارسی، مشهور و معروف برگزار می شد. او ابتدا در دروس ایشان شرکت نمود و توجه خاص آن دو را

ص: ۶۸

۱- سن حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۱ بخش دوم ص ۱۱۵۰؛ کاشمیری، عاشق، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ج ۱، ص ۳۷؛ چهار بری اولیاء کشمیر ص ۵؛ مجله زمزم معارف، سال دوم، شماره ۴، صفحه ۱۱۵.

۲- تشنه، نذیر احمد، مطالعه کشمیر، ص ۱۱۴.

بسوی خود جلب نمود. (۱) سپس بعد از فراگیری علوم و اخلاق برای انجام دعوت اسلامی عزم سفر کرد و در سال ۷۲۵ هجری در زمان حکومت راجه سهدیو وارد کشمیر شد (۲) و بعد از سه سال تبلیغ همین جا در سال ۷۲۷ هجری از دنیا رفت.

اما آنچه در رابطه بلبل شاه آمده است که او از محافل و مجالس شهاب الدین سهروردی و سید شاه نعمت استفاده کرده است بعید بنظر می رسد. چون تاریخ فوت سهروردی ۶۳۲ هجری می باشد و تاریخ فوت حضرت بلبل شاه ۷۲۷ هجری است و در میان اینها ۹۵ سال فرق دارد. لذا بعید است که او شاگرد سهروردی بوده باشد.

و در مورد نعمت الله ولی، این احتمال بعیدتر از نظریه گذشته به نظر می رسد، چون تاریخ تولد نعمت الله ۷۳۰ ه است در حالی که بلبل شاه در سال ۷۲۷ ه از دنیا رفت. یعنی نعمت الله دقیقاً پس از دو سال فوت بلبل شاه به دنیا آمده است، لذا ممکن نیست او مرید و شاگرد این دو بوده باشد.

در همین ایام که سید شرف الدین معروف به بلبل شاه به این سرزمین آمد، کشمیر با حمله سخت ذوالقدر خان ترک مواجه شد. «راجه سهدیو» حاکم کشمیر، از کاخ سلطنتی فرار کرده به «کشتوار» (۳) گریخت.

ص: ۶۹

۱- (کاشمیری، عاشق، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ج ۱ ص ۳۳؛ تشنه، نذیراحمد، مطالعه کشمیر، ص ۱۱۸).

۲- (ددمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین ص ۵۵).

۳- یکی از شهرستان های کوهستانی و دور افتاده کشمیر است.

رینچن شاه پس از بازگشت ذوالقدر خان توانست زمام امور کشمیر را به دست بگیرد.

۲-۱- اوضاع داخلی کشمیر هنگام ورود اسلام

قبل از اینکه ما فعالیت مبلغان اسلام را بررسی کنیم و ببینیم چطور در اندک زمان پیروانش به قدری اضافه شدند که دین رسمی کشمیر قرار گرفت. ناچاریم نگاهی گذرا به اوضاع داخلی کشمیر بیندازیم.

اوضاع داخلی کشمیر از ابتدای قرن یازدهم میلادی رو به وخامت گذارده بود تا آغاز قرن چهاردهم میلادی ادامه داشت. پادشاهانی که در این سه قرن بر تخت حکومت کشمیر نشسته اند، بجز اندکی همه افراد نالایق بودند که زندگی خود را به عیش و عشرت می گذراندند. همراهان آنان نیز هدفی جز جمع کردن مال و چپاول اموال نداشتند.

شاهان و همراهان او، با عیش و عشرت زندگی می کردند در حالی که بخش اعظم توده های مردم با وضع غم انگیز و اسفناکی روبرو بودند. فساد اجتماعی همه جا را فرا گرفته بود، مردان روحانی فراموش شده و منزوی بودند. اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی کشمیر در آغاز قرن چهاردهم میلادی باعث سرخوردگی و دلسردی مردم شده بود. در نتیجه هر تغییری که ممکن بود آنها را از این اوضاع یأس آور، رها سازد مورد استقبال قرار می گرفت. اسلام با پیام هیجان آور وحدت،

وجود بوی خوش عدالت، برابری انسان ها و فلسفه اخوت جهانی بشر که برتر از موانع نژاد ملی، قومی و طبقاتی قرار می گرفت زندگی تازه ای را امید می داد.

۳-۱- قبول اسلام توسط رینچن شاه

«رینچن شاه» بودائی مذهب بود. اما او از مذهب بودائی و هندو راضی نبود و آنها را مذهب نجات بخش بشر نمی دانست و دنبال دینی بود که تسلی بخش روح باشد او که در جستجوی مذهب دیگری بود از افراد پیروان مذاهب و فرقه های مختلف هند دعوت کرد تا در دربارش به مناظره و مباحثه نشینند. نوشته شده که بعد از مناظره او از هیچ مذهبی مطمئن نشد. چون به مقتضای {کل حزب بما لدیهم فرحون} (۱) هر قومی دین و مذهب خود را حق می پنداشت. لذا مورخین می گویند او به درباریان گفت فردا صبح که من از خانه بیرون بروم هر شخصی را که اول بینم به دین و کیش او در می آیم. (۲)

فردا صبح، در کنار دریای «جهلم» سید شرف الدین معروف به بلبل شاه را دید که با کمال آرامش نماز می خواند نزد او رفت و در کنارش نشست سپس از او درباره

ص: ۷۱

۱- (المؤمنون / ۵۳.

۲- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۲۶۰؛ حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ص ۵۲۴.

مذهبیس سؤال کرد. سید شرف الدین، آئین اسلام را با زبان ساده به رینچن شاه توضیح داد. او هم که دنبال حقیقت بود وقتی تعالیم آسمانی را از زبان بلبل شاه شنید، عاشق آن شد و در همین جا اسلام را قبول کرد^(۱) و اسم خود را به گفته بلبل شاه «صدر الدین» نهاد.^(۲)

با اسلام پذیرفتن رینچن شاه، تمام درباریان او نیز به دایره اسلام پیوستند و گفته می شود پس از آن نیز ده هزار هندو به کیش بلبل شاه پیوستند. به این ترتیب کشمیر شاهد انقلابی مسالمت آمیز و نا محسوس بود که بعد با ورود گروهی از مبلغین در دوره سلطنت شاه میر تقویت شد.

رینچن شاه نخستین حکمران مسلمان کشمیر است که بنام صدر الدین بر این کشور حکومت کرد. او بعد از دو سال و نیم در سال ۷۲۷ هجری (۱۳۲۳ میلادی) از دنیا رفت.^(۳) بعد از مدت کوتاهی بلبل شاه نیز در همان سال از دنیا رفت.^(۴)

ص: ۷۲

-
- ۱- پروفیسور تشنه، ایم نذیر احمد، مطالعه کشمیر، ص ۱۱۴؛ کاشمیری، عاشق، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ج ۱، ص ۳۹.
 - ۲- دکتر نارو، ایم ایس، کشمیر عهد به عهد، ص ۱۰۸.
 - ۳- عتیق الله، سید، چار بدی اولیاء کشمیر، ص ۱۶.
 - ۴- پروفیسور تشنه، ایم نذیر احمد، مطالعه کشمیر، ص ۱۱۸.

اشاره

در دوره سلطنت قطب الدین (۸۹-۱۳۷۴ میلادی) اسلام در کشمیر پیشرفت بزرگی کرد. دوره سلطنت وی با ورود یک گروه از سادات، و اسلاف پیامبر اسلام | از ایران که با خطابه ها و روایت ها، مردم کشمیر را به گرویدن به اسلام تشویق کردند همیشه به یاد خواهد ماند. برجسته ترین این سادات میر سید علی همدانی بود.

میر سید علی همدانی که در کشمیر به لقب شاه همدان و علی ثانی و امیر کبیر شهرت دارد. در روز دوشنبه ۱۲ رجب ۷۱۴ هجری در همدان متولد شد. پدرش سید شهاب الدین بن میر سید محمد حسین و مادرش فاطمه نام داشت. نسب سید علی همدانی با شانزده واسطه به حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام از طریق امام حسین علیه السلام می رسد. وی گذشته از فعالیت های خود دارای آثار متعددی است. گفته می شود ایشان بیش از هفتاد جلد کتاب و جزوه نگاشته است. از جمله آنها می توان به کتاب های «ذخیره الملوک» پیرامون وظایف فرمانداران «شرح فصوص الحکم» و «موده القربی» در فضایل ذوات ختمه و آل بیت طهارت و «اربعین فی فضائل امیرالمؤمنین» و «السبعین فی فضائل امیرالمؤمنین» درباره فضیلت حضرت علی (ع) اشاره کرد.

ص: ۷۳

سید علی همدانی برای نخستین بار در سال ۱۳۷۲ وارد کشمیر شد^(۱) و چهار ماه در آن جا اقامت کرد. دومین دیدار او در سال ۱۳۷۹ اتفاق افتاد و دو سال ونیم به طول انجامید^(۲) او برای سومین و آخرین بار در سال ۱۳۸۳ میلادی همراه هفتصد سید از کشمیر دیدار کرد^(۳) و به مدت یک سال در آنجا بود.

تا این زمان شمار مسلمانان در کشمیر اگرچه قابل ملاحظه بود اما هنوز یک اقلیت جمعیتی به شمار می آمدند بعلاوه از نقطه نظر لباس، رفتار و تشریفات مذهبی چیزی وجود نداشت که مسلمانان را از هندوها متمایز سازد.

معابد مورد بازدید سلطان و اتباعش قرار می گرفت. سید علی بعضی از اعمال شاه که غیر اسلامی بود را نکوهش و تقییح کرد و از سلطان خواست در این امر تجدید نظر کند که او این کار را کرد. او قوانین اسلامی را در اشکال مختلف به سلطان و اتباعش آموخت.

سید علی علاوه بر تبلیغ برای اسلام یک محقق بزرگ در زبان عربی و فارسی و یک

ص: ۷۴

-
- ۱- (سهروردی، غلام حسین، تاریخ بلتستان، ص ۶۶؛ الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۴۴ و همچنین؛ کاشمیری، عاشق، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر، ج ۱، ص ۵۱.
 - ۲- (همان، ص ۱۶۶؛ تاریخ تحریک جامو و کشمیر، ص ۵۱؛ کشمیر بهشت زخم خورده، ص ۴۵.
 - ۳- (همان، ص ۱۶۶ و سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۳۷.

نویسنده و شاعر برجسته بود. او علاوه بر ده ها جلد کتاب از جمله «ذخیره الملوک» پیرامون وظایف فرمانداران بیش از یکصد مقاله درباره منطق و صوفیگری، قانون، فلسفه، علوم سیاسی، علم اخلاق، شرح و تفسیر نوشت (۱).

سید علی برای سکونت خود در سرینگر قطعه زمین وسیعی را در کرانه راست جهلم برگزید که مسجدی باشکوه با معماری زیبا به وسیله سلطان «سکندر بت شکن» در سال ۷۹۶ هجری در این مکان ساخته شد. این محل با گذشت زمان به صورت مرکز اصلی فعالیت های مذهبی سیاسی مسلمانان کشمیر در آمد.

میر سید علی همدانی همراهانی را که با خود به کشمیر برای تبلیغ آورده بود به دهکده ها و روستاهای دور افتاده اعزام می کرد تا به تبلیغ اسلام بپردازند. آنها با استفاده از زبان مادری شان به ترویج احکام می پرداختند. این سبب شد در کنار ترویج اسلام زبان فارسی نیز ترویج یابد. ترویج زبان و فرهنگ ایرانی در کشمیر چنان شد که این خطه به «ایران صغیر» شهرت یافت. میرسید علی همدانی در سال ۱۳۸۵ میلادی ۷۸۶ ه در سن هفتاد و سه سالگی از کشمیر به قصد سفر حجاز با عده ای از شاگردانش خارج شد و در همان سال چشم از جهان فرو بست. پیکر او به ختلان واقع در شمال کولاب در نزدیکی مرزهای شمال شرقی افغانستان واقع در تاجیکستان حمل شد و در آنجا به خاک سپرده شد. مردم کشمیر برای بزرگداشت وی مسجدی در محل عبادتش ساخته اند که هنوز هم

ص: ۷۵

زائران بسیاری دارد. (۱)

او در طول اقامت در کشمیر مجموعاً ۳۷ هزار هندوهای کشمیری را مسلمان کرد و اسلام را در مناطقی وارد کرد که پیش از ایشان به آن مناطق نرفته بود. (۲)

۱-۲- مذهب میر سید علی همدانی

در مورد مذهب میر سید علی مورخان شیعه دو گروه اند. بعضی همچون قاضی نورالله شوشتری، او را شیعه و بعضی در این باره ساکت ماندند.

۲-۲- دلایل شیعه بودن میر سید علی

۱- در منابع قدیمی اهل تشیع وی شیعه امامیه معرفی شده است. مانند قاضی نورالله شوشتری که در قرن دهم هجری زندگی می کرد او را یکی از شخصیت های برجسته شیعی معرفی می کند. (۳)

۲- نویسنده اختر درخشان درباره مذهب وی می گوید: «وقتی ما نگاه به سنگ مرقد سید شرف الدین و کتاب های میرسید علی همدانی همچون «مودة فی القربی» می کنیم شک و ابهامی باقی نمی ماند که او پیرو مذهب شیعه امامیه بوده است». (۴)

ص: ۷۶

۱- حمید رضا، سید ناصری، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۳۸.

۲- سهروردی، غلام حسین، تاریخ بلتستان، ص ۱۶۶.

۳- شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۱۱۸.

۴- موسوی، سید باقر، اختر درخشان.

۳- اگر کتاب های او بویژه «موده القربی» در فضائل ذوات خمس و اهل بیت و طهارت علیهم السلام و «اربعین فی فضائل امیر المؤمنین» و «السبعین فی فضائل امیر المؤمنین» را نگاه کنیم، شکی باقی نمی ماند که او شیعه بوده است. احادیثی که ایشان راجع به علی علیه السلام در کتاب های خود آورده است زیاد است. ما برای روشن شدن مطلب فقط پنج حدیث از آن احادیث را نقل می کنیم:

حدیث اول:

عن انس بن مالک قال: قلنا لسلیمان سل النبی | من وصیه فسأله فقال یا سلیمان وصی و وارثی و مقضی دینی و منجز وعدی علی بن ابی طالب *.

(۱۱)

حدیث دوم:

عن عبدالله بن عامر قال: قال رسول الله | لفاطمه: «یا فاطمه اما ترضین ان الله عزوجل اطلع علی

ص: ۷۷

۱- (همدانی، سید علی، مجموعه رسائل، ترجمه، اعجاز حسین غریبی، علامه غلام عباس کوروی، ص ۳۷. - مفهوم این روایت با عبارات مختلف در کتب روایی بیان شده که به وصایت و خلافت و وراثت و قضاء دیون و... حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر اسلام تصریح شده که در جریان یوم الدار (در آغاز تبلیغ پیامبر اکرم | و جمع کردن فرزندان عبدالمطلب و جریان غدیر خم و...) به آنها تصریح شده که در کتب معتبر ذکر شده که به بعضی مصادر آن اشاره می شود، رسائل مرتضی، شریف مرتضی، ۴ / ۹۳؛ کفایه الاثر، خزاز قمی، ص ۱۲۱؛ الهدایه الکبری، حسین بن حمدان الخصبی، ص ۱۱۶؛ کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۱۴۵؛ الاحتجاج، شیخ طبرسی، ۱ / ۱۰۳ (محقق).

حدیث سوم:

عن بریده قال: قال رسول الله: «لكل نبي وصي ووارث و أن علياً وصي و وارثي» (۲)

حدیث چهارم:

عن عمران بن الحصين قال: قال رسول الله | «علي مني وانا منه وهو ولي كل مؤمن ومؤمنة بعدى» (۳)

حدیث پنجم:

عنها (ام سلمه) قالت: «قال رسول الله | علي وشيعته هم الفائزون يوم القيامة» (۴)

از این قبیل احادیث، میر سید علی همدانی در کتاب خودش زیاد آورده است که دلالت بر اعتقاد قلبی او بر این احادیث می کند. و دیگر شکی باقی نمی ماند که

ص: ۷۸

-
- ۱- همان، ص ۴۱. - كنزل العمال، المتقى الهندي، ۱۱ / ۶۰۵، ح ۳۲۹۲۵، با کمی اختلاف در الفاظ. (محقق)
 - ۲- همان، ص ۴۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ۲ / ۳۵. (محقق)
 - ۳- همان، ص ۵۲. - دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی، ۱ / ۱۹، العمدة، ابن بطریق، ص ۱۹۸. (محقق)
 - ۴- همان، ص ۷۸. - شرح الاخبار، قاضی نعمان مغربی، ۳ / ۴۵۴. (محقق)

۴- آنچه که بین شیعیان کشمیر مخصوصاً بین دانشمندان شیعی معروف است شیعه مذهب بودن ایشان است.

۵- در کتابی که به وی منسوب است (۱) تمام اعمال، وظائف و دعاها و دعاها و وظایف شیعه است. مثلاً در اذان علی ولی الله، حی علی خیر العمل وجود دارد. (۲) همین طور مراسم کفن و دفن، تلقین گفتن و نماز جنازه خواندن نیز تقریباً مثل شیعیان بیان شده است. (۳)

پس اگر وی سنی می بود قطعاً طبق مذهب اهل تسنن اذان و دعا، نماز و غسل انجام می دادند و آن اختلافی که میان فقه شیعه و سنی وجود دارد با توجه به آن معقول نبود وی طبق فقه شیعه عمل کند.

۶- طریقه اوراد خمسه که وی بعد از نماز می خواندند در آن نیز بعد از شهادتین «علی ولی الله وفاطمه امه الله والحسن و الحسین صفوه الله، علی محببهم رحمه الله وعلی مبغضیهم لعنه الله» وجود دارد. اینها بخصوص «علی ولی الله» از

ص: ۷۹

۱- دعوات صوفیه کتاب دعاوی است و در بین نور بخشی ها ارزشی مثل ارزش مفاتیح الجنان بین شیعیان دارد.

۲- همدانی، سید علی، دعوات صوفیه امامیه، ترجمه سید خورشید عالم، ص ۶۲-۶۳.

۳- گرچه در بعضی از جاها اختلاف ها نیز یافت می شود مثلاً در ترتیب وضو آمده است از بالا و یا پائین از هر طرف که دست ها را شستی کفایت می کنند. اما می توان آن را توجیه کرد که امکان دارد در هفت قرن گذشته برای نزدیک شدن به اهل سنت، تحریفی در آن واقع گردیده باشد.

شعائر شیعه است. اگر وی سنی مذهب می بود، بعد از نماز این نحو اوراد نمی خواند. (۱) و (۲)

۳-۲- اما قرآن

تمام مورخان (چه شیعه و چه سنی) نوشته اند که بار سوم او با هفتصد نفر از علمای سادات از ایران برگشتند. آمدن او با هفتصد نفر از علمای سادات آن هم ایرانی دلیل بر شیعه بودن او است؛ چون وجود هفتصد تن از علمای سادات سنی یکجا بعید به نظر می رسد و تنها می تواند هفتصد تن از علمای سادات شیعیان در آن واحد، موجود باشند. (۳)

از آنچه که بیان شد شکی باقی نمی ماند که وی شیعه بوده است. اما پاسخ این سوال که چرا در کتاب ها و منابع، این مسئله واضح و روشن نیامده است؟ این است که برای شخصیت هایی امثال وی مسئله مهم ترویج و گسترش دین اسلام در مقابل ادیان

ص: ۸۰

۱- همدانی، سید علی، دعوات صوفیه امامیه، ترجمه سید خورشید عالم، ص ۹۷.

۲- این مطلب در حالی است که در جامعه آن زمان اگر فردی از خود نسبت به اهل بیت علیهم السلام ابراز محبت بیشتری می کرد او را شیعه می خواندند و اگر نسبت به مبغضین آنها لعنت می کرد با تهمت رافضی بودن با او به مقابله برمی خواستند، در این باره در کتاب فضائل اهل بیت علیهم السلام در صحاح سته بخش «دوستی و نقل روایات اهل بیت علیهم السلام و تهمت رفض و تشیع» مطالب ارزنده ای نقل شده که به همت مجمع جهانی شیعه شناسی چاپ گردیده است. (محقق)

۳- بعضی سعی کرده اند که بخاطر و جاهت ایشان با توجه به بعضی مطالب کتاب «ذخیره الملوك» ایشان را به خود منسوب کنند که با توجه به دلایلی که بیان شده این نسبت صحیح نیست. چون این کتاب برای حاکمان سنی کشمیر نوشته شد طبیعی است که با آنها باید طبق آنچه که صحیح می دانند استدلال شود. (محقق)

دیگر در آن زمان بوده است و این احتمال نیز وجود دارد که او در تقیه بوده است.

چون

اکثریت جامعه کشمیر در آن زمان اهل تسنن بوده است، اما بی عمل و از دین بی خبر!!! و شاید اگر او مذهب خودش را ابراز می کرد نمی توانست

به هدف واقعی که احیاء فرهنگ اصیل اسلامی بود برسد لذا تقیه کرد و مذهب خودش را صراحتاً اظهار نکرد.

۳- میر سید محمد همدانی

بعد از میر سید علی همدانی فرزند وی میر سید محمد همدانی اسلام را در کشمیر توسعه و گسترش داد. او هم با سیصد تن از علمای سادات وارد کشمیر شد. او با اینکه سن کمی داشت به درجاتی از کمالات و تقوی رسیده بود. او در مدت تبلیغ بدعت ها و منکرات خصوصاً شرابخواری را از ریشه کند. توسط او رئیس ارتش وقت نیز به اسلام پیوست.

در زمان او برای نخستین بار در کشمیر قوانین اسلامی به اجرا درآمدند. سید محمد تا سال ۸۱۷ هجری قمری در کشمیر بوده و بعد از پدرش یک مبلغ موفق و توانا برای نشر و گسترش اسلام بوده است.

پیروان خاص او (میر سید محمد همدانی)، میر سید احمد اصفهانی و سید محمد خاوری نیز از ایران به کشمیر آمدند. و همین طور قاضی سید حسین شیرازی هم در همین دوره به کشمیر آمد. (۱)

ص: ۸۱

۱- سید رضوی، اعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی در کشمیر، ۱۳۸۵، ص ۷۴.

اشاره

واژه «شیعه» در لغت به معنی «پیرو، طرفدار و گروهی است که بر امری یک سخن شوند و همچنین بر گروه یاران اطلاق می شود» (۱).

تشیع نیز در لغت به معنای ادعای پیروی کردن است، چنانکه وقتی گفته می شود «تشیع الرجل» به معنای این است که این فرد ادعای شیعه بودن دارد البته به مذهب شیعه نیز «تشیع» اطلاق می شود. (۲)

شیعه،

در اصطلاح به مسلمانانی گفته می شود که علی بن ابی طالب علیه السلام را پس از رحلت پیامبر اکرم | خلیفه شرعی می دانند و عمل آنان را که در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و ابوبکر را به خلافت و جانشینی برگزیدند، نمی پذیرند. (۳)

ص: ۸۳

۱- (زیبیدی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس، ج ۱، ص ۳۰۲؛ ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸۸؛ فیروز آبادی، قاموس المحيط، ج ۳، ص ۴۷.

۲- (ده خدای، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ماده تشیع.

۳- (جمعی از مؤلفان، تاریخ تشیع، ص ۶ به نقل از دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۲، ص ۵۷.

ابن خلدون می گوید: «بدان که شیعه در لغت عبارت است از یاران و پیروان و در عرف فقها و متکلمان گذشته و حال به پیروان علی علیه السلام و فرزندان او اطلاق می شود».^(۱)

شهرستانی دایره معنایی شیعه را محدودتر کرده است و می گوید:

«شیعه کسانی هستند که تنها علی علیه السلام را پیروی کرده و معتقد به امامت و خلافت او، از طریق نص هستند و می گویند امامت از او خارج نمی شود مگر با ظلم».^(۲)

همان گونه که پیش از این گذشت طبق نقل مورخین و دانشمندان شیعیان، تشیع در کشمیر به همان اندازه پیشینه دارد که ورود اسلام در این سرزمین دارد.^(۳)

اما بخاطر کوتاهی شیعیان در تاریخ نویسی اطلاعات بیشتری از آن در دست نیست و همین سبب شد تا اهل تسنن هر سه نفر از این بزرگواران (سید شرف الدین موسوی معروف به بلبل شاه، میر سید علی همدانی و میر سید محمد همدانی) را به مذهب و عقائد خود نسبت دهند که با دلایلی که در بخش قبل ذکر شد ادعای آنها بی اعتبار و واهی است.

ص: ۸۴

۱- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ۱۴۰۸، ص ۱۹۶.

۲- شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳- سید رضوی، اعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی در کشمیر، ص ۱۳.

شکی نیست که وی شیعه بوده است و همین مذهب را در کشمیر تبلیغ می کرده، گرچه اهل تسنن بسیار سعی و تلاش کرده اند که او را نیز به مذهب خودشان نسبت دهند. اما ادعا و دلایل آنان چون سست و قابل اعتنا نبود لذا نتوانستند در این مقصد موفق شوند.

آنان می گویند مرقد سید محمد مدنی تا به حکومت رسیدن علی مردان خان و پسرش ابراهیم خان، مرجع هر خاص و عام (اهل تسنن) برای دعا و نیایش بود. یعنی سنی بوده اما هنگامی که علی مردان خان - در سال ۱۰۵۹ هجری قمری برابر با ۱۶۵۱ میلادی - و پسرش ابراهیم خان - در سال ۱۰۷۳ هجری قمری - از طرف پادشان هند به حکومت کشمیر منتخب شدند، شیعیان در زمان ابراهیم خان که حاکم شیعه بود شبانه بر یک تخته چوبی «علی ولی الله» را نوشتند و بر سر در زیارت حضرت سید محمد مدنی نصب کرده اند و روز بعد شیعیان آمدند و ادعا کردند که چون سر در مرقد سید محمد مدنی «علی ولی الله»

نوشته است پس ایشان شیعه بوده است. لذا زیارت وی نیز متعلق به شیعیان است و به این شکل بر این زیارتگاه مستولی شدند. (۱) و دلیل دوم آنان این است که اگر او شیعه می بود حاکم و سلطان کشمیر این قدر به او احترام نمی کرد. (۲)

ص: ۸۵

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۱، بخش ۲، ص ۱۱۲۲ و ج ۲، ص ۱۳۰؛ ددّمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد شمس الدین ص ۷۷ و ۶۹۷.

۲- (ددّمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد شمس الدین، ص ۶۹۷.

اما این فقط یک ادعا بود که حقیقت ندارد زیرا:

اولاً: حاکمان آن زمان کشمیر متعصب نبودند بلکه آنان بویژه سلطان زین العابدین حتی به هندوها و مراسم آن ها نیز احترام می گذاشتند. لذا فقط احترام گذاشتن آنان به سید محمد مدنی دلیلی بر سنی بودن وی نمی شود.

ثانیاً: علی مردان خان (۱۰۵۲ هجری) و پسرش ابراهیم خان ۱۰۷۳ هجری نیز از طرف حاکمان اهل تسنن هند، بر کشمیر حکومت می کردند. اگر ادعای آنان ذره ای حقیقت می داشت آنان مثل قضایای دیگر سریع به حاکمان هند گزارش می دادند و مثل مسجد آروت پس می گرفتند. (۱)

ثالثاً: اگر در حکومت آنان ممکن نبود حتماً بعد از آنان پس می گرفتند. اما چون این یک ادعا بود و دلیلی نداشتند لذا بعد از آنان دیگر سعی نکردند مرقد سید محمد مدنی را از شیعیان پس بگیرند.

ص: ۸۶

۱- در زمان ابراهیم خان بین شیعه و سنی بر سر مسجد و مرقد سید جمال محدث اختلاف افتاد و هر کدام مسجد و مرقد آن را، از آن خود می دانستند. معامله به دربار حاکم کشیده شد. او بعد از شنیدن دلایل طرفین، در حق شیعیان حکم صادر کرد و مسجد و مقبره به شیعیان داده شد. اما سنی ها از این حکم سرپیچی کردند و به مرکز، علیه ابراهیم خان گزارش فرستادند. حاکم هند نیز بدون تحقیق و بررسی مسجد و مقبره سید جمال را به سنی ها داد و ابراهیم خان را از حکومت کشمیر برکنار کرد و از این واقعه فهمیده می شود که حتماً حاکمان هند هم نسبت به شیعیان نه تنها طرفداری نمی کردند بلکه سخت گیری هم می کرده اند.

سید محمد مدنی از اهالی مدینه طیبه بودند به همین خاطر او را مدنی می گفتند، او نخستین بار در سال ۷۹۶ ه و در دوران حکومت سکندر وارد کشمیر شد. (۱) بعد از مدتی ایشان برای انجام کاری به ماوراء النهر رفتند و هنگام برگشت خانواده خودش را نیز به کشمیر آورد. و منطقه مالموه پرگنه بآنگل (۲) را برای زندگی اختیار نمودند. وی برای تبلیغ و ترویج مذهب تشیع سعی فراوان نمود و توانست تعداد زیادی را به تشیع راهنمایی نماید. (۳)

او علاوه بر علم، از کمالات روحانی و عرفانی هم برخوردار بود. وقتی که سلطان سکندر از شایستگی علمی و کمالات روحانی و عرفانی او مطلع گردید از سید محمد تقاضا کرد که در نزدیکی ایشان سکونت گزیند. (۴) و در نزدیکی قصر خود در نوشهر سرینگر ساختمانی برای سید محمد مدنی ساخت و برای مراجعین و خادمین وی نیز عبادتگاهی ساخت. (۵)

سلطان سکندر از او فیض می بردند و ایشان از بین علما و فضیلائی وقت کشمیر فاضل ترین شخصیت به شمار می آمد. و سلطان سکندر نسبت به ایشان احترام فوق العاده ای

ص: ۸۷

۱- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد شمس الدین، ج ۱، بخش ۲، ص ۱۱۳۱ و ج ۲، ص ۱۲۸.

۲- در غرب ۳۰ کیلومتری سری نگر پایتخت کشمیر.

۳- اما در منابع به فعالیت وی زیاد اشاره نشده است.

۴- همان، ج ۱، بخش دوم، ص ۱۱۲۲.

۵- همان، ص ۱۱۲۱؛ همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۵.

قائل بودند. ایشان در سرینگر در سال ۸۴۹ هـ دار فانی را وداع گفت و در محل مدین صاحب بخاک سپرده شد از آن زمان تا امروز مرقد ایشان بنام «مدین صاحب» مشهور است و سلطان زین العابدین بر مرقد او زیارتگاهی ساخت و در کنار این زیارتگاه، مسجد و حمام نیز بنا کرد و امروز تمام مردم کشمیر برای زیارت مرقد ایشان از دور و نزدیک می آیند و علی مردان و فرزندش ابراهیم خان در دوران حکومت خود دوباره زیارتگاه ایشان را بازسازی کردند. (۱)

این بنای زیارتگاه و مسجد در درگیری های فرقه ای

(که ذکرش در آینده خواهد آمد) در سال ۱۲۸۹ هجری و ۱۸۷۲ میلادی کاملاً تخریب شد. پس از آن دولت تا چند سال پیش برای بازسازی این دو بنای تاریخی اقدام نکرد اما بعدها دولت آنها تحت پوشش میراث فرهنگی قرار داد و بازسازی خوبی انجام داد و اکنون از وضعیت مناسب برخوردارند.

۲-۱- سید حسین رضوی قمی

دومین مبلغ تشیع در کشمیر، سید حسین قمی فرزند سید محمد قمی بوده که به کشمیر مسافرت نمود و در همان جا ساکن شد. وی در سال ۸۲۱ هجری قمری از طریق پاکستان کنونی

ص: ۸۸

۱- همان، تاریخ حسن، ج ۲، بخش ۱، ص ۱۳۰؛ همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۵ نجفی، سید محمد، شیعه در کشمیر هندوستان، ص ۳۵.

وارد کشمیر شد و «اچچه بل» سوپور را برای سکونت برگزید.

وی نیز مانند اجدادش در میدان علم و روحانیت به کمالاتی رسیده بود. لذا سلطان زین العابدین شیفته او گردید و از علم او بهره کافی برد.

سلطان زین العابدین در دربار خودش سید حسین قمی را بر منصب امیر الامراء قرار داد و او را بعنوان رهبر کامل برگزید و مرید او شد. (۱)

سلطان زین العابدین باغ «زینه گیر» در «پرگنه سوپور» کشمیر را بطور عطیه به سید حسین قمی بخشید. ایشان حدود پنجاه سال به ترویج اسلام و نشر مذهب اهل بیت علیهم السلام در کشمیر، تبت، بلستان، کرگیل و لداخ مشغول بود. (۲)

سید حسین قمی علاوه بر علم و اخلاق، کرامات زیادی را در کشمیر نشان داد. او در هشتم شعبان المعظم ۸۷۱ هجری قمری در کشمیر دار فانی را وداع گفت و در همان باغ زینه گیر به خاک سپرده شد. (۳)

سلطان به خاطر علاقه فراوانی که به سید داشت در تشییع و تدفین او شرکت کرد و بر مزار او بنائی ساخت که هم اکنون زیارتگاه صدها هزار عاشق اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است. (۴)

ص: ۸۹

۱- سید رضوی، اعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر، ص ۷۵.

۲- همان، ص ۷۶.

۳- فوق، محمد الدین، تاریخ اقوام کشمیر، ج ۱، ص ۱۶۹.

۴- سید رضوی، اعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی در کشمیر، ص ۷۶.

او دو پسر بنام حاجی محمد سعید و آقا سید احمد داشت. حاجی محمد سعید بعد از این جا به مقام احمد پوره ماگام واقع در ۳۰ کیلومتری در غرب سرینگر رفت و در همان جا چشم از جهان فرو بست و مرقد او نیز مرجع هر خاص و عام برای حاجت روائی است. و سادات احمد پوره موجود، از نسل همین آقای حاجی محمد سعید هستند. (۱)

شمس العلما مولانا سید علی حائری مجتهد زمان خود از نوادگان همین آقای حاجی محمد سعید بوده اند و در پنجاب زندگی می کردند. (۲)

از نوادگان آقا سید احمد هم یک شخصیت برجسته بنام سید حسین رضوی در قرن ۲۰ میلادی بروز کردند که مقام و جایگاهی که ایشان در حکومت دوگره داشتند به غیر از او نصیب هیچ کس دیگری نشد. ایشان در سال ۱۹۳۳ بکرمی (۳) به دنیا آمدند و اولین فرد مسلمانی است که علاوه بر علوم عربی و فارسی درس آکیدی انگلیسی هم فرا گرفته است و فقط در ۲۵ سالگی به معاونت وزارت کشور منصوب شد. (۴)

سلسله سادات رضوی از دودمان سید حسین قمی در طول تاریخ، علمای بزرگ را به جامعه تحویل داد که به تبلیغ و ترویج دین اسلام و مذهب اهل بیت علیهم السلام در کشمیر و

ص: ۹۰

۱- (فوق، محمد الدین، تاریخ اقوام کشمیر، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲- (همان، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳- (قبلاً مبداء سال رایج در کشمیر «بکرمی» بود همانطور که بین مسلمانان «هجری» است.

۴- (همان، ج ۱، ص ۱۷۱.

در دیگر نقاط جهان پرداختند. عرفای نامدار مانند آیت الله سید مرتضی کشمیری علم الهدی، آیت الله سید عبد الکریم کشمیری، آیت الله سید احمد کشمیری، آیت الله سید عبد الرسول، حاج سید حسن رضوی و حجت الاسلام و المسلمین سید صادق حسین رضوی رکه شالنه و ... از این سلسله سادات می باشند.

سلسله سادات رضوی در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز حامی سرسخت نهضت امام خمینی در کشمیر بوده است (۱).

۳-۱- ملا عالم انصاری

سلسله ملا عالم انصاری به صحابی معروف پیامبر اسلام | می رسد. (۲) زمانیکه سید حسین قمی وارد کشمیر شد یاران و همراهانی داشت که در کشمیر به تبلیغ پرداختند یکی از همراهان او ملا عالم انصاری بود. او با سید در سال ۸۲۱ هجری وارد کشمیر شدند (۳) و نزدیک زینه گیر جایی که سید حسین قمی ساکن شد در روستایی بنام «علاقه پور» براته سوپور سکونت اختیار کرد.

با سعی و تلاش و اخلاق کریمه ملا عالم انصاری تشیع در این منطقه رونق یافت.

ص: ۹۱

۱- از جمله سید قلبی حسین رضوی، سعی و تلاش بیشری در این راه از خود نشان داد.

۲- سید رضوی، اعجاز حسین، تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر، ص ۷۷.

۳- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۹۱.

سلطان زین العابدین چون علم و عالم دوست بود از کمالات، علم و روحانیت ملا عالم انصاری متأثر شد و این علاقه زین العابدین به علما بویژه سید حسین قمی و ملا عالم انصاری، در تبلیغ مذهب تشیع، خیلی مؤثر واقع شد. ملا عالم انصاری در سال ۸۹۴ هجری قمری در منطقه براته وفات کرد و همان جا به خاک سپرده شد. (۱)

در این روستا و روستاهای همجوار تمام جمعیت شیعه اثناعشری بودند. اما در سال ۱۲۸۹ هجری و ۱۸۷۲ میلادی درگیری شدیدی بین شیعیان و سنی ها اتفاق افتاد، که در اثر آن مردم این منطقه که فاصله زیادی به مناطق دیگر شیعه نشین داشتند، در برابر تهاجم و سخت گیری اهل تسنن ناچار شدند برای حفظ جان و آبروی خود، تغییر مذهب بدهند (۲) و یا در تقیه بمانند و اما در اثر خفقان شدید نتوانستند تا آخر عمر حتی نزد فرزندان، اظهار عقیده کنند. لذا الآن تمام جمعیت این منطقه سنی نشین است.

۴-۱- میر شمس الدین عراقی (اراک)

اشاره

میر شمس الدین عراقی (۳) در یکی از روستاهای بخش سولغان اراک به نام «کُن» در یک خانواده روحانی به دنیا آمده است.

ص: ۹۲

۱- همان، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۹۱.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۹۱.

۳- لازم به ذکر است در این جا مراد از عراق، عراق عرب نیست بلکه عراق عجم که همان شهر اراک فعلی می باشد.

اسم اصلی وی سید محمد و اسم پدرش سید ابراهیم (درویش سید ابراهیم) بوده است. نسب میر شمس الدین عراقی با ۱۵ واسطه به امام موسی کاظم علیه السلام می رسد و مادر میر شمس الدین از سادات قزوین بوده است.

سال ولادت میر شمس الدین ۸۴۵ هـ.ق می باشد. وی در یک خانواده عالم پرور دنیا آمد ولی بخاطر پیری پدرش هزینه خانواده در نوجوانی به دوش میر شمس الدین افتاد و با وجود مشکلات زندگی، میر شمس الدین باز هم بیشتر اوقات خود را در مصاحبت عرفا و فضیلتی زمان خود میگذراند.

میر شمس الدین ادبیات سطح عالی و تعلیمات مذهبی را نزد عارف بزرگ به نام سید محمد نوربخش تحصیل کرد.

بعد از وفات استادش میر شمس الدین زمان زیادی را در مصاحبت عرفای معروف زمان خود مانند: شیخ محمود بحر آبادی، حسین کوکئی، شیخ محمود سفلی، برهان الدین بغدادی، شمس الدین لاهیجی، شاه قاسم نوربخش بودند.

بخاطر مصاحبت زیادی با عرفا میر شمس الدین به مقام روحانی و معنوی نائل گردید. مقام و رتبه بالایی که میر شمس الدین در بین مشاهیر عالم نائل گردیده بود، علل و عوامل و نیز با در نظر گرفتن نتایج آن مجبوریم بپذیریم که علاوه بر علوم اسلامی و دینی وی بر علوم ظاهری و تجربی نیز تسلط کامل داشت.

علاوه بر شیعیان، مورخین اهل سنت نیز و حتی متعصبین آنها نیز نتوانستند شخصیت علمی میر شمس الدین را انکار کنند.

بطوری که مورخ حسن در برابر مقام علمی میر شمس الدین لب به اعتراف گشوده و با الفاظی همچون: «میر شمس الدین عالمی اجل و دانایی بی بدیل بود» و نیز «میر شمس الدین بعضی علوم غریبه را میدانسته و حسن بیان داشت» از او تعریف و تمجید کرده است. مورخان دیگر اهل سنت نیز از او تعریف و تمجید کرده اند.

۱-۴-۱- نقش میر شمس الدین عراقی

(۱) در ترویج تشیع در کشمیر

گرچه پیش از میر شمس الدین عراقی، همان گونه که اشاره کردیم، علمای شیعی دیگری نیز به کشمیر آمدند و تمام عمرشان را در تبلیغ و ترویج تشیع صرف نمودند. اما تشیع از منطقه آنان و یا از چند روستای دیگر پا را بیرون نمی گذاشت و در همان مناطق محدود می ماند. و بعلت عدم تبلیغ مستمر، شیعیان نیز همچون اهل تسنن هیچ تمایزی با هندوها نداشتند. اما با ورود میر شمس الدین عراقی وضعیت شیعیان کاملاً فرق کرد و طولی نکشید که با تلاش و زحمت وی مذهب تشیع، مذهب رسمی کشور اعلام شد و در مسجد جامع و در دیگر مساجد کشمیر خطبه بنام ائمه معصومین علیهم السلام خوانده شد. (۲)

او با یک برنامه ریزی دقیق و کارشناسی شده در کشمیر برای ترویج اسلام و

ص: ۹۴

۱- ایشان در حقیقت اهل اراک و ایرانی بوده اند که در قدیم به عنوان عراقی ایران معروف بود.

۲- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۲۵۶.

تشیع، کار خود را ادامه داد، و علاوه بر تبلیغ شخصی، مریدان خود را نیز به مناطق مختلف و دور افتاده کشمیر برای تبلیغ اعزام می کرد. او در هر محله، روستا، شهر مساجد می ساخت. در نتیجه ۲۴ هزار خانواده هندو با همت ایشان با میل و به اختیار خودشان دین اسلام را پذیرفتند. (۱)

۲-۴-۱- سفر اول میر شمس الدین عراقی به کشمیر

میر شمس الدین عراقی دو بار به کشمیر سفر کرده اند. اولین بار وی در سال ۸۸۲ هجری از طرف سلطان حسین بایقراى هراتی پادشاه خراسان، به عنوان سفیر او با هدایایی گران قیمت از جمله جامه مخصوص سلطان حسین بایقرا نزد حسن شاه، پادشاه کشمیر آمد. (۲)

میر شمس الدین عراقی گرچه بعنوان یک سفیر، از طرف سلطان حسین بایقرا حاکم خراسان، به کشمیر آمده بود. اما دغدغه اصلی او تبلیغ دین ناب محمدی بود. او بار اول طبق نقل تمام مورخین هشت سال در کشمیر ماند. (۳) و در زمان سلطان

ص: ۹۵

۱- (کشمیری، محمد علی، تحفه الاحباب، مترجم، محمد رضا آخوند زاده، ص ۲۷۹.

۲- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۵۲۶؛ سیدرضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۲۷۶.

۳- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۵۲۶ و دذمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۲۲.

اما کارهایی که او در این مدت انجام داد دلالت بر این می کند که او علاوه بر یک عالم و روحانی، روان شناس فوق العاده ای بود. هنگامی که او به کشمیر آمد با مشاهده تمدن و فرهنگ بومی کشمیر به ویژه علمای آنها، دریافت که توجه خاصی به مسائل معنوی و روحانی و عرفانی دارند.

دوستی بین شیخ اسماعیل - که سلطان حسن شاه پادشاه کشمیر به او لقب و عنوان شیخ الاسلام داده بود - و میر شمس الدین عراقی باعث شد که مردم میر شمس الدین را عارف و محقق برجسته بدانند و چون میر شمس الدین عراقی بعضی از علوم غریبه را می دانسته است که در آن زمان در کشمیر رایج نبود. از اینرو حسن شاه در کتاب خودش این واقعه را به این نحو ذکر نموده است: «میر شمس الدین عراقی تا عرصه هشت سال در این جا اقامت نموده و خود را بنا بر تقیه در مسلک مریدان بابا اسماعیل کبروی که شیخ وقت بود در آورد و ارادت خاص نسبت به او ظاهر کرد و حیثیتی به هم رسانید، چون بر تقیه ذاتی و وضع شایستگی و آراستگی ظاهرش، زبان و حسن بیانی که داشت و بعض علوم غریبه می دانست. شاید بابا اسماعیل به مریدان خود گفته باشد که مصاحبت این مغل (شخص) غنیمت پندارند.» (۱)

علم و فضل و کمالات و ریاضت میر شمس الدین عراقی چنان بر بابا اسماعیل

ص: ۹۶

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، بخش اول، ص ۵۲۷.

تأثیر گذاشت که به گفته نویسنده تحفه الاحباب - کتابی جامع و تاریخی که در قرن ۱۰ هجری درباره زندگی میر شمس الدین نوشته شده است - بر دست میر شمس الدین بیعت نموده است و باباعلی نجار که شاگرد خاص بابا اسماعیل بوده اند

نیز مسلک میر شمس الدین را اختیار نموده است. (۱)

گرچه کلام فوق نویسنده تحفه الاحباب در مورد بابا علی نجار از تاریخ واقعات کشمیر و تاریخ حسن تایید می شود. اما درباره بابا اسماعیل کسی غیر از او ذکر نموده است و کمی بعید به نظر می رسد، چون در سفر دوم میر شمس الدین به کشمیر، بابا اسماعیل نیز یکی از مخالفان میر شمس الدین حساب می شود.

به این ترتیب میر شمس الدین بعد از گذراندن مأموریت هشت ساله خود به خراسان برگشت برخلاف مورخان و نویسندگان که سفر دوم میر شمس الدین را - که بعد از ۱۲ سال بوقوع پیوست - ثمربخش می دانند، سفر اول وی نیز پرثمر بوده است. ایشان در این سفر توانسته بود افراد شاخص و همین طور فرصت ها و موانع تبلیغ را در کشمیر دقیقاً شناسایی کنند و اعتماد بعضی از علمای روشن دل را به خود جلب کنند. میر شمس الدین عراقی در سال ۸۹۰ هجری قمری به خراسان برگشت و از دستگاه سلطان میرزا حسین کنار کشید.

یکی از تهمت هایی که مخالفان به میر شمس الدین عراقی می زنند، این است که بعد از برگشت وقتی سلطان میرزا از مذهب و مکتب درونی میر شمس الدین آگاه شد او

ص: ۹۷

را از کار برکنار کرد و دیگر هیچ منصب و مسئولیتی به واگذار نکرد.

در جواب باید گفت:

همان طور که یکی از مورّخین و شخصیت های برجسته کشمیری آقای انیس کاظمی ثابت کرده است که میرزا حسین حاکم خراسان، شیعه مذهب بوده است و دلیل خوبی هم ارائه کرده است. او قول مجتهد جامع الشرائط محقق کبیر شیخ بهاء الدین عاملی را برای اثبات مدعای خود می آورد که در رساله ای بنام توضیح المقاصد از شیخ بهاء الدین آمده است.

«السادس عشر (من شهر ذی الحجّه) فیه توفی السلطان العادل سلطان حسین میرزا البایقرا (۹۱۱) احد عشر وتسع مئه وکان له میل تأمّ الی التشیع ولم يتمكن من اظهاره وکانت ولادته فی محرم ۷۷۹ تسع وسبعین وسبع مئه» (۱)

سلطان حسین بایقرا میل و رغبت کامل به مکتب تشیع داشت اما نتوانست آن را اظهار کند.

اگر این را هم ما بپذیریم که او شیعه نبوده است اما باز هم از آن سنی های متعصب نبوده که بخاطر عقیده و مذهب، میر شمس الدین عراقی را بیرون کنند. لذا این صحت ندارد بلکه حقیقت این است که خود او از مقام سفارت استعفا

ص: ۹۸

۱- (کاظمی، سید انیس، مقاله حضرت میر شمس الدین محمد العراقی، (اراک) بت شکن، ارائه شده در سمینار میر شمس الدین عراقی در سرینگر.

کرد.

دیدار میر از کشمیر برای زمینه سازی جهت تبلیغ تشیع بسیار ثمربخش بود وی روابط دوستانه اش را با رجال برجسته و سلاطین کشمیری توسعه داد «رینه ها» و «چاک ها» و شاگردان و جانشینان میر سید علی همدانی و دیگرانی که طرفدار علی و اهل بیت علیهم السلام بودند، عمیقاً تحت تأثیر میر قرار گرفتند. از آن پس راه برای تبلیغ تعالیم دینی و شیعی برای میر شمس الدین هموار شد.

طبق نقل مورخان میر شمس الدین عراقی در سال ۹۰۲ هجری قمری یعنی بعد از ۱۲ سال به کشمیر اعزام شد.

۳-۴-۱- سفر دوم میر شمس الدین عراقی به کشمیر

در اواخر سال ۹۰۱ هجری میر شمس الدین با گروهی از مبلغان و خانواده، شهر «ری» را ترک کردند. این گروه پس از اظهار ارادت به آستان مقدس رضوی در «مشهد» از طریق «قندهار»، «مولتان» و «سلت رنج» بسوی کشمیر حرکت کردند. و در اوائل بهار سال ۹۰۲ ه آنان از مسیر پونچ، باره مولا، وارد سرینگر شدند. طبق نقل نویسندگان واقعات کشمیر و تاریخ حسن میر شمس الدین عراقی قبل از آمدن خود بابا علی نجار را که در سفر اول با میر شمس الدین بیعت کرده بود، آگاه ساخته بود. (۱)

ص: ۹۹

۱- (سید رضوی، اطهر عباس، شیعه در هند، ص ۲۷۷؛ مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۴۴. البته ایشان سال ورود میر شمس الدین را ۹۰۲ هجری مطابق ۹۷-۱۴۹۶ نوشته است که مغایر با تاریخ شیعه در هند است.

طبق نقل مورخین میر شمس الدین عراقی هنگامی که وارد باره مولای کشمیر شد مورد استقبال گرم بابا علی نجار و بابا اسماعیل و دیگران قرار گرفت.

و بعد از ورود به سرینگر پایتخت کشمیر بابا علی نجار، با تمام احترام و عرض ادب میر شمس الدین عراقی را به آستانه میر سید علی همدانی برد. و تمام شاگردان خود را تحویل میر شمس الدین داد. (۱۱) و به این ترتیب میر شمس الدین عراقی فعالیت تبلیغی خودش را آغاز نمود.

۲- وضعیت دینی و فرهنگی مردم کشمیر هنگام ورود میر شمس الدین

قبل از اینکه ما فعالیت تبلیغی میر شمس الدین عراقی را مورد بحث قرار دهیم، بر اوضاع دینی و فرهنگی آن زمان مردم کشمیر مرور کوتاهی بکنیم.

در کشمیر گرچه بعد از به حکومت رسیدن «شاه میر» ۷۴۳ هجری، حاکمان بعدی آن مسلمان بودند اما با آنکه مسلمان بودند کاری با غیر مسلمانان نداشتند. هندوها در عقائد مذهبی در کمال آزادی بودند و تمام رسم و رسومات را به راحتی به اجرا در می آوردند. تا اینکه سلطان سکندر در سال ۷۹۶ هجری به حکومت رسید. او یک

ص: ۱۰۰

۱- (ددمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین ص ۱۲۲.

مسلمان متعصب بود و نخستین سلطان کشمیر است که قوانین اسلامی را با قاطعیت به اجرا درآورد. او استفاده از الکل و سایر مشروبات مست کننده را منع و قمار و رقص با زنان و روسپی گری و نواختن آلات موسیقی را ممنوع ساخت و نیز خود کشی زنان بیوه (ستی) (۱) را ممنوع کرد.

او چنان بتخانه ها را خراب و ویران کرد که مردم کشمیر لقب «بت شکن» به او دادند. بر اثر سختگیری او تمام مردم کشمیر از صغیر و کبیر خواه به میل و اختیار و یا به طریق جبر و اکراه به هر حال، گردن اطاعت در برابر او فرود آورده بودند. (۲)

در دوران سلطنت او شخصیت های برجسته دیگری از جمله میر سید محمد همدانی و سید محمد مدنی نیز به کشمیر آمدند و مردم علاقه فروانی به آنان داشتند. و وجود اینان در کنار سلطان سکندر، محرک خوبی برای بت شکنی او بود.

اما بعد از درگذشت سلطان سکندر «بت شکن» فرزندش علی شاه در سال ۸۱۷ هجری زمام امور را به دست گرفت و بعد از او، شاهی خان با لقب سلطان زین العابدین سال فوت ۸۷۸ هجری حکومت خود را آغاز کرد و تقریباً نیم قرن بر کشمیر فرمان

ص: ۱۰۱

۱- (ستی رسمی بین هندوها است که اگر شوهر قبل از زنش بمیرد زن هم به نشانه وفاداری به شوهر باید با او زنده بسوزد. این رسم هنوز در بعضی از مناطق هند اجرا می شود.

۲- (جوهری، غلام حسین، تاریخ نور بخشیه در کشمیر و بلتستان، ص ۷۱.

راند. او به نام بدشاه «شاه بزرگ» در کشمیر معروف است.

سلطان زین العابدین در تاریخ کشمیر همان موقعیت را دارد که شاه عباس در ایران، سلیمان اعظم در ترکیه عثمانی و اکبر شاه در هند دارند. (۱)

سلطان زین العابدین در روش سیاسی سلطان سکندر بت شکن تجدید نظر کرد و با هندوها رفتار خوبی را روا می داشت. و نیز خراج و جزیه را از آنها برداشت و معبدهای هندوها را به آنان برگرداند.

معبدهایی که سکندر خراب و ویران کرده بود دوباره بازسازی شدند، و علاوه بر آن مجدداً نیز به ساخت و ساز معبدها و بتخانه ها دست زدند. هندوهایی را که در جریان سلطنت سکندر از کشمیر گریخته بودند به کشمیر فرا خواند و آشکارا یک آزادی عمومی را برای تمام مذاهب اعلام داشت. او کشتن گاو را تحت تأثیر هندوها دوباره ممنوع اعلام کرد (۲) و نیز اجازه داد رسم ستی (۳) ادامه یابد. (۴) مسلمان ها در جشن های هندوها شرکت می کردند. رسم و رسومات آنها در کشمیر رواج پیدا کرده بود و علاوه بر

ص: ۱۰۲

۱- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۴۰.

۲- گاو در مذهب هندوها حیوانی محترم است و جنبه مقدس دارد. لذا کشتن آن در مذهب آنان جائز نیست.

۳- ستی رسمی بین هندوها است که اگر شوهر قبل از زنش بمیرد زن هم به نشانه وفاداری به شوهر باید با او زنده بسوزد. این رسم هنوز در بعضی از مناطق هند اجرا می شود.

۴- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، مترجم فریدونی دولشاهی، ص ۵۲.

عموم مردم، علما، قاضی‌ها و حتی سادات هم از انجام این رسومات مشترکانه هیچ ابایی نداشتند. (۱)

وضعیت مسلمانان تا آنجا وخیم شده بود که زنان مسلمان همان کارهایی را انجام می‌دادند که برهنه‌ها (روحانیون هندوها) به آنها دستور داده بودند. علما و سادات هم زنان خودشان را از این کارهای خلاف شرع منع نمی‌کردند. و دیگر در کشمیر مسلمانان فقط به اسم مسلمان بودند و در عمل و رفتار هیچ تفاوتی با هندوها نداشتند. و این وضعیت تا ورود میر شمس‌الدین عراقی ادامه داشت. (۲)

۳- فعالیت میر شمس‌الدین در کشمیر

اشاره

فعالیت میر شمس‌الدین عراقی، پس از ورود به کشمیر را میتوان در سه محور زیر خلاصه کرد:

الف - فعالیت‌های تبلیغی

ب - فعالیت‌های فرهنگی

ج - فعالیت‌های علمی

ص: ۱۰۳

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۱.

۲- همان، تاریخ شیعیان، ص ۲۱؛ مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم، اکبر حیدری، ص ۲۹۹.

میرشمس الدین عراقی، بعد از ورود به کشمیر با عموم مردم محلی روابط دوستانه و صمیمانه برقرار کرد و آنان را با تعالیم و معارف اهل بیت علیهم السلام آشنا کرده به مذهب تشیع دعوت می نمود.

اما از آنجا که میرشمس الدین عراقی پیش از این نیز ۸ سال در کشمیر زندگی کرده بود^(۱) لذا آشنائی و آگاهی کامل از فرهنگ و تمدن کشمیری ها بدست آورده بود وی به طرز زندگی قبیله ای کشمیری ها پی برده بود که تصمیمات رئیس قبیله مورد پذیرش واقع می گردد. دوم اینکه جامعه کشمیر جامعه ای است که بخاطر سابقه عرفان و گرایشات معنوی خیلی با آن مانوس هستند لذا وی فعالیت تبلیغی خود را در همین راستا انجام داد.

میرشمس الدین عراقی در تبلیغ، تک تک افراد رؤسای قبیله ها و افراد پرنفوذ در دولت و سیاست را مورد توجه قرار می داد و آنان را به تشیع دعوت می کرد لذا می بینیم

که بابا علی نجار، اولین کسی بود که با میرشمس الدین عراقی بیعت کرد. سپس موسی رینه و کاجی چک و غازی چک افراد با نفوذ در دولت و سیاست، مذهب میرشمس الدین عراقی را پذیرفتند و با وی بیعت نمودند^(۲) در

ص: ۱۰۴

۱- (ددمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین ص ۱۲۱).

۲- (همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۹؛ ددمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین، ص ۱۲۳).

حالی که موسی رینه در آن زمان نخست وزیر کشمیر بوده است. وی محبت و ارادت خاصی نسبت به میر شمس الدین عراقی پیدا کرد و خودش را برای هر نوع کمک در اختیار میر شمس الدین عراقی قرار داد. با سعی و تلاش میر شمس الدین عراقی جمعیت زیادی به تشیع پیوست. و مذهب تشیع روز به روز توسعه و گسترش پیدا می کرد.

اما در همین حال یک سری موانع و مشکلات برای فعالیت میر شمس الدین عراقی بوجود آمد که میر مجبور شد کشمیر را ترک کند و به لداخ و اسکردو برود.

۱-۱-۳- موانع تبلیغی میر شمس الدین عراقی

۱- مخالفت بعضی از علما و مآلهای درباری

(۱۱)

در کشمیر از همان زمان ورود اسلام علما اثر و نفوذ زیادی در دربار و به روی شاهان کشمیر داشتند. آنان از موقعیت و امکانات خوب دولتی برخوردار بوده اند. اما از زمانی که میر شمس الدین عراقی به کشمیر آمد، چون او یک مبلغ وارسته و عالم به علوم غریبه (۲) بود، بین مردم جایگاه و مقام خاصی پیدا کرد و علاوه بر محبوبیت روز افزون بین اقشار ملت، خود بین دولت مردان نیز نفوذ زیادی پیدا کرد و بعضی از مسئولان کشور نیز پیرو او شده بودند. علما و مبلغین درباری با وجود میر موقعیت خود شان را در خطر دیدند لذا برای بیرون راندن وی دست به

ص: ۱۰۵

۱- سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۲۷۷.

۲- ددَمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین، ص ۱۲۲.

مخالفت و توطئه علیه میر شمس الدین عراقی زدند و نیز سید محمد بیهقی را علیه او تحریک کردند.

۲- درگیری با سید محمد بیهقی

پس از موسی رینه، سید محمد بیهقی در سال ۹۰۷ هجری به نخست وزیری رسید. گرچه اجداد سید محمد بیهقی از منطقه شیعی سبزوار بودند. اما برای منافع سیاسی خود، شدیداً با تبلیغات میر شمس الدین عراقی مخالفت می ورزید. (۱) مخالفت سید محمد بیهقی، با میر شمس الدین عراقی علت‌های زیر را داشته است:

الف - رقابت سیاسی که او با شاگرد و مرید میر شمس الدین عراقی بنام موسی رینه داشت؛

ب - رد خواستگاری سید محمد با دختر میر؛

گرچه سید محمد در ابتدا بخاطر فضای عمومی به حلقه دوستان میر پیوسته بود. اما رد پیشنهاد ازدواج سید محمد با دختر میر از سوی وی، این فاصله درونی را بیشتر کرد. بویژه پس از آنکه مخالفان میر آن را نزد او بزرگ جلوه داده آنرا توهین به سید محمد دانستند و توانستند او را علیه میر شمس الدین عراقی تحریک کنند.

گرچه بعضی از مریدان و شاگردان، برای جواب مثبت به پیشنهاد ازدواج سید

ص: ۱۰۶

۱- سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۲۷۷.

محمد، سیادت او را نیز پیش میر شمس الدین عراقی مطرح نمودند. اما میر باز هم قبول نکرد بلکه سید محمد را فاسق و فاجر قلمداد کرده و گفت: «کسی که مرتکب کبائر و مروج خمر و فسق و فجور بوده باشد هرگز دل من به او مائل نمی شود. گرچه سید رضوی باشد» (۱) و از طرفی من از مواصلت با سلاطین و حکام و ارباب دولت و اهل دنیا بسیار متنفرم و هرگز این کار را نمی کنم» (۲)

سید محمد با رد پیشنهاد و با تحریک مخالفان میر شمس الدین عراقی بیشتر با او مخالفت ورزید.

ج - درگیری و زدوکوب دیوان سید محمد توسط میر.

روزی میر شمس الدین عراقی با رئیس دفتر سید محمد - که غیر مسلمان بود - درگیر شد و او را مورد ضرب و شتم قرار داد. سید محمد که قضیه درخواستگاری را هنوز از یاد نبرده بود با این اقدام میر بیشتر خشمگین شد و در واکنش به آن، با دستگیری شاگردان و مریدان میر، و ضرب و شتم آنان مقابله به مثل کرد.

این عوامل باعث شد میر شمس الدین عراقی بناچار کشمیر را بسوی «اسکردو» و «لداخ» ترک کند.

ص: ۱۰۷

۱- کشمیری، محمدعلی، تحفة الاحباب، مترجم آخوند زاده، محمد رضا، ص ۴۰۱.

۲- همان، ص ۴۰۱.

گرچه دیر یا زود میر شمس الدین عراقی به اسکردو و لداخ (جایی که بیشتر جمعیت غیر مسلمان بودند)^(۱) می رفت. اما عوامل گذشته سبب تسریع این سفر شد.

میر شمس الدین عراقی هنگامی که تصمیم به سفر و ترک کشمیر گرفت، موسی رینه که در آن زمان مقام رئیس اعظم داشت، برای منصرف ساختن میر از این سفر خیلی سعی و تلاش کرد اما میر شمس الدین عراقی قبول نکرد و گفت تا زمانی که او (سید محمد بیهقی) در کشمیر بر سر قدرت باشد من هرگز در کشمیر نمی مانم سپس میر شمس الدین عراقی با ۵۰ الی ۶۰ نفر از مریدان و شاگردان بسوی اسکردو و لداخ حرکت کرد.^(۲) میر شمس الدین عراقی در اسکردو نیز فعالیت تبلیغی و دینی خود را شروع کرد و توانست جمعیت زیادی را به تشیع هدایت کند. بویژه پس از آنکه می گویند راجه - پادشاه - آنجا به مرض صعب العلاج مبتلا بود. اما خداوند به دست میر شمس الدین عراقی او را شفا بخشید^(۳) که موجب اسلام و تشیع بیش از پیش مردم منطقه از جمله راجه آن منطقه شد.

میر شمس الدین عراقی با دیدن وضعیت مناسب برای تبلیغ، به شاگردان و

ص: ۱۰۸

-
- ۱- (خان، کاجو سکندر، قدیم لداخ، ص ۴۷ تا ۵۵۸).
 - ۲- (کشمیری، محمدعلی، تحفه الاحباب، مترجم آخوند زاده، محمد رضا، ص ۴۰۵؛ مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۶۸).
 - ۳- (سید کاظمی، انیس، میر شمس الدین عراقی بت شکن، ص، ۱۲).

میریدان خود دستور تخریب بت خانه های منطقه را داد(۱). و امر کرد که جای بتخانه ها مسجد بسازند. تبلیغ آنان باعث شد که مردم از رسم و رسومات هند و و بودائی دست کشیدند و آئین اسلام را پذیرفتند.(۲)

اما در وادی کشمیر، موسی رینه شاگرد و مرید میر شمس الدین عراقی از رفتن او به اسکردو و لداخ خیلی ناراحت بود و همیشه آرزوی بازگشت میر شمس الدین عراقی را می کرد و از اقدام سید محمد که موجب شده بود میر شمس الدین عراقی کشمیر را ترک کند، بویژه قول نیامدن میر شمس الدین عراقی تا زمان حکومت سید محمد، او را بیشتر ناراحت می کرد. لذا او چاره ای جز مخالفت و شورش علیه سید محمد ندید. لذا او علیه سید محمد دست به شورش زد و در جنگی که بین او و سید محمد در سال ۹۰۷ هجری اتفاق افتاد توانست سید محمد را شکست داده به قتل برساند. گرچه بعد از سید محمد، شمس چک به نخست وزیری رسید اما او نیز به دست موسی رینه به هلاکت رسید. و به این ترتیب موسی رینه در سال ۹۰۷ هجری دوباره به نخست وزیری راه یافت. سپس بابا علی نجار، مرید میر شمس الدین عراقی را مأمور کرد که هر چه سریع تر این خبر را به میر شمس الدین عراقی برساند. میر شمس الدین عراقی هنگامی

ص: ۱۰۹

۱- (کشمیری، محمد علی، تحفه الاحباب، مترجم، آخوند زاده، محمد رضا، ص ۴۰۶).

۲- (آثار فعالیت میر در آنجا هنوز هم پیدا است و بیشترین جمعیت الآن؛ در آن منطقه شیعه امامیه هستند).

که خیر کشته شدن سید محمد را شنید بجای خوشحالی غمگین شد و شعر ذیل را خواند:

او

نیز گذشت ازین گذرگاه

آن

کیست که نگذرد ازین راه^(۱)

میر شمس الدین عراقی که قبل از این خبر، می خواست

از اسکردو به لداخ برود از سفر به لداخ منصرف شد و تصمیم به برگشت به کشمیر گرفت. اما قبل از حرکت، مردم منطقه و حاکم آنان از میر شمس الدین عراقی تقاضا کردند برای تبلیغ و قرآن آموزی بعضی از شاگردان خود را در آنجا مستقر سازد. میر شمس الدین عراقی نیز به تقاضای آنان پاسخ مثبت داد و بعضی از شاگردان از جمله ملک حیدر را در همانجا برای تبلیغ مأمور کرد و افرادی را قرار داد.^(۲)

میر شمس الدین عراقی بعد از بازگشت به کشمیر کارهای تبلیغی خود را دوباره با زبان، قلم، و حتی با شمشیر از سر گرفت.

۳-۱-۳- انهدام بتخانه ها و ساخت مساجد و بناهای اسلامی به جای آن

همان طور که پیش از این نیز بدان اشاره شد، گرچه در زمان حکومت سلطان سکندر بت شکن قوانین اسلامی در کشمیر رایج شده بود اما بعد از او بویژه در دوره سلطان زین العابدین، بت پرستی و فرهنگ غیر اسلامی دوباره به کشمیر بازگشت

ص: ۱۱۰

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۷۴.

۲- (کشمیری، محمد علی، تحفه الاحباب، مترجم، آخوند زاده، محمد رضا، ص ۴۱۰.

و علاوه بر بازسازی بتخانه های ویران شده، بتخانه های زیادی دوباره ساخته شد و مردم نیز با آنها مأنوس بودند. میر شمس الدین عراقی وقتی دریافت که بزرگ ترین مانع پیشرفت اسلام همین بتخانه ها هستند. چون هندوها علاوه بر فعالیت غیر اسلامی در آنها، علیه مسلمانان نیز توطئه می کردند لذا تصمیم برای تخریب آنها گرفت.

لذا بتخانه های زیادی را ویران کرد تا اینکه «مکسر الاصنام» لقب گرفت (۱). در منابع تعداد بتخانه هایی که از دست او تخریب شده اند ۳۹۴۳ گفته شده است.

محقق و شاعر معروف کشمیری سید انیس کاظمی در این باره می نویسند:

میر شمس الدین عراقی در تخریب و شکستن بتخانه به مقام و جایگاهی دست یافت که تا اکنون از صدر اسلام فقید المثل است. او در کشمیر و تبت (لداخ) ۳۹۴۳ بتخانه را خراب و ویران کرد. و جای آنها مساجد و دیگر بناهای اسلامی بنا کرد. (۲)

ممکن است این گفته، اغراق آمیز باشد. اما در این شکی نیست کارهایی که وی برای تبلیغ اسلام انجام داده است، نه قبل و نه بعد از او، کسی همچنین کارهایی را انجام نداده است. اما بخاطر تعصب و دشمنی بر علیه شیعه، در عموم منابع کشمیر (که مورخان سنی آنرا نوشته اند) فعالیت او چندان ذکر نشده است و او را فقط مؤسس تشیع در کشمیر ذکر کرده اند. میر شمس الدین عراقی علاوه بر مورخان اهل

ص: ۱۱۱

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۴۶.

۲- (کاظمی، سید انیس، میر شمس الدین عراقی بت شکن، ص ۱۴.

تسنن، از طرف شیعیان نیز مورد غفلت واقع گردیده است و تا اکنون حتی یک کتابچه مستقل نیز بعد از آن دوره، راجع به او و فعالیت هایش چاپ نشده است. لذا میر شمس الدین هنوز بین شیعیان ناشناخته است.

۲-۳- فعالیت های فرهنگی میر شمس الدین عراقی

اشاره

میرعراقی همراه با فعالیت دینی، فعالیت های فرهنگی زیادی را نیز انجام می داد فعالیت های فرهنگی میر از قرار ذیل بود:

۱-۲-۳- ساخت عبادتگاه در زدی بل

میر شمس الدین عراقی زمانی که بار اول در سال ۸۸۲ هجری به کشمیر آمد، در منطقه زدی بل که حدوداً در فاصله ۸ کیلومتری سرینگر، پایتخت کشمیر واقع است بخاطر خوش آب و هوا بودن و فضای سرسبز می خواست در آنجا مکانی بسازد. اما چون تصمیم بر ماندن در کشمیر را نداشت لذا از تصمیم خود منصرف شد.

اما زمانی که او بعد از ۱۲ سال برگشت این زمین را پیش از آن، سلطان فتح شاه، پادشاه کشمیر به موسی رینه نخست وزیری خود بخشیده بود. و در آنجا زندگی می کرد اما هنگامی که موسی رینه از تصمیم قبلی میر باخبر شد تمام آن زمین را به همراه خانه خود به میر بخشید. (۱)

ص: ۱۱۲

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۱۹.

میر شروع به ساخت بنا کرد و برای مصالح آن از مناطق دور و جنگلی از درختان صنوبر، چوب برای آن تهیه کرد اما کار بنایی آن در وسط کار بخاطر مخالفت علمای متعصب اهل تسنن، و درگیری میر با سید محمد بیهقی که منجر به ترک کشمیر شد متوقف گردید. اما هنگامی که میر بعد از دو ماه پس از قتل سید محمد بیهقی به کشمیر برگشت کار ساخت آن را از سر گرفت و مکانی با عظمت و جلالت، وسیع و عریض ساخت که روی زمین نظیر نداشت (۱) و در اطراف این عبادتگاه، حمامی ساختند که یکی از عجائب فن معماری بود و این حمام بدون سوزاندن هیزم تا مدتی زیاد گرم می ماند (۲) تاریخ این بقعه به این نحو نوشته شده است.

«بیت هذه البقعه الموسومه المتبرکه الشریفه الشمسیه النور بخشیه فی التاریخ سنه تسع وتسع مائة من الهجره النبویه علیه الصلواه والتحیه» (۳)

ص: ۱۱۳

۱- همان، ص ۷۲.

۲- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۷۲.

۳- همان، بهارستان شاهی، ص ۷۶؛ محمد علی کشمیری، تحفه الاحباب، ترجمه محمد رضا آخوندزاده؛ غلام حسین جوهری، تاریخ نوربخشیه در کشمیر و بلتستان، ص ۷۷.

مکانی که سلطان سکندر بت شکن ۷۹۶ هجری آن را برای میر سید محمد فرزند میر سید علی همدانی، ساخته بود. اما علاوه بر کوچک بودن در اثر آتش سوزی های متعدد آسیب زیادی دیده بود. لذا میر شمس الدین برای توسعه و گسترش آن و برای محفوظ ماندن آن از آتش سوزی های مجدد، تمام خانه های اطراف آن را خرید و آن را بازسازی کرد. حیاط آن را نیز وسعت داد و نیز یک «لنگر خانه»^(۱) برای غذای مستمندان و فقیران در کنار آن درست کرد و تولیت آن را نیز در دست داشت.^(۲)

۳-۲-۳- ساخت مساجد

یکی از کارهای معمول میر شمس الدین ساختن مساجد جای بتخانه ها بود او مساجد زیادی در کشمیر بنا کرد. اما اطلاعات زیادی در این باره در منابع نیامده است.

۴-۲-۳- احیای فرهنگ جهاد

یکی از برجسته ترین صفات میر این بود که در دست او همواره همراه قلم شمشیر نیز وجود داشت^(۳) و این صفت در عالمان کم دیده شده است. در منابع تاریخی آمده است میر شمس الدین مردی دلاور و با همتی بلند بود. در میدان جنگ پیشاپیش

ص: ۱۱۴

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۶۱، «غذا خانه».

۲- همان.

۳- همان، ص ۵۶.

سپاهیان بود و در فنون جنگی نیز ید طولایی داشت.

وقتی وارد جنگ می شد مانند شیر به کفار حمله ور می شد. وقتی در جنگ جراحتی به بدن او می رسید او بدون توجه به آن تا پایان جنگ با کفار می جنگید. مریدانش هم وقتی شجاعت او را در میدان جنگ می دیدند نیز نیرو و انرژی به خود می گرفتند و از جان خود گذشته پروانه وار دور او می گشتند. تا وقتی که دست به پیروزی نمی زدند

حاضر به ترک میدان نمی شدند و معمولاً این درگیری ها

هنگام تخریب بتخانه ها و انهدام معبدها صورت می گرفت.

بزرگترین این درگیری ها در نواحی سرینگر جایی بنام «ذال دگر» اتفاق افتاد. در آنجا بتخانه معروف هندوها بنام بتخانه باخی رینو وجود داشت. این بتخانه مرکز هندوها بشمار می رفت. میر این بتخانه را تخریب سپس اسم این منطقه را اسلام پور گذاشت (۱).

در این جنگ مریدان و شاگردان او نیز از جمله، موسی رینه و قاضی محمد قدسی حضور داشتند.

علاوه بر آن، او با مرتدین نیز وارد جنگ می شد تا آنان را هدایت کند.

مصنف بهارستان شاهی (۲) در این باره چنین می نویسد:

«کارهای بزرگ و امور عظام که ملک کاجی چک بحکم فرمان حضرت شمس الدین

ص: ۱۱۵

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۵۶/۵۷.

۲- وی خودش در رخدادهای این زمان حضور داشته است.

محمد عراقی بجا آورد، قتل کفار و کشتن مشرکان این دیار است و آن چنان بود که در عهد حکومت ملک موسی رینه جمله کفره و فجره این ولایت را مسلمان ساخته بودند، بعضی از ایشان بجماعت ملوک و امراء این دیار طریق ارتداد پیش گرفتند و به رسوم کفر و شرک رجوع نمودند و مرتد شده باز به بت پرستی ها در آمدند و بعضی دیده کفر نقل می کردند(۱) که در وقت عبادت اصنام و بت پرستی ها، قرآن مجید و فرقان حمید را کرسی ساخته زیرسین گرفتند و بر سر کلام ربانی تنزیل سبحانی نشسته، عبادت اصنام به جا می آورده اند و چون اخبار و اوضاع این احوال به سمع مبارک حضرت میر شمس الدین عراقی رسید، آن حضرت ملک کاجی چک را در پیش خود طلبید و همراه ولی ملک علی و خواجه احمد که هر دو مرید و مشیران ملک مذکور بودند، به حضور فائز السرور حاضر آمدند. آن حضرت به ایشان فرمود که این جماعت کفره که بعد از اسلام انقیاد از سر انکار و عناد طریق ارتداد می نمایند،

اگر ایشان را حد شرعی و تحذیر حکمی نمی توانید آورد ما را واجب و لازم است که از این دیار جلای وطن نماییم و در وقت نهضت مانع و مزاحم نشوید... کاجی ملک جهت امتثال فرمان آن حضرت با مرید و مشیران خود مشورت نمود و قرار بر قتل کفار دادند و در آن وقت عاشورا نزدیک بود و ایام همان عاشورا موعده کشتن ایشان ساختند و در تاریخ سنه نهصد و بیست و چهار که حساب کشمیر به نود و چهارم بود در عاشورا قریب هفتصد، هشتصد کافر مرتد را کشتند(۲) و در آن وقت از جمله کفره

ص: ۱۱۶

۱- یعنی عقائد کفر را بیان می کردند.

۲- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تهیه و تنظیم داکتر اکبر حیدری، ص ۵۲ و ۳۲۹؛ سید رضوی، اطهر عباس، شیعه در هند، ص ۲۷۹.

این دیار آن جماعت بزرگ و صاحب دولت و ارباب حکومت بودند و هر یکی از ایشان صاحب اختیار و اهل تصرف صد خانوار دیگر از کفار و مشرکان بودند و کافران و مشرکان تمام کشمیر را به ضرب شمشیر مطیع و منقاد ساختند».

۵-۲-۳- ایراد خطبه به اسم دوازده امام در مسجد جامعه

میر با فعالیت دینی و فرهنگی خود توانست شرایطی به وجود بیاورد که خطبه مسجد جامعه و دیگر مساجد کشمیر به اسم امامان شیعه خوانده شود.

ایراد خطبه به اسم دوازده امام دلیل کافی برای موفقیت فعالیت تبلیغی میر شمس الدین است. چون با آنکه مبلغان شیعی پیش از آن نیز به کشمیر آمده بودند اما این مسلم است که مذهب تشیع در نهایت اقلیت بوده است. اما میر شمس الدین توانست تشیع را چنان گسترش بدهد که خطبه به اسم دوازده امام ایراد شود.

اما این خطبه به اسم دوازده امام بعد از میر شمس الدین توسط میرزا حیدر ممنوع اعلام شد. در منابع این واقعه چنین آمده است:

از ترس تهدیدات و تخویفات میرزا حیدر هیچ کس از مردم این ممالک نام ائمه معصومین علیهم السلام بر زبان نمی توانستند بیاورند. (۱)

ص: ۱۱۷

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۱۳۰ و ۲۵۷).

این خطبه علاوه بر مسجد جامعه در مساجد دیگر کشور نیز ایراد می شد. همان گونه که در بهارستان شاهی آمده است «در زمان دولت چک نیز خطبه به نام دوازده امام خوانده می شد. در مسجد جامع و هم در جاهای دیگر خطبه به اسم دوازده امام علیهم السلام می خواندند» (۱).

۶-۲-۳- اعزام مبلغین به مناطق دور افتاده

یکی از فعالیت هایی که میر شمس الدین برای توسعه و گسترش اسلام انجام داد، اعزام مبلغین به مناطق محروم و دور افتاده است. در منابع آمده است او هر جایی که بتخانه ای را خراب و ویران می کرد، جای آن مسجد می ساخت و یکی از شاگردان خود را برای تبلیغ در آنجا مستقر می کرد. تا مردم آن منطقه از تعالیم اسلامی بهره مند شوند (۲) حتی برای مخارج مسجد و مبلغ نیز چاره ای می اندیشید.

با تلاش میر تشیع در کشمیر جای پای محکمی پیدا کرد. تا اینکه در منابع آمده است که: «تلاش میر و مرید او موسی رینه موجب گرایش ۲۴ هزار خانواده به تشیع شد» (۳) از برخی منابع اهل تسنن نیز این مطلب تأیید می شود. (۴)

قاضی نور الله شوشتری، که بعد از ۷۳ سال کشته شدن میر، در سال ۱۰۰۵ به کشمیر

ص: ۱۱۸

۱- همان، ص ۱۳۰ و ۲۵۸.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۱.

۳- سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۲۷۸.

۴- اکرم، محمد، آب کوثر، ص ۲۸۲.

آمد از جمعیت کشمیر چنین گزارش می دهد: «و.... ساکنان شهر بسیار با صفا و دوست داشتنی شهاب الدین پور و نیز ساکنان باسوکه پرگنه مرکب از ۲۱۰ روستا، شیعه هستند و شیعیان در روستاهای مختلف نیز یافت می شوند» (۱)

از تحفه الاحباب نیز رقم ۲۴ هزار خانواده شیعه شده تأیید می شود. او درباره تعداد ختنه و سر تراشیدن نو مسلمانان، که به دستور میر صورت می گرفت، می نویسد: «روزی در آخر شب آرایشگرها که نو مسلمانان را ختنه می کردند، حساب کردند دیدند در آن روز از پانصد تا هزار نفر را ختنه کرده اند» (۲) این دلالت بر گسترش شیعیان در آن دوره می کند.

۳-۳- فعالیت علمی میر شمس الدین

میر شمس الدین عراقی علاوه بر توسعه و گسترش تشیع، توجه خاصی نسبت به تربیت مبلغان و شاگردان داشت. در تحفه الاحباب و بهارستان شاهی آمده است، میر شمس الدین عراقی هزاران شاگرد داشت، که همراه امیر شمس الدین عراقی شانه به شانه برای تبلیغ و ترویج دین اسلام می ماندند و فعالیت زیادی برای ترویج اسلام به همراه میر شمس الدین عراقی انجام دادند، اما فعالیت همه آنها در تاریخ ثبت نشده است، بلکه فقط اسامی بعضی از آنها را ما در حوادث بعدی می بینیم.

لذا ما

ص: ۱۱۹

۱- (شوشتری، قاضی نور الله، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۱۱۸.

۲- (کشمیری، محمد علی، تحفه الاحباب، مترجم، آخوند زاده، محمد رضا، ص ۵۱.

ناچاریم فقط به ذکر اسامی آنها بسنده کنیم. اسامی آن شخصیت‌ها به این گونه بوده است: مولانا جنید، مولانا کمال، مولانا زیرک، مولانا بابا شمس گنائی، مولانا حاجی بایزید، مولانا خلیل الله، مولانا عثمان گنائی، مولانا سیف، مولانا عبدالرحمن، مولانا میر حسین، ملا بابا علی، ملا جوهر، ملا محمد امام، خواجه رفیق، مولانا سید افضل حافظ محمود کیانی، ملا حسن عودی، ملا درویش محمد قاضی، محمد قدسی، مولانا سید احمد، مولانا سعید، مولانا سعد الله، مولانا حاجی علی، تاج الدین خادم، مولانا محمد گنائی، مولانا ناصر، مولانا حفظ بصیر، مولانا امیر سید بدر، مولانا نصرت. (۱)

۴-۳- کتاب احوط

سید محمد نوربخش کتابی در باره فقه بنام «الفقه الاحوط» نوشت. تمام مورخین شیعه و نوربخشیه شکی در این باره ندارند که این کتاب از تصانیف سید محمد نوربخش است و تنها منبع و مرجع فقهی طرفداران او است. اگر چه باب اجتهاد در نظر مسدود نیست. اما اعتقادشان بر این است که مجتهدی همچون سید محمد نوربخش بعد از او به دنیا نیامده است. لذا تقلید ابتدائی بر میت را جائز می دانند و همه طبق همین رساله عمل می کنند. (۲)

سید محمد نوربخش اعتقادش بر این بود که به مرور زمان و بار رد و بدل شدن

ص: ۱۲۰

۱- مقدمه بهارستان شاهی، مرتب دکتر اکبر حیدری، ص ۸۰.

۲- جوهری، غلام حسین، تاریخ نوربخشیه در کشمیر و بلتستان، ص ۵۲.

راویان (چه شیعه و چه سنی) در فقه کمی و زیادی واقع گردیده و از این کاستی ها و زیادتى ها هیچ مذهبی پاک نیست.

اما اغلب و تقریباً همه نویسندگان اهل تسنن برای تخریب شیعیان آن را به میر شمس الدین عراقی نسبت می دهند(۱) و با این گونه توهّمات، خون هزاران نفر بی گناه را به ناحق ریختند.

چون همین کتاب باعث استفاده سیاسی از دین، بعضی از سنی های متعصب شد. چون آنان با وجود شیعیان از سیاست رانده شدند لذا موقعیت خود را روز به روز در خطر می دیدند چون دولت هم در دست شیعیان بود. ابتداء خیلی سعی کردند قدرت را از شیعیان بگیرند اما وقتی موفق نشدند چاره ای جز کمک گرفتن از دولت های

خارجی (مغول) ندیدند، غافل از اینکه به چه قیمتی می خواهند بر سر قدرت بیایند، با قیمت وطن فروشی و از دست دادن استقلال کشمیر!!!(۲)

ص: ۱۲۱

۱- (ددمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین، ص ۱۴۴؛ حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۵۲۸؛ دو غلات، میرزا حیدر، تاریخ رشیدی، ترجمه عباس قلی، غفاری فرد، ص ۶۸۷.

۲- این فقط باعث افتخار شیعیان است که هر موقع دشمنان خارجی به کشمیر حمله می کردند، با آنکه اگر در دولت هم نبودند، باز هم همچون کوه مستحکم سد راه حمله گران و مهاجمان می شدند.

۱- شاهان مغول همیشه به دنبال تصرف و چپاول منابع کشمیر بوده اند.

۲- در هند دولت سنی مذهب بود و علمای متعصب زیادی همچون عبد التبی در آن حضور داشتند. بطور طبیعی آنها به کمک آنان می شتافتند.

اما باز هم برای تحریک احساسات پادشاه همایون اینها همین کتاب الاحوط را پیش او بردند و در اثر آن هزاران شیعه را به قتل رساندند. و نیز املاک شان را به غارت برده، خانه هایشان را خراب و ویران کردند.

مورخ

معروف اهل تسنن کشمیر سید علی، در کتابش با توجه به تعصبات مذهبی خود این واقعه را این گونه ذکر می کند: «میر شمس عراقی کتاب به نام احوط تصنیف کرد، در آن عقائد مذهب رافضی خود بیان کرد... چون کتاب مذکور پیش پادشاه رسید، همایون پادشاه، علما و صلحاء را جمع کرده، این کتاب را ملاحظه کردند، دیدند که عقائد صاحب کتاب تمام رافضی است، چون سید احمد پسر سید محمد، پسر ابدال ماگری و نیز ملک ریگی چک این کتاب به خدمت همایون پادشاه برده بوده اند بوساطت خواجه حاجی و میرزا حیدر کاشغری با جمعی بتاريخ ۹۴۷ هجری سبع و اربعین و تسع مائة به کمک همراه گرفته به این سمت آمده، از راه چیرهار به کشمیر وارد شدند، در تاریخ بیست و یکم ماه رجب در همان سال میرزا حیدر حکومت کشمیر را به دست گرفت.» (۱)

ص: ۱۲۲

۱- (مجهول المؤلف، مقدمه بهارستان شاهی، تنظیم داکتر اکبر حیدری، ص ۸۲.

خواجه اعظم دد مری می نویسد: «مخفی نماند که مسلک ابدال ماگری و ریگی چک که بر مذهب اهل تسنن و جماعت به دستور آباء واجداد خود مستقیم بودند و اصلاً میلی به تشیع نمودند، فرزندان خود را به لاهور پیش همایون پادشاه فرستاده و حکایت تسلط تابعان میر شمس الدین عراقی و شیوع مذهب تشیع مفصل عرضه داده، بلکه کتاب احوط را که میر شمس تألیف کرده بود با عقاید دیگر به جنبش گرزاینده، التماس اصلاح و فرستادن افواج به کشمیر نمود».^(۱)

در نتیجه میرزا حیدر با دعوت سنی های متعصب بر کشمیر حمله برد و به حکومت رسید. او بعد از آن شیعیان را خیلی تحت فشار قرار داد. او مرقد میر شمس الدین را آتش زد، سپس جسد او را از قبر درآورد و سوزاند^(۲) و مرقد ایشان را نیز مزبله قرار داد.

این کتاب یک بهانه بود. حقیقت آن است که آنان علاوه بر شکست در سیاست، از گسترش تشیع در کشمیر وحشت زده شده بودند و گرنه این کتاب در اصل تألیف سید

ص: ۱۲۳

۱ - ۱) دد مری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، ترجمه شمس الدین احمد، ص ۱۲۹؛ مجهول المؤلف، مقدمه بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۸۳.

۲ -) گرچه شیعیان اعتقاد دارند، همین که شیعیان از تصمیم نبش قبر میرزا حیدر با خبر شدند آنان شبانه با کندن نوعی تونل جسد میر شمس الدین را بیرون آورده در جایی به اسم چادوره دفن کردند و الآن؛ قبر میر شمس الدین در همان جا مشهور و معروف است.

محمد نور بخش بود که میر شمس الدین در سفر دوم آن را با خود آورده بود. (۱) مخالفان و دشمنان شیعه، به هر نحوی می خواستند جلوی مذهب شیعه را بگیرند و نیز آنان را از دولت و حکومت محروم کنند، لذا دست به تهمت های بی اساس زیاد دیگری نیز زدند.

مصنّفان و تاریخ نویسان بعدی هم با تأسی از پیشینیان خود تهمت هایی به میر شمس الدین عراقی زدند که امکان پاسخ آنها در این رساله نمی باشد، گرچه این تهمت ها این قدر بی پایه و اساس هستند که انسان عادی نیز تضادی را که در گفتار آنان است به راحتی می فهمد.

۶-۳- وفات میر شمس الدین عراقی

درباره از دنیا رفتن میر شمس الدین عراقی بین مورخان شیعه اختلاف وجود دارد به اینکه آیا میر شمس الدین عراقی بطور طبیعی از دنیا رفتند و یا مخالفان او را به شهادت رساندند. در مورد تاریخ وفاتش نیز بین علما اختلاف وجود دارد.

در کتاب های تاریخی شیعیان همچون تحفه الاحباب، بهارستان شاهی، تاریخ ملک حیدر چادوره نیز در این باره چیزی نیامده است. در عبادتگاه جدیل هم هیچ کتیبه ای وجود ندارد که بروی آن تاریخ وفاتش درج باشد - اما شجره نامه که دست

ص: ۱۲۴

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشیم، ص ۲۳.

خانواده وی است در آن سال وفات او ۹۳۲ هجری نوشته شده است و علما و محققین بعدی هم آن نظریه را تأیید می کنند. و الآن بین علمای متأخر معروف است که ایشان در سال ۹۳۲ هجری از دنیا رفته اند. (۱)

در کتابی که حالات خانواده میر شمس الدین عراقی را بیان می کند آمده است ایشان شهید شده است. دکتر اکبر حیدری از آن کتاب به این نحو نقل می کند که ملاسعید اشرف، خواهر زاده ملا محمد باقر مجلسی با خانم زینب النساء دختر پادشاه اورنگ ریب به کشمیر آمد او اشعاری را در قالب مرثیه بر وفات میر شمس الدین عراقی سروده است. دو بیت زیر از آنها است که از اینها بر می آید که او شهید شده:

چون شهادت یافته بد از شاه شهیدانش بارث

سائلی پرسید از تاریخ سال فوت او

شد شهید به تیغ ناپاکی از شمر ارزل است

گفتمش در اول شهر ربیع الاول است

سید انیس کاظمی نویسنده و شاعر برجسته کشمیر اعتقاد دارد که میر شمس الدین عراقی به شهادت نائل آمده است.

او برای اثبات مدعای خود به شرایط موجود در آن دوره اشاره می کند که در آن زمان بین دو نفر از خانواده سلطان برای بدست گرفتن قدرت، دعوا و اختلاف و حتی جنگ و درگیری بود. کاجی چک که یکی از شاگردان و مرید خاص میر شمس الدین

ص: ۱۲۵

۱- (مجهول مؤلف مقدمه بهارستان شاهی، مرتب دکتر اکبر، ص ۸۴؛ همدان، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۱؛ سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۲۷۹).

عراقی بود و نخست وزیر سابق هم بود به مقتضای زمان گاهی به محمد شاه و گاهی به فتح شاه که دو نفر مدعی قدرت بودند همراهی می کرد. لذا بعضی از اعیان شهر و ذی نفوذ بخاطر دو روئی کاجی چک، هم دشمن کاجی چک و هم دشمن میر شمس الدین شدند (به احتمال اینکه شاید به گفته میر شمس الدین عراقی کاجی چک اینکار را می کند) لذا تصمیم به کشتن هر دو نفر گرفتند و سپس هر دو را در شب تاریکی کشتند. (۱)

از عبارت کحل الجواهر هم ثابت می شود که میر شمس الدین عراقی در آخر عمر به فیض شهادت نائل آمده است. در آن آمده است که:

«درین اوان و دعوی داران تخت و تاج محمد شاه و فتح شاه وادی امن و سلامتی را معرکه فتنه و فساد و جنگ و عناد ساخته، مردمان بعضی طرفداران محمد شاه و بعضی از هواداران فتح شاه گردیدند. کاجی چک وزیر که از ارادتمندان میر شمس الدین عراقی قدس سره بود. «جهانگیر پر رو» و «شنکور رینه» از هواخواهان فتح شاه بودند، امراء عصر و کبراء دهر در حق وزیر کاجی چک سعایت نمودند از مساعدت او انحراف و از طریق ائتلاف و اختلاف ورزیدند. کاجی وزیر خود را از فتنه و آشوب باز داشته از ارضی کشمیر حینت عن التزویر رخت سفر بسته بطرف دیگر مسافرت

ص: ۱۲۶

۱- سید کاظمی، انیس، مقاله ارائه شده در کنفرانس بزرگداشت میر شمس الدین عراقی، بنام حضرت میر شمس الدین محمد العراقی بت شکن، ص ۱۸.

نمود محمد شاه از اعیان شهر استصواب نمود. چون اغلب مردمان با حضرت میر عرش پیما و متبعینش شرارت مذهبی داشتند همگی اشارت قتل ایشان دادند گروهی از قبیله ماگریان را بسر کردگی علی رینه شیخون آن حضرت دلیر و مستعد نمودند آنحضرت با متبعینش خود مشغول تهجد بودند آه از ظلم نواصب و مروانیان که آن اهل کین بر سید صالحین و دیگر سادات و مومنین در سحر جمعۀ المبارک تاخته قریب به سی نفر را بجنت عرضها السموات و الارض فرستادند و کان ذلک فی اول ربیع المولود اثناء ثلاثین و تسع مائة. علی الصباح معتقدان اهل دین و صلاح برین واقعه مضجعه را اطلاع یافتند گریه کنان و نوحه خوانان بعضی سینه خراشیده و کسی روی تراشیده به مرقد آنحضرت آمده، جمله شهدای دین را محول بزمین در عبادتگاه میر شمس الدین نمودند. دشمنان اهل ایمان و وارثان آل ابی سفیان علیهم اللعنة والخذلان واکبهم فی النیران در آن روز جگر سوز متبعین آنحضرت را یک یک گرفته بمالک حقیقی سپردند.» (۱)

با توجه به شرایط آن زمان و بغض و کینه و حسد عموم اهل تسنن بویژه علما و صوفی ها نسبت به میرشمس الدین، و نیز دشمنی سیاست مداران شکست خورده از سیاست و دولت، و دشمنی و کینه نو مسلمانان که پدران و اجدادشان بدست میر شمس الدین و شاگردانش کشته شده بودند. کشته شدن میر از دست آشوب طلبان، بعید بنظر نمی رسد. احتمال شهادت قوی تر است.

ص: ۱۲۷

۱- ابن رضا، علامه، کحل الجواهر، ص ۷.

درباره مذهب میر شمس الدین عراقی، بین مورّخین سه نظریه وجود دارد. بعضی او را نوربخشیه، بعضی شیعه امامیه و گروه سوم او را هم نوربخشیه و هم شیعه می دانند.

مورّخین اهل تسنن (بغیر از میرزا حیدر دوغلت نویسنده تاریخ رشیدی) او را شیعه می دانند^(۱) اما مورّخین شیعه درباره او سه نظریه فوق الذکر را دارند.^(۲)

اما قبل از این که اظهار نظری درباره مذهب میر شمس الدین عراقی بکنیم، مناسب است که اول شرایط تبلیغ میر شمس الدین عراقی را بررسی کنیم که به پی بردن به مذهب میر شمس الدین عراقی کمک زیادی خواهد کرد.

کشمیر جایی است که از زمان قدیم روحانیون هندو - که بنام برهمن ها معروف اند - برای عبادت و ریاضت به آنجا می رفتند، از منابع تاریخ نیز بدست می آید که اولین نسل های

ص: ۱۲۸

۱- (دّمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین و حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲- (مصنّفان تاریخ شیعیان کشمیر، و تاریخ شیعیان علی[×]، او را نوربخشیه و اما دکتر اکبر حیدری، مرتب کننده کتاب تاریخی قرن ۱/ هجری بهارستان شاهی، و سید اطهر حسین رضوی و کاجو سکندر خان سکندر نویسنده قدیم لداخ و همچنین محقق، و ذاکر معروف، معاصر سید انیس کاظمی او را شیعه می دانند.

انسانی توسط همین برهمن های هندوها در کشمیر بوجود آمده است. (۱)

آثار این ریاضت و رهبانیت برهمن ها بین عموم مردم کشمیر هم سرایت کرده بود. لذا برهمن ها همیشه بین عموم مردم و پیش حاکمان کشمیری، در هر زمان یک موقعیت و جایگاه خاصی داشتند. حاکمان همواره سعی می کردند آنان را از خود راضی نگهدارند.

گرچه با اسلام آوردن رینچن شاه توسط سید شرف الدین موسوی، مذهب هندوها از کشمیر برچیده شد. اما آثار این ریاضت و رهبانیت بین مردم باقی ماند- لذا ما می بینیم وقتی میر سید علی همدانی یکی دیگر از مبلغین اسلامی از ایران (همدان) به کشمیر آمد او نیز تبلیغ اسلام را با توجه به دین روحيات شروع کرد که کشمیری ها به آن مأنوس بوده اند. (۲)

و علمایی که از طریق مستقیم و بدون توجه به این گرایش فکری وارد تبلیغ دین اسلام در کشمیر شدند. گرچه خدمات بزرگی برای ترویج دین اسلام انجام دادند، اما تأثیر تبلیغ آنان محدود ماند و اسلام از شهر یا روستا و یا از منطقه آنان خارج نشد و توسعه و گسترشی پیدا نکرد.

میر شمس الدین عراقی از طرف والی خراسان به کشمیر آمد. و هشت سال در کشمیر گذراند. به نظر

ص: ۱۲۹

-
- ۱- برای تفصیل به کتاب های تاریخی کشمیر همچون واقعات کشمیر، از محمد اعظم ددَمری، و تاریخ حسن از حسن شاه مراجعه شود.
 - ۲- بین عموم اهل تسنن می بینیم که آنها بعد از نماز صبح اورادی را فتحیه می خوانند در هیچ جای دنیا بین اهل تسنن معمول و معروف و آشنا نیست و این همان انس و الفت مردم کشمیر به این روحیه است.

می‌رسد در این هشت سال او آداب و رسوم، فرهنگ و تمدن بومی کشمیر را دریافته و درک کرده که اگر می‌خواهد دین اسلام و تشیع در اینجا گسترش یابد، باید از همان راهی وارد شود که بین عموم مردم و حتی علما مأنوس و محترم است. گفته مذکور از مقدمه بهارستان شاهی که مورخ دکتر اکبر حیدری آن را ترتیب داده است نیز تأیید می‌شود. او می‌نویسد:

«میر شمس الدین عراقی از سادات موسوی بوده است. و می‌خواست مذهب شیعه امامیه را در پرده تصوف گسترش دهد، لذا او راه تقیه را پیش گرفت. و اگر او این راه را انتخاب نمی‌کرد در هدف و مقصدش پیروز نمی‌شد چون در این زمان مردم تازه به دین اسلام پیوسته بودند». میر شمس الدین عراقی وقتی وضعیت را چنین دید خودش هم همان روش را انتخاب کرد. و در این راه شخصیت‌های بزرگ را با خود همفکر کرد. اینها بدون جبر و اکراه در راه میر شمس الدین وارد می‌شدند و مذهب ایشان را می‌پذیرفتند».^(۱)

نگارنده نظرش بر این است که میر شمس الدین عراقی شیعه امامیه بوده اما روابط نزدیکی نیز با نوربخشیه داشته است. و بخاطر وضعیت مخصوص کشمیر در پوشش نوربخشیه (که در آن زمان تفاوت چندانی با شیعه نداشت منتهی بعد تصوف داشت و یکی از فرقه‌های شیعه بشمار می‌رفت) ^(۲) شیعه امامیه را ترویج کرده‌اند.

ص: ۱۳۰

۱- (مجهول المؤلف، مقدمه بهارستان شاهی، مرتب دکتر اکبر حیدری، ص ۴۴).

۲- (با گذشت زمان تغییر زیادی در نوربخشیه (که گروهی از صوفیان هستند) اتفاق افتاده است و خیلی از مذهب تشیع فاصله گرفته است).

۱- بر سر کتیبه قبر وی اسامی ائمه دوازده گانه طبق شیعیان نوشته شده است. این برخلاف آنچه است که میرزا حیدر دوغلت در تعریف نوربخشیه آورده است که آنان سید محمد نور بخش را امام دوازدهم می دانند.

۲- دلیل دیگر این است که اگر او پیرو نوربخشیه بوده است پس شیعیان کشمیر کی و توسط چه کسی به امامیه پیوستند؟ چون بعد از وی عالم به این بزرگی به کشمیر نیامده است که مذهب تشیع را به این اندازه گسترش داده باشد. در حالی که شیعیان به تواتر در کتب شیعه و سنی، بعنوان شیعه نه نوربخشیه، در زمان چک ها، مغول، افغان ها حضور گسترده دارند

۳- کمترین تعداد مسلمان شده به دست وی را ۲۴ هزار خانواده ذکر کرده اند. اگر او نور بخشیه بوده پس می بایست این فرقه در کشمیر بعد از او تا اکنون وجود داشته باشد. در حالی که در زمان فعلی حتی یک نفر از نور بخشیه در کشمیر (وادی) وجود ندارد. (۱)

۴-

اگر او نوربخشیه بود حداقل از ذریه اش کسی بر نوربخشیه بطور طبیعی باقی می ماند. و یا حتی در شجره نسب شان به آن اشاره می شد در حالیکه حتی یک نفر از نسل وی نوربخشیه نیست و نه در شجره نامه آنان به آن اشاره شده است. (۲)

ص: ۱۳۱

-
- ۱- نگارنده؛ که به سرزمین کشمیر تعلق دارد. و الآن ۳۲ سال سن دارد. اسم نوربخشیه را در جمهوری اسلامی ایران شنیده است.
 - ۲- بنده در این رابطه از دوست و رفیق جناب سید هادی موسوی که ایشان از ذریه میرشمس الدین عراقی هستند پرسیدم. وی به کلی این را رد کرده اند که در خانواده وی کسی نوربخشیه وجود دارد. و یا در شجره نسب شان، اشاره ای به نور بخشیه بودن میر شمس الدین عراقی شده است.

۵- تمام مورخین اهل تسنن - بجز میرزا حیدر دوغلت - او را بانی تشیع در کشمیر می دانند و او را شیعه معرفی کرده اند.

قطع نظر از مذهب میر شمس الدین عراقی این یک حقیقت واضح و آشکار است که میر شمس الدین عراقی با سعی و تلاش و با جذب ایمان و شهادت، چنین خدماتی را به دین اسلام کرد که نه قبل از او و نه بعد از او، کسی تاکنون نکرده است.

او بود که اسلام را به مناطق دور افتاده رساند، در هر محله، روستا، شهر، معلم و مبلغ مستقر ساخت تا به تازه مسلمانان، مرد و زن، احکام اسلام و قرآن یاد بدهند.

میر شمس الدین عراقی علاوه بر توسعه و گسترش تشیع، توجه خاصی نسبت به تربیت مبلغان و شاگردان داشت. در تحفه الاحباب و بهارستان شاهی آمده است، میر شمس الدین عراقی هزاران شاگرد داشت، که همراه میر شمس الدین عراقی شانه به شانه ایشان برای تبلیغ و ترویج دین اسلام می ماندند و فعالیت زیادی برای ترویج اسلام به همراه میر شمس الدین عراقی انجام دادند، اما فعالیت همه آنها در تاریخ ثبت نشده است، بلکه فقط اسامی بعضی از آنها را در حوادث بعدی ما می بینیم. لذا ما ناچاریم فقط به ذکر اسامی آنها بسنده کنیم. اسامی آن شخصیت ها

ص: ۱۳۲

به این گونه بوده است: مولانا جنید، مولانا کمال، مولانا زیرک، مولانا بابا شمس گنائی، مولانا حاجی بایزید، مولانا خلیل الله، مولانا عثمان گنائی، مولانا سیف، مولانا عبدالرحمن، مولانا میر حسین، ملا بابا علی، ملا جوهر، ملا محمد امام، خواجه رفیق، مولانا سید افضل حافظ محمود کیانی، ملا حسن عودی، ملا درویش محمد قاضی، محمد قدسی، مولانا سید احمد، مولانا سعید، مولانا سعد الله، دلو صوفی، مولانا حاجی علی، صوفی جمال، تاج الدین خادم، مولانا محمد گنائی، مولانا ناصر، مولانا حفظ بصیر، مولانا امیر سید بدر، مولانا نصرت. (۱)

از این شاگردان میر شمس الدین عراقی، در منابع تاریخی فقط فعالیت بابا علی، بابا خلیل، بابا حسن زدی بلی، میر دانیال و محمد قاضی تا حدودی ثبت شده است.

۴- میر سید دانیال

میر دانیال طبق نظر تمام مورخان شیعه و سنی، فرزند میر شمس الدین عراقی بوده است. او در سال ۸۹۵ هجری قمری در سرزمین وحی، مکه معظمه به دنیا آمده است.

هنگامی که میر شمس الدین عراقی در اثر کینه و بغض سید محمد بیهقی، از کشمیر به لداخ رفته بود، کار ساخت و ساز عبادتگاه جدی بل به همراه بابا علی

ص: ۱۳۳

نچار، با وجود سن کم به دوش وی گذاشته شده بود. بعد از به قتل رسیدن سید محمد بیهقی وقتی او برای عرض تبریک نخست وزیری نزد موسی رینه رفت، موسی رینه با آن که حاکم وقت کشمیر بود فوراً از جای خود بلند شد و او را جای خود نشاند و تاج خود را بر سر ایشان گذاشت. (۱)

بعد از میر شمس الدین عراقی، او کارهای زیادی برای ترویج شیعه در کشمیر انجام داد تا جایی که جان خود را نیز در این راه از دست داد.

هنگامی که میرزا حیدر با وعده و وعید اهل تسنن بر کشمیر مسلط شد و بر شیعیان عرصه حیات تنگ کرد و هر طرف شیعیان را تحت تعقیب قرار داد او از کشمیر به اسکرودو فرار کرد. اما میرزا حیدر میر دانیال را از اسکرودو دستگیر کرد و به زندان انداخت، اما چون با کشتن میر دانیال ممکن بود اوضاع سیاسی کشور بهم بخورد و قدرت میرزا حیدر نیز در آن صورت از بین برود، لذا با بهانه سب بر خلفا او را با دو گواه دروغین محاکمه کرد سپس با فتوای مفتیان درباری او را به اعدام محکوم کرد. و به این ترتیب ۲۴ صفر ۹۵۷ هجری قمری در شهاب الدین او را به قتل رساند. (۲)

ص: ۱۳۴

۱- همان، مقدمه بهارستان شاهی، ص ۹۳.

۲- ددَمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین، ص ۱۳۰؛ مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۹۶.

اما بعد از آن طولی نکشید که میرزا به هلاکت رسید و جنازه میر سید دانیال توسط یکی از مریدان میر شمس الدین عراقی به نام دولت چک و در کنار میر شمس الدین به خاک سپرده شد. تا چندی پیش یک کتیبه بر روی قبر وی نصب بود که بر روی آن اسامی ائمه معصومین حک شده بود.

به نظر می آید میرزا حیدر، علاوه بر تعصب و جنون مذهبی که نسبت به شیعیان داشت، علت دیگری نیز برای کشتن میر دانیال داشت و آن محبوبیت روز افزون حضرت میر دانیال بود و این محبوبیت روز افزون اقتدار میرزا را به چالش کشیده و یک تهدید بزرگ برای او بود، لذا بخاطر ترس از شورش، میردانیال را زندانی کرد و در همان جا به قتل رساند.

خلاصه

تبلیغ دین اسلام در کشمیر به وسیله جهانگردان، بازرگانان، و ماجراجویان آغاز شد و بعد با سفر روحانیون و مبلغین از ایران و آسیای مرکزی تحریک بیشتری یافت.

شرایط حاکم در کشمیر در اوائل قرن چهاردهم برای انتقال از هندوئیسم به اسلام کاملاً مناسب بود.

سید شرف الدین موسوی اولین صوفی است که از ترکستان به آنجا سفر کرد و توانست پادشاه کشمیر به نام رینچن شاه را مسلمان کند و مملکت اسلامی پایه گذاری

ص: ۱۳۵

کند. با ورود میر سید علی همدانی اسلام پیشرفت بزرگی کرد وی در کشمیر به نام شاه همدان و امیر کبیر معروف است. وی در مجموع سه بار به کشمیر سفر کردند و تأثیر عمیقی بر زندگی اجتماعی - فرهنگی آنجا گذاشتند.

بعد از وی فرزند وی به نام میر سید محمد همدانی به کشمیر آمدند و بیشتر به اسلام دوام بخشیدند. در همین زمان علمای دیگری از جمله سید محمد مدنی، سید حسین قمی و ملا عالم انصاری نیز به کشمیر آمدند و اسلام را بیش از پیش استوار و مستحکم ساختند.

تشیع در کشمیر همان اندازه پیشینه دارد که ورود اسلام در این سرزمین دارد. طبق نقل بعضی از مورخین اولین مبلغ اسلام و تشیع در کشمیر سید شرف الدین موسوی می باشد. سپس با ورود مبلغانی همچون میر سید علی همدانی، و فرزند وی میر سید محمد همدانی تقویت شد. اما بخاطر کوتاهی شیعیان در تاریخ نویسی اطلاعات بیشتر آن در دست نیست. و این سبب شده است که اهل تسنن آن بزرگواران را به مذهب خود نسبت بدهند. بطور مسلم علمایی همچون سید محمد مدنی، سید حسین قمی و ملا عالم انصاری شیعه بودند و بطور آشکار همین مذهب را در کشمیر رواج دادند. با آن که همه آنان تمام سعی و تلاش خود را برای توسعه و ترویج نمودند اما باز هم تشیع در همان مناطق مسکونی شان محدود ماند. تا اینکه میر شمس الدین عراقی به کشمیر آمد.

میر شمس الدین عراقی که در سولغان ایران به دنیا آمده است. دو بار به

کشمیر سفر کرده است. اولین بار وی در سال ۸۸۲ هجری بعنوان سفیر سلطان حسین بایقرا حاکم خراسان به کشمیر آمد و بعد از ۸ سال اقامت در کشمیر در سال ۸۹۰ هجری دوباره به خراسان برگشت. اما چون وی در این ۸ سال مسئولیت سفیری بعهدہ داشت خیلی دست به فعالیت دینی نزد و فقط توانسته است عوامل توسعه تشیع در کشمیر را شناسایی کند.

اما هنگامی که وی بعد از ۱۲ سال در سال ۹۰۲ هجری با درخواست شاه قاسم نور بخش به کشمیر آمد، تمام توان خود را برای گسترش و توسعه تشیع بکار گرفت. و توانست در بعضی از افراد سرشناس در دولت و قدرت کشمیر نفوذ کند و آنان را به دایره تشیع وارد کند. معروف ترین افراد آن ملک موسی رینه، کاجی چک، حسین چک و دولت چک (نام شخص) بودند. میر با فعالیت تبلیغی توانست با کمک ملک موسی رینه نخست وزیر کشمیر ۲۴ هزار خانواده هندوها را به تشیع هدایت کند. علاوه بر آن بعد از اندکی با سعی و تلاش میر در مساجد کشمیر از جمله مسجد جامعه خطبه به نام ائمه معصومین علیهم السلام خوانده شد. وی بتخانه های زیادی در کشمیر تخریب کرد و بجای آن مساجد و اماکن مذهبی دیگری ساخت.

ص: ۱۳۷

فصل سوم: شیعیان در دوره چک ها

اشاره

ص: ۱۳۹

همان گونه که قبلاً نیز اشاره گردید، با سعی و تلاش میر شمس الدین عراقی بعضی از بزرگان و سیاستمداران محلی از جمله کاجی چک، حسین چک، پاندو چک و دیگر افراد با نفوذ از طائفه چک به مذهب شیعه امامیه پیوستند.

این طائفه در سال ۹۶۲ هجری به حکومت راه پیدا کرد و تا سال ۹۹۴ هجری ادامه یافت. در این دوره شیعیان فرصت خوبی برای توسعه و گسترش مذهب خود پیدا کردند. در تاریخ تشیع کشمیر می توانیم این دوره را یک دوره طلایی و استثنایی بنامیم. در این دوره که شیعیان در رأس سیاست بودند کارهای زیادی برای توسعه و ترویج تشیع انجام گرفت. اما تعصب برخی از بزرگان اهل تسنن با ترویج روز افزون تشیع باعث شد آنان دست به کارهایی بزنند که علاوه بر از بین رفتن حکومت شیعیان (چک ها) استقلال کشور نیز از بین برود.

اکنون کارهایی که در این دوره برای ترویج فرهنگ بومی کشمیر و نیز تشیع در زمینه های مختلف از جمله فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی، آموزشی و غیره صورت گرفتند را بررسی خواهیم نمود.

۱- تاریخچه اجمالی دوره چک ها

طایفه چک ها از دودمان شیعه اثنی عشری بوده اند و این طایفه ۳۲ سال (از ۹۶۲ تا ۹۹۴ هجری قمری) بر کشمیر حکومت راندند و تحول عظیمی در جامعه آن روز کشمیر بوجود آوردند.

این طایفه در واقع اهل داردُو بوده است (۱) که بنام «کشن گنگاویلی» شناخته است. حاکم اعلی این خانواده لنگر چک بود. که وی با دیگر اعضای خانواده در زمان حکومت سهدیو (۸۰۵ تا ۸۲۷ هجری قمری) از داردو به کشمیر آمد. و منطقه تره گام در غرب کشمیر را برای زندگی خود اختیار کرد (۲).

طبق نقل مورخین اینان در اول در نوکری و خدمت گزاری پادشاهان کشمیر مشغول شده اند. اما بتدریج در دربار نفوذ پیدا کردند. بویژه درگیری شاهزادگان برای بدست آوردن دولت و حکومت قدرت نفوذ چک ها را بیش از پیش افزایش داد. بخاطر اینکه مردمان چک ها از توانایی و شجاعت خاصی برخوردار بودند نفوذ آنان در دربار تا حدی گسترش پیدا کرد که می توانستند پادشاه را نصب و عزل کنند.

سه نفر از این چک ها که علاوه بر توانائی و شجاعت بی مثال، نفوذ زیادی در دربار پیدا کرده بودند توسط میر شمس الدین عراقی شیعه شده اند، و کمک زیادی به

ص: ۱۴۲

۱- فوق، محمد الدین، تاریخ اقوام کشمیر، ج ۱، ص ۳۹۸؛ ددَمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۴۱.

۲- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۲۵۵.

میر شمس الدین عراقی برای ترویج تشیع در کشمیر نموده اند.

در عرض اینها، قبیله و طایفه دیگری نیز از چک ها در کشمیر بوده که رقیب اصلی سیاسی و دینی چک های شیعیان بودند. آنان اهل تسنن بوده اند و در شهرستان کپواره در غرب کشمیر زندگی می کردند. فامیلی اینها با چک های شیعیان دیگر خیلی دوری پیدا کرده بود. معمولاً بین آنان همواره جنگ و دعوا بود. (۱)

در دوره ۳۲ ساله حکومت ۶ نفر از چک ها به مقام پادشاهی رسیدند اما کاجی چک و دولت چک دو نفر دیگر از این خانواده قبل از آن به مقام وزارت رسیده بودند.

گرچه در این دوره شیعیان و سنی ها با هم زندگی مسالمت آمیزی داشتند و هیچ حادثه و درگیری مذهبی در منابع نیامده است، اما در آن شکی نیست که بعضی از افراد فرصت طلب و خودخواه در بین اهل تسنن بوده اند که از مذهب استفاده سیاسی می کردند.

در این دوره مناطق مستقل و خودگردان شده کشمیر دوباره به کشمیر ملحق شدند. و پادشاهان وحدت و اتحاد بین مسلمین را حفظ کردند و مسئولیت ها بدون در نظر گرفتن عقائد فرد به شایستگان آن واگذار می شد. لذا در بعضی از این دوره مقام نخستین وزارت، امام جمعه، قاضی القضاة از اهل تسنن انتخاب شده بودند اما بنابر عوامل داخلی و خارجی حکومت چک ها نتوانست بیش از ۳۲ سال دوام بیاورد و کشور دست

ص: ۱۴۳

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۲، ص ۳۰۶؛ همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۹.

۲- وضعیت سیاسی شیعیان کشمیر در دوران چک ها

اشاره

گرچه حکومت و پادشاهی شیعیان کشمیر از سال ۹۶۲ هجری شروع شده است اما سال ها پیش از آن آنان در اوائل نیمه اول قرن دهم هجری در دوران زندگی میر شمس الدین عراقی نفوذ زیادی در دربار و حکومت پیدا کرده بود. و بخاطر شجاعت و توانایی جسمی و تیز هوشی بعضی از بزرگان آنان در رأس سیاست قرار گرفته بودند.

اولین نفر از شیعیان کشمیر بنام ملک موسی رینه^(۱) به مقام نخست وزیری رسید. وی از سال ۹۰۷ تا ۹۱۶ نه سال مقام وزارت را بعهده داشت.
(۲)

بعد از او کاجی چک به عنوان نخست وزیری، جانشین او شد. میهن پرستی وی کشمیر را از سه حمله پیاپی مغول در سال های ۹۳۴، ۹۳۵ و ۹۳۸ نجات داد.

کاجی چک توسط میرزا حیدر - که با دعوت و همکاری بعضی از بزرگان اهل تسنن به حکومت رسید - بر کنار شد. و در ۲۳ جمادی الاخر سال ۹۵۲ قمری از جهان رفت.^(۳)

ص: ۱۴۴

۱- (ملک موسی رینه یکی از حامیان سر سخت و از شاگردان میر شمس الدین عراقی بوده است.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۷.

۳- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۲، ص ۳۴۴.

با از دنیا رفتن کاجی چک شیعیان دچار تفرقه شدند(۱). چون دیگر همچون کاجی چک کسی نبود که اتحاد شیعیان را حفظ کند. لذا آنان دچار نوعی عدم اعتماد به نفس و ناامیدی شدند.(۲)

۱-۲- مظالم میرزا حیدر بر شیعیان کشمیر

اشاره

میرزا حیدر که با همراهی امراء و سیاستمداران اهل تسنن به حکومت رسیده بود از اول آدم بی رحم و ستمگری بود. به همین دلیل در حمله او تمام علمای کشمیر (شیعه و سنی) علیه او فتوای جهاد صادر کرده بودند.(۳) اما با شکست او در حمله اول و نیز مقاومت کاجی چک در برابر او، تعصب شیعیان در دل او تشدید شد. فوت کاجی چک و نیز تفرقه و پراکندگی شیعیان بعد از او سبب شد او انتقام سیاسی و مذهبی از شیعیان بگیرد.

میرزا حیدر پیرو مذهب حنفی بود. از اینرو علاوه بر شیعیان سنی های شافعی مذهب را نیز بخاطر شرکت در جنگ های علیه آنان مورد تجاوز قرار داد. شرائط زندگی برای شیعیان بسیار دشوار گردید، دیگر کسی جرأت بیان عقیده نمی کرد. برای قتل کسی کافی بود به او نسبت شیعه داده شود. حتی طبق نقل مورخین اهل تسنن

ص: ۱۴۵

۱- رضوی، علی حسین، تاریخ شیعیان علی، ص ۳۶۷.

۲- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۱۲۰.

۳- ددَمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۳۰.

بعضی از اهل تسنن نیز بخاطر دوستی با اهل بیت علیهم السلام توسط او کشته شدند.

میرزا حیدر در دوره ده ساله حکومت خود چنان بر شیعیان سخت گرفت که شیعیان نتوانستند حتی نام مسلک شان را اظهار کنند لذا خیلی به گمنامی و در تقیه رفتند که باعث کاهش تناسب جمعیت شیعیان در مقابل دیگران شد. میرزا حیدر در کتاب تاریخی خود بنام تاریخ رشیدی درباره اوضاع آن روز کشمیر چنین می نویسد:

«الحمد لله الذی علی هذا التوفیق حلیا»^(۱) «کس از این مزخرفات (عقائد تشیع) را اشکارا نمی تواند کرد. همه منکر مطلق اند و خود را از اهل تسنن و جماعت می نمایند. و شدت بنده پیش اینان معلوم شده است که اگر ظاهر شود به غیر قتل معامله دیگر نخواهد رفت»^(۲)

این در حالی بود که - به گفته مصنف تاریخ حسن - میرزا حیدر در همین حال با هندوها با خوش اخلاقی برخورد می کرد، و با خدمتگذاری محبت خودش را به آنها ابراز کرده دل های هندوها را خوشحال می کرد^(۳). اینک از ظلم و ستم هایی که میرزا بر شیعیان روا داشته است مرور اجمالی می کنیم:

ص: ۱۴۶

۱- (یعنی «در حال حاضر».

۲- (دوغلت، میرزا حیدر، تاریخ رشیدی، تصحیح عباس قلی غفاری فرد، ص ۶۲۹.

۳- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۲، ص ۳۴۲.

الف - به قتل رساندن میر دانیال فرزند میر شمس الدین عراقی

میر دانیال هنگامی که با حضور میرزا حیدر کاشغری حالات و شرایط را برای تبلیغ در کشمیر مساعد ندید برای تبلیغ دین به اسکردو شمال غرب کشمیر رفت. میرزا حیدر میر دانیال را از آنجا دستگیر کرد. تا یک سال او را زندانی کرد سپس با دو گواه دروغین او را با فتوای قاضی ابراهیم و قاضی عبد الغفور به قتل رساند. (۱)

ب - کشتار عموم علمای شیعه

میرزا حیدر علاوه بر میر دانیال علمای بزرگ دیگر شیعیان را نیز به قتل رساند. و با قطعه قطعه کردن اجساد آنان بعضی از آنان را سوزاند (۲) و جسد بعضی از آنان را جلوی سگ ها انداخت. بابا علی نجار، مرید میر شمس الدین عراقی و عارف بزرگ شیعیان را که بیش از صد سال سن داشت، دستگیر کرده ریش او را تراشید، سپس صورت او را سیاه کرده برای وارد کردن صدمه روحی، او را سوار بر استر کرده به خانه اش فرستاد (۳) علاوه بر آن مورد حاجی خطیب که یک عالم اهل تسنن بود را به اتهام شیعه به قتل رساند (۴).

ص: ۱۴۷

۱- همان، ص ۳۴۷؛ سید موسوی، باقر، اختر درخشان، ص ۱۹۰.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۴۴.

۳- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر، اکبر حیدری، ص ۱۲۱.

۴- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۲، ص ۳۴۵.

میرزا حیدر با کمک و مشورت دیگر امرای اهل تسنن، تمام اهل تسنن را برای غارت خانه های شیعیان تحریک کرد. لذا مردم از همه طرف بسوی خانه های شیعیان ریختند و آنها را خراب کردند(۱).

د - سوزاندن آستان میر شمس الدین عراقی و توهین به جنازه میر

میرزا حیدر برای فرو نشاندن کینه ای که بخاطر تبلیغ تشیع در کشمیر نسبت به میر شمس الدین عراقی داشت، به آستان میر شمس الدین عراقی حمله کرد. جنازه میر شمس الدین عراقی را نیز بیرون آورد و آتش زد(۲) بعد از آن هر روز هیزم زیادی در آنجا جمع می کرد و سپس می سوزاند.

در آخر قبر میر شمس الدین را جای مزبله قرار داد.(۳)

ص: ۱۴۸

۱- همان، ص ۲۴۶.

۲- ددَمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۲۹، اما طبق اعتقادات شیعیان، قبل از اینکه میرزا حیدر این حرکت را انجام بدهد بزرگان شیعیان از آن مطلع گشتند و شبانه جنازه میر شمس الدین را بیرون آورده به چادوره منتقل کرده اند و در آنجا به خاک سپردند. الآن؛ مقبره میر شمس الدین بجای زدی بل در همانجا معروف است. روزانه ده ها نفر برای زیارت و طلب حاجات در آنجا حاضر می شوند.

۳- همان، ص ۱۲۹؛ همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۴۴.

در سال ۹۵۷ هجری قمری بین میرزا حیدر و بعضی از امرا و بزرگان اهل تسنن که در جرائم و به حکومت رساندن وی شریک بودند اختلاف بوجود آمد، که منجر به درگیری شد و در این درگیری شیعیان نیز به فرماندهی «دولت چک» حضور چشمگیری در صف مخالفان وی داشتند. این درگیری با کشته شدن میرزا حیدر به پایان رسید.

۳- حکومت شیعیان در کشمیر

اشاره

شیعیان و چک ها پس از چند سال بر کناری کاجی چک تحت رهبری «دولت چک» موقعیت خود را تحکیم بخشیدند. ابراهیم شاه سلطان کشمیر دولت چک (۱۱) را به نخست وزیری منصوب کرد. دولت چک به علت دعوی خانوادگی به وسیله غازی چک و حسین چک پسر عموهای خود بر کنار شد. و غازی چک به نخست وزیری رسید.

۳-۱- پادشاهی غازی چک

روزی از پادشاه کشمیر بنام حبیب شاه در دربارش اشتباهی سرزد (۲) لذا علی چک برادر غازی چک آشکارا تاج از سر حبیب شاه برداشت و بر سر غازی چک که خود

ص: ۱۴۹

۱- یکی از وزرای شیعیان از طائفه چک ها.

۲- درباره اشتباه او بین مورخان اختلاف است اما بیشتر قائل هستند که در درباری که پر از جمعیت بود با صدای بلند از او ریح خارج شد. و یا به اصطلاح گز زد. اما طبق بهارستان شاهی در فرمان دادن اشتباه فاحش از او سر زد.

را پادشاه خواند نهاد. (۱) غازی چک اندکی پس از دستیابی به تاج و تخت سلطنتی شورش اشراف سرکش را سرکوب و صلح و آرامش را در کشمیر برقرار کرد.

وی

تمام مناطق از جمله لداخ، اسکر دو، گلگت، پکهلی داردو، کشتوار و کوه های هند که قبل از او اعلام استقلال کرده بودند را تصرف کرده دوباره به کشمیر ملحق ساخت (۲). او مذهب را برای اتباع خود آزاد و کار اجباری را لغو کرد. غازی در سال ۹۷۱ هجری قمری جای خود را به حسین چک برادرش داد. (۳)

۲-۳- حسین چک

حسین چک با یک رشته توطئه های پیاپی روبرو شد که همه را سرکوب کرد. حسین چک حکمرانی رحیم و مدیری لایق و از یک ذائقه خوب برخوردار بود. او پس از نماز جمعه بین مردم فقیر و نیازمند پول تقسیم می کرد. او کشور را از شر دزدان و سارقان رها نمود. او کارهایش را به این ترتیب برنامه ریزی کرده بود: جمعه را به گفتگو با ادبا و محققان اختصاص داده، شنبه را در صحبت کاهنان برهمن و بودائی می گذراند، یکشنبه را با صوفی ها می گذراند، دوشنبه با قاضی ها و مفتی ها در دربار می نشست، سه شنبه به شکار میرفت، چهارشنبه را با ارتش سپری می نمود و پنجشنبه

ص: ۱۵۰

۱- (ددَمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین.

۲- (سید رضوی، علی حسین، تاریخ شیعیان علی، ص ۳۲۹.

۳- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۱۴۰.

۳-۳- علی چک

حسین چک در سال ۹۷۸ هجری به علت ضعف و ناتوانی به نفع برادرش علی چک کناره گیری کرد. و به این ترتیب سلطنت به علی چک رسید. اصلاحات علی چک در زمینه قوانین کیفری مانند برانداختن مجازات قطع اعضاء و اعدام باعث محبوبیت بیشتر او بین مردم شد. او نا آرامی داخلی را - که توسط اشراف سرکش و بعضی از افراد ناراضی از سلسله چک پیش آمده بود - سرکوب کرد. و امنیت را به کشور باز گرداند. او برای ایجاد وحدت و اتحاد بین مسلمین، نخست وزیر خود را از اهل تسنن بنام سید مبارک انتخاب کرد.

۳-۴- مرتبه اول پادشاهی یوسف چک

علی چک در اثر آسیب سختی که از ناحیه زین اسب در هنگام چوگان بازی به او رسید از دنیا رفت. پس از او در جنگی که بین یوسف چک و ابدال چک برای جانشینی علی چک اتفاق افتاد یوسف چک پیروز شد و به سلطنت رسید. او تمام مالیات های غیر عادلانه را لغو و سعی کرد موقعیت خود را تحکیم بخشد. چند ماه از سلطنت یوسف نگذشته بود که اشراف ناراضی و نیز نزدیکان حسود وی شورش گسترده ای راه

ص: ۱۵۱

انداختند. یوسف با آنها وارد جنگ شد و شکست خورد. و به رجوری فرار کرد. بجای یوسف سید مبارک نخست وزیر او به سلطنت دست یافت. اما به قدرت رسیدن مبارک بسیاری از اشراف چک را ناراحت کرد. آنها از یوسف دعوت کردند به کشور باز گردد. اما یوسف هنگام درگیری با مبارک، کمکی از دعوت کنندگان دریافت نکرد. (۱) و بار دیگر شکست خورد و به رجوری گریخت.

۵-۳- لوه چک

در این میان اشراف چک تلاش کردند و موفق نیز شدند که مبارک را وادار کردند به نفع لوه چک کناره گیری کند. سلطنت نه ماهه لوه چک با یک حکومت عادلانه و رفاه قابل ملاحظه همراه بود.

۶-۳- مرتبه دوم پادشاهی یوسف چک

سپس یوسف برای باز پس گیری تخت و تاج از اکبر شاه تقاضای کمک کرد. اکبر که منتظر چنین فرصتی بود و می خواست کشمیر را به هند ملحق کند تا مرز شمالی مستحکم خود را که از تبت، کشمیر، کابل، قندهار تا بلوچستان ادامه داشت استوارتر گرداند.

اکبر به درخواست یوسف جواب مثبت داد و نیروهای خود را به فرماندهی راجه

ص: ۱۵۲

۱- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۶۴.

مان سینگ برای حمله به کشمیر اعزام کرد، اما یوسف چک وقتی به لاهور رسید اثرات ناخوش آیند این حمله را فهمید که دیگر خارجی ها، با او بعنوان یک خراجگر رفتار خواهند کرد. لذا از کمک گیری از نیروهای مغول صرف نظر کرد و با جمع آوری نیروهای محلی به تنهایی با لوه چک جنگید و پیروز شد و به سلطنت بار دیگر دست یافت. اکبر شاه از اینکه یوسف از نیروهای او استفاده نکرد ناراحت شد و بعد از مدت کوتاهی دو سفیر به کشمیر اعزام کرد، و به یوسف پیغام فرستاد فوراً خودش را به دربار اکبر برساند. یوسف گرچه بخاطر حفظ کشور از حمله اکبر می خواست به دربار او برود، اما تقاضای عموم برای مبارزه با حمله و تهاجم اکبر، تصمیم وی را تغییر داد. (۱)

برخورد یوسف با درخواست اکبر او را خشمگین ساخت به همین دلیل فرمان حمله بر کشمیر را صادر کرد. ارتش مغول از طریق هزاره وارد کشمیر شد و درباره مولا جنگی صورت گرفت. مغول بر اثر کمبود مواد غذایی و سختی هوا و نیز مقاومت سرسختانه کشمیری ها تن به عقب نشینی دادند و تقاضای صلح نمودند. یوسف بطور پنهانی با فرماندهان مغول درباره صلح مذاکره کرد. آنان به او اطمینان دادند فقط بعد از ادای احترام به دربار اکبر به کشورش برگردد. یوسف که مایل بود

ص: ۱۵۳

۱-) طبق نقل ددَمری، تمام کشمیری ها صغیر و کبیر، پیر و جوان، زن و مرد حاضر شدند تا آخرین قطره خون از کشور در برابر بیگانگان دفاع خواهند کرد.

کشور و مردمش را از آزار و اذیت بعدی ارتش مغول نجات دهد صلح نامه را پذیرفت(۱). یوسف در سال ۹۹۴ هجری قمری در دربار اکبر حضور یافت اما بجای اجازه بازگشت به کشمیر در لاهور زندانی گردید. سپس به بهار(۲) تبعید شد.(۳) وی سپس در سال ۱۰۰۰ هجری قمری از دنیا رفت و در بیسواک منطقه پتنه به خاک سپرده شد.(۴)

۷-۳- یعقوب چک

پس از نقض پیمان صلح به وسیله مغول ها، یعقوب چک خود را پادشاه کشمیر اعلام کرد. اما در دوران حکومت او رقیبان سیاسی او به بهانه های مختلف تعصب های مذهبی را شعله ور می ساختند که منجر به سلب آزادی و استقلال کشور شد.

ریشه همه فتنه ها قاضی موسی بود. وی یک عالم سنی بود اما نسبت به شیعیان خیلی تعصب داشت. و برای از بین بردن خانواده پادشاهان شیعه با مخالفان آنان در ارتباط بود و به آنان کمک نیز می کرد.(۵)

وی در حکومت یعقوب چک و قبل از آن مرتکب خطاهایی شده بود که نمی شد از

ص: ۱۵۴

۱- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۶۶.

۲- یکی از ایالت های هند.

۳- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۱۸۳.

۴- سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۲۹۵.

۵- نجفی، سید محمد، تاریخ شیعیان کشمیر تا دوره مغول کبیر، ص ۱۱۵.

آنها به راحتی گذشت لذا یعقوب چک او را بخاطر توطئه و غداری اعدام کرد.^(۱) این اقدام موجب شورش بیشتر در کشمیر شد. بزرگان اهل تسنن از قتل او سوء استفاده کرده و مردم را علیه یعقوب تحریک نمودند و کم کم وحدت کشمیری ها از هم پاشیده شد. علماء و امرای اهل تسنن که حاضر نبودند پیشرفت شیعیان را در کشمیر ببینند یک هیئت به رهبری شیخ یعقوب صرفی، و بابا داؤد خاکی به دربار اکبر شاه فرستادند و از او خواستند کشمیر را نیز به قلمرو خود ملحق سازد. اکبر نیز از آنها امتیاز گرفته به بندهای زیر توافق کرد:

۱- بعد از تسلط مغول بر کشمیر از کشمیری ها در مسؤلیت های

حساس و کلیدی استفاده نخواهد شد.^(۲)

۲- چک های شیعه در کشمیر، اجازه زندگی کردن نخواهند داشت.^(۳)

۳- کشمیری ها نمی توانند از اسلحه استفاده کنند.^(۴) نیز در ارتش استخدام نخواهند شد.

بعد از به توافق رسیدن امرای کشمیر با اکبر، وی سپاهیان خود را به فرماندهی قاسم خان به کشمیر فرستاد.

ص: ۱۵۵

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۹۲.

۲- ددَمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۵۸.

۳- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۹۵.

۴- همان، ص ۹۵.

عموم اهل تسنن با شنیدن خبر ورود خوشحال شده به ارتش مغول ملحق شدند. یعقوب چک برای دفاع از وطن آماده جنگ شد اما جنگ منجر به شکست یعقوب چک گردید و یعقوب چک خودش به کشتوار (۱) گریخت.

یعقوب چک بعد از آن روی به جنگ چریکی آورد و حملات متعددی به نیروی مغول وارد کرد و حتی یک بار تا مرز پیروزی نیز رفت اما در همین حال یک خطای سیاسی از او سر زد (۲) که موجب شکست مجدد او شد.

یعقوب جنگ های چریکی را ادامه داد اما اکبر شاه در سال ۹۹۶ به کشمیر آمد به بهانه مذاکره یعقوب چک را توسط مهره های خود وادار به صلح کرد (۳) یعقوب صلح را پذیرفت و دست از جنگ برداشت. اکبر شاه باز به قول خود وفا نکرد و یعقوب را زندانی کرد، و در زندان قاسم خان که ضربات سختی از یعقوب چک دیده بود، او را

ص: ۱۵۶

۱- یکی از شهرستان های کوهستانی و صعب العبور کشمیر.

۲- یعنی او قبل از اینکه دوباره به دولت سر و سامان بدهد. تصمیم به مجازات فرماندهانِ خانی گرفت هنگام حمله مغول با آنان همراهی کردند تصمیم او باعث شد آنان از یعقوب وحشت کنند و از او جدا شوند.

۳- عباس احمد آزاد، عالمی ساعراج اور کشمیر.

با زهری که در برگ فلفل و یا در یک برگ سبزی خوردنی قرار داده بود مسموم ساخت و او را از بین برد. (۱)

۴- عوامل سقوط حکومت چک ها

اشاره

مورخانِ اهل تسننِ تهمت‌های زیادی به پادشاهان چک بویژه یعقوب چک می‌زنند که بیان همه آنها در این رساله مقدور نیست. از جمله اینکه یعقوب چک یک فرد افراطی مذهب بود. از جمله می‌گویند او بزرگان اهل تسنن را کشت که منجر به نه فقط حکومت وی بلکه پادشاهی چک و از دست رفتن استقلال کشور شد. اما این واقع بینانه نیست بلکه سقوط دولت چک ها هم عوامل داخلی دارد و هم عوامل خارجی.

۴-۱- عوامل داخلی

الف - توطئه و شورش‌های مستمر امراء و بزرگان اهل تسنن.

ب - تعصب مذهبی علمای اهل تسنن نسبت به شیعیان.

ج - جنگ و دعوی شاهزادگان برای جانشینی.

د - همراهی اهل تسنن با مهاجمان خارجی و عدم استقامت در برابر تهاجمات آنان.

ه - مذهبی شیعه و سنی که کم‌کم بخاطر رقابت سیاسی و رهبران بوجود آمده بود.

ص: ۱۵۷

۱- (سید اطهر عباس، شیعه در هند، ص ۲۹۶).

الف - ایجاد اختلاف و از بین بردن وحدت ملی کشمیری ها

توسط مغول ها (۱) برای تسلط بر کشمیر.

ب - حمایت و کمک بی دریغ مغول از شورشیان برای تصرف کشمیر.

ج - دخالت مغول در سیستم اداری کشمیر.

د - حملات و تجاوزات گسترده مغول.

این عوامل سبب شده است حکومت چک ها سقوط کند و کشمیر از استقلال و آزادی محروم گردد.

۵- وضعیت فرهنگی شیعیان کشمیر در دوره چک ها

اشاره

به یقین دوره چک ها را می توانیم دوره طلایی در تاریخ شیعیان کشمیر بنامیم.

در این دوره کارهای فرهنگی زیادی صورت گرفت. چون شیعیان در این دوره در رأس سیاست بوده اند و اوضاع کشمیر نیز برای هر نوع فعالیت برای تمام کشمیری ها بویژه شیعیان مساعد بود. آنان از فرصتی که پیش آمده خوب استفاده کردند و پایه های تشیع را مستحکم ساختند.

در این دوره علوم پیشرفت کرد آنها در هر محله، روستا و شهر مدرسه بنا کردند و در آنجا به پسران و دختران رایگان آموزش می دادند که این سلسله در سراسر کشور وجود

ص: ۱۵۸

داشت. «حسین چک» در کشمیر یک دانشکده تأسیس کرده بود که در آن امکاناتی مانند خوابگاه برای دختران و کتابخانه مهم داشت. برای فارغ تحصیلات دانشکده درآمدهای منطقه «زینه پور» به عنوان ملکیت منصوب کرده بود(۱). مدیر این دانشکده فتح الله حقاین و معاون او ملا درویش بود و در زمان حکومت یوسف شاه ملکه و خانم او هبه خاتون سنگ بنیاد شعر کشمیری را گذاشت و طولی نکشید بر روی آن ساختمان عظیم شعر و ادب کشمیر ساخته شد.(۲)

در این دوره، فنون و هنر نیز به اوج خود رسید. پادشاهان چک سرپرستان و حامیان فنون و هنر بوده اند. آنان برای توسعه و گسترش آن همیشه کوشا بوده اند. ادب و شعر و فن خوشنویسی در این دوره به اوج خود رسیده بود و خط نستعلیق خیلی پیشرفت کرد. خط معروف آن دوره محمد حسین بود.(۳) وقتی که اکبر شاه کشمیر را فتح کرد لقب زرین به او داد.

این فن به شیعیان اختصاص داشت و آنها در این فن (خوش نویسی) خطاط خوب و ارزنده ای بوجود آوردند.(۴)

ص: ۱۵۹

-
- ۱- سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۲۸۹.
 - ۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۲۸.
 - ۳- سید حمید رضا، ناصری، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۵۵.
 - ۴- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۲۸.

اما این فن بعد از این دوره بخاطر حوادث سیاسی و تحت تعقیب بودن شیعیان توسط حاکمان مغول و افغان از بین رفت و دیگر وجود ندارد.

بعضی از حاکمان خودشان نیز فرهنگ ساز بوده اند بویژه یوسف چک و حسین چک. یوسف چک از علوم و فنون مختلف آگاهی داشت. او به زبان کشمیری، فارسی و گاهی در زبان اردو شعر می گفت. چون خودش شاعر خوبی بود لذا شعراء و علماء را در دربار خود جای می داد و احترام خاصی برای آنان قائل بود و جوایز نفیسی به آنان هدیه می داد.

حسین چک نیز که طبق نقل مورخان شایسته ترین فرد حاکم از طائفه چک بود علاوه بر حاکم سیاسی یک شخصیت فرهنگی بود. او علاوه بر تأسیس مدارس و دانشکده های زیاد در مملکت، اهل قلم و هنرمندان را در پناه خود قرار داد. حسین تنها پادشاه کشمیری بود که کارهایش را برنامه ریزی کرده بود. (۱)

در این دوره در راستای نشر و گسترش فرهنگ شیعی نیز کارهای زیادی انجام گرفت که بعضی از آنها از قرار ذیل است:

ص: ۱۶۰

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، مترجم شمس الدین احمد، ج ۱ ص ۳۷۲؛ واقعات کشمیر، ص ۱۴۷.

این اولین حسینیه شیعیان کشمیر است که برای عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین بنا شد. (۱)

ب - ایراد خطبه به اسم دوازده امام^۸ در مسجد جامعه

مورّخ و مصنف بهارستان شاهی در این باره می نویسد:

«از ترس تهدیدات و تخویفات میرزا حیدر هیچ کس از مردم این ممالک نام ائمه معصومین علیهم السلام بر زبان نمی توانستند گرفت و از اغوا و اخلاص ملایان اینجا ذکر دوازده امام نمی کردند و اطلاق بر ایشان گناه و نامشروع می دانستند و اهالی و موالی این ممالک از نام و نشان ائمه معصومین علیهم السلام و اسمای شریفه اهل بیت رسول رب العالمین | چنان اجنبی و بیگانه بودند که یک روز در مجلس حسین شاه از قاضی حبیب اسمای شریفه معصومین علیهم السلام

پرسیدند و آنچنان بیگانه بود که بعد از اسمای شریفه حضرت امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهما السلام بغیر از نام حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نام کسی نمی دانست. و هیچ یکی از ائمه باقی بنام نگرفته... و این ملک دولت چک سعادت مند در عهد حکومت خود در مسجد جامع فرمود تا خطبه دوازده امام بخوانند و از آن باز بطریقی که در زمان حیات میر شمس الدین محمد عراقی می خواندند هم در مسجد جامع و هم در جاهای دیگر خطبه دوازده امام علیهم السلام می خواندند

ص: ۱۶۱

۱- (همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۴۲.

و ذکر ائمه معصومین علیهم السلام می کنند و نمی ترسند و امید صادق است که شوارع این اعمال و نتایج این افعال یوم لاینفع مال ولابنون سبب نجات و وسیله درجات آن حمیده صفات خواهد شد» (۱).

این مطلب (ایراد خطبه به اسم دوازده امام) از کتاب تاریخ حسن نیز تأیید می شود. (۲)

۶- علمای شیعیان در دوره حکومت پادشاهان چک

اشاره

در کشمیر سلسله علماء از حضرت سید شرف الدین و یا میر سید علی همدانی شروع شده بود که با گذشت زمان گسترش پیدا کرد. بعد از آن سید محمد همدانی، سید محمد مدنی، سید حسین قمی و میر شمس الدین عراقی، اینقدر عالم در کشمیر تربیت کردند که تعداد علماء در کشمیر به صد ها می رسید. (۳)

طبق نظر نویسنده در دوره چکان آن قدر عالم در کشمیر تربیت شدند که علمای کشمیر در شمارش از علمای ایران و عراق خیلی کم نبوده اند (۴). گرچه اطلاعات کاملی از آنها در دست نیست، اما باز هم علمایی را که مسئولیتی داشتند و بطور اختصار

ص: ۱۶۲

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم اکبر حیدری ص ۲۵۶).

۲- (حسن شاه، تاریخ حسن، ج ۲، ص ۳۶۰؛ تاریخ شیعیان کشمیر هند، سید محمد نجفی ص ۵۷).

۳- (سید اطهر عباس، تاریخ شیعیان علی، ص ۳۴۱).

۴- (همان ۳۴۱).

در لابه لای کتب تاریخی آمده اند اشاره می کنیم.

۱-۶- بابا خلیل

وی در «نواکدل» زندگی می کرد. وی در ده سالگی تمام علوم دینی را فرا گرفت و به کمالات روحی رسید. وی در زهد و تقوی و ریاضت و عبادت یگانه روزگار بود. او بخاطر برخورداری از علم و دانش و کمالات معنوی، روحانی بزرگ تمام مشایخ و عوام کشمیری گردیده و عاشق آن بودند. (۱)

بابا خلیل چند رساله فقهی و اعتقادی شیعیان هم تصنیف کرد. با کوشش وی و شیخ حسن و بابا طالب شیعیان در «کرگل» و «اسکردو» پیشرفت چشمگیری داشتند. (۲)

حاکمان چکان احترام خاصی برای او قائل بودند. هر وقت بین شان اختلاف می افتاد. بابا خلیل بین آنها صلح و آشتی برقرار می کرد.

وقتی که میرزا قاسم سپهسالار اکبر بر کشمیر حاکم شد. قاسم برای تسلط پایدار خود کسانی را که از کشمیر به دربار اکبر فرستاد بابا خلیل هم میان آنها بود. (۳) چون قاسم می دانست بابا خلیل مردم را علیه حاکمان خارجی تحریک

ص: ۱۶۳

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۱۲؛ تاریخ شیعیان کشمیر تا پایان عصر مغول، ص ۱۴۶.

۲- نجفی، سید محمد، تاریخ شیعه در کشمیر هندوستان تا پایان عصر مغول، ص ۱۴۶.

۳- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه شمس الدین احمد، ج ۲، ص ۵۰۲.

می کرد لذا او را تبعید کرد. و هنگامی که دید شورش ها در کشمیر آرام نمی شود از بابا خلیل تقاضا کرد به کشمیر برگردد(۱) تا از نفوذ و محبوبیتی که بین کشمیری ها بویژه شیعیان دارد استفاده کند تا کشمیری ها دست از شورش علیه مغول خارجی بردارند.

ایشان در سال ۱۰۰۰ هجری مطابق ۱۵۹۱ میلادی از دنیا رفت و در همانجا (نواکدل) به خاک سپرده شد.

۲-۶- شیخ حسن

وی در «زدی بل» زندگی می کرد و به قول ملا-محمد خلیل مرجان پوری، او از اولاد میر شمس الدین عراقی بود. او عالم برجسته و مجتهد شیعیان کشمیر بود. ایشان همچون بابا خلیل احترام خاصی بین شیعیان مخصوصاً نزد حاکمان چک داشت و بین آنان در صورت اختلاف و اتفافی صلح و آشتی می داد.

امرای اهل تسنن همواره دنبال جان بابا خلیل و شیخ حسن بودند تا جایی که بگفته مورخ اهل تسنن «اعظم ددمری»: مردم می خواستند این دو شیخ شیعه (بابا خلیل و شیخ حسن) که باعث فتنه و فساد می شوند را بکشند اما ملک حسین چادوره مانع این کار آنها شد. و با همراه کردن افراد خود، آنان را به شهر فرستاد.(۲)

ص: ۱۶۴

۱- همان، ج ۲، ص ۵۰۵.

۲- ددمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۵۷.

پیرزاده حسن شاه می نویسد: «با سعی و تلاش بابا خلیل، شیخ حسن و بابا طالب مذهب تشیع گسترش پیدا کرد»^(۱) با فعالیت ایشان مذهب تشیع در مناطق و در مناطق دور افتاده همچون کرگل و اسکردو گسترش زیادی پیدا کرد».

۳-۶- بابا مهدی

ایشان هم معاصر بابا خلیل بود و یک عالم جلیل القدر شیعه بوده در ساده زیستی، زهد و تقوی معروف بود و نزد پادشاهان چک و عموم مردم از عزت و احترام زیادی برخوردار بود. و طبق پیر زاده حسن ایشان هم مثل بابا خلیل پیشوای مردم کشمیر بود.^(۲) میرزا قاسم او را از کشمیر پیش اکبر فرستاده بود چون فکر می کرد ایشان با نفوذی که بین مردم دارد آنان را علیه او برای دفاع تحریک می کند. اما وقتی میرزا قاسم از جنگ با کشمیری ها خسته شد و تلفات توسط یعقوب چک و دیگر شیعیان دید از اکبر در خواست نیرو کرد، اکبر ایشان را هم به کشمیر فرستاد^(۳) تا نفوذ و محبوبیتی که بین کشمیری ها بویژه شیعیان دارد آنان را از جنگ با میرزا قاسم بر حذر دارد.

ص: ۱۶۵

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه شمس الدین احمد، ج ۱، ص ۵۲۸.

۲- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه شمس الدین احمد، حاشیه ۳، ج ۲، ص ۵۰۵.

۳- (همان، تاریخ حسن، ج ۲، ص ۵۰۵.

ایشان در منطقه «کامراج» زندگی می کرد. در سن کودکی قرآن را حفظ کرده بود ایشان یک معلم بود و «بابا داود خاک» از شاگردان او بود ایشان روزی گفت که ادعای مذهب تشیع پر وزن است - با این حرف شاگردانش ناراحت شدند و از رفتن به مدرسه خود داری کردند - علمای سنی او را از علمای شیعه قرار دادند و بابا داود خاکی که یک عالم متعصب سنی بود هم مدرسه را ترک کرد. (۱)

۵-۶- ملا حسن اسود

او استاد و معلم علی شاه بود. در علم و فضل کامل بود، هم عالم بود و هم شاعر، شاهان چک احترام خاصی برای ایشان قائل بودند. یوسف شاه با مخالفین خود توسط ایشان صلح و آشتی می کرد. و این بیانگر این است که پادشاهان چک به او اعتماد داشتند. و یعقوب چک با مشورت ایشان نخست وزیر خود محمد بت را عزل و بجای او نازک بت را نصب کرد. (۲)

۶-۶- ملا عینی

ملا عینی هم شاعر بود و هم عالم. یعقوب چک برای او احترام ویژه قائل بود.

ص: ۱۶۶

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۱۵.

۲- حسن شاه، تاریخ حسن، مترجم شمس الدین احمد، ج ۲، ص ۴۲۱.

دو بیت اشعار از ایشان خیلی معروف و مشهور هستند که در جواب عبدالرحمن جامی است که گفته است:

حریفان

باده ها خوردند و رفتند

تهی

خمخانه ها کردند و رفتند

ملا عینی در جواب گفت

هنوز

آن ابر رحمت در فشان است

درین دیر مسدس خم تهی نیست

می

و میخانه با مهر و نشان است

تهی گفتن بغیر از ابلهی نیست^(۱)

افراد مغرض از این اشعار مفهوم غلط گرفته به ملا عینی اتهامات ناروا زدند.

۷- زبان فارسی در دوران شاهان چک

زبان دربار پادشاهان چک فارسی بوده و فرهنگ ایران از زمان شامیری ها^(۲) به کشمیر تسلط داشت. فرمانروایان چک مانند شاهان صفوی شیعه بودند و روابط آنان با دربار صفویه نیز بسیار خوب بود. به همین دلیل، تعدادی از ادیبان و شاعران شیعه از ایران به کشمیر هجرت کردند که در نتیجه آن فرصتی مناسب برای رشد ادبیات و شعر زبان فارسی به دست آمد. از شش پادشاه چک، سه تن به نام های حسین شاه، علی شاه و یوسف شاه خود ذوق شعر داشتند، آنها شاعران بسیاری را در دربار پرورش دادند و به ترویج زبان و ادبیات فارسی کمر همت بستند.

ص: ۱۶۷

۱- همان، ج ۲، ص ۴۲۰؛ ددّمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۵۹.

۲- نخستین سلسله سلطنتی اسلامی در کشمیر.

شاعران بنا بر مقتضیات آن زمان به سبک عراقی شعر می سرودند

که مسلماً به دلیل رابطه فرهنگی کشمیر با مناطق فارسی زبان بوده است.

کشمیری ها اطلاعات مربوط به تدریس و تعلیم زبان فارسی را به دو شیوه به دست می آوردند. یا خود برای تحصیل علم و ادب به مراکز فرهنگی علمی خراسان می رفتند و یا از محضر آن عده از علمای اسلام استفاده می کردند که به کشمیر می آمدند.

زبان فارسی این دوره کشمیر هنوز با کلمه های محلی آمیخته نشده بود؛ زیرا زبان فارسی به طبقه ای خاص اختصاص داشت و فقط در امور مذهبی، علمی، ادبی، امور اداری و دولتی به کار گرفته می شد.

در آن زمان تمام کتابهای علمی و ادبی به زبان فارسی نوشته می شدند. (۱)

نویسندگان، کتاب های خود را به زبان فارسی و به خط نستعلیق می نوشتند.

۸- ادبیات شیعیان در دوران چک ها

اشاره

همانطور که قبلاً ذکر گردید که روابط شاهان چک با دربار صفویه بسیار خوب بوده است و به همین دلیل، تعدادی از ادیبان و شاعران شیعه از ایران به کشمیر مهاجرت کردند که در نتیجه آن فرصت مناسبی برای رشد ادبیات و شعر زبان فارسی بدست آمد، هم اینک درباره شاعران آن زمان چه ایرانی و چه کشمیری بحث خواهیم

ص: ۱۶۸

۱- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۴۷-۴۸.

کرد که در زبان فارسی شعر می گفتند و احیاناً در زبان دیگری از جمله کشمیر نیز شعر می سرودند.

۱-۸- بابا طالب اصفهانی

همان گونه که از اسم او پیداست، وی اصفهانی و ایرانی بوده است. در عهد یوسف شاه چک از ایران به کشمیر آمد. چون عالم انواع فنون بود و نیز با انواع کمالات آراسته و پیراسته بود. (۱) به راحتی به دربار راه پیدا کرد و در نزدیک شدن به پادشاهان چک ها از نزدیکان و دوستان آنان نیز سبقت گرفت و از مقربان خاص آنان شد و آنان احترام خاصی برای بابا طالب قائل بودند. اگر بین شاهزادگان اختلافی رخ می داد بابا طالب سعی در فروکش کردن آن می کرد.

بابا طالب علاوه بر یک شاعر و عالم دین یک سپاهی بی نظیر بوده، لذا هنگامی که ارتش اکبر شاه برای تصرف کشمیر به آنجا حمله کرد، یعقوب خان چک بابا طالب را به عنوان مقدم الحیش به خط مقدم فرستاد.

ذکر بابا طالب بعنوان شاعر در تمام کتاب های قدیم تذکره نویسی موجود می باشد. بعد از به تصرف آوردن کشمیر او اسیر گشته به دربار اکبر شاه فرستاده شد. بعد از مدتی اکبر شاه او را به تبت (اسکردو) پیش «علی رائی» بعنوان سفیر خود فرستاد. بعد از آمدن آنجا بابا طالب درباره عجائب و غرائب آنجا یک رساله

ص: ۱۶۹

۱- (ددمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، شمس الدین احمد، ص ۱۸۳.

نوشت و نسخه ای از آن را به مورخ رسمی دربار اکبر «ابوالفضل» داد. و او آن رساله را در اکبر نامه ضمیمه اش کرد.

بابا طالب سپس از طرف اکبر شاه به عنوان حاکم گجرات نیز تعیین شده و مدتی در آنجا بود ولی دوباره به کشمیر برگشت و تا آخر عمر در آنجا ماند. در سال ۱۰۳۰ هجری قمری از دنیا رفت و در مزار شعرای کشمیر دفن گردید. مجموعاً ۳۳ سال بابا طالب در کشمیر گذراند(۱). او با همه اوصاف خود استاد غزل نیز بود.

اشعار زیر از سروده های اوست:

از سر کوی تو دل با دیده تر می رود

شعله در پروانه افتدد بلبل آید در خروش

حرف شرح درد دل گر آشنایی لب کنم

شعله در

دل، ناله بر لب، خاک بر سر می رود

گر بگویم آن چه ما را بی تو بر سر می رود

خون ز جیب دیده تا دامان محشر می رود(۲)

در حلقه ما زمزمه سود نه باشد

بی روی تو بیرون کنم از دیده نظر را

ویرانه دل چون سر تعبیر نه دارد

ما غم زدگان را دل مسرور نه باشد

گر ذوق تماشای تو منظور نه باشد

بگذار که این غمکده معمور نه باشد

ص: ۱۷۰

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، کشمیری ترجمه شمس الدین احمد، ج ۱ بخش دوم، ص ۱۳۳۵.

۲- (ددمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، ترجمه شمس الدین احمد، ص ۱۸۴؛ همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۱۹.

وی از شاعران ایرانی بوده است و در زمان حسین چک به کشمیر آمد. علاوه بر شاعر، عالمی معروف و فاضلی بر جسته بود. و در خوش نویسی بی نظیر بود (۱۱) وی در اطراف «نوشهره» در «بته کدل» زندگی می کرد و مسجدی را در آنجا ساخته بود که در همان جا مدفون است. (۲۲) این دو شعر از اوست:

گل به دستم چه نهی در کف من خار خوش است

این

گل تازه بر آن گوشه دستار خوش است

سبوسبو

ده و خم خم دل لوند مرا

قدح

چه آب زند آتش بلند مرا (۳)

۳-۸- ملا نامی اول

ایشان

از شاعران و درباریان حسین چک بوده، در علم صرف و نحو مهارت کامل داشت. در محافل و مجالس شرکت کرده و مجالس را پر رونق می کرد. (۴)

این اشعار از آن اوست:

عروسی

است می شادی آئین او

که

نتوان روان داد کابین او

به

خاموش چهره زبانی دهد

بفرتوت

زور جوانی دهد

- ١- (دڊمرى، محمد اعظم، واقعات كشمير، مترجم احمد شمس الدين، ص ١٨٤.
- ٢- (همان، ص ١٨٤؛ همدانى، حكيم صفدر، تاريخ شيعيان كشمير، ص ١١٨.
- ٣- (همان، ص ١٨٤.
- ٤- (نجفى، سيد محمد، تاريخ شيعه كشمير هندوستان تا عصر مغول، ص ٥٠.

چو

پیداست چون عودتن را گهر

می آتش که پیدا کند شان هنر(۱)

هرگز

دلم بغیر تو مائل نمی شود

و

ز دیده نقش روی تو زائل نمی شود

از

دوریت چه باک که از بُعد ظاهری

اصلا

میان ما و تو حائل نمی شود

دستم

بریده باد چه کار آیدم بگو

در

گردن بتان چو حمائل نمی شود

۴-۸- ملا نامی نانی

ایشان نیز از شاعران و درباریان حسین چک بود. ایشان شاعر گستاخ و راز دار پادشاه بود. روزی می خواست که بجای دو خلعت که به مناسبت دو عید برای او در نظر گرفته شده بود اسبی به او بدهند لذا منظور خود را با شعر اینطور بیان کرد:

خلعت شاهی مرا اسبی رسد یا زین رسد

پادشاه در جوابش نوشت:

این چنین کم فهم را نه آن رسد نه این رسد(۲)

١- (دڊمرى، محمد اعظم، واقعات كشمير، مترجم احمد شمس الدين، ص ١٨٥.

٢- (همان، ص ١٨٥؛ همدانى، حكيم صفدر، تاريخ شيعيان كشمير، ص ١١٩.

ایشان

از شاعران علی چک بوده است، اعظم ددمری می نویسد: ایشان استاد و خوش فکر و از فضائل علمی بهره مند بود. درباره امیرالمؤمنین علیه السلام اینچنین گفت:

مرتضی پادشه سند عالی نبی است آفتابی است که برج شرفش دوش نبی است (۱)

۶-۸- ملا محمد امین مستغنی

وی شاعر برجسته و استاد شاعری بود. دارای طبیعت موزون بود و در مجالس پادشاهان چک حاضر می شد و از درباریان آنان بود. کشمیری الاصل بود. اشعار زیر درباره کشمیر از آن اوست.

دو شینه به چشم دل نهان از مردم

دیدم نه بهشت بلکه کشمیر دوم

خاکی از عبیر و مشک آگنده خمیر

آبی ز صفا

وجود خود یافته گم (۲)

سوزش

عرق منت آتشی نه بود

تحملی

که کرم را کنیم داغ کجاست

جهان

زگم شده من اگر همه خیر است

سرو

دلی که بگیرم ازو سراغ کجاست

سیاهی

ش-ب ما را نب-رد پرتو مه--ر

زُخی

که در ایمان خودم شرم بسی می آید

در

ین چمن همه بیگانه هم اند ولی

زبلب-ل-م

سخ-ن آشن-ا بگ-وش می آی--د

برهمن

گرد تو گ-ردم ره کف-ر بنم-ا

ک-ه زایم-ان خ-ودم ش-رم بس-ی م-ی آید.

ص: ۱۷۳

۱- همان، ص ۱۸۵.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۲۱؛ ددّمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۸۶.

من خنده نیم به طبع عاشق ناساز
 یا گریه که بروی روم چون غماز
 یا ناله که سر به گوش بیگانه نهم
 من درد دل-م خ-لوتی مح-رم راز
 ای سینه ز وسواس توام مارستان
 رگهای وجودم ز تو ز نارستان
 عیسی کده از چشم تو بیمارستان
 ن-ازت-و به ک-ائناات در کارستان

۲-۸- میرزا علی خان

ایشان ایرانی الاصل بوده اند. در زمان حاکمان چکان به کشمیر آمد و در ارتش مشغول خدمت شد. شاعری برجسته بود و اشعار خوبی می گفت. این شعر از آن اوست:

شام چو از چهره فگندی نقاب تاب نیاورد و نشست آفتاب(۱)

۸-۸- حسین شاه چک

در دوره ایشان علم و ادب در کشمیر پیشرفت چشم گیری کرد. او عالمان، ادیبان و شاعران را احترام خاص می گذاشت گرچه تمام امور دولت را اداره می کرد. اما برای شعر گفتن وقت پیدا می کرد تا شعری بگوید. ایشان علاوه بر یک شاعر بر

ص: ۱۷۴

۱- (همان، ص ۱۲۱؛ نجفی، سید محمد، تاریخ شیعه کشمیر تا پایان عصر مغول، ص ۱۵۳.

جسته یک عالم هم بود. شعر زیر از آن اوست:

حمائل کرده تیغ و بسته خنجر یار می آید

دلا برخیز کاری کن جان کار می آید(۱)

۹-۸- علی ملک چک

ایشان در ارتش بود و منصب بالایی داشت. علاوه بر خط زیبایی که داشت شعر هم می گفت شعر زیر از آن اوست:

ترانه تکمه سرخ اسب بر قبائی حریر که کشته قطره خون منت گریبان گیر

۱۰-۸- ملک حیدر چادوره

ایشان هم یک افسر ارتش بود و شعر هم می گفت، اشعار زیر از آن اوست:

تیر شرکان تو از جوش جان میگذرد آری این تیر بزور دو کمان می گذرد(۲)

۱۱-۸- پادشاه یوسف چک

یوسف چک طرفدار شعر فارسی و کشمیری، حامی شاعران و محققان و خود یک شاعر بود(۳) و از این رو می توان او را یکی از با فرهنگ

ترین حکمرانان کشمیر دانست. او یک طبیعت گرای مادر زاد بود. جاذبه های

«گلمرگ» را که تا آن زمان نا شناخته

ص: ۱۷۵

۱- همان، ص ۱۲۲؛ نجفی، سید محمد، تاریخ شیعه کشمیر تا پایان عصر مغول، ص ۱۵۲.

۲- همان، ص ۱۲۲؛ نجفی، سید محمد، تاریخ شیعه کشمیر تا پایان عصر مغول، ص ۱۵۲.

۳- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۶۷.

بود کشف کرد.

شعر ذیل از آن اوست.

لیلی جمازه را بر مجنون به خود نه راند زورِ کمند جذ به معجز نمای اوست(۱)

۱۲-۸- حبه خاتون (زونی)

اشاره

نویسنده تاریخ شیعیان کشمیر عقیده دارد که از آغاز اسلام در کشمیر تا این زمان زنی همچون حبه خاتون که یک شاعره برجسته بود در کشمیر زائیده نشده است.(۲)

حبه خاتون در شعر کشمیری روح دمیده است. حبه خاتون برای نخستین بار رمانیسم را در شعر کشمیر به کار گرفت پیش از آن شعر کشمیر اساساً عرفانی بود.(۳) حبه خاتون ملکه پادشاه یوسف چکک ها بود. ایشان در زبان کشمیری اشعار زیادی دارد که زبانزد عموم مردم است و اکثر اشعار ایشان را زنان در تقاریب همچون عروسی زمزمه می کنند.

قبل از ایشان شیخ نور الدین ولی و لیل عارفه شاعران بزرگی بوده اند.

ص: ۱۷۶

۱- ددَمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۴۹.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان، ص ۱۲۴.

۳- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت شاهی، ص ۶۷.

حبه خاتون عشق حقیقی را در قالب عشق مجازی بیان کرده است. (۱)

زمانی که اکبر یوسف شاه را در هندوستان زندانی کرد، حبه خاتون در فراق و جدائی او اشعاری سروده است که خیلی حزن آور است و در همین جدائی و فراق از دنیا رفت.

ایشان علاوه بر تهیه و تنظیم اشعار روستائی - که هنگام عروسی زنه‌های روستائی می خوانند - خدمت بزرگی به زبان و ادب کشمیری نمود که شایسته تقدیر فراوان است. گرچه عموم مورّخین بنا بر کومه نظری و تعصب مذهبی خدمات بی شمار ایشان را بطور شایسته ذکر نکرده اند.

۱-۱۲-۸- کارهای ملکه حبه خاتون

۱- او اولین زنی است که به سبک ایرانی در زبان کشمیری شعر گفت.

۲- با تتبع فارسی باز هم کلام خود را از قید و بند وزن و عروض تا حد امکان دور نگهداشت. (۲)

اشعار

ذیل در زبان کشمیر از آن او است:

وآره وین سیت واره چ هس نو چاره کر میون مالنه هو

گره به درائیس آبه نلیس نو مه فموه مالنه هو (۳)

۹- وضعیت اجتماعی شیعیان کشمیر در دوران چک ها

اشاره

از منابع بدست می آید بیشتر جمعیت کشمیر در آن زمان شیعه اثنی عشری

ص: ۱۷۷

۱- عباس احمد آزاد، عالمی سامراج اور کشمیر.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۲۵.

۳- همان، ص ۱۲۶.

بوده اند. (۱۱) از حوادث و جریانات آن روزگار نیز این مطلب به اثبات می رسد.

جامعه آن روز شیعه از اتحاد و یکپارچگی خوبی با پیروی از رهبران خود برخوردار بوده است. این اتحاد و همدلی باعث شده بود که توانستند حملات متعدد و پی در پی مغول را خنثی کنند و نیز شورش های زیادی که توسط رقیبان سیاسی رهبران آنان صورت می گرفت را سرکوب کنند.

مرکز اصلی شیعیان زدی بل، محل وقوع مرقد میر شمس الدین عراقی بوده است، اما حسن آباد نیز بخاطر زندگی بعضی از علمای برجسته شیعیان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

علماء نفوذ زیادی در دربار حاکمان شیعیان و بین عموم مردم داشتند و هر وقت بین شیعیان اختلافی بوجود می آمد، علماء بویژه بابا خلیل و شیخ حسن آن را بر طرف کرده بین آنان آشتی می دادند. میان رهبران سیاسی نیز هر دفعه اختلافی بوجود می آمد بابا خلیل و شیخ حسن بین آنان آشتی می دادند. (۱۲) حاکمان سیاسی نیز برای علماء بویژه علمای شیعیان احترام خاصی قائل بوده اند.

شیعیان در این دوره آزادانه فعالیت دینی، فرهنگی، علمی، آموزشی، سیاسی و اقتصادی انجام می دادند. و مذهب تشیع نیز بیش از پیش گسترش و توسعه پیدا

ص: ۱۷۸

۱- (کشمیری، محمد علی، تحفه الاحباب؛ مجلد سفینه، صفر ۱۴۲۶ هجری مقاله ای از مرحوم همدانی، حکیم صفدر.

۲- (همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۱۲.

می کرد. تا اینکه بعد از این دوره وقتی قاضی نور الله شوشتری قاضی القضاة اکبر شاه (پادشاه هند) از طرف او از کشمیر دیدار کرد. در باره وضعیت اجتماعی شیعیان چنین می نویسد: ساکنان شهر بسیار باصفا و دوست داشتند «شهاب الدین پور» و نیز ساکنان «با سو کو پرگنه» مرکب از ۲۱۰ روستا شیعه هستند، شیعیان در دیگر روستا های مختلف نیز یافت می شوند. (۱)

۱-۹- تعامل شیعیان کشمیر با دیگر ادیان و مذاهب

شیعیان و حاکمان سیاسی در این دوره رابطه برادرانه و خوبی با دیگر مردم بومی داشتند. و زندگی مسالمت آمیزی در کنار یکدیگر داشتند. لذا در این دوره - بجز یک مورد سطحی - هیچ نوع اختلافی بین شیعیان و دیگر ادیان و مذاهب بویژه با اهل تسنن پیش نیامده است. شیعیان و اهل تسنن یکدیگر را احترام می گذاشتند.

سه تن از شاهان چک ها بنام «قاضی چک»، «علی چک» و «حسین چک» برای حفظ وحدت اسلامی نخست وزیران خودشان را از سیاستمداران اهل تسنن انتخاب کردند. (۲)

همانطور که پیش از این اشاره شد میرزا حیدر فعالیت تمام مذاهب حتی فرقه های اسلام از جمله شیعه، شافعی و امثال آن را ممنوع اعلام کرده بود و به

ص: ۱۷۹

۱- شوشتری، نور الله، مجالس المؤمنین، ج ۱ ص ۱۸۱.

۲- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۶۳.

غیر از مذهب حنفی کسی اجازه فعالیت دینی و فرهنگی نداشت اما حاکمان شیعیان این حکم را لغو کردند و دستور دادند هر کسی در اختیار مذهب و آیین آزاد است. هر کس به هر دینی که بخواهد می تواند ملحق شود. (۱)

علی چک گرچه یک پادشاه شیعه مذهب بود، علاوه بر انتخاب یک اهل تسنن به نخست وزیری (۲) روابط نزدیکی با سنی ها برقرار کرد.

او برای روحانیون و مریدان آنها احترام زیادی قائل بود. او هر روز به ملاقات شیخ حمزه مخدوم (۳) می رفت.

او برای محققان مانند بابا داؤد و یعقوب که از بزرگان اهل تسنن بوده اند احترام قائل بود.

وی هنگام رسیدن به سلطنت در سال ۹۷۸ هجری در مسجد جامع خود را به طور علنی به مردمش معرفی و اعلام کرد هرگز اجازه نخواهد داد ملاحظات مذهبی بر امور کشور تاثیر بگذارد. و مانند یک میهن پرست حکومت خواهد کرد. (۴)

یکی دیگر از حاکمان شیعه بنام یوسف شاه نیز به تمام شخصیت های مذهبی اعم از شیعه و سنی احترام می گذاشت، او برای استفاده از مرقد های اولیاء و صحبت با

ص: ۱۸۰

۱- (صحبت الحسن، کشمیراند سلطانز، ص ۱۴۷).

۲- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۶۳.

۳- یکی از عالمان برجسته اهل سنت.

۴- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۶۲.

مشائخ و بزرگان نزد آنان حاضر می شد. (۱)

یوسف شاه آنقدر به فقرا کمک می کرد که عشرت او به عُسرت او مبدل گردید. و کسانی که از سخاوت یوسف برای عموم فقراء اعم از شیعه و سنی و غیره خبر نداشتند وی را به فتور ذهنی و عقلی متهم می کردند. (۲)

یوسف شاه هندوها را از پرداخت جزیه به کلی معاف ساخته بود.

شاهان چک چنان به بزرگان دیگر مذاهب، ادیان، فرقه ها و گروه ها اهمیت می دادند که یکی از آنان بنام حسین شاه روز های مخصوص ملاقات برای هر کدام آنان اختصاص داده بود.

و چنان به عدل و انصاف در اداره کشور اهمیت می دادند

که غازی شاه با آنکه پادشاه کشمیر بود اما بخاطر خطائی که پسرش به آن مرتکب شد او را در ملاء عام در عیدگاه اعدام کرد. (۳)

بخاطر همین عدالت پروری و رعیت پروری، مورخین پادشاهان شیعیان چک ها را با القابی همچون «خسرو عادل»، «پی بدل در عدل و انصاف» و «از کمال انصاف استفاده کرد» یاد می برند.

ص: ۱۸۱

۱- حسن شاه، تاریخ حسن، مترجم شمس الدین احمد، ج ۲، ص ۴۱۷؛ نجفی، سید محمد، تاریخ شیعیان کشمیر هند تا عصر مغول، ص ۱۱۳.

۲- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۸۷.

۳- ددَمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۱۴۵.

با آنکه حاکمان شیعه بودند اما امام جماعت مسجد جامع و نیز قاضی، اهل تسنن بوده اند. این بیان کننده احترام و پاسداری شیعیان بویژه حاکمان نسبت به دیگر مذاهب است. (۱)

۱۰- وضعیت اقتصادی شیعیان کشمیر در دوران چک ها

شیعیان

کشمیر در این دوره بخاطر ثبات سیاسی و امنیتی و نیز مناسب بودن اوضاع برای فعالیت تجاری و اقتصادی از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار بودند.

علاوه بر آن شاهان چک ها نیز برای بهبود یافتن وضعیت اقتصادی شیعیان به آنان کمک می کردند.

در این دوران میان شیعیان بعضی از خانواده ها از جمله خانواده رینه و ملکان چادوره که سرمایه عظیم و زمین های زیادی در اختیار داشتند و چون مذهب تشیع به این گستردگی تازه وارد در کشمیر بود لذا بین شیعیان اخوت و صمیمیت بی نظیر بود و به یکدیگر کمک می کردند.

اما از منابع تاریخی بدست می آید که شغل بیشتر شیعیان کشمیر خدمت در سپاه و ارتش کشمیر بود. (۲)

ص: ۱۸۲

۱- اما در برابر این برخورد مناسب شیعیان، بعضی از بزرگان اهل تسنن هیچ گاه دست از شورش علیه شیعیان برنداشته اند. و برای از بین بردن آنان حتی از مذهب، بهره سیاسی می بردند.

۲- فرشته، محمد قاسم، تاریخ فرشته، مترجم عبدالحی خواجه، ج ۱، ص ۹۳۵؛ تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۱۰.

الف- سپاه گری و ارتشی بودن در آن زمان یک شغل خوب و معزز به حساب می آمد.

ب - چون در این دوره شورش های سیاسی زیادی توسط رقیبان سیاسی شاهان از طرف بعضی از بزرگان اهل تسنن برای از بین بردن حکومت شیعیان صورت می گرفت، لذا برای سرکوبی شورش های مخالفین، حاکمان شیعیان را تشویق و توصیه برای پیوستن به ارتش می کردند.

ج - بخاطر درآمد خوب و مناسب.

علاوه بر آن شیعیان کم و زیاد در کار های چوبی و صنایع دستی نیز اشتغال داشتند.

خلاصه

طایفه چک ها از دودمان شیعه اثنی عشری و اهل داردُو بوده اند و ۳۲ سال (از ۹۶۲ تا ۹۹۴ هجری قمری) بر کشمیر حکومت راندند. کاجی چک، حسین چک و پاندو چک سه نفر از این طایفه که علاوه بر توانائی و شجاعت بی مثال، نفوذ زیادی در دربار پیدا کرده بودند، توسط میر شمس الدین عراقی شیعه شده اند. آنان برای ترویج

تشیع در کشمیر کمک زیادی به میر شمس الدین عراقی نموده اند.

کاجی چک اولین نفر از دودمان چک ها است که در سال ۹۲۴ هجری به مقام نخست وزیری رسید. میهن پرستی وی کشمیر را از سه حمله پیایی مغول در سال های ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۸ نجات داد.

قبیله و طایفه دیگری نیز از چک ها در کشمیر بوده که رقیب اصلی سیاسی و دینی چک های شیعیان بودند. آنان در شهرستان کپواره زندگی می کردند و پیرو مذهب اهل تسنن بوده اند.

در این دوره پادشاهان چک ها وحدت و اتحاد بین مسلمین را حفظ کرده اند. لذا در این دوره، شیعیان و سنی ها با هم زندگی مسالمت آمیزی داشتند و هیچ حادثه و درگیری مذهبی در منابع ذکر نشده است. مسؤلیت های

کشور نیز بدون در نظر گرفتن عقائد فرد به شایستگان آن واگذار می شد. لذا در بعضی از این دوره مقام نخستین وزارت، امام جمعه و قاضی القضاة و از اهل تسنن انتخاب شده بودند.

در این دوره علوم پیشرفت زیادی کرد. پادشاهان چک ها در هر محله، روستا و شهر مدرسه بنا کردند و در آنجا به پسران و دختران رایگان آموزش داده می شد و این سلسله در سراسر کشور وجود داشت. حسین چک در کشمیر یک دانشکده تأسیس کرده بود که در آن امکاناتی مانند خوابگاه برای دختران و کتابخانه مهم داشت. در تاریخ تشیع کشمیر می توانیم

این دوره را یک دوره طلایی و استثنائی بنامیم. در این دوره کارهای زیادی برای توسعه و ترویج تشیع در زمینه های مختلف فرهنگی،

علمی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی انجام گرفت و شیعیان در این دوره در اوج اقتدار بودند. اما بنابر عوامل داخلی و خارجی حکومت چک ها نتوانست بیش از ۳۲ سال دوام بیاورد. و کشور در سال ۹۹۴ هجری به دست بیگانگان افتاد که تا الآن نیز زیر اشغال قرار دارد.

ص: ۱۸۵

فصل چهارم: شیعیان از دوره مغول تا دوگره (از دوره ۱۵۸۶ تا ۱۹۴۷ میلادی)

مقدمه

ص: ۱۸۷

حاکمیت کشمیر برای اکبر به معنای به واقعیت نزدیک کردن رؤیای بابر و همایون بود. هدف سیاسی اکبر از اشغال کشمیر گذشته از توسعه امپراتوری خود، دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی بود. با پیروزی مغول، کشمیر هویت مستقل خود را از دست داد. و به صورت بسیاری دیگر از ایالت های این امپراتوری در آمد. موقعیت سرینگر نیز تا حد یک شهر ایالتی سقوط کرد.

مغول سرینگر را به یک اردوگاه و ساختمان های آن را به پادگان های

ارتش تبدیل کردند. آنها رنج و مصایب زیادی برای مردم بویژه شیعیان به بار آوردند و سرکوب به صورت حکم روز در آمد. سربازان مغول اموال با ارزش مردم را به چپاول بردند مبارزان آزادی، که اغلب شان شیعه امامیه بودند بی رحمانه شکنجه و روحیه جنگنده آنها نابود شد. با از دست رفتن استقلال نه فقط فرهنگ والای شیعیان بلکه فرهنگ کشمیر نیز بتدریج نزول کرد. در نبود حامی محلی همچون پادشاهان فرهنگ دوست چک ها سرینگر از عالمان، محققان، شاعران و نقاشان خالی شد و در نتیجه تضعیف شیعیان و کشمیر را موجب گردید. مغول ها نیز شاعران خود را به کار گرفتند تا با توصیف کشمیری ها به عنوان مردمی خودخواه یا شرور و ناسپاس آنها را خوار

و بد نام سازند. خلاصه کلام پی آمد از دست رفتن استقلال، از دست دادن احترام به خود بود.

۱- تاریخچه اجمالی از دوره مغول تا دوگره

کشمیر در سال ۹۹۴ هجری مطابق با ۱۵۸۶ میلادی استقلال خود را از دست داد. علت از دست رفتن استقلال کشور علاوه بر حمله و تهاجم خارجی، تعصب مذهبی بعضی اُمرای کشمیری نسبت به شیعیان بود.

گرچه شیعیان از زمان ورود اسلام به کشمیر در رأس سیاست بودند اما بعد از سر کار آمدن حکومت اهل تسنن شیعیان تا حد یک جریان مخالف آنها تبدیل شدند.

شیعیان با این باور که دولت مغول غاصب و اشغال گر است به قیام های مسلحانه دست زدند اما بعد از ناکامی دست به جنگ چریکی زدند و تا ۲۶ سال آن را ادامه دادند.

اما فشار به روی شیعیان روز به روز افزوده شد تا اینکه به گفته نویسندگان واقعات کشمیر در حکومت مغولان؛ شیعیان [چک ها] چنان کشته شدند همانطور که از خوشه برنج دانه را در می آورند. آنان را می گرفتند

و می کشتند.

دوره حکومت مغول در کشمیر بیش از یک قرن و نیم (۱۶۶ سال) طول کشید.

وضعیت شیعیان در این دوره از تمام جهات چه وضعیت دینی، فرهنگی، علمی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی بخاطر سخت گیری حاکمان و غارت های متواتر بعضی از

ص: ۱۹۰

شنی های افراطی رو به افول گذاشت.

در این دوره شیعیان ده ها بار مورد تهاجم و تعرض اهل تسنن قرار گرفتند به گونه ای که بین شیعیان مشهور و معروف شده بود هر هفته یک روز مورد تهاجم واقع می شوند. اما در پنج مورد همه گیر بود، که شیعیان جاهای دیگر را نیز به خاک و خون کشیدند، که حتی به نوامیس آنان نیز رحم نکردند.

اما بعد از ۱۶۶ سال حکومت مغول در هند و کشمیر رو به زوال گذاشت. تا اینکه بعضی از امرای کشمیر از احمد شاه ابدالی درخواست حمله به کشمیر و الحاق آن به افغانستان را کردند.

در پی آن احمد شاه ابدالی در سال ۱۷۵۲ میلادی ۱۲۶۹ هجری به کشمیر حمله کرد و آن را به افغانستان ملحق کرد. وضعیت شیعیان در این دوره از تمام جهات بدتر از دوره قبل بود در این دوره هر نوع فعالیت مذهبی، سیاسی، دینی و فرهنگی ممنوع اعلام شد. حتی عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام نیز ممنوع اعلام گردید.

در این دوره که حدوداً ۶۶ سال طول کشید شیعیان بیش از دوره مغول از طرف اهل تسنن مورد هجوم واقع شدند. افغان ها نه فقط شیعیان را مورد عتاب خود قرار دادند بلکه عموم مردم نیز از ظلم و ستم های آنان در امان نبودند که نسبت به آنان معروف شده بود: «سر بریدن پیش این سنگدلان گل چیدن است».

بعد از آن در سال ۱۸۱۹ م مطابق ۱۳۳۴ هجری کشمیر در تصرف سینک ها در آمد. گرچه آنان نیز مثل افغان ها در ظلم و ستم بی بدیل بودند و ظلم هایی علیه

ص: ۱۹۱

مسلمانان روا داشتند که قلم از بیان آنها شرم دارد اما چون خود آنان نیز در دوره های قبل مثل شیعیان مورد هجوم اهل تسنن واقع شده بودند از اینرو در این دوره شیعیان نسبت به دوره قبل کمی احساس راحتی کردند و کمتر مورد هجوم سنی ها واقع شدند. شیعیان چون در دوره های قبل همه چیز را از دست داده بودند هنوز نتوانسته بودند انسجام خود را پیدا کنند و دست به کار های

فرهنگی و دینی بزنند.

سپس کشمیر در سال ۱۸۴۶ م مطابق ۱۳۶۲ هجری در تصرف دوگره در آمد. آنان نیز تمام خونی که در رگ کشمیری ها بود از طریق قرار دادن مالیات بر هر چیز، مکیدند. اما شیعیان در این دوره نیز کمی نفس راحت کشیدند؛ گرچه عموم مسلمانان از دادن مالیات مستثنی نبودند، اما همانند دوره های مغول و افغان مورد تعقیب نبودند. در این دوره صد ساله نیز تهاجم و تعرض اهل تسنن کنترل شد فقط یک مورد در سال ۱۸۷۲ م مطابق ۱۳۸۹ هجری بوجود آمد. بعضی از شیعیان نیز در این دوره به دربار راه یافته بودند. علاوه بر آن اولین بار شورشیان اهل تسنن مجازات شدند و بخاطر تخریب کاری آنان به شیعیان ۳۰۰ هزار روپیه غرامت پرداخت شد.

ص: ۱۹۲

دولت مغول با دعوت اشراف و بزرگان اهل تسنن در کشمیر پایه گذاری شد و بخاطر رقابت سیاسی و تعصب مذهبی بعضی از اشراف با شیعیان که در رأس سیاست و دولت قرار داشتند از سیاست کنار گذاشته شدند.

۱-۲- دلایل گرایش شیعیان به جنگ های چریکی

۱- اختلاف داخلی کشمیری ها.

۲- ملحق شدن فرماندهان اهل تسنن به ارتش مغول و بی وفائی به کشور.

۳- نیروی زیاد مغول.

۴- تعصب مذهبی مردم سنی و بویژه علمای آنان نسبت به شیعیان. آنان در این راه حاضر شدند از استقلال و آزادی کشور نیز چشم پوشی کنند.

۵- عدم آمادگی برای جنگ.

به همین دلیل آنان جنگ را بی ثمر دانستند و دست به جنگ چریکی زدند و توانستند حملات و ضربه های سنگینی به ارتش مغول وارد کنند.

ارتش مغول مجبور شد از دهلی تقاضای نیروی کمکی بکند. اکبر شاه برای از بین بردن شورش، افراد با نفوذی از جمله بابا خلیل یکی از علمای بزرگ شیعیان آن دوره را به کشمیر اعزام کرد.

حاکمان مغول مردم کشمیر بویژه مبارزان را به بهانه های

مختلف از جمله

ص: ۱۹۳

وعده و وعید، تهدید و یا تعقیب و دستگیر کرده به قتل می رساندند. از آنجا که اکبر شاه یک پادشاه روشنفکر و آزادمنش بود و بیش از مذهب به کشور گشایی علاقه فراوان داشت لذا سرزمین کشمیر را بیش از مردم آن دوست می داشت. از اینرو احترام و ارزشی برای عموم مردم قائل نبود. (۱۱) و حتی دست درازی ارتش او به اهل تسنن نیز رسید.

مغول کشمیر را بهشت روی زمین خواندند. بعد از اینکه اکبر به کشمیر آمد درباره نخستین توصیف او از کشمیر ابوالفضل موزخ درباره او چنین می نویسد:

«این کشور افسون کننده است و... باغی است با بهاری جاودانی، چشمه هایی شیرین و آبشارهایی که مانند موسیقی گوش را می نوازند و گل های

سحرآمیز بنفشه، گل سرخ و نرگس تمام دشت ها را پوشانده اند» (۲).

این دژه برای آنها پناهگاهی بود از گرمای طاقت فرسای هند و بیلاقی که می توانستند در آنجا سلامت خود را باز یابند، روح خود را تازه سازند و خود را سرگرم کنند.

بخاطر دست درازی مغول به عموم کشمیری ها بعضی از اشراف اهل تسنن نیز علیه

ص: ۱۹۴

۱- بویژه شیعیان که او را اشغالگر و متجاوز می پنداشتند و بر علیه او دست به جنگ می زدند.

۲- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۷۱.

آنان دست به شورش ها زدند. و چون اینکار مانع سلطه آنان بر کشمیر می شد، بخاطر همین، مغول ها از کشمیری ها بیشتر عصبانی و خشمگین شدند. این مثل بین آنان خیلی معروف است که می گفتند «کشمیر جنت است اما مردمان این جا دوزخی اند»^(۱) و نیز برای تحقیر کشمیری ها می گفتند:

اگر قحط الرجال افتد از آن سه مهر جوئی

اول کنبوه دویم افغان سویم بد ذات کشمیری

ز کنبوه حيله می آید ز افغان کینه می آید

ز کشمیری نمی آید بجز اندوه و دلگیری^(۲)

شیعیان خسارت های زیاد مالی و جانی به رهبری یعقوب چک به آنان وارد ساختند. حتی وقتی یعقوب چک با درخواست اکبر و درباریانش با او صلح و آشتی کرد، شیعیان باز هم دست از مبارزه علیه مغول برنداشتند.

بخاطر عدم ایجاد امنیت و ثبات سیاسی حاکمان همواره از طرف شاه مغول عوض می شدند. شیعیان و بعضی از اشراف اهل تسنن مانع اجرای برنامه های حاکمان می شدند و شیعیان مبارزه علیه متجاوزان را ۲۶ سال ادامه دادند.

اما بعد از مبارزه ۲۶ ساله «اعتقاد خان» از طرف پادشاه مغول منصوب شد او چنان بر شیعیان سخت گرفت و آنان را مورد آزار و اذیت و ظلم و ستم قرار داد که

ص: ۱۹۵

۱- ددَمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم، احمد، شمس الدین، ص ۲۰۱.

۲- همان.

صفوف شیعیان از هم پاشیده شد و دیگر نتوانستند دوباره منسجم شوند.

طبق نقل اعظم ددّمری محقق و مورّخ قرن دوازده که خود سنی است، «اعتقاد خان» شیعیان را چنان برای کشتن می گزینش کرد چنانکه از خوشه برنج دانه را در می آورند. (۱)

وی در ادامه می نویسد:

«اعتقاد خان چنان بر چک ها سخت گرفت که آنها امید دوباره بدست آوردن قدرت را از دست دادند». (۲)

چک ها، کسانی که فقط چند سال پیش پادشاه این مملکت بودند مجبور شدند در این دوره حتی فامیلی خودشان را تغییر دهند و نیز لباس، شکل و شباهت و شغل را هم عوض کردند. تا شناخته نشوند.

کسانی هم که در این دوره جان سالم بدر بردند در جاهای دور و دراز و در جاهای گمنامی زندگی کردند. (۳) به این ترتیب مبارزان و مجاهدان کشمیر از بین رفتند و دیگر قیام و جنبشی برای آزادی کشور صورت نگرفت.

دوره مغول در کشمیر ۱۶۷ طول کشید تا اینکه در سال ۱۷۵۳ م یکی از اشراف کشمیر بنام «میر مقیم» کنت با دوست نزدیکش «ظهیر الدین» بخاطر ضعیف شدن

ص: ۱۹۶

۱- ددّمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۲۰۱.

۲- همان ۲۰۱.

۳- نجفی، سید محمد، تاریخ شیعه هندوستان تا دوره مغول، ص ۱۳۲.

امپراتوری مغول که بعد از اورنگ زیب شاه هند شروع شده بود، نزد احمد شاه ابدالی حاکم افغانستان رفت و از او درخواست الحاق کشمیر به افغانستان را کرد. ارتش افغان در سال ۱۷۵۳ به کشمیر حمله کرد و آن را به تصرف خود در آورد. (۱) و حکومت مغول در کشمیر را پایان داد.

۲-۲- حاکمان و والیان شیعه در دوره مغول

اشاره

با اینکه دوره مغول برای شیعیان دوره خیلی سخت و دشواری بود اما در این دوره بعضی از شیعیان چه کشمیری و چه ایرانی بر سر قدرت آمدند و برای مدت کوتاهی آزادی نسبی برای شیعیان ارمغان آوردند.

۱- میرزا حیدر ملک

میرزا حیدر ملک (۲) اولین حاکم شیعه در دوره مغول بود. او از یاران یوسف چک شاه کشمیر بود و با او به هند تبعید شده بود. جهانگیر پادشاه هند و به سفارش همسرش ملک حیدر را بالاترین لقب چغتائی و رئیس الملک داد. (۳)

ص: ۱۹۷

۱- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۸۰.

۲- خاندانی میرزا حیدر ملک در کشمیر یک خانواده مشهور و معروف و سرمایه دار بود. روستای چادوره از زمان قدیم ملک و جاگیر این خانواده تا دوره کریم خان حاکم افغانی بود که کریم خان آن را مصادر کرد. و اینقدر بر آنان سخت گرفت که آنان مجبور به مهاجرت از آنجا شدند.

۳- چادوره، ملک حیدر، تاریخ ملک حیدر، ترجمه مهدی یزدانی، ص ۹۱.

میرزا حیدر تمام آن افراد را که در حکومت اکبر شاه تبعید شده بودند دو باره به کشمیر برگرداند. و تمام بدعات و رسوماتی که سرمایه داران از آن از کشاورزان سوء استفاده می کردند لغو کرد. او با تمام کشمیری ها بطور مساوی رفتار می کرد و امتیازی برای کسی قائل نبود. درباره حکومتش معروف است:

آفرین بر دست و بازوی ملک حیدر که او

مُلک را جاروب کرد هیچ گردی بر نخواست (۱)

۲- علی مردان خان

دومین نفر از حاکمان شیعه در دوره مغول علی مردان خان بود. او ایرانی الاصل و از طرف پادشاه ایران حاکم قندهار بوده است. اما برابر اختلافی که بین شاه و درباریان با علی مردان بوجود آمد، علی مردان به دربار شاه جهان پادشاه هند پناه برد. از آنجا که وی قابل ترین مهندس و بهترین افسر ارتش بود، بخاطر این استعداد و شایستگی به حکومت کشمیر دست یافت.

مورّخین علی مردان را یک حاکم عادل، شجاع، سخی، مُدیر و... یاد کرده اند. وی به خوبی و در رفاه زندگی می کرد اما از کشمیر پولی نمی گرفت بلکه به گفته مورّخ حسن هزینه مخارج خود را از طریق آن گنجی که در کوه قندهار پیدا کرده بود و با خود به لاهور آورده بود تامین می کرد. (۲)

ص: ۱۹۸

۱- چادوره، ملک حیدر، تاریخ ملک حیدر، ترجمه مهدی یزدانی، ص ۹۳ و ۹۲.

۲- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۲، ص ۵۸۷.

۳- ابراهیم خان

سومین نفر از حاکمان شیعه در دوره مغول، ابراهیم خان فرزند علی مردان خان بود. وی در مجموع سه بار به حکومت رسید و طبق منابع با تمام مردم صغیر و کبیر، امیر و فقیر با خوش اخلاقی رفتار می کرد. ابراهیم خان یک مدیر شایسته و لایق بود.

۴- میرزا احسن الله

چهارمین نفر از شیعیان که به حکومت رسید میرزا احسن الله بود. او نیز ایرانی الاصل بود. بخاطر شایستگی نظامی لقب ظفر خان از پادشاه گرفت. (۱) او تمام دستورات و مقررات سخت و خشن که حاکم قبلی او بنام اعتقاد خان در کشمیر جاری ساخته بود با اجازه پادشاه لغو کرد. به همین دلیل در دوره او علاوه بر شیعیان، اهل تسنن نیز توانستند نفس راحتی بکشند.

۵- برهان الدین

پنجمین نفر از حاکمان شیعه در این دوره برهان الدین ملقب به فاضل خان بود. وی در سال ۱۱۰۹ هجری به فرمانروائی منصوب شد. او نیز دستورات سخت را در کشمیر لغو کرد. گرچه با تعطیلی آن دستورات، خزانه دولت کاهش پولی پیدا کرد

ص: ۱۹۹

۱- همان ص ۵۸۰، ددّمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۲۹۸.

اما او در برابر آن هیچ نوع مالیاتی به مردم اضافه نکرد.

او در حکومت خود تمامی مردم کشمیر را از خود راضی کرد و کارهای فرهنگی زیادی انجام داد، که پیرامون وضعیت فرهنگی در این دوره بحث خواهیم کرد.

۳- وضعیت اجتماعی شیعیان کشمیر در دوره مغول

اشاره

شیعیان کشمیر در دوره مغول وضعیت اجتماعی بسیار نامناسب و خیلی دشوار داشتند.

در این دوره جامعه و ملت تشیع از هم پاشید. بخاطر فشار و تعقیب حاکمان خیلی از آنان کشته، تبعید و آواره شدند و بعضی ها برای عدم دسترسی حاکمان و افراد متعصب، به جنگل و دامنه های کوه و مناطق دور افتاده هجرت کردند.

به همین خاطر بسیاری از شیعیان ساکن سرینگر به «دریاچه دل» پناه بردند. جایی که ارتباط زمینی ندارد و فقط به وسیله قایق و کشتی می توان به آنجا رفت.

در همین زمان قاضی نور الله شوشتری توسط جهانگیر شاه بطور فجیعی کشته شد^(۱) و محافل تبراً علیه شیعیان توسط «اوزنگ زیب» پادشاه هند در آن بوجود آمد.^(۲)

بخاطر نفوذ بیشتر علمای متعصب در دربار، آنان شاهان را وادار بر فشار و سخت گیری بر شیعیان می کردند. این عالمان چنان بر شیعیان سخت می گرفتند که بین

ص: ۲۰۰

۱- سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، ص ۵۸۱.

۲- رضوی، علی حسین، تاریخ شیعیان علی، ص ۶۷ - ۶۳.

کافران و شیعیان فرقی قائل نبودند و چه بسا شیعیان را بدتر از کافران می دانستند.

آنان از شاه و درباریان درباره کفار و شیعیان چنین تقاضائی داشتند: «قانون منع گاو(۱) را لغو کنند و آن دوباره بر هندوها تحمیل گردد. کافران را چون سگ نجس شمرده در منصب های امنیتی قرار نگیرند. از بدعت گزاران (شیعیان) باید اجتناب کرد. زیرا آنان بدتر از کفارند. احترام به آنان (شیعیان) به معنای نابودی اسلام است.»(۲)

در این دوره شیعیان را به بهانه ها و تهمت های مختلف به قتل می رساندند. و اگر هیچ بهانه ای بدست نمی آمد، تهمت سب و تبرا به خلفا را به آنان نسبت می دادند و به قتل می رساندند.

ملک حسین چادوره «یکی از بزرگان و اشراف شیعیان که برای ادای احترام یکی از علمای اهل تسنن از جای خود بلند نشده بود» را نیز اورنگ زیب دستگیر کرد و به اتهام سب صحابه به قتل رساند.

وضعیت اجتماعی شیعیان را می توانیم از شعر زیر بهتر بشناسیم. شعری که

ص: ۲۰۱

۱- (گاو در مذهب هندوها جنبه مقدس دارد. و کشتن آن بین آنان خیلی مذموم و گناه بزرگ است لذا حاکمان بخاطر مصالح کشور کشتن گاو را ممنوع اعلام کرده بودند.

۲- (سید رضوی، اطهر حسین، شیعه در هند، صص ۵۷۹.

آنان پس از قتل ملک حسین چادوره گفتند:

شد از ظلم بیداد قوم یزید حسین (۱) ابن حیدر دوباره شهید (۲)

در این دوره خفقان چنان بود که حافظ عبدالله، واعظ و خطیب اهل تسنن را به اتهام استفاده از الفاظ شیعیان در مسجد محکوم به اعدام کردند. (۳)

در این دوره شیعه بودن یک جرم غیر قابل بخشش بحساب می آمد. از منابع تاریخی بدست می آید برای محکوم نمودن طرف مقابل کافی بود به او نسبت شیعه و اتهام سب صحابه داده شود در این صورت حاکمان حتی فرصت دفاع از خود نیز به متهمان نمی دادند و آنان را اعدام می کردند.

در این دوره شیعیان و مناطق آنان بجز زمان کوتاهی - که حاکم نسبتاً عادل بر سر کار می آمد - از تمام امکانات و حقوق انسانی محروم بودند. آنان حتی برای ضروریات اولیه نیز محتاج دیگران بوده اند.

۱-۳- ارتباط شیعیان با دیگر فرقه ها در دوره مغول

آتش تفرقه که حاکمان مغول برای استحکام و پایداری حکومت در کشمیر بین دلهای کشمیری ها انداخته بودند روز بروز تشدید می شد. در این دوره کشمیری ها بر

ص: ۲۰۲

۱- اسم پدر ملک حسین؛ بنام علی بن ابی طالب حیدر بوده است.

۲- ددمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۲۷۵.

۳- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۲، ص ۲۵۳.

خلاف دوره چک ها زندگی مسالمت آمیزی نداشتند. در این دوره شیعیان برای عدم تعرض سنی ها حاضر شده بودند با هندوها ائتلاف و اتحاد در برابر تجاوزات اهل تسنن تشکیل بدهند. چون این دوره پر از درگیری و تفرقه و اختلاف است - شیعیان کشمیر به غیر از اهل تسنن با دیگر ادیان و مذاهب روابط خوبی داشتند. علت آن هم میتواند این باشد که در دوره های مغول و افغان به غیر از اهل تسنن همه مورد هدف و آزار و اذیت قرار می گرفتند. چنانکه قبلاً نیز اشاره شد در نظر علمای متعصب درباری فرقی بین شیعیان و هندوها نبوده است و آنان به هر طور ممکن خواستار تحمیل نظر خود بر شاهان وقت می شدند - و شاه نیز برای حفظ موقعیت خود افکار آنان را در جامعه اجرا می کرد.

اما چون علمای اهل تسنن بجای مذاهب هندوها مذهب شیعیان را برای جامعه اهل تسنن تهدید به حساب می آوردند از راه های مختلف برای از بین بردن شیعه و مذهب شان استفاده می کردند. یکی از آن راه ها

تحریک عموم اهل تسنن برای قتل و غارت شیعیان بود. لذا طبق نقل مورخ حکیم صفدر همدانی بین شیعیان معروف بود بعد از هر شش روز یک حمله عمومی توسط اهل تسنن صورت می گرفت. ما از همه آنها صرف نظر می کنیم و فقط به چند مورد که حملات سراسری و عمومی بودند، به اختصار اشاره خواهیم کرد:

اولین حمله در سال ۹۹۴ هجری هنگام ورود ارتش مغول به کشمیر با تحریک اهل تسنن توسط سید یوسف خان بیهقی، عالم شیرماگری، ظفر خان، شمس چک صورت گرفت.

فرمانده این حمله «شمس چک» بود. طبق نقل «تاریخ حسن» آنان آستان میر شمس الدین عراقی را سوزاندند و آن را مزبله قرار دادند و شیعه ها را بسیار رنجانیدند و ناموس و مال و جان آنها را بباد دادند. (۱)

حمله دوم در سال ۱۰۴۵ هجری در حکومت ظفر خان صورت گرفت شیعه و سنی که برای توت خوری به مای سومه (۲) رفته بودند. بین آنها دعوایی رخ داد که منجر به قتل و غارت شیعیان گردید. (۳)

تهاجم بعدی در سال ۱۰۹۶ هجری رخ داد. این دعوا در اول بین دو نفر شیعه و سنی بود، اما طبق نظر مورخین اهل تسنن فردی شیعه بر صحابه کرام سب و آنان را دشنام داد لذا عموم اهل تسنن علیه شیعیان شوریدند و حسن آباد منطقه شیعه نشین را آتش زدند و جمع زیادی از مردم کشمیر را نیز کشته و مجروح ساختند. (۴)

تجاوز بعدی که بسیار وحشتناک بود و تلفات سنگینی داشت، مورخ حسن راجع به فجائح و تلفات آن می نویسد:

ص: ۲۰۴

-
- ۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱ ص ۵۸۱؛ مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۲۳۰.
 - ۲- مای سومه در سرینگر جایی است که در آن زمان باغ های توت داشت.
 - ۳- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۵۸۲ و همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۴۸.
 - ۴- همان ص ۵۸۳ و همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۴۹.

«العظمه لله! این چنین حادثه تباه و واقعه جانکاه بر مردمان شیعه گاهی به عمل نیامده بود. که در عرصه یک پهر روز (ربع روز) تمامی خانمان و مال و متاع و ننگ و ناموس آنها تباه گشت.» (۱۱)

این تجاوز در سال ۱۱۳۲ هجری رخ داد. علت این درگیری کشته شدن یکی از علمای با نفوذ اهل تسنن بنام محتوی خان در خانه یکی از شیعیان است. محتوی خان قبل از کشته شدن شورش های متعددی در کشمیر علیه هندوها به راه انداخته بود اما زمانی که حاکم کشمیر بخاطر ناامنی عزل شد و حاکم بعدی از طرف مغول بنام مومن خان برای کشمیر معرفی شد، محتوی خان برای توجیه و توضیح اقدامات خود نزد میر شاهوار خان که شیعه مذهب بود و در دولت نیز مسئولیت کلیدی داشت به خانه او رفت تا او را نزد مومن خان از محاکمه نجات دهد اما در همان زمان چند نفر دیگر از کارمندان دولت اهل تسنن نیز در خانه وی حضور داشتند. آنها وقتی محتوی خان را دیدند برای از بین بردن شورش ها و ناامنی ها به او حمله کردند و او را کشتند. اما چون در خانه فردی شیعه کشته شد تهمت کشتن او را به شیعیان زدند.

مورخ حسن می نویسد: «الحال بکنگاش قتل محتوی خان متهم گشته، هجومیان بر سر آنها تاخته، بهرجا نهب و غارت ساخته، خانمان آنها در مهلکه آتش انداخته از صغیر و کبیر زن و مرد جمعی کثیری بعدم رسانیدند. و با افعال ناشایسته پرده

ص: ۲۰۵

۱- (همان ۵۸۹؛ مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۲۳۱.

ننگ و ناموس آنها دریده، نامه های خود سیاه کردند و در محله جدی بل طفلان و نسوان بخوف جان در میان آستان میر شمس الدین عراقی پناه گزین شده (دروازه بستند) اهل فساد از باز پرس یوم التناء نه ترسیده خانقاه مزکور را خاکستر نمودند». (۱)

حمله بعدی در سال ۱۱۵۴ هجری صورت گرفت. در آن سال یکی از شیعیان علیه حاکم کشمیر بنام ابو البرکات خان دست به شورش زد. ابوالبرکات او را شکست داد و او به طرف «کامراج» (۲) فرار کرد. حاکم بجای تعقیب او دستور داد تا شیعیان را غارت کنند، آنان نیز طبق نقل تاریخ حسن:

«خانه های آنها (شیعیان) را از هر محله در داده، مال و دولت بغارت برده، در ننگ و ناموس آنها دقیقه ای فرو نگذاشتند و چند محله را در یک پهر روز (ربع روز) بباد دادند». (۳)

ص: ۲۰۶

۱- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۱، ص ۵۸۰؛ همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۵۵.

۲- اسم جایی در کشمیر.

۳- همان، ص ۵۹۱.

گرچه با آمدن حکومت و دولت مغول وضعیت فرهنگی شیعیان رو به زوال گذاشت و روز بروز به انحطاط بیشتر کشیده شد، چون شیعیان دیگر فرصت پیدا نمی کردند که فرهنگ و تمدن شیعی بسازند - چون به گفته مصنف تاریخ شیعیان در آن روز معروف شده بود. هر روز هفتم مورد تجاوز و تعرض قرار می گیریم. (۱)

لذا علل زوال و انحطاط آنان در این دوره عبارت است از:

۱- جای فرهنگ سازی، بیشتر وقت را شیعیان در دفاع خود صرف می کردند.

۲- انحطاط فرهنگی شیعیان در این دوره فقر اقتصادی بود. شیعیان دیگر در این دوره ها مثل سابق شغل خوب و ممتاز نداشتند و از کارهای معمولی و ساده زندگی شان را اداره می کردند.

از سوی دیگر از طرف حاکمان هم کارهای خوب و حساس به آنها داده نمی شد. بالاخره کارهای فرهنگی هزینه دربر دارد. از شرایطی که شیعیان داشتند به نظر می آید به مشکل توانسته باشند شکم شان را سیر کنند تا چه رسد به کارهای فرهنگی، و تازه هرچه که جمع می کردند اهل تسنن آن را به غارت می بردند. لذا خود شیعه مذهب باقی ماندن در آن شرایط سخت و خفقان شدید کمتر از معجزه نیست.

۳- انحطاط فرهنگی شیعیان در آن دوره ها نبودن امنیت جانی، مالی، دینی،

ص: ۲۰۷

مذهبی و فرهنگی است. یعنی اگر شیعیان وقت هم می گذاشتند،

هزینه هم می داشتند

باز هم کارهای فرهنگی سخت بود. چون آنان هر چه انجام می دادند و کار فرهنگی می کردند اهل تسنن آن را تحمل نمی کردند - شاهد آن ویران کردن مسجد در کنار آستان سید محمد مدنی است.

۴- انحطاط فرهنگی این است که هرچه حاکمان شیعه در دوره مغول و افغان کار فرهنگی می کردند، حاکمان بعد عمداً آن را خراب می کردند. چون یک شیعه آن را بنا کرده است. همانطور که امیر خان جوان شیر یک باغ به اسم امیر باغ ساخته بود و در ماه محرم در آن خیمه نصب کرده عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می کردند این باغ خیلی وسیع و باصفا بود. اما کریم خان بنا بر تعصب وقتی بعد از امیر خان جوان شیر به حکومت رسید آن باغ و کاخش را ویران و خراب کرد.

۵- انحطاط فرهنگی نبودن علم و دانش و درس و تدریس است ما در این دوره حتی یک مرکز علمی هم بین شیعیان در کشمیر نمی بینیم. و هر کس می خواست

درس بخواند می بایست

به ایران و عراق برود که در آن زمان با نبودن وسائل سخت بود. و در کشمیر ایجاد مراکز علمی بخاطر نبودن امنیت سخت و دشوار بود و اگر هم می ساختند بعید نبود اهل تسنن آن را تحمل نکرده با خاک یکسان کنند.

ص: ۲۰۸

اشاره

اما با وجود این همه موانع و مشکلات باز هم بعضی از شیعیان بخاطر استعداد و صلاحیت خدادادی توانستند در بعضی از اوقات سر قدرت بیایند و دست به کارهای فرهنگی کشمیر و شیعه بزنند. اما کارهای فرهنگی آنان بیشتر جنبه عمومی داشت و کمتر توانستند به کارهای فرهنگی برای نشر معارف تشیع پردازند.

اینک بعضی از فعالیت های فرهنگی آنان را ذکر می کنیم:

میرزا حیدر که به گفته مورخ حسن یک عالم، ادیب، مهندس، و یک افسر شجاع بود^(۱)، مسجد جامع کشمیر را که در آتش سوزی از بین رفته بود. در حکومت خود باز سازی کرد و اشعار ذیل بر سنگ آن کنده است:

بتاریخ هزار و بیست و نه از هجرت سید

ملک حیدر رئیس الملک در عهد جانگیری

بروز عید روزه سوخته در نوبت ثانی

نهاد از نو اساسش باز گاه عید قربانی^(۲)

میرزا حیدر جهت رفاه عمومی و برای رساندن آب به حیاط مسجد برای وضو و غسل، جوی آب را دوباره بازسازی کرد. و آن را خیلی خوب و وسیع ساخت تا آب از حیاط مسجد عبور کند. به سبب این نهر یا جوی، آب برای محله های زیادی در اطراف

ص: ۲۰۹

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، بخش دوم، ص ۸۳۵.

۲- (چادوره، ملک حیدر، تاریخ ملک حیدر، ترجمه مهدی یزدانی، ص ۹۳ و ۹۲.

آن برای نوشیدن و مصارف دیگر مهیا شد.

در راستای نشر فرهنگ شیعیان وی یک کتاب تاریخ بنام تاریخ ملک حیدر نوشت. (۱۱) این کتاب در عصر حاضر یکی از منابع مهم به حساب می آید. چون در اکثر حوادث آن زمان حضور مستقیم داشته است.

علاوه بر آن وی آستان میر شمس الدین عراقی که توسط ظفر چک سوزانده شده بود را نیز باز سازی کرد. (۲۲) علی مردان نیز در دوره خود برای رفاه عمومی کشمیر کارهای رفاهی و فرهنگی ذیل را انجام داد:

۱- ساخت کاروانسراها؛

علی مردان برای مسافران و سپاهیان کاروان سراهای زیادی ساخت که معروف ترین آنها کاروان سراهای ذیل هستند:

الف - سرای خامپور؛ ب - سرای شاجه مرگ؛ ج - سرای هیره پور؛ د - سرای سوخته؛ ه - سرای پوشانه؛ و - سرای بهرام گله؛ ز - سرای تهنه.

علی مردان علاوه بر حاکم چون مهندس بود اولین کسی است که باغات و پارک ها را طبق نقشه ساخت و در آنها چشمه های آب و آبشار درست کرد. (۳۳)

ص: ۲۱۰

۱- همدانی، حکیم صفدر تاریخ، شیعیان کشمیر، ص ۱۳۲.

۲- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، بخش دوم، ص ۸۳۵.

۳- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۳۵.

وی باغ‌هایی زیبا و بسیار قشنگ درست کرد که از عجائب روز به حساب می‌آمد. (۱) اسم آن را نیز علی آباد گذاشت و آنرا برای حرم امام علی بن موسی رضا علیه السلام وقف کرده بود. (۲) گرچه این باغ دیگر وجود ندارد. اما اسم آنجا هنوز هم به همین اسم معنون است. ابراهیم خان پسر علی مردان خان خودش یک عالم و فاضل بود. او صحبت علماء را خیلی دوست داشت. علماء را از داخل و خارج به دربار خود فرامی‌خواند.

او با مشارکت و همراهی علمای این منطقه کتابی در پنج جلد مرتب کرد در این کتابی که «البیاض الابراهیمی» یا پنج بیاض ابراهیمی نام داشت جواب تمام اعتراض‌ها و شبهاتی که علماء اهل تسنن علیه شیعیان کرده بودند با منابع خود اهل تسنن پاسخ داده شده بود. (۳)

۲-۴- ادبیات شیعیان در دوره مغول

اشاره

شاهان چک چون علم دوست بودند لذا احترام ویژه‌ای به علماء، ادباء و شعراء می‌گذاشتند. لذا در دوره آنان زبان و ادب کشمیر و همچنان فارسی گسترش زیادی

ص: ۲۱۱

۱- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۲، بخش ۱، ص ۵۹۷.

۲- همان، ص ۵۹۰؛ مرجان پوری، ملا خلیل، تاریخ کشمیر، ص ۱۷۰.

۳- تاریخ شیعیان کشمیر بنقل از «سیاده الساده» از سید ابوالقاسم رضوی.

پیدا کرد مخصوصاً ملکه یوسف بنام حبه خاتون روح تازه ای به شعر و زبان کشمیری داد.

اما در دوره مغول شعر و ادب کشمیر رو به زوال گذاشت. بخاطر فارسی زبان بودن حکمرانان، ادب فارسی جای زبان کشمیری را گرفت. آنان تمایلی به زبان محلی نداشتند و می توان گفت شاعری و ادب کشمیری در دوره آنان دفن گردید.

اینک با بعضی از شاعران این دوره آشنا می شویم. (۱)

۱- ملا مظهری

ملا مظهری کشمیری الاصل بوده است (۲) نویسنده «مآثر رحیمی» تذکره ملا مظهری را در کتاب خود چنین بیان می کند:

ملا مظهری پیشوایی حقیقت بیان و از شعرای فصیح زبان است. نیز یک خوش صدا و شیرین زبان بلبلی است که در گلستان هند در چمن ارض بی نظیر کشمیر در سخن آرایبی مشهور است، کسی که سامعین و مخاطبین خود را از کلام خود مسحور می کند.

و او است که علم (پرچم) شاعری را در «دار الملک کشمیر» که مولد و کشورش

ص: ۲۱۲

۱- زبان و ادبیات فارسی آنچنان مورد توجه مردم کشمیر واقع شد که باعث رشد و شکوفایی ادبیات و شعر این سامان گردید و شاعران فرهیخته ای را تقدیم آستان علم و ادب کشمیر نمود. و نتیجه آن اشعاری است که از شاعران خوش ذوق آن زمان به یادگار مانده است. (محقق)

۲- واقعات کشمیر، اعظم ددّمری، ص ۲۲۱.

است و نیز در جاهای دور دیگر نصب کرده است. و تا بحال همچون او شاعری (در کشمیر) پیدا نشده است.

بقول وی ملا مظهري اسب دانشوری و مفاخرت را در میدان مسابقه سوق داده از تمام شرکت کنندگان مسابقه سبقت گرفت.

ملا مظهري در جوانی و در ایام شباب قصد زیارات عتبات عالیات ایران و عراق کرد (۱). برای همین مقصد وقتی کشمیر را به مقصد ایران ترک کرد و هنگامی که به هرات (یکی از شهرهای افغانستان فعلی که در آن زمان جز خراسان ایران بوده است) رسید، در هرات و خراسان آن زمان، خواجه حسین ثنائی، میرزا قلی میلی، ولی دشت بیاضی، محمد میرک صالحی، میر مغیث محوی و عبد العلی نجاتی بر کرسی شعر و ادب حکومت می کردند.

ولی هنگامی که با وجود کمی سن از قصیده سروده خود ابیات زیر را خواند:

چه حالت است نه دانم جمال سلمی را که بی-ش دیدنش افزون کند تمنی را

بنسبت دی-ده مجنون ز خویش و بیگانه چه آشن-آ ننگ-هی ب-ود چشم لیل-ی را

در خراسان مشهور و معروف گردید. و علاوه بر خراسان در اطراف و اکناف و دیگر شهرها نیز شاعری و نکته پردازی او معروف گردید.

بخاطر این شهرت و مقبولیت گرچه شعرای خراسان به رشک آمدند، ولی آنان او را معتبر شمرده مصاحبت وی را اختیار نمودند. بخاطر تبلور و مهارت کامل در

ص: ۲۱۳

۱- تاریخ شیعیان کشمیر، حکیم صفدر همدانی، ص ۱۶۶.

ملا مظهري در جاهای دیگر نیز صلاحیت و شایستگی خود را به اثبات رسانیده است. به ویژه هنگامی که او در آخر به دارالسلطنت قزوین که در آن زمان مقر و مسکن پادشاهان صفوی بوده است رسید، در آنجا مولانا ضمیر اصفهانی، مولانا محتشم کاشانی، مولانا وحشی یزدی، میرزا حسابی نطنزی، قاضی نورالدین اصفهانی، امیر صبری روز بهان، مولانا حزنی اصفهانی و دیگر شخصیات فصیح و بلیغ که سکه فصاحت و بلاغت را به نام خود اختصاص کرده بودند حضور داشتند. آنها کسانی بودند که مکتب سعدی و خسرو را در اسلوب غزل اختیار کرده بودند و در طرز قصیده گوئی انوری و خاقانی را نیز طفل دبستان می پنداشتند ولی آنان حضور ملا مظهري را گرامی داشتند و به او عزت و تکریم خاصی نمودند. و از اشعار و کلام او مستفید شدند و نتوانستند منظومات وی را رد کنند. (۲)

ملا مظهري در آنجا مهارت و استعداد کلام خود را به نحوی شایسته نشان داد و این باعث شد که مورد توجه خاص آنها واقع شود. و این حقیقت است که در گذشته این خیلی کم اتفاق افتاده است که از کشمیر و یا از هند شاعری به ایران بیاید و استعداد شعری خود را پیش شعرا و ادبای ایرانی اظهار کرده بقبولاند بلکه همواره

ص: ۲۱۴

۱- (واقعات کشمیر، ص ۷۹۰.

۲- (تعلیقات و توضیحات واقعات کشمیر، دکتر شمس الدین احمد، ص ۷۹۰.

همین می شده است که از ایران شعرا به هند و کشمیر می آمدند و مورد توجه خاص مردم و پادشاهان کشمیر واقع می شدند ولی این لطف الهی فقط شامل ملا مظهري شد که عظمت و استعداد خدادادی را به آنها بقبولاند. (۱) چنانچه او به وسیله این شعرا به محافل و مجالس بزرگان نیز راه پیدا کرد.

ملا مظهري بعد از زیارت و سیر و تفریح در ایران به هند برگشت و در آنجا مورد لطف و عنایات اکبر شاه واقع شد. او از اکبر برای زندگی آرام و گوشه نشینی در کشمیر استدعا و درخواست کرد. اکبر نیز با وی موافقت نمود. لذا ملا مظهري باقی عمر خود را در کشمیر در سخن و نکته گذاری بسر کرد.

خلاصه اینکه مظهري یکی از شعرای بزرگ در کشمیر، هند و ایران بوده است. دیوان او مشتمل بر شش هزار بیت است. لذا در این شکی نیست که در دنیای ادب فارسی سهم ملا مظهري از طرف کشمیر بسان ستاره ای درخشان است که تابناکی و دوام آن تا ابد خواهد ماند.

او در سال ۱۰۱۸ هجری قمری فوت شد و در قبرستان معروف کشمیر بنام «مله کها» دفن گردید.

ص: ۲۱۵

(۱) همان.

کلام زیر از آن اوست:

فدای

آئینه گک-ردم که دلس-تان مرا

درون

خانه به گلگشت گلستان مرا(۱)

مظهر!

به جهان چو بی نصیبان می باش

و

ز گل بن-وای عندلیب-ان می باش

ب-ا

دی-دنی از خ-وبی ع-الم می س-از

مهمان

نظاره چو غریبان می باش

اقبال

حسن کار ترا پیش می برد

ورنه

صلاح کار نه دانسته‌های که چیست

سیری

چنان که ابر نیاورد برو گذشت

عزمی

چنانکه باد نیاورد بدو رسید (۲)

لطفی

نه کرده دهر زدیوانه پر شده است

حرفی

نه گفته شهر زافسانه پر شده است

یک

قطره از قرابه ساقی فروچکید

چندین

هزار ساغر و پیمانہ پر شده است

غم

ترک و خوشی خویش گفتست امروز

در

خون خلاف طبع جفتست امروز

شادی

ز دلم چو گل شگفتست امروز

یک لحظه کسی نه چیده مفتست امروز (۳)

از

شادی آن جامه که دی پوشیدم

چون

چرخ بگرد خویش می گردیدم

پا

مال بزرگیم فلک می شد و من

در

جامه آسمان نمی گنجیدم

ص: ۲۱۶

۱- (تاریخ حسن، حسن شاه، ج ۴، ص ۶.

۲- (همان، ص ۷.

۳- (واقعات کشمیری، اعظم ددّمری، ص ۲۲۲.

در

عشق به آه و ناله می باید زیست

دل

کرده به غم حواله می باید زیست

آماده

کفن فکنده در گردن جان

کم

مهلت تر ز لاله می باید زیست

گلعداران

که لب از شکرشان نتوان بست

هیچ

طرفی ز بهار و برشان نتوان بست

چه

گشاید دل ازین مردم بیگانه منش

کاشنائی

به دل کافرشان نتوان بست

جام

جمشید و دل مظهري آسان شکن

که دگر باره به یکدیگرشان نتوان بست (۱)

و این غزل:

گو

خلوتی که عزلت عنقا بر آورم

تا

بام آسمان در دنیا بر آورم

چون کودکی که خوی وی از شیر وا کنند

من

دیده را ز ذوق تماشا بر آورم

چون

نا رسیده میوه که بارش بر افکند

از

دل به عنف بیخ تمنا بر آورم

خون شد دل و خوشم که به هر جزو در رود

تا

کار عشقت از همه اجزا بر آورم

هر

صبح آتشی شوم و در خود اوفتم

چون

گل به خار سوزی غوغا بر آورم (۲)

ص: ۲۱۷

۱- همان.

۲- تاریخ حسن، ج ۴، ص ۷؛ (فارسی)، ناشر حکومت جامو و کشمیر، ۱۹۶۰ میلادی.

اوجی کشمیری بوده است و شعر گفتن را از اوائل زندگی آغاز کرده بود.

بنابر نقل مورخ حسن، اوجی خورشید بلندی های بلاغت و سخن گوئی بوده است.

اصلح میرزا نیز در «تذکره شعرای کشمیر» راجع به اوجی چنین نوشته است که اوجی پایه سخن را به معراج کمال رسانیده است و در بلندیهای دنیا (شعر و ادب) هر مصرع (بیت) اوجی مانند هلال مشهور و معروف است.

سید حسام الدین راشدی نویسنده تعلیقات کتاب «تذکره شعرای کشمیر» از کتابهای زیادی نقل قول ها راجع به اوجی ذکر کرده است و از همه آنها چنین بدست می آید که اوجی شاعر عصر همایون اکبر شاه و جهانگیر بوده است همچنین از شعرای عظیم و بلند غزل گویان دلبذیر قرن دهم هجری بوده است که دریایی مزاج و طبیعت او همواره موجزن اشاره فکر و شعور خیلی بالا، زود بیانش قوی و کسی که اوج کلامش خیلی بلند و بالا بوده است. (۱۱)

اوجی از لحاظ پیشه و شغل از کارمندان مرزا جعفر آصف خان «حاکم وقت کشمیر» بوده است. که ملازمت وی در دربار نیز در به اوج رسانیدن اوجی خیلی مفید واقع شد. چون به دربار مرزا جعفر همواره علماء و ادباء می آمدند او از صحبت آنان خوب استفاده کرد. هنگامی که مرزا جعفر آصف خان از حاکمیت کشمیر

ص: ۲۱۸

معزول گردید اوجی بعد از رفتن مرزا جعفر باز هم در کشمیر ماند.

اوجی علاقه ای به سیر و تفریح نداشت و در زندگی خود خیلی کم به سفر رفته است. سفرهای وی صرفاً در اطراف و مناطق کشمیر محدود می شود. و فقط یک بار تا لاهور رفته است و از همانجا دوباره به کشمیر بازگشت.

مؤلف میخانه ملا- عبد النبی فخر الزمان قزوینی می نویسد: که وی روزی در خدمت مولانا محمد صوفی در اجمیر هند بوده است و اتفاقاً یک کشمیری نیز در آنجا حضور داشته است و بیان می کند که ما با هم گفتگو می کردیم که در بین حرف ها صحبت از شعر و شاعری اوجی به میان آمد که در همین اثنا آن کشمیری از ساقی نامه اوجی این شعر را خواند:

مرا دامن خویش زنجیر شد مرا دست در آستین پیر شد.

مولانا محمد صوفی با شنیدن این شعر خیلی متحیر شد و گفت اگر من قبل از ساقی نامه خود این شعر را شنیده بودم هرگز تصمیم به گفتن مثنوی نمی گرفتم. (۱)

این ساقی نامه را اوجی در دوران ملازمت مرزا آصف خان تمام کرده بود در تاریخ حسن و واقعات کشمیر نقل شده است که اوجی صاحب یک دیوان بوده است. اوجی در سال ۱۰۳۲ هجری قمری از دنیا رفته است.

اشعار ذیل از کلام اوجی هستند:

ص: ۲۱۹

اوجی

از بیگانه بی تقریب می رنجیم ما

دیده

و دانسته ما را آشنا تاراج کرد

اوجی!

چراغ عمر به افسانه سوختیم

کاری

نه کردیم و دمیدن گرفت صبح

هر

سر که تشنه در خم فتراک او بود

دانم

یقین که روز جزا سُرخ رو بود

از

بس خیال زلف تو در سینه جا گرفت

آهی

که سرزند دلم مشک بو گرفت (۱)

نشسته عکس جمالت چنان به خانه چشم

که کسب نور کند مهر ز آشیانه چشم

چو دیده باز کنم بر رخ تو از حیرت

کند نگاه فراموش راه خانه چشم

بیا که بی تو همی تا به گردن

اندر خون

نشسته مرغ نگاهم در آشیانه چشم

بجای سبزه شرر می دمد ز خاک اوجی

بهر کجا که بر افشانده ایم دانه چشم

چند شعر از ساقی نامه «مثنوی»

لب

از هم بجز ناله نه نهاده ایم

بماتم

مگر تو امان زاده ایم

مرا

شیشه بر دوش و باران سنگ

نه

یارای رفتن نه پای درنگ

مرا

دامن خویش زنجیر شد

ج

مرا

دست در آستین پیر شد

اگر

فى المثل حسن صد نو بهار

بروید

ز روی زمین سبزه زار

ص: ۲۲۰

۱- همان.

نه

جنبد ز پهلویش از سال و ماه

به

گهواره چشم طفل نگاه

چنان

در غمش دیده خونبار شد

که

شب جای خوابم جگر زار شد

بیار

ساقی آن راوق تاک را

ضیا

بخش خورشید ادراک را

بده

تا بدانم که آن نوش لب

چرا

می گریزد زمن بی سبب

نسیم

سحر خاطر انگیز شد

سیمای گل آتشم تیز شد

بیک نغمه پردازى ارغنون

دلم از ره گوش آید برون

نمیبینم اوجی ز آفاق جای

سفر بایدم کرد ازین تنگنای (۱)

ص: ۲۲۱

۱- (واقعات کشمیر، اعظم ددّمری، ص ۲۲۴.

حاجی محمدجان قدسی در یکی از شهرهای بزرگ ایران بنام مشهد بدنیا آمد. وی در زمان شاه جهان برای انجام بعضی از امور شخصی به هند آمد. ولی بخاطر شهرت و آوازه اش نتوانست در هند خود را پنهان نگهدارد.

لذا در خدمت پادشاه وقت شاهجهان حاضر شد و از شعرای دربار گردید.

قدسی شاعر برجسته ای بوده است و در قصیده گوئی و غزل سرائی از رقیبان خود سبقت گرفته بود. (۱) وی وقتی دید که اسم عبدالله خان «دلاور و بهادر جنگ فیروز» در بحر شاهنامه نمی گنجد با حسن تلاش چنین آنرا گنجانده است:

نهنگی

که از غایت احتشام

نه

گنجد به بحر از بزرگیش نام

روزی برای پادشاه یک فیل سفید را با کمال انواع و اقسام تزئینات حاضر کردند که چشم همه گان را خیره کرده بود و در سابقه بندرت چنین مشاهده شده بود. قدسی هنگامی که آنرا دید بی درنگ این رباعی را سرود:

بر

فیل سفیدش، که میناد گزند

شد

شیفته هر کس که نگاهی افکند

چون

شاهجهن برو بر آدمم گوی

خورشید

شد از سفیده صبح بلند

در تاریخ نقل شده است که با وجود ملک الشعرائی و کمال شاعری روزی قدسی

یک غزل نوشته بود و آنرا پیش یک ملا و مکتب دار می خواند و هنگامی که به این شعر رسید:

ساقی

به صبحی قدحی بیشتر از صبح

برخیز

که تا صبح شدن تاب نداریم

پسر بچه ای که این اشعار را گوش می داد گفت بجای قدحی اگر «نفسی» نوشته شود به صبح مناسب نزدیکی و کاملی دارد. حاجی قدسی با آن عظمت و مقام حرف آن پسر بچه را قبول کرد و از فراست وجودت طبع او حیران گشت. (۱)

حاجی جان محمد قدسی با فطانت، شایستگی، تیز بینی، فصیح بیانی و استعداد شاعری ظفر نامه شاهجهان را منظوم کرده است.

قدسی در ایران فرزندی بنام محمد باقر داشته است که در کمال جوانی فوت کرد لذا قدسی بخاطر این غم و اندوه از بازگشت مجدد به ایران صرف نظر کرد و تصمیم بر ماندن گرفت. او در اواخر عمر به کشمیر آمد و در همین جا مستقر شد و زندگی خود را با شعر و شاعری بسر کرد.

سپس در همانجا در سال ۱۰۵۶ هجری قمری از دنیا رفت و در سرینگر به مقام در گجن در قبرستان شعرای کشمیر دفن گردید. (۲)

ص: ۲۲۳

۱- همان، ص ۱۱.

۲- همان، ص ۱۲.

اشعار زیر از اوست:

زود به کردم من بی صبر داغ

خویش را

اول شب می کشد مفلس چراغ

خویش را

جوانی رفت و داغی ماند بر دل

یادگاری از وی

چون آن سرخی که بر ناخن پس

از رنگ حنا بندد

اگر دستم رسد روزی به جیب

زاهد خود بین

چون شمع آرم بیرون یکدسته

ز نار از گریبانش

به این قدر که با بالین می نهی

قدمی

مترس که هیچ کست مهربان

نخواهد گفت

عیش

این باغ به اندازه یک تنگ دل است

کاش

گل غنچه شود تا دل ما بگشاید(۱)

باز

نشسته تا مژه در دل نگاه کیست

روزم

سیاه کرده چشم سیاه کیست

جان

دادن و سخن نه شنیدن گناه من

دل

بردن نگاه نه کردن گناه کیست

در

چنین فصلی که بلبل مست و گلشن پر گل است

گر

همه پیمانۀ عمر است خالی خوب نیست

کجا

تاب آورد پیش سرشک دیده فرسایم

دواند

ریشه گر چون شمع مژگان تا کف پایم

ص: ۲۲۴

چون

غنچه گل صد برگ، آسمان دو رنگ

به

صد برهنه دهد یک قبا و آن هم تنگ

دنیا

معشوق عاشق دین نشود

شیدای

آن شیفته این نه شود [\(۱\)](#)

بار

دل عارف نه شود جلوه دهر

آئینه

ز عکس کوه سنگین نه شود

هر

کس که سخن ز قدر و مقدار کند

کی

حاجت خود تواند اظهار کند

خواهی

هنرت عنان شود پستی جو

خورشید

فرود آید و بس کار کند

نگهت

عشوه گر و عربده ساز است هنوز

چشم

مخمور تو سر فتنه ناز است هنوز

تازه

شد دوستی ما به خط تازه تو

ناز

کن ناز، که آغاز نیاز است هنوز

خاک

شد پیکر محمود ز تاثیر وفا

دل

او در شکن زلفِ ایاز است هنوز

راه

نزدیک حرم سعی مرا باطل کرد

لیک

شادم که ره عشق دراز است هنوز

ص: ۲۲۵

گرچه

نه بود سر موئی ز حقیقت خالی

دل

قدسی ز پی عشق مجاز است هنوز(۱)

حاجی محمد جان قدسی درباره زیبایی کشمیر و نیز راجع به راه های دشوار و صعب العبور آن یک مثنوی خیلی زیبا گفته است که عنوان این مثنوی «مشکلات راه های کشمیر و پیر پنچال» بوده است.

بعضی از اشعار وی از قرار زیر است:

بود قطع ره کشمیر مشکل

به حق نتوان رسید از راه باطل

مگر زین راه باریکت خبر نیست

که گویی کوه را موی کمر نیست

ز بیم این ره باریک خونخوار

خلد موی کمر در دیده خار

گروهی دست از جان برفشانه

درین راه چون گره برتار مانده

ره فقر از ره کشمیر پیدا است

که گام اول او ترک دنیا است

ازین ره چون توان آسان گذشتن

که گام اول است از جان گذشتن

مسافر کی تواند زین بلا جست

مگر لغزیدن پا گیرش دست

رهی همچون دم شمشیر باریک

رہی پیچیدہ تر از موی زندگی

به تندی چون دم تیغ فرنگی

ز بس در رفتنش تدبیر کرده

ج

فلک را فکر این ره پیر کرده

ازین پیمان های زندگی آه

که پر می گردد از پیمودن راه (۱)

۴- طغرا

طغرا ایرانی الاصل بوده است و در مشهد زندگی می کرد. سپس آنجا را ترک گفته به هند روی آورد. او شاعری خوش فکر و دوراندیش بود. گرچه هم در نظم و هم در نثر مهارت کامل داشت ولی بیشتر اوقات خود را در انشاءپردازی می گذرانید.

از قرائن چنین بنظر می آید که طغرا با دیگر شعرا هم زمان خود (۲) روابط خوبی نداشت.

هیچ کدام از تذکره نگاران تاریخ وفات طغرا را نگفته اند. و فقط سوائی - نویسنده نتایج الافکار - تاریخ وفات طغرا را در آخر قرن یازدهم هجری ذکر کرده است.

ولی در این شکی نیست که تمام تذکره نویسان طغرا را یک استاد مسلم، یک شاعر خوش فکر، انشاءپرداز بی بدیل، صاحب قدرت و مهارت در نظم و نثر، فرمانروای ملک معنی، حامل استعداد خدا دادی، صاحب فکر، بهار پیر و چنان ادبی و شاعر برجسته نوشتند که نثر فارسی را در قالب جدید طرح کرد.

ص: ۲۲۷

۱- (واقعات کشمیر، ص ۲۵۰.

۲- (همچون غنی کشمیری، قدسی، کلیم، سلیم.

از آثار ملا طغرا «ساقی نامه» می باشد که مشتمل بر ۵۰ هزار بیت است. علاوه بر آن دارای غزلیات، قصائد، فردیات، مثنویات مختصر و رسائل متعددی بوده است. در تذکره شعرای کشمیر تعداد رسائل او ۲۹ عدد گفته شده است. (۱)

او در آخر عمر به دعوت میرزا ابوالقاسم دیوان، مشهور به «قاضی زاد» به کشمیر آمد و در محله رینه وادی نایدیار در یک مغازه مشغول به کار شد و در همانجا از دنیا رفت. و در سرینگر به مقام در گجن در مزار شعرای کشمیر دفن گردید.

اشعار

زیر از کلام طغرا می باشد:

خوش

آن ساعت که بزم آرا نشینی بر لب جوئی

خط

پشت لب چشم قدح را گردد ابروئی

آبرو

می رود از دست به آمد شد غیر

چون

حباب از همه جانب ره کاشانه بیند

کشمیر

بود فصل خزان عالم نور

بر طالب فیض دیدنش هست ضرور

گوئی

که درین باغ چمن ساز قضا

آورده

نهال شعله از خرمن طور

کنم

تحریر وصف ناشپاتی (۱)

نماید

صفحه کاغذ نباتی

و این جمله نثر نیز از آن اوست:

«درخت آبی از زبی آبی روی بهی نه دیده» (۲)

۵- محمد قلی سلیم

سلیم نیز ایرانی بوده است و اسم اصلی او میرزا محمد قلی طرشتی بود. او در عهد پادشاه شاه جهان به هند آمد و پیش نواب وزیر اعظم اسلام خان ملازمت می کرد. (۳)

او ابتدا در لاهیجان نزد وزیری بنام میرزا عبدالله کار می کرد. و در آنجا یک مثنوی زیبا در تعریف و تمجید لاهیجان نوشته است. و سپس هنگامی که به هند آمد همان مثنوی را تغییر داده راجع به کشمیر نوشته است.

سلیم در لاهیجان نیز ازدواج کرده و صاحب یک فرزند شده بود.

خلاصه سلیم یک شاعر برجسته، خیال انگیز و شیرین بیان بوده که ذهنیت فوق العاده داشت.

دکتر شمس الدین از تذکره حسینی نقل می کند که دیوان سلیم حدوداً مشتمل بر بیست هزار بیت شعر بوده است. مثنوی قضا و قدر سلیم آئینه دار صلاحیت و شایستگی

ص: ۲۲۹

۱- ناشپاتی: گلابی.

۲- واقعات کشمیر، ص ۲۵۳.

۳- همان، ص ۲۵۳.

و نیز مهارت شاعرانه وی است که سلیم آن را با زحمت زیاد گفته بود.

سلیم به جهت رفاقت با چند تن از امراء به کشمیر آمد و در همین جا از دنیا رفت و در سرینگر بمقام در گچن در مزار شعرای کشمیر دفن گردید.

اشعار زیر از کلام اوست:

چشم

تو ز بیماری خود بر سرناز است

مژگان

تو همچون شب بیمار دراز است

گدای

کوی خراباتم و غمم این است

که

باده آتش سوزان و کاسه بین چوبین است

دل چو شد گرم ز می، جلوه معشوق کند

ماهی موم به آتش چو رسد آب شود

توان از دانه های سبجه دانست

که دلها را به دلها هست راهی

در تلاش سوختند چون کاغذ آتش

داغ های سینه ام با هم به جنگ افتاده است

بسته

کمر کنیم از قبضه کمان او

در

کشتن من تیغش افتاد بیکس

بیماری

چشمش را تعویذ چو بنویسند

از

پرده چشم آرند خوبان ورق آهو

ص: ۲۳۰

عیش آباد هندوستان غم پیری نمی دهد

که

مونه تو انداز شرم کمرها شد سفید آنجا

کمتر

نیم از قیصر و فغفور که من

در

هند سیاه بختی خود شاه سلیمم (۱)

۶- میرزا طالب کلیم

کلیم نیز ایرانی تبار و از استان همدان بوده است. (۲) اسم اصلی او کلیم میرزا طالب بود. او در ابتداء زندگی برای تحصیل به شهر معروف شیراز رفت و بعد از بدست آوردن مدارج عالیّه عازم هند شد. گرچه تا مدتی در حیدرآباد و در شهرهای هند در سیر و تفریح وقت خود را صرف کرد ولی بالاخره به دربار شاهجهان رسید و از ملازمان درباری او گردید. (۳) سپس شاه جهان او را برای نوشتن شاهنامه شاهان جغتایه به کشمیر فرستاد. (۴)

کلام وی هوشمندانه و دل آویز و اغنا کننده بود، گفتارش شاعرانه و کلام او

ص: ۲۳۱

۱- تاریخ حسن، ج ۴، ص ۱۴.

۲- همان.

۳- تعلیقات و توضیحات واقعات کشمیر، دکتر شمس الدین احمد، ص ۸۲۱.

۴- واقعات کشمیر، ص ۲۵۵.

خردمندانه و اراده او مستحکم و استوار بود. اشعارش پخته و دل نشین و تسلی بخش بوده است. عبارت هایش صاف، معانی دار و جذاب بود.

کلیم آخر الامر در سال ۱۰۶۱ هجری قمری دار دنیا را وداع گفت و در سرینگر در مزار شعرا دفن گردید.

اشعار زیر از کلام کلیم است:

تا شد مژه بی اشک فتاد از نظر من

اکنون چه کنم رشته که وقتی گهری داشت

دوست به هیچم فروخت، با همه یاری

یار فروشی درین زمانه همین است

میان غمگساران سوزم از غم

چو آن کشتی که در دریا بسوزد

که

دل بر جا تواند داشت پیش چشم شهلایش

فتد

ز آئینه بیرون عکس را مژگان گیرایش

ص: ۲۳۲

مفلسان

را کس نمی خواهد زمینا کن قیاس

تا

تهی شد دیگرش کس دست در گردن نه کرد

وضعی بهم رسان که بسازی به عالمی

یا همتی که از سر عالم توان گذشت

بد نامی حیات دو روزی نه بود بیش

گوید ترا کلیم که آن هم چه سان گذشت

یک روز صرف بستن شد به این و آن

روز دگر به کندن دل از جهان گذشت (۱)

۷- میر الهی

اسم وی میر عماد الدین محمود بود و در همدان به دنیا آمد و در عهد پادشاه جهانگیر از ایران به هند آمد و نزد امرا عزت و احترام یافت.

میر الهی دارای طبع آزاد بود و به امور دنیوی وابستگی نداشت. به عربی و فارسی تسلط کامل داشت. در سخنوری و شاعری نیز شخصی با سلیقه، در شعرش نازک خیال و یک استاد تصور بود. دیوان شعرش در هندوستان شهرت خاصی پیدا کرده بود.

ص: ۲۳۳

(-۱) همان.

او علاوه بر دیوان، کتابی به اسم گنج الهی را نیز تألیف کرده بود. کتابی که در آن به شرح احوال شاعران پرداخته بود. او در آن کتاب شرح احوال چهار صد شاعر که در قرن نهم و دهم هجری زندگی می کردند را گردآوری کرده بود. (۱)

تذکره نگاران در توصیف اشعارش می گویند که طرز کلام میر الهی خیلی تازه و جزو الفاظ بیرون از خیالات است؛ در قصیده گویی نیکو و در غزل گویی معانی برجسته بکار می برد، در اشعار و تازه گویی به کمال و اوج رسید.

مضامین را خوب انتخاب می کرد و در قدرت زبان و در ایجاد اندیشه های جدید استاد مسلم الثبوت بود.

در سال ۱۰۶۳ هجری قمری از دنیا رفت. می گویند ملا شاه بدخشانی روزی شعر زیر را گفته بود که مریدانش آن را با آب طلا نوشته خیلی آن را تشهیر کرده بودند:

پادشاه

را گذار و دوست آگاهی گزین

چون

به آگاهی رسیدی هر چه می خواهی گزین

وقتی

این شعر از نظر میر الهی گذشت او شعر زیر را فی البداهه زیر شعر ملاشاه بدخشانی نوشت:

من نمی گویم گدائی یا شهنشاهی را گزین

خویش را مگزین و دیگر هر چه می خواهی گزین (۲)

ص: ۲۳۴

۱- (تعلیقات و توضیحات واقعات کشمیر، ص ۸۲۳)

۲- (تاریخ حسن، ج ۴، ص ۱۶)

که این شعر باعث رشک و غیرت ملا شاه بدخشانی واقع شد.

اشعار زیر نیز از کلام میر الهی است:

یا الهی! ز الهی تو چه پرسى در حشر

آنچه او کرد تو دیدى و چه گفتن دارد

چشمت از هر گردشى با یار عهدى تازه بست

خط مشکینت کتاب حسن را شیرازه بست

نشهای از تندى او دارم که چاک سینه ام

چون خمار آلوده نه تواند لب ز خمیازه بست

شب

هجران ز بس لبریز کلفت گشته ام ریزد

چو

گرد از دامن مژگان نگاه حیرت آلودم

چنان

آب، متاعِ زندگى را مى دهم از کف

که

گویا کاروان عمر مى آید ز پس ما را

ص: ۲۳۵

مشتاق کشمیری و از قبیله ناجی بوده است او در نوشهره زندگی می کرد. اسم اصلی مشتاق محمد رضا و مشتاق تخلصش بوده است.

وی در ابتدای زندگی به فن کتابت مشغول بوده است و در ضمن نویسندگی گاهی شعر هم می گفت چون داری فکر روشن و استعداد فوق العاده بود در مدت کمی پایه سخندانی خود را به اوج رساند.

مشتاق ویژگی خاصی نسبت به دیگر شعرا داشته و آن اینکه وی تا آخر عمر هیچ گاه در مدح و تعریف پادشاهان و یا وزیران شعر نگفته است بلکه تا لحظات آخر در تنهایی و آزاد منشی زندگی می کرد.

مورخان

از جمله مورخ حسن تاریخ وفات او را ۱۱۵۱ هجری قمری ذکر کرده اند. (۱) ولی اعظم ددّمری که خودش معاصر و از دوستان وی بوده است تاریخ وفات مشتاق را ۱۱۴۳ ذکر کرده است که صحیح بنظر می رسد. چون از نوشتار وی چنین بدست می آید که وی بخاطر رفاقت در نماز جنازه مشتاق نیز شرکت کرده بود. کلام زیر از آن مشتاق است:

کردیم سیر گلشن،

تا ما و یار هر دو

گشتند بلبل و گل

بی اعتبار هر دو

چشم سیاه مستش

لعل قدح به دستش

ص: ۲۳۶

از عاشقان ربوده

صبر و قرار هر دو

از خواب ناز

برخاست از عشوه جام می خواست

چشمان دل فریش

مست خمار هر دو

زلفین تابدارش

بر گلشن عذارش

خوش حلقه حلقه

کرده مانند مار هر دو

آیا بود که روزی

این آرزو بر آید

خسیند مست با هم

مشتاق و یار هر دو [\(۱\)](#)

عشق

تو چو می سرشت ما را

رو

کرد سوی کنشت ما را

نی

میوه درد نه ما یه داریم

دهقان

به چه کار کشت ما را

گلدسته

مطلبی نه بستیم

بی

فائده چرخ رشت ما را

زاهد

باشیم بی تو باشد

گر

آرزوی بهشت ما را

گر

بد گفتی نگو نه گفتی

خوبان

گفتند زشت ما را

یا

مال جفا شدیم و این بود

در

عشق تو سر نوشت ما را

یا

رب که بهشت منزلش باد

هر

کس به نعمت بهشت ما را

ص: ۲۳۷

یا

رب که بهشت منزلش باد

هر

کس به نعمت بهشت ما را

بر

آتش سنگ طفل سنگی

آشوب

جنون برشت ما را

دیوان

محبتیم و مجنون

از

خون جگر نوشت ما را

هست

از خم باده پشت بر کوه

مشتاق

بسان خشت ما را (۱)

۹- میرزا داراب جويا

اسم اصلی او میرزا داراب بیگ و تخلص او جويا بود. گرچه میرزا داراب بیگ جويا و برادرش میرزا کامران بیگ گويا هر دو در کشمیر به دنیا آمدند ولی وطن اصلی آنها ایران و شهر تبریز بوده است. (۲)

جويا از شعراء و زمان اورنگک زیب عالمگیر بوده است.

وی در شعر گفتن از روش میرزا صائب و میر معز استفاده می کرد. جويا بعد از غنی کشمیری در میان شعراء کشمیر استاد مسلم شمرده می شود.

مرحوم صفدر همدانی از غلام بنی آزاد نقل می کند که وی نوشته است که اکثر شعراء هند که در اوائل قرن دوازدهم زندگی می کردند از جمله عبد العلی طالع، عبد العزیز و ملا- ساطع همه اینها از شاگردان جويا بودند. او در ادامه می نویسد که در دوران پادشاهی عالمگیر در منزل

۱- همان.

۲- تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۷۱.

می شد. (۱۱)

جویا در سال ۱۱۱۸ هجری قمری از دنیا رفت و در همان جا به خاک سپرده شد.

جویا یک شاعر خوش فکر بود. قصیده و غزلها و نیز مثنویات کوچک او خیلی معروف بودند. در بین شعرای متأخرین شاعری مثل او کم پیدا شده است. دیوان او حدوداً مشتمل بر هفت هزار بیت بوده است، ولی متأسفانه مورخان و تذکره نویسان شرح حالات زندگی او را به تفصیل ننوشتند.

اشعار زیر از نمونه کلام اوست:

عین

دریای وصال است به هر چشم زدن

چون

حباب آن که هوای تو بود در سر او

میتوان

یافتن از ناله قمری که مدام

آتشی

هست نهان در ته خاکستر او

دل

جویا نه خورد زین غزل آرایی آب

منقبت

سنج بود خامه مدحتگر او

شاه

مردان جهان آن که زبان قلمم

زین

دو مطلع شده پیوسته ثنا گستر او

به

دو عالم نه دهم ذره خاک در او

عالم

و هر که درو، جمله به گرد سر او

ص: ۲۳۹

۱- همان، ص ۱۷۱.

هر

که شد تاج سرش خاک در قنبر او

بر

فلک ناز کشد بلکه به بالاتر او

بعد

قنبر ز غلامان علی نه توانست

کسی

نیاور دگری بود جز او همسر او (۱)

روزی

بر مرگ یک دوست از اهل سنت به شوخی چنین گفت:

بر

سرش گل باد گرز آهنین

بر

تنش نار جهنم نور باد (۲)

۱۰- میرزا کامران بیگ گویا

گویا

برادر شاعر جویا بوده است. اسم اصلی وی میرزا کامران بیگ بوده است. (۳)

مورخ حسن راجع به گویا می نویسد که گویا یک درست طبع شاعر بوده است که ذهنش به سوی ابهام و اوراد راغب بود. اشعار خوب و سنجیده می گفت و بلبل گلشن کشمیر بوده است.

اشعار زیر از کلام اوست:

بود

فیض دگر در عالم از خود رمیدنها

- ١- (واقعات کشمیر، ص ٣٤٩.
- ٢- (تاریخ حسن، ج ٤، ص ٢٧.
- ٣- (تاریخ شیعیان کشمیر، ص ١٧٣.

برآ

از خویش و جا کن در بهشت آرمیدنها

من

و از غیر تو وحشت، تو و با غیر من الفت

من

و پیوستن با تو، تو و از من رمیدنها

من

و چون اشک جوشیدن تو و از چشم افکنده

من

و خاک رخت گشتن، تو و دامن کشیدنها

تو

و بوی بهاری از لب گلزار نشیندن

من

و نشیندنی ها از کس و ناکس شنیدنها

تو

و چون آب در گهواره گل مست آسایش

من

و چون مدح سر گردان، به بحر دل طپیدنها

من

و چون شام در چاه سیاه روزی فرو رفتن

تو

و مانند صبح از مشرق طالع دمیدنها

من

و چون بوی گل برگرد رخسار تو گردیدن

تو

و مانند رنگ از چهره گردیده دیدنها(۱)

ص: ۲۴۱

۱- (واقعات کشمیر، ص ۳۴۹.

خواجه علی اکبر ایرانی الاصل بوده است. نویسنده تاریخ حسن درباره او چنین می نویسد که صلاح درجه یک، خوش طبع شاعر، تاریخ گو و خوش نویس بود. در نظم و نثر در هر دو مهارت کامل داشت و رقعات رنگین و نامه ها را می نوشت. (۱)

در زمان خواجه شاه عباس صفوی از هرات به هند آمد و در اینجا ملازمت اکبر شاه اختیار نمود. اکبر شاه او را به عنوان واقعه نگار به کشمیر فرستاد.

تا مدت زیادی در همین جا مانده و آخر الامر در همین جا از دنیا رفت. (۲)

اعظم ددمری نویسنده تاریخ واقعات کشمیر درباره او چنین می نویسد: علاوه بر عابد و زاهد او مالک طبیعت درست کار بود و نیز یک سخنور تاریخ نویس و خوش نویس بوده است. (۳) وی سپس ادامه داده می نویسد اشعار علی اکبر که به بنده بلا واسطه رسیده اند چنین اند:

یاد آن روز که دل در خم گیسوی تو بود

توتیای بصرم خاک سر کوی تو بود

محو گردیدن و بیخود شده افتادن من

اثری از نگه چشم سخنگوی تو بود

بی سبب رنجه شدن از نظر انداختنم

این چه لایق ز تو و طبع جفا جوی تو بود

ص: ۲۴۲

۱- (تاریخ حسن، ج ۴، ص ۳۲.

۲- همان.

۳- (واقعات کشمیر، ص ۳۸۷.

دل ربود از من و انداخت دگر از نظرم

چشم این چشم که از نرگس جادوی تو بود (۱)

تال لب لعل تو گویا نه شود

دهن تنگ تو پیدا نه شود

نگشاید گره از پیشانی

قطره تا واصل دریا نه شود

گر دم نزع نه بینم رویت

تلخی مرگ گوارا نه شود

مرده را زنده کند از نگهی

کار چشمت ز مسیحا نه شود

سعی بیهوده نه دارد حاصل

سیل ار نیست که دریا نه شود

چشم مست تو مرا داده شراب

چون دگر نشر دو بالا نه شود. (۲)

۱۲- ملا ساطع

اسم اصلی وی عبدالحکیم بوده است و چون طبیعت موزونی داشته لذا شعر بر مزاج و طبیعت وی غالب آمد. او در آغاز، کلام خود را پیش شاعر معروف کشمیر بنام لاله ملک برای تصحیح می برد، سپس به گفته خود لاله ملک پیش میرزا داراب جويا برای تصحیح می برد تا اینکه خودش صاحب کمال و نظر در علم و ادب شد. و در عرصه شعر کمی بر رفقای خود برتری یافت. و به پشاور پیش شاه عالم بهادر که حاکم آنجا بود رفت. در راه با ملا محمد سعید اشرف که از شعرای منتخب زمان خود بود دوستی و ارتباط پیدا کرد. (۳) دوستی و ارتباط با او نیز برای ملا ساطع مفید واقع

ص: ۲۴۳

۱- (تاریخ حسن، ج ۴، ص ۳۱.

۲- (واقعات کشمیر، ص ۳۸۷.

۳- (تاریخ حسن، ج ۴، ص ۳۴.

شد چون او توانست اشعار خود را با نظر او اصلاح نماید و از رهنمودهای وی استفاده کند.

هنگامی که محمد فرخ میر پادشاه گردید ساطع مقام و رتبه خوبی در دربار وی پیدا کرد و نیز از ملازمان او واقع گردید. او کلام و اشعار خود را پیش پادشاه می برد و از او جوایز و هدایای نفیسی دریافت می کرد. ساطع تا زمان حیات پادشاه در همانجا بود ولی بعد از کشته شدن او به کشمیر بازگشت.

از عبارت تذکره نویسان چنین بدست می آید که ساطع یک شاعر روشن طبع و با فنون شعر آشنا بود. وی همواره بدنبال معانی تازه و جدید می گشت. او علاوه بر نظم در فن نثر نیز مهارت کامل داشت و به آن فن نیز مسلط بود. او مطالب خود را محکم و در عین حال رنگین می نوشت.

او به نظر تذکره نویسان در افق سخنوری یک ستاری درخشان بوده است.

نظم ساطع خوشحال کننده و نثرش دلکش بوده است.

مورخ معروف کشمیر اعظم ددَمری در شاعری و ادب شاگرد ساطع بوده است و کلام خود را پیش ساطع برای اصلاح و تصحیح می برد.

ص: ۲۴۴

ساطع در ۲۱ ماه رمضان سال ۱۱۴۳ هـ. ق از دنیا رفت. (۱)

کلام زیر از آن اوست:

ترا

غرور به صورت مرا به معنی خویش

کمال

حسن ترا و مراست حسن کمال

به

بزم باده ادب بیش ازین نمی باشد

تو

در کنار من و من ز خود گرفته کنار

در

بر شاهدان معنی من

از

رقم جامه قلمکار است

در

چنین عهدی که اوضاع جهان نا دیدنی است

دیده

تصویر اگر بازست جای حیرت است

مفتم

ز جام عشق مستی دادند

کین

نیستیم به نقد هستی دادند

سرمايه

هر آنچه بود دادم از دست

ارزان

نه متاع تنگدستی دادند

به

چندین رنگ گشتم از گنه چون خامه مانی

شدم

موئی جز این صورت نمی بندد پشیمانی

قفس

زندانی خود را مکن دیگر نگهبانی

که

رفت این ناتوان چون گل به تاراج پرافشانی

رعونت

بیشتر داری در آغوش دل تنگم

ص: ۲۴۵

برنگ

غنچه می زبید ترا این جامه چسبانی

زمن

آموز آداب محبت چون شهره عشقم

اگر

فرهاد کھساری و گر مجنون بیابانی (۱)

اگر به وصف شمع رخساری رود پروانگی

خامه

در معنی شود صورت نگار آن نگار

سهل

مشمر موشد کافی زین ریاضت مانده است

شانه

یک مشت استخوان چون زاهد شب زنده دار

تازه

گرد جوهر غم باشد اهل درد را

در

بغل سی پاره دل مصحف خط غبار

دشمنت

را در فشار پنجه مژگان غم

باد

دل از خون تهی سرمایه چون افسرده مار (۲)

(-١) همان.

(-٢) واقعات کشمیر، ص ٤١٩.

مورخ اعظم ددّمری و حسن شاه در کتاب های تاریخی خود او را با نام مغنی نوشته اند(۱). بابا معنی فرزند شاعر معروف حاجی حیدر بوده است. در میان شعرای معاصر خود در حسن تلاش و لطافت طبع امتیاز خاصی داشت، او واقعه کربلا را در یک منظومه نوشته بود و او را پیش حاکم وقت کشمیر بنام ابراهیم خان (حاکم شیعه) فرستاد.

و هنگامی که ابراهیم خان ایرانی بعد از انجام مأموریت از کشمیر رفت بابا معنی نیز به همراه او به دربار شاهی رفت.

اشعار زیر از منظومه اوست که راجع به واقعه کربلا گفته است:

دل

آتش ز جوش گریه دریاست

ز

گوهر آب را در دل گره هاست

هوا

از دود او شد آتشین رنگ

چمن

از غنچه لبریز دلتنگ

چه

می پرسی ز خاک پاک طینت

که

دارد یک جهان گرد کدورت

اگر

سنگ است آتش در دل اوست

و

گر کوه است دارد ناله را دوست

تو

غافل داغ جانکاهی نه داری

فروغ

شعله آهی نه داری

بر

آ از پرده همچون برق ناله

لباس

شعله در برکن چو لاله

بهارستان

داغ و سیل خون شو

ز

جوش گریه طغیان جنون شو

دُرّ

اشکی که ریزی در عزایش

جهان

مغفرت باشد سزایش

ص: ۲۴۷

بگوش

دل سخن پرداز گشتیم

فروغ

شعله پرواز گشتیم

که

از باد برودت خصم خونخوار

بود

خاموش شمع ناله زار

تراود

آتش خاموش ناله

زیان

داغ است همچون برگ لاله

ز

دست فتنه بیدار در خواب

نمی گردد

بگرد دیده ها آب

عیان

گردیده در عهد ستمگر

بجای

گل فتد در دامن تر

چو

طفل اشک در عالم دویدم

بجز

مژگان سیه پوشی ندیدم

زبس

پیچیده بر با خصم بدخواه

چو

داغ لاله در خون شد آه آه

فغان

مانند دل در خون طبیده

بجای

ناله جان بر لب رسیده (۱)

۱۴- شاه فتح الله

شاه فتح ایرانی بوده است و با خانواده سید تعلق داشت و در ابتدا از ایران به حیدرآباد هند آمد. در آنجا مورد عزت و احترام واقع گردید. سپس تا زمانی در دربار اکبر شاه نیز ملازمت می کرد و از او هدایا و جوایز نفیسی دریافت کرد و از مقربان اکبر شاه قرار گرفت. (۲)

شاه فتح الله علامه وقت و فاضل زمان خود بود و علاوه بر آن یک شاعر و حکیم بزرگ نیز بود.

او در سال ۹۹۷ هجری قمری از دنیا رفت و در قبرستان شعرا در گجن سرینگر به

ص: ۲۴۸

۱- (واقعات کشمیر، ص ۳۵۳.

۲- (تاریخ حسن، ج ۴، ص ۵.

مورخ و نویسنده واقعات کشمیر اعظم ددّمری درباره شاه فتح در کتاب خود چنین نوشته است:

«شاه فتح الله» سید و ایرانی بوده است و علامه و فاضل زمان خود بود. او در ادامه می نویسد: «هنگامی که اکبر شاه در سال ۹۹۷ هـ. ق برای سیر و تفریح به جنت نظیر کشمیر آمد شاه فتح در همان ایام در تب محرقه (سوزان) مبتلا شد. چون خودش حکیم بود با خوردن حلیم معالجه خود کرد. هر چند حکیم علی شاگرد او که مهارت کامل در علوم حکمت و حذاقت داشت و نیز دیگر حکماء از خوردن حلیم منع کردند ولی او قبول نکرد. لذا با همان مریضی از دنیا رفت و در کوهی که بنام تخت سلیمان مشهور است در مزار شعرا دفن گردید.

و شاه فتح الله گوشه گیر و از کیفیت خالی نبود. شیعیان کشمیر قبر او را محل زیارت درست کردند».^(۱)

ص: ۲۴۹

اسم اصلی شارق میر نور الدین بوده است. ایشان نیز ایرانی الاصل بوده است. (۱)

هنگامی که برادرش میر رضی الدین برای منصب دیوانی در کشمیر منصوب گشت شارق نیز با وی به کشمیر آمد، اما بعد از مدتی دوباره به ایران بازگشت و زمانی که در عهد پادشاه فرخ میر در داروغه به دفتر دیوانی منصوب شدند دوباره به کشمیر آمد. (۲)

در آن زمان سن زیادی داشت اعظم ددمری راجع به وی می نویسد: حامل اخلاق عظیم بوده است. و مصاحبت با میرزا صائب و شخصیت های امثال محمد سعید اشرف نیز برای او مفید واقع شد.

گاهی

به روش و طرز ابهام و گاهی به روش خیال بندی و بیشتر با خیال معنی سنجی شعر می گفت و یک دیوان شعر نیز ترتیب داده بود. و بنده (اعظم ددمری) برای اصلاح شعر پیش او حاضر شدم. او در سال ۱۱۲۲ هجری قمری از دنیا رفت.

اشعار ذیل از کلام اوست:

ز فیض بی کسی چون مصرع برجسته

ممتازم

هلال آسا به یک بال آسان سیر است

پروازم (۳)

اگر به وصف شمع رخساری رود پروانه گی

ص: ۲۵۰

۱- تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۷۶.

۲- واقعات کشمیر، ص ۳۸۴.

۳- همان.

اگر به وصف شمع رخساری رود پروانه گی
خامه در معنی شود صورت نگار آن نگار
سختی جان پشت ما را چون کمانم کرده است
چرخ منت کش ز مشت استخوانم کرده است
رستم در ملک معنی طبع نظم شاهد است
دشمنان را عاجز از تیر بیانم کرده است
از حکایت چرخ سنگین دل نه بیند هیچکس
آنچه باز از مهربانی ها به جانم کرده است

کی دهد شرح دل و دیده گریان کاغذ
کی شود بحر سیاهی و بیابان کاغذ
از سخن کام و دهان را چه حلاوت دادی
شده از طوطی نطق شکرستان کاغذ
همچو طومار من از رشک به خود می پیچم
چون فرستم برت این غنچه خندان کاغذ
نامه از سوز دلم کاغذ آتش زده است
باشد از خون دل و دیدهام افشان کاغذ
قاصد آه به امید روان کن

شارق

که مگر آورد از نزد

عزیزان کاغذ(۱)

ص: ۲۵۱

۱۶- حاجی حیدر

او را حاجی حیدر جدی بلی نیز می گویند از این بر می آید که وی کشمیری بوده است و در محله جدی بل سرینگر زندگی می کرده است. در شعرگویی و انشاءپردازی استاد زمان خود بود و شعرهای زیبا و برجسته می گفت. (۱)

در تاریخ حسن چنین آمده است که حاجی حیدر در فن انشاء پردازی و سخنوری استاد بود و شعرهایی زیبا و برجسته می گفت. (۲)

در تاریخ کبیر نیز آمده است که: «حاجی حیدر در سخن سنجی دلپذیر و در فصاحت و بلاغت کم نظیر بوده است».

۱۷- محمد رفیع

وی کشمیری بوده است. در نظم و نثر در هر دو مهارت کامل داشت. بیشتر انشاء پردازی می کرد و با همین معرفت با پادشاه ارتباط برقرار می کرد. (۳) اشعار از اوست:

در

سایه خویش جای آواره دهید

دو

چاره کار دل به بیچاره دهید

هر

چند که کفاره ندارد نیکی

نیکی

ببدان کنید و کفاره دهید (۴)

ص: ۲۵۲

۱- تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۷۴.

۲- تاریخ حسن، ص ۴، ص ۲۹.

۳- تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۷۵

۴- همان.

۵- وضعیت اقتصادی شیعیان در دروه مغول

در دوران حکومت سلاطین کشمیر و پادشاهان چک همانطور که نویسنده فرشته مورخ هم عصر آن می نویسد مسلمانان شیعه بیشتر در ارتش کار می کردند.^(۱) چرا که در آن زمان نظامی بودن را یک شغل معزز تصور می کردند. پادشاهان مغول وقتی که بر کشمیر مسلط شدند نقشی برای شیعه از نظر سیاسی قائل نبودند. آنان خدمت در ارتش را برای همه مسلمانان به ویژه شیعیان ممنوع اعلام کرده بودند و به همین علت مسلمانان شیعه در سلطه حکمرانان مغول به کارهای رفوگری، شالبافی، نقاشی و دیگر کارهای خانگی مشغول شدند.

دیگر شیعیان اشتغال به کارهایی که مجبور باشند در بازار آن را انجام بدهند برای خودشان عار و ننگ می دانستند زیرا تا آن موقع شیعیان از وضعیت اقتصادی خوبی برخوردار بودند و شغلشان نظامی بود و در آمد حکومتی و غنیمتی خوبی داشتند اما در این دوره چون زیر اختناق شدید قرار گرفتند و از هر سو تحت تعقیب بودند از اینرو سعی کردند به کارهای مذکور روی بیاورند و به کارهایی همچون نانوائی، قصابی، آشپزی، حکاکی، آهنگری، قلعیگری، زردوزی و امثال آن نمی پرداختند علاوه بر آن چون قبل از آن موقعیت خوب و جایگاه ویژه ای بین مردم داشتند لذا کارهایی که لازم بود در آن با عموم مردم رو برو شوند برای خودشان

ص: ۲۵۳

۱- فرشته، محمد قاسم، تاریخ فرشته، ترجمه عبدالحی خواجه، ج ۱، ص ۹۳۵.

توهین و عار می دانستند که منجر به وضعیت اقتصادی تأسف بار شیعیان شد.

علت دوم بد بودن وضعیت شیعیان در این دوره و دوره های بعدی حملات و تجاوزهای مذهبی اهل تسنن به شیعیان بوده است گرچه مورخان اهل تسنن فقط ۱۳ مورد آن را در کتابهایشان ذکر کرده اند ولی تجاوزهای زیادی توسط اهل تسنن صورت گرفت که در بعضی از آنها طبق نقل مورخین اهل تسنن تمام دارایی های شیعیان را به غارت و سرقت بردند.

مورخ حسن در پایان یکی از تجاوزات چنین می گوید:

«العظمه لله! این چنین حادثه تباه و واقعه جانکاه بر مردمان شیعه گاهی به عمل نیامده بود، که در عرصه یک پهر روز تمام خانمان و مال و متاع و ننگ و ناموس آنها تباه گشت»^(۱)

علت سوم بد بودن وضعیت اقتصادی شیعیان در دوره مغول عدم ثبات سیاسی و عدم امنیت برای هر نوع فعالیت بویژه اقتصادی و تجاری بود.

علت چهارم، عدم امکان تحصیل علوم دینی و دنیوی شیعیان است. شیعیان که همواره تحت تعقیب بودند امکان درس خواندن و تدریس نداشتند و این لازمه اش کنار آمدن با زندگی معمولی و سطحی است.

ص: ۲۵۴

۱- (شاه حسن، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، شمس الدین احمد، ج ۱ ص ۵۸۹؛ مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۲۳۱.

علت پنجم، نقشه و سیاست دولت و حکومت. یعنی دولت مردان و حاکمان هیچگاه نمی خواستند شیعیان وضعیت بهتری داشته باشند. سیاست دولت این بوده که شیعیان همیشه محتاج آنان باشند، تا هم انتقام مذهبی از آنان گرفته شود و هم اینکه آنان توان شورش و مبارزه با دولت را نداشته باشند.

این عوامل باعث شده است وضعیت اقتصادی شیعیان در آن دوره و دوره های بعدی رو بزوال بگذارد، گرچه از آن زمان قرن ها گذشته اما آثار آن هنوز هم بین شیعیان دیده می شود. وضعیت اقتصادی هنوز هم خوب و مناسب نیست و بیشترین آمار فقر بین شیعیان دیده می شود.

حاکمان مغول بعد از ۱۶۶ سال حکومت در کشمیر رو بزوال گذاشتند. در پی آن یکی از اشراف کشمیر بنام میر مقیم کنت همراه با دوست نزدیکش خواجه ظهیر الدین احمد شاه ابدالی پادشاه افغانستان را برای حمله و تصرف کشمیر تشویق کردند، او نیز به درخواست میر مقیم کنت پاسخ مثبت داد و کشمیر را به تصرف خود درآورد. به این ترتیب دوره مغول در کشمیر پایان یافت و دوره افغان ها که برای شیعیان بدتر از دوره مغول بود، آغاز گردید.

۶- حکومت افغان ها در کشمیر و اوضاع شیعیان در آن دوره

اشاره

ارتش احمد شاه ابدالی در سال ۱۷۵۳ میلادی مطابق با ۱۲۶۸ هجری وارد کشمیر شد و در یک رویارویی با نیروهای مغول توانست حکومت ۱۶۶ ساله مغول را در کشمیر

ص: ۲۵۵

پایان دهد. (۱) سرزمین کشمیر برای حاکمان افغان نیز همچون مغول بیش از مردم کشمیر ارزش داشت. آنان برای بدست آوردن مال و ثروت، کشتار عظیمی به راه انداختند. گرچه آنان مسلمان بودند اما با عمل خودشان یاد چنگیزخان و هلاکو خان را تازه کردند دربارۀ قتل و غارت آنان در کشمیر معروف شده بود:

«سربریدن پیش این سنگ دلان گل چیدن است». (۲)

خیلی از مردم از ظلم و ستم های آنان آواره و بعضی به کشورهای همسایه مهاجرت کردند (۳).

گرچه دوره افغان برای عموم مردم محلی دوره سخت و دشواری بود اما برای شیعیان این دوره مانند یک کابوس بود. این دوره برای شیعیان همانند از بین رفتن بنی امیه و به قدرت رسیدن بنی عباس نسبت به شیعیان عراق و ایران بود.

شیعیان در این دوره، همه چیز حتی هویت خودشان را نیز از دست دادند.

ص: ۲۵۶

-
- ۱- (الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۸۰.
 - ۲- (ددمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، مقدمه کتاب.
 - ۳- (خانواده شاعر معروف آسیا علامه اقبال لاهور در این دوره از کشمیر مهاجرت کرده اند.

۱-۶- وضعیت سیاسی شیعیان در دوره افغان ها

شیعیان در این دوره در نهایت محرومیت زندگی می کردند.

سیاستی که حاکمان مغول برای دور نگهداشتن شیعیان از دولت و سیاست اعمال کردند حاکمان افغان نیز آنرا ادامه داده اند. حاکمان افغان نیز اجازه خدمت در ارتش را به شیعیان نمی دادند. بعضی از حاکمان همچون جمعه خان چنان بر شیعیان سخت گرفت که شیعیان نمی توانستند ظلم و ستم های او را از یاد ببرند. او بسیاری از مردم را در گونی کرده، زنده زنده آنان را به دریاچه «دل» می انداخت. (۱) در دوره افغان قطع اعضای شیعیان همچون گوش و بینی نیز به کثرت صورت می گرفت. در این دوره شیعیان (بجز زمان کوتاهی که حاکمان شیعه ایرانی یا حاکمان غیر جانبدار و نسبتاً عادل سر کار می آمدند) نتوانستند به هیچ نوع فعالیت علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بپردازند.

۲-۶- حاکمان شیعه مذهب در دوره افغان ها

در دوره افغان ها بعضی از شیعیان ایرانی به حکومت کشمیر برگزیده شدند که باعث خوشحالی شیعیان شد. اما در این دوره نیز درگیری های مذهبی شیعه و سنی مزه این خوشحالی را تلخ کرد.

ص: ۲۵۷

۱- (الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۸۸ و؛ همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۶.

اولین حاکم شیعه مذهب ابراهیم خان جوان شیر بود. وی در سال ۱۱۸۴ هجری در زمان احمد شاه به فرمانداری کشمیر منصوب شد. وی در زمان مسئولیت خود کارهای رفاهی و فرهنگی زیادی انجام داد. اما بعضی از اهل تسنن از وی نزد تیمور شاه شکایت کردند و او ابراهیم خان جوان شیر را از فرمانروایی برکنار کرد.

دومین نفر از حاکمان شیعه کفایت خان بوده است. وی در سال ۱۲۰۸ هجری به فرمانداری کشمیر منصوب شد. کفایت خان که اسم اصلی او میرزا محمد علی خان بود فقط سه ماه بر کشمیر حکومت کرد. اما در این مدت کوتاهی خدمات رفاهی و فرهنگی زیادی به عموم کشمیری ها انجام داد.

۳-۶- وضعیت اجتماعی شیعیان در دوره افغان ها

وضعیت اجتماعی شیعیان در این دوره بدتر از دوره مغول بود. صفوف شیعیان بیشتر از گذشته متلاشی شدند. بخاطر فشار، تهدید، تعقیب و کشت و کشتار در این دوره شیعیان که در کشمیر در اکثریت بودند به اقلیت مبدل گردیدند. (۱)

از آغاز تشیع تاکنون سخت ترین و دشوارترین دوره برای شیعیان دوره افغان ها بود، در این دوره درگیری های مذهبی بین شیعیان و اهل تسنن به تواتر رخ می داد.

در این دوره برخی شیعیان مجبور شدند تغییر مذهب دهند و یا تقیه کنند.

ص: ۲۵۸

۱- (مجله سفینه، مقاله مرحوم همدانی، حکیم صفدر، صفر ۱۴۲۶ هجری قمری.)

کسانی که تقیه کردند تا آخر عمرشان هم شرایط فراهم نشد که حتی نزد بچه هایشان اظهار عقیده بکنند. در نتیجه جمعیت زیادی از شیعیان کاسته شد. در این دوره بیش از دوره های دیگر شیعیان مورد تعرض و تجاوز قرار گرفتند که بعضی از آنها از این قرار است:

۴-۶- درگیری های مذهبی در این دوره

اولین درگیری مذهبی در این دوره سال ۱۱۷۷ هجری رخ داد. علت آن چنین بود که اهل تسنن برای نماز استسقاء رفته بودند. در همین حال کسی شایعه کرد که شیعیان به یکی از علمای اهل تسنن توهین کرده اند، آنان بدون تحقیق شیعیان را مورد تعرض و تهاجم قرار دادند و زدی بل منطقه شیعه نشین را آتش زدند. حاکم افغان که بلند خان بود نیز بجای اهل تسنن بعضی از شیعیان را گرفته و گوش و بینی شان را قطع کرد و بعضی ها را جریمه کرد.^(۱)

تهاجم بعدی در دوره حاجی کریم خان در سال ۱۱۹۰ هجری به دستور او انجام گرفت. او از تمام خانواده های معروف و اشراف شیعیان، وسایل و اموال و حتی خانه هایشان را نیز مصادره کرد و برای ایجاد رعب بین شیعیان یکی از شیعیان را

ص: ۲۵۹

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۵۷؛ حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۵۹۱.

بی گناه کشت سپس جسد او را بر سر در نقشبندی آویزان کرد(۱) او علاوه بر آن امیر آباد را که منطقه شیعه نشین بود ویران و خراب کرد! (۲) حسن شاه درباره او چنین می نویسد:

«کریم خان اهل تشیع را زجر و توییح نمود و امیر آباد هم ویران فرمود»(۳)

تهاجم بعدی در حکومت میر هزار خان صورت گرفت. او نیز در حکومت خود شیعیان را در گونی کرده زنده به دریاچه «دل» می انداخت و خدمتکار مخصوص بنام عیسی خان را برای خبرچینی شیعیان گذاشته بود.

حمله بعدی در سال ۱۲۰۸ هجری در زمان حکومت کفایت خان اتفاق افتاد. یکی از شیعیان بنام آقای عبدالرحیم خبرچنین مذکور (عیسی خان) را گرفته در خانه زندانی کرد. وقتی خبر دستگیری او به اهل تسنن رسید آنان خانه عبدالرحیم را مصادره کردند و آتش زدند. و شیعیان مناطق دیگر را نیز مورد تعرض قرار دادند.

حمله بعدی که در سال ۱۲۱۶ هجری صورت گرفت، علت آن چنین بود که در دوره افغان ها هر نوع فعالیت شیعیان بویژه برگزاری مراسم عزاداری ممنوع اعلام شده بود. شیعیان در روز عاشورا شروع به عزاداری کردند - وقتی این خبر به گوش اهل

ص: ۲۶۰

۱- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۲، ص ۷۷۴.

۲- همان، ص ۷۷۴.

۳- همان، ص ۷۷۴.

تسنن رسید. آنان هجوم آوردند. و با کمک دولت حسینیه را آتش زدند و مال و متاع آنان را مصادر کردند. خانه هایشان را خراب و ویران کردند. و جمعیت زیادی را نیز به قتل رساندند. و در مناطق دیگر شیعه نشین نیز همین کار صورت گرفت. (۱)

۵-۶- وضعیت فرهنگی شیعیان کشمیر در دوره افغان ها

شیعیان بخاطر عوامل زیر نتوانستند کار و فعالیت فرهنگی در این دوره انجام دهند:

۱- نبودن امنیت (جانی و مالی و حتی عنفی)؛

۲- فقر و افلاس؛

۳- پراکندگی جمعیت شیعیان؛

۴- رکود علمی (بخاطر عدم امکان درس و تدریس)؛

۵- ممنوع بودن هر نوع فعالیت، حتی مراسم عزاداری امام حسین (ع) نیز ممنوع اعلام شده بود. شیعیان مراسم عزاداری و مرثیه خوانی را با صدای کم برگزار می کردند

چون در صورت اطلاع عزاداران را می کشتند و خانه و حسینیه هایشان را آتش می زدند.

ص: ۲۶۱

۱- (همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۶۰.

۲- (مجله سفینه، مقاله مرحوم همدانی، حکیم صفدر، صفحه ۱۴۲۶.

یکی از شاعران آن زمان بنام خواجه حسنی بت در اشعار و مرثیه خودش اوضاع آن روز شیعیان را چنین می‌نوسد:

«اته باکته کتهه پاته دیه ایمودژ زاجکته امام حسین علیه السلام نه ماتم سرای هی هی»؛ یعنی کی می‌تواند در عزاداری امام حسین علیه السلام صدایش را بلند کند هر که این کار را کرد خانه و حسینه‌های آنان را آتش زدند. پیروان مظلوم و بی‌کس امام حسین علیه السلام را یکی یکی به قتل می‌رسانند. کتابخانه و منزل علماء را آتش می‌زنند و آنان دیگر پناهگاهی ندارند. لذا بعضی‌ها به رودخانه‌ها

پریدند و بعضی‌ها به قبرها پناه آوردند».

در جای دیگری وی در اشعار خود می‌گوید: «جانم فدای چشمان گریه‌کنان امام حسین علیه السلام باد. به این گریه‌کنان و تعزیه‌داران بگویید یواش گریه‌کنند ورنه خبر به مخالفان می‌رسد و این حقیقت است که مخالفان بعد از مراسم عزاداری بر آنان همچون کوه، مصائب روا می‌دارند.»^(۱) بخاطر سخت‌گیری حاکمان، درهای حسینه‌ها تا چندین سال بسته می‌ماند. شاعر دیگر بنام استاد محمد جعفر در مرثیه خودش چنین می‌نویسد (مفهوم): «عزیزان الآن چهار سال است که نتوانستیم به حسینه‌ها برویم. این بخاطر گناهانمان است که توفیق عزاداری نداریم. ما باید از گناهانمان توبه کنیم.»^(۲)

ص: ۲۶۲

۱- همان.

۲- همان.

وقتی شیعیان اوضاع را چنین دیدند که حاکمان حتی عموم اهل تسنن به هیچ وجه حاضر به اجازه مراسم عزاداری نمی شوند آنان در زیر زمینی یک سرداب درست می کردند. و در آن هیچ پنجره و غیره نیز نمی گذاشتند، فقط یک دروازه کوچک می گذاشتند سپس در ایام محرم با صدای خیلی کم در آنجا به عزاداری می پرداختند و گریه می کردند. (۱)

وضعیت اقتصادی، علمی و آموزشی شیعیان در این دوره نیز مشابه وضعیت فرهنگی بوده است و عوامل عقب ماندگی همان عوامل عقب ماندگی در دوره مغول بوده است. حکومت افغان ها بعد ۶۶ سال رو بزوال گذاشت و حکومت آنان توسط سیک ها سقوط کرد و دوره سیک ها در کشمیر آغاز گردید.

۷- حکومت سیک ها در کشمیر و اوضاع شیعیان در این دوره

اشاره

حکومت افغان ها بعد ۶۶ سال رو بزوال گذاشت. در سال ۱۳۳۴ هجری یکی از اشراف هندو ها بنام بیربل به دربار رنجیت سینگ لاهور رفته و او را برای حمله به کشمیر دعوت کرد.

رنجیت سینگ در پی آن لشکر ۳۰ هزار نفری به کشمیر اعزام کرد. جبار خان آخرین حاکم افغان وقتی خبر ورود آنان را شنید بدون مقاومت فرار کرد (۲) و بدین

ص: ۲۶۳

۱- همان.

۲- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۵۸.

ترتیب حکومت مسلمانان در کشمیر پایان یافت. سیک ها حدود سی سال بر کشمیر حکومت راندند که دورانی تاریک و سراسر ظلم و استبداد برای مردم کشمیر بود. ورود سربازان سیک به کشمیر آغاز فروپاشی کامل نظم و قانون در این سرزمین بود. هر سربازی هر کاری که می خواست می کرد. آنان هیچ انضباطی نمی شناختند

و از این اعمال شرورانه افسران بلند پایه شان تشویق می شدند. تقریباً خانه مسلمانی نماند که گرفتار مصیبت نشد. (۱) و چون غرض ما در این رساله بحث درباره اوضاع کشمیر نمی باشد لذا بخاطر خارج نشدن و طولانی شدن بحث به همین قدر بسنده می کنیم.

۱-۷- اوضاع شیعیان در حکومت سیک ها

در این شکی نیست که مسلمانان در دوره سیک ها در ملاء عام قتل عام شدند.

و مجازات قاتل یک بومی پرداخت ۱۶ روپیه جریمه بود که از این مبلغ چهار روپیه آن به خانواده مقتول در صورتی که از هندوها بود می رسید و اگر یک مسلمان بود تنها دو روپیه به خانواده اش تعلق می گرفت. بقیه به جیب حکمران می رفت. (۲)

در مسجدها در این دوره بسته شد و حتی اذان ها هم ممنوع اعلام گردید. مجازات گاوکشی مرگ و اعدام شد. و... (۳) اما چون در نظر آنان تمام مسلمانان

ص: ۲۶۴

۱- الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولت شاهی، ص ۹۱.

۲- همان، ص ۹۵.

۳- همان، ص ۹۲.

یکسان و مساوی هستند لذا آنها بطور مستقیم شیعیان را بعنوان شیعه مورد تعرض و اذیت قرار ندادند. چون جمعیت شیعیان بخاطر قتل و غارت، آزار و اذیت، تعقیب و شکنجه، تبعید و آوارگی، توسط حاکمان مغول و افغان و نیز بخاطر گمنامی و تقیه تا این دوره کاهش پیدا کرده بود و آنان دیگر در کشمیر به عنوان یک اقلیت مذهبی زندگی می کردند، لذا در این دوره نسبت به دوره های قبل کمتر آسیب دیدند.

علت دوم شاید می تواند این باشد که چون هندوها خودشان نیز در دوره های مغول و افغان مورد تهاجم قرار گرفته بودند و همان طور که اشاره شد آنان در دوره های قبل برای دفاع از خود حتی با شیعیان هم پیمان شده بودند لذا وضعیت شیعیان را درک کرده کمتر آنان را مورد ظلم و ستم قرار داده باشند.

۲-۷- وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شیعیان در دوره سیک ها

گرچه حکومت افغان ها از بین رفت اما فشار از طرف جامعه اهل تسنن هنوز هم باقی بود. از این رو شیعیان در این دوره نیز نتوانستند اوضاع خود را بهبود بخشند. اما از این دوره به بعد شیعیان کم کم به سیاست باز گشتند. و بعضی از شیعیان در دولت خدمت می کردند.

شیعیان بخاطر عواملی که در دوره های مغول و افغان به آنان دست داد، نتوانستند فعالیت دینی، مذهبی، علمی، فرهنگی و اقتصادی انجام دهند. شیعیان در این دوره نیز در تمام زمینه ها در محرومیت کامل بسر می بردند و فقط فن ادب و

شاعری در بُعد مداحی و مرثیه ها کمی اوج گرفت. در این دوره نیز شیعیان در سال ۱۲۴۶ هجری مورد تعرض اهل تسنن قرار گرفتند. علت آن چنین بود: در منطقه زدی بل دریاچه «خوشحال سر» بود. در آن گیاه زیادی می روید.

در دوره افغان ها، حاکمان آنان قرار گذاشته بودند شیعیان گیاه را جمع کنند. سپس نصف آنرا برای فرش مسجد جامع به اهل تسنن تحویل دهند و مابقی را در حسینیه زدی بل مصرف کنند. در سال ۱۲۴۶ هجری نیز گیاه جمع شد اما در تقسیم آن تأخیر افتاد (چون امام جماعت مسجد جامع نیامده بود تا سهم مسجد را ببرد) تا اینکه روز عاشورا رسید و او برای سهم خود تقاضا کرد. فرد مربوط به تقسیم بندی از شیعه به امام جماعت گفت چون امروز روز عاشورا است چند روز دیگر بیاید. اما آنان حاضر نشدند. متولی شیعه عصبانی شد و به این گیاه فحش داد. امام جماعت این فحش به گیاه را فحش به مسجد و سپس فحش به مسلمانان و خلفاء و پیامبر تلقی کرد و مردم را علیه شیعیان تحریک کرد. مردم با شعار دادن علیه شیعیان از مسجد بیرون آمدند مستقیم سراغ شیعیان کمانگر پور رفتند، اول خانه های آنها را غارت کرده آتش زدند سپس به طرف زدی بل رفتند و لحظه به لحظه مردم به آنها ملحق شده تعداد شان بیشتر می شد.

شیعیان کشمیر اعم از زن و مرد، پیرو جوان، بچه و کودک در حسینیه زدی بل عزاداری می کردند. وقتی آنها سر و صدا را شنیدند بعضی از زن ها با بچه های

معصوم شان در یک غار پناه بردند (و آن غار هم احتمالاً شیعیان برای همچنین مواقع درست کرده بودند) اما شورشیان به هیچ کس رحم نکردند. آنها در غار را بستند و

بیرون آن هیزم جمع کرده آتش زدند، با دود و آتش همه آنها خفه شدند و در همانجا به شهادت رسیدند. به همین دلیل اسم آن جا را بعد از آن «بیه مزار» یعنی قبرستان زنان گذاشتند و تا به حال هم به همین اسم معروف است.

بعد از آن شورشیان، حسینیه و خانه های شیعیان را آتش زدند. خیلی از شیعیان مجبور شدند در دریاچه «خوش حال سر» پناه ببرند. در نزدیکی حسینیه یک میدان بود، از هر سو شیعیان را دستگیر کرده به آن میدان می آوردند

و می کشتند

تا اینکه در یک روز هزار و هشتصد ۱۸۰۰ نفر را کشتند. (۱) لذا بعد از آن اسم آن میدان مرگ بل معروف شد.

شاه حسن می نویسد شورشیان کارهای زشت و غیر انسانی که انجام دادند بهتر است بروی آن اگر پرده پوشی کنیم همان بهتر است. (۲) مورخ حسن در باره تلفات شیعیان چنین می نویسد همان وقت تمام باشندگان شهر را خبر شد از گریبان عناد سر کشیده خانهای شیعه ها را به آتش افروختند اندوخته آن ها از مال و متاع و اسباب تمام به غارت برده در یک دو پهر با خاک فنا آمیختند و پرده ننگ و ناموس آنها دریده بعد مباشرت فعل شنیع شرمگاه بعض نسوان را به خنجر کشیده ریز ریز گردانیدند. (۳) دوره سیک ها

نیز بعد از ۲۷ سال حکومت به پایان رسید و طبق

ص: ۲۶۷

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۶۳.

۲- همان ۱۶۲.

۳- مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم اکبر حیدری ص ۲۳۵؛ حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، شمس الدین احمد ج ۱ ص ۵۹۳.

معاهده، انگلیسی‌ها در عوض هفت میلیون و پانصد هزار روپیه بانک شاهی (معادل پنج میلیون روپیه فعلی کشمیر و صد میلیون تومان فعلی جمهوری اسلامی ایران) کشمیر را به خانواده دوگره جامو واکذار کردند. و از آن به بعد برای ۱۰۱ سال یعنی تا سال ۱۳۶۵ حکومت دوگره در کشمیر ادامه پیدا کرد.

۸- حکومت دوگره‌ها در کشمیر و اوضاع سیاسی شیعیان در آن دوره

اشاره

پس از مرگ رنجیت سینگ هنگامی که دربار لاهور در نزاع بر سر قدرت دچار درگیری‌های داخلی شد، گلاب سینگ یکی از کارگزاران و درباریان دولت از فرصت استفاده کرد و با اشاره انگلیس‌ها در سال ۱۸۴۶ میلادی کشمیر را اشغال کرد و حکومت دوگره را بنیاد نهاد. دولت انگلیس در تاریخ ۱۶ مارس ۱۸۴۶ میلادی با گلاب سینگ معاهده‌ای را در شهر امر تسر منعقد نمودند که به معاهده «امر تسر» معروف می‌باشد. بر اساس این معاهده کشمیر در ازای هفت میلیون و پانصد هزار روپیه

ص: ۲۶۸

بانک شاهی (معادل پنج میلیون روپیه فعلی) به گلاب سینگ فروخته شد. (۱)

با آغاز حکومت دوگرافصل جدیدی از ظلم و ستم در تاریخ ملت کشمیر آغاز شد که تا استقلال هند در سال ۱۹۹۷ میلادی ادامه داشت.

پیمان امر تسر شامل ده ماده است و هیچ اشاره ای به حقوق، منابع یا آینده مردم کشمیر ندارد. این پیمان یک معامله تجاری بود که کشمیری ها را به اسارت همیشگی محکوم کرد. با این پیمان کشمیری ها در کشور خود به یک بیگانه تبدیل شدند. این پیمان نه تنها انصاف و عدالت انگلیسی ها را بی اعتبار ساخت بلکه بی شرمی آنها را آشکار نمود و باید به عنوان یک ادعا نامه اساسی علیه انگلیس در تاریخ ثبت شود. این پیمان به عنوان یک لکه ننگ و پاک نشدنی در تاریخ حکومت انگلیس در هند باقی خواهد ماند.

ص: ۲۶۹

۱- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۵۹؛ الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۱۰۳.

گلاب سینگ خود را مالک تمام زمین ها، جنگل ها و کوه ها اعلام کرد و حقوق مالکیت صاحبان اصلی آنها را انکار نمود. زمین برای مردم حالت ملک اجاره ای را داشت که آنها باید در آمد آن را به مهاراجه (گلاب سینگ) می پرداختند.

علاقه او به پول آنقدر زیاد بود که قبل از اینکه دادخواستی را از یکی از اتباعش بشنود یک روپیه از او به عنوان «هدیه» طلب می کرد. مردم بخاطر مالیات های زیاد به فقر شدید دچار شدند. زعفران، شال و چوب همه به انحصار دولت در آمده بود. با تولد هر بره از صاحب آن یک «آنه» مالیات می گرفت، و برای تولد گوساله چهار آنه از صاحبش مالیات می گرفت. از هر نامزدی یک روپیه می گرفت و از هر مغازه دار روزی سه آنه وصول می کرد. پس از دروی غله ۲ تا ۳ ماه در انبار می ماند و کسی حق برداشتن از آن را نداشت تا اینکه مهاراجه نرخ آن را تعیین کند. در این مدت افراد فقیر و بد بخت اگر غله ای از سال قبل برایشان باقی نمانده بود، می بایست از شلغم و علف معاش می کردند.^(۱)

مالیات دهندگان گلاب سینگ شامل قبر کنها، صاحبان رمه های

گاؤ، بار برها، کفاش ها، قایقران ها، زادو فروشان و سبدسازان می شدند. حتی صومعه بودائی را هم از

ص: ۲۷۰

۱- (الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۱۰۶).

مالیات معاف نکرد. طمع و آز گلابِ سینگِ پایان نداشت او تقریباً هر خونی را که در رگهای کشمیری ها جاری بود مکید.

خلاصه اینکه دوره دو گره بدتر از همه دوره ها برای کشمیری ها

بود. در این دوره سزای کشتن گاو اعدام بود، ده ها هزار کشمیری را برای کار بدون اجرت به زور و اجبار می بردند. فروش دختران خرد سال به خانه های رسمی بد نام از جانب دولت تشویق و حمایت می شد. (۱۱)

و ... و ... گرچه بعد از گلاب سینگ چند نفر نسبتاً رحم دل هم روی کار آمدند اما از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، شیعیان در دوره دو گره گرچه با سایر مسلمان ها مساوی و یکی بودند هر چند شیعیان نیز مورد آزار و اذیت حاکمان قرار گرفتند، اما مثل دوره سابق آنان بخاطر شیعه بودن مورد تعقیب قرار نمی گرفتند، بلکه چون خود حاکمان دوگرا کشمیری نبودند بلکه از جامو بودند ابتدا آنان با کل کشمیری ها دشمنی داشتند. نه مثل حاکمان مغول و افغان که مخصوصاً با شیعیان دشمنی داشتند.

۲-۸- وضعیت شیعیان در این دوره

منابعی وجود ندارد که ما بتوانیم تحقیق عمیق درباره شیعیان در این دوره انجام بدهیم اما باز هم همان هائی که است به نظر می آید

برای شیعیان این دوره

ص: ۲۷۱

هم مثل دوره سینک ها خیلی بد نبود(۱۱)). در این دوره ما بعضی از شیعیان را هم در پست و مقام های کلیدی کشور می بینیم که علامت آسوده حال بودن شیعیان در این دوره است. علاوه بر آن چند تن از علمای معروف هم در این دوره دیده می شوند که ذکرشان در جای خود خواهد آمد.

اما وضعیت شیعیان در زمینه های مختلف از جمله اقتصادی، فرهنگی، علمی، آموزشی و غیره خیلی فرق نکرد. گرچه ادب و شعر در قالب مداحی و مرثیه اهل بیت علیهم السلام به اوج خود رسید.

بعضی از علمای شیعیان از جمله آقای سید مهدی موسوی، مولوی حیدر علی انصاری، ملا عبدالله انصاری و سید ابراهیم در این دوره توانستند به تبلیغ دین پردازند.

در این دوره هر نوع فعالیت برای شیعیان آزاد بود. اما بخاطر علت های پیش رو نتوانستند قدم اساسی در رابطه با بهبودی اوضاع بردارند:

۱- فقر و افلاس.

۲- پراکندگی شیعیان.

۳- بی سوادی و عدم معرفت صحیح از دین

۴- فقدان رهبری.

ص: ۲۷۲

۱- (لااقل از طرف حکومت بخاطر اعتقاداتشان تحت فشار نبودند.

۴- عدم امنیت جانی و مالی؛ یعنی گرچه شیعیان از طرف حاکمان در امن بودند اما در جامعه ای که اکثریت آن با اهل تسنن بوده است در امنیت نبوده اند. و هنوز تعصب قبلی از دلها بیرون نرفته بود. لذا در این دوره نیز درگیری عظیم بین شیعیان و اهل تسنن اتفاق افتاده است. علت آن چنین بوده است: در کنار آستان سید محمد مدنی^(۱) زمین خالی بود. شیعیان بروی آن زمین مسجدی ساختند و در آن نماز می خواندند. روز ارتحال سید محمد مدنی جمعیت انبوهی از طرفین در آنجا جمع شده بود^(۲). اهل تسنن آن مسجد شیعیان را خراب کردند، لذا درگیری بوجود آمد. همین که خبر این درگیری به گوش عموم اهل تسنن رسید آنان به طرف زدی بل حرکت کرده شعار می دادند:

«دین محمد بر قرار رافضن پته چه کافرن لار»

یعنی «دین پیامبر جای خود خواهد ماند. اول رافضی ها را می کشیم

سپس حساب کافر ها را می رسیم».

آنان به خانه های شیعیان هجوم آوردند و آنها را آتش زدند در این حادثه فقط در زدی بل ۷۰۰ خانه شیعیان را آتش زدند و آمار مناطق دیگر شیعه نشین معلوم نشده است. چون این درگیری به مناطق دیگر شیعه نشین از جمله بد گام،

ص: ۲۷۳

۱- اولین مبلغین شیعیان کشمیر، قبل از میر شمس الدین عراقی.

۲- شخصیت سید محمد چنین بود که مورد قبول همه اعم از شیعه و سنی بود. اما خانقاه در اختیار شیعیان بوده است.

ماگام و سوپور نیز سرایت کرد(۱). گرچه این حادثه سخت در این دوره اتفاق افتاد. اما در مجموع مخصوصاً بعد از این حادثه که تا الآن آخرین درگیری مذهبی شیعه و سنی بحساب می آید، اوضاع شیعیان نسبتاً بهتر شده است.

خلاصه

حکومت شیعیان با تباری علماء و بزرگان متعصب اهل تسنن با اکبر شاه پادشاه امپراتوری مغول در سال ۹۹۴ هجری از بین رفت. اما شیعیان خودشان را تسلیم حاکمان مغول نکردند بلکه آنان را اشغالگر دانسته همواره علیه آنان قیام کردند

ص: ۲۷۴

۱- در بعضی از مناطق که شیعیان با مناطق دیگر شیعه نشین ارتباط نزدیکی نداشتند و در اقلیت بودند بطور کلی کشته شدند و یا مجبور به تغییر مذهب شدند و یا بعضی تقيه کردند اما تا آخر عمر نتوانستند اظهار عقیده کنند. لذا سنی شدند. بخاطر این الآن ده ها روستا در کشمیر وجود دارند که طبق اطلاعات دقیقی آنان شیعه بودند اما در اثر حملات، آنان مجبور به تغییر مذهب شدند. با وجود اینکه همواره امیدی به برگرداندن آنان به تشیع باقی بود اما بخاطر عدم تبلیغ و نبود مبلغین در کشمیر آن کار محقق نشد. تا اینکه در سال ۱۴۰۲ هجری یک تحریکی بنام تنظیم المكاتب به همت یکی از دانشمندان شیعه به اسم آقای غلام علی گلزار در کشمیر شروع به کار کرد. این مناطق توسط وی و همکاران دلسوز او از جمله مولوی غلام رسول وانی (محصل در مدرسه حجتیه) در مرحله اول شناسائی شدند سپس با ارائه دلائل متقن هزاران نفر از آنان به مذهب تشیع برگردانده شد. اما هنوز هم جمعیت زیادی از جمله سادات بر مذهب اهل سنت باقی اند.

اما هنگامی که دریافتند که عموم اهل تسنن کشمیر با آنان علیه شیعیان متحد گشته اند و مبارزه میدانی با آنان چندان نتیجه بخش نیست استراتژی خود را عوض کرده ۲۶ سال روی به جنگ چریکی علیه مهاجمان آوردند و در این جنگ خسارت های زیادی به اشغال گران کشور وارد ساختند.

شیعیان که حکومت مغول را قبول نداشتند در این دوره سخت تحت تعقیب و تهدید قرار گرفتند و از هر سو قتل و غارت شدند و این قتل و غارت شیعیان در حکومت اعتقاد خان به اوج خود رسید.

طبق نقل اعظم ددَمری، محقق و مورخ قرن دوازده که خودش هم اهل تسنن است، اعتقاد خان شیعیان را چنان برای کشتن گزینش کرد چنانکه از خوشه برنج دانه را در می آورند و در دوران حکومت وی آنها امید دوباره بدست آوردن قدرت را از دست دادند و چک ها، کسانی که فقط چند سال پیش پادشاه این مملکت بودند مجبور شدند در این دوره حتی فامیلی خودشان را تغییر دهند و نیز لباس، شکل، شباهت و شغل خود را هم عوض کردند تا شناخته نشوند.

شیعیان بخاطر سختگیری مغول در این دوره نتوانستند هیچ گونه فعالیت علمی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی انجام دهند.

مغول ها بعد از ۱۶۶ سال حکومت بر کشمیر در سال ۱۷۵۳ میلادی از افغان ها شکست خوردند. دوره افغان بدتر از دوره قبل برای شیعیان ثابت شد. در این دوره نیز هر نوع فعالیت حتی عزاداری امام حسین علیه السلام ممنوع اعلام گردید. در این دوره برای

کشتن مخالف کافی بود به وی نسبت شیعه داده شود. شیعیان علاوه بر ظلم و ستم حاکمان افغان با کمک و تحریک آنان مورد تهاجم عموم اهل تسنن نیز واقع شده به نحوی که در دوره ۶۶ ساله افغان ها شیعیان پنج بار مورد تهاجم سراسری و همه گیر واقع گردیدند. در آن درگیری ها علاوه بر قتل و غارت شیعیان مال و اموال شان را نیز اهل تسنن بعنوان غنیمت با خود بردند. در این دوره قطع اعضای شیعیان از جمله دست، پا، گوش و بینی، نیز صورت گرفته است.

بعد از ۶۶ سال، حکومت افغان ها توسط سیک ها (فرقه ای از هندوها) سقوط کرد. گرچه سیک ها نیز خیلی ظلم و ستم بر مردم کشمیر روا داشتند اما شیعیان بطور مستقیم و یا بخاطر مذهب در این دوره تحت تعقیب نبودند. در این دوره نیز شیعیان مورد تهاجم اهل تسنن قرار گرفتند و علاوه بر قتل و غارت خسارت زیادی بر آنان وارد شد.

سیک ها در سال ۱۸۴۷ میلادی بدست دوگره (قومی از هندوها) برچیده شدند. و حکومت خود را اعلام کردند. شیعیان در این دوره نیز اوضاعی همچون دوره سیک ها داشتند. و نسبت به دوره های قبل در آرامش بودند. اما گرچه از طرف حاکمان در امان بودند ولی از سوی اهل تسنن هنوز نیز نتوانستند در امنیت باشند. و در سال ۱۲۸۹ هجری برابر ۱۸۷۲ میلادی مورد حمله سراسری قرار گرفتند. این درگیری چنان شدید بود که شیعیان در برخی مناطق دور افتاده، برای حفظ جان مجبور شدند تغییر مذهب دهند و یا تقیه کنند. اما تا اخر عمر حتی نزد فرزندانشان نتوانستند

اظهار مذهب کنند. در نتیجه همه آن مناطق با مشخصات شیعه دیگر سنی هستند. اما بعد از آن دیگر شیعه و سنی زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر دارند. و بعد از آن واقعه هیچ نوع درگیری در کتاب ها نیامده است اگر هم اتفاق افتاده است سطحی بوده است.

ص: ۲۷۷

فصل پنجم: علمای بزرگ و آثار و اماکن مذهبی شیعیان کشمیر

مقدمه

ص: ۲۷۹

گرچه شیعیان کشمیر - بجز زمان کوتاهی - همواره تحت تعقیب دولت مردان محلی و مذهبیون افراطی بوده اند اما باز هم آنان در طول تاریخ کارهای زیادی برای ترویج فرهنگ و هنر کشمیری انجام داده اند بویژه در صنایع دستی از جمله فرش بافی، شال بافی، نمد بافی (۱)، پیرماشی (۲) و کارهای چوبی خدمات به سزائی در ترویج و گسترش فرهنگ کشمیری نموده اند. صنایع دستی در گذشته مخصوص به شیعیان بوده است. اما در دوره های بعد از چک ها

این صنعت بخاطر عدم کمک دولتی به گسترش یافتن بازار آن، رو به زوال گذاشت. و الآن دیگر این صنعت در کشمیر با آن عظمت یافت نمی شود.

ص: ۲۸۱

۱- نمد نوعی فرش است اما خیلی گرم کننده است. در کشمیر در سرمای زمستان از آنها استفاده می شود.

۲- پیرماشی papermashie یک نوع نقاشی است که مواد آن از کاغذ های باطله درست شده به شکل های مختلف ریخته می شود و بعد از سائیدن با رنگ های گوناگون با قلم مو طرح های متنوع بروی آن نقاشی می شود. سپس برای چیزهای مختلف از قبیل: گلدان ها، شمعدان ها، جعبه های کوچک و بزرگ از آنها استفاده می شود.

شیعیان علاوه بر ترویج فرهنگ و تمدن کشمیری برای ترویج و گسترش فرهنگ تشیع نیز همیشه کوشا بودند^(۱) برای این کار از راه های مختلف استفاده می کردند.^(۲) شیعیان در همه زمینه ها در کشمیر فعالیت داشتند اما بیشتر فعالیت شان در محور های زیر انجام گرفت:

۱- ساخت مساجد.

۲- ساخت حسینیه ها.

۳- ساخت آستانها و عبادتگاه ها.

۴- ساخت باغات و پارک های عمومی.

۱- آستان ها و عبادتگاه های معروف شیعیان

۱-۱- آستان سید محمد مدنی

اولین عبادتگاه در کشمیر در سال ۷۲۵ هجری قمری توسط رنجن شاه معروف به صدر الدین پس از پذیرفتن اسلام وی برای بلب شاه متوفی ۷۲۷ هجری قمری ساخته

ص: ۲۸۲

۱- خواننده محترم باید به این نکته توجه داشته باشد، شیعیان در شرایطی این کار های فرهنگی را انجام دادند که در بعضی از مواقع فقط شیعه بودنشان یک جرم نا بخشودنی محسوب می شد و تاحد اعدام مجازات داشت لذا شیعیان نتوانستند در شرایط عادی و آسوده حالی فعالیت شان را ادامه بدهند.

۲- مثلاً یکی از حاکمان شیعی بنام علی مردان خان یک باغ وسیع و خیلی قشنگ ساخت و آن را برای حرم امام رضا علیه السلام وقف نمود.

شد. سپس در سال ۷۹۶ هجری قمری سلطان سکندر برای عبادت میر سید محمد همدانی یک عبادتگاه دیگر در سرینگر ساخت که هنوز وجود دارد. در همین دوره سید محمد مدنی به کشمیر آمد. بعد از سلطان سکندر سلطان زین العابدین متوفی ۸۷۸ هجری در سال ۸۲۸ هجری قمری به حکومت کشمیر رسید، او به سید محمد مدنی محبت و عقیده خاص پیدا کرد و برای او مکانی در نزدیکی خود ساخت. (۱) اکنون

نیز آن جا به اسم سید محمد مدنی «مدین صابن» معروف است.

این ساختمان بهترین نمونه معماری به شمار می رفت. بعد از درگذشت سید محمد مدنی سلطان زین العابدین بارگاهی برای آن ساخت که زیارتگاه مردم بود. در زمان حکومت پادشاه چک این بارگاه از حالت خاصی بر خوردار بود. وقتی که پادشاهان مغول بر کشمیر حاکم شدند در دوره آنها در سال ۱۰۵۰ هجری قمری برابر با ۱۶۴۲ میلادی علی مردان خان و پس از او پسرش ابراهیم خان در سال ۱۰۷۳ هجری قمری برابر با ۱۶۶۲،۶۳ میلادی فرماندار این منطقه شد و چون هر دو فرماندار شیعه بودند لذا این روضه را تجدید بنا کردند. در سال ۱۲۸۹ هجری ق برابر با ۱۸۷۲ میلادی بر اثر اختلافات فرقه ای، حکومت وقت این مکان را در اختیار خودش گرفت اما سپس به دلیل کم توجهی دولت و نیز بی توجهی شیعیان این آستان، به ویرانه ای تبدیل شده بود اما چند سال پیش دولت آن را تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی قرار داد و آن را

ص: ۲۸۳

۱- همان کتاب، تاریخ ملک حیدر، ص ۲۱ و تاریخ حسن، حسن شاه، ج ۱، ص ۴۲۸.

بازسازی کرد و در حال حاضر از وضعیت خوبی برخوردار است.

۲-۱- آستان میر شمس الدین

این آستان در زدی بل سرینگر واقع است. میر شمس الدین عراقی به کمک ملک موسی رینه و غازی چک در سال ۹۰۲ هجری ساختن آن را شروع کرد و در سال ۹۰۹ ه ق به پایان رساند. این مکان در دو طبقه بود. طول و عرض آن ۲۷ متر بود و عمق آن ۱۰ متر و طبقه بالای آن ۸ متر بود و این مکان در آن زمان در کشمیر بی نظیر بود. وقتی میر شمس الدین عراقی در سال ۹۳۲ هجری ق توسط مخالفان کشته شد در همین مکان به خاک سپرده شد. اما پس از ۲۳ سال در سال ۹۵۵ هجری ق میرزا حیدر کاشغری این آستان و دیگر اماکن مربوط به آن را به آتش کشید و دیوار آن را منهدم کرد.

میرزا حیدر، سنگ های این آستان را به منطقه اندرکوت واقع در ۳۰ کیلومتری شمال سرینگر برد. دولت چک (یکی از بزرگان و سیاستمداران شیعیان) از سال ۹۵۸ ه تا ۹۶۱ هجری وزیر سلطان اسماعیل ثانی بود. از آنجا که در آن زمان پادشاه فقط یک مقام تشریفاتی بود و عملاً تمام اختیارات در دست نخست وزیر می بود.

لذا او یک بار دیگر این آستان را به بهترین شکل بازسازی کرد. علاوه بر آن (چنان که در فصل دوم به آن اشاره گردید) او جسد میردانیال را نیز از شهاب الدین پوره واقع در ۲۵ کیلومتری شمال غرب سرینگر، به آنجا منتقل کرد و در کنار قبر میر شمس الدین

بعد از او ظفر خان فرزند شمس چک کپواری در سال ۹۹۴ هجری با کمال تعصب این مکان را بار دیگر خراب کرد. اما در سال ۱۰۲۹ هجری جهانگیر پادشاه هند برای تفریح به کشمیر آمد رئیس الملک ملک حیدر چادوره پدر ملک حسین چادوره مورخ مشهور شیعه برای ساخت این از پادشاه اجازه گرفت و آن را دوباره ساخت. (۲)

این ساختمان باز هم در سال ۱۱۳۲ هجری مطابق با ۱۷۱۹ میلادی بر اثر اختلاف فرقه ای در زمان حکومت میر احمد خان مغول به آتش کشیده شد سپس از آن زمان تا چند سال پیش به دلیل بی توجهی شیعیان به ویرانه ای تبدیل شده بود. اما دو سه سال پیش دولت این مکان را تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی قرار داد و از آن بازسازی به عمل آورد. در حال حاضر از وضعیت خوبی برخوردار است.

ص: ۲۸۵

۱- (مجهول المؤلف، بهارستان شاهی، تنظیم دکتر اکبر حیدری، ص ۹۶.

۲- (اعظم ددمری، واقعات کشمیر، ص ۲۰۲.

دولت چک حاکم کشمیر در زمان وزارت خود در سال ۹۵۸ هجری قمری برای بابا حسن یک ساختمان وسیع در حسن آباد سرینگر ساخت (۱). جسد بابا علی نجار را توسط فرزندش بابا حسن از قبر بیرون آورده با عزت و احترام در این آستان دفن کرد. سپس زمین حوالی را از مالکان خرید و به بابا حسن بخشید. بابا حسن در آن یک باغ وسیع احداث کرد و در آن عمارت عظیمی برای مهمانان و مریدان خود بنا کرد. به سبب اسم بابا حسن اسم این منطقه را حسن آباد گذاشت. این عمارت در اثر اختلافات فرقه ای در آتش سوخت.

فاضل خان که در سال ۱۱۵۹ هجری مطابق با ۱۷۴۶ میلادی به فرمانداری این منطقه منصوب شد. آن را از اول ساخت و بعداً در اثر اختلافات فرقه ای، بار دیگر به آتش کشیده شد و بعد از آن هیچ کس برای ساخت آن قدم بر نداشت و نشانه های آن در این زمان تقریباً محو شده است. در زمان گذشته حسن آباد از اهمیت خاصی برخوردار بود. آنجا یک محله بزرگ بود و در آن قبرستان بزرگی است که در آنجا امراء و فرمانداران شیعه دفن شده اند. و بر سنگ قبور آنان اشعاری نوشته شده است که بهترین نمونه خطاطی است لیکن تاکنون تصویری از این کتیبه گرفته نشده است و علاوه بر آن چند نفر از ادبا و شعرای معروف شیعیان نیز در اینجا مدفونند و این

ص: ۲۸۶

۱- (همان ۲۲۰؛ آئینه کشمیر، شفیق محمد یوسف ص ۱۴۲).

مقبره هم خراب شده است و برای حفاظت این مقبره هیچ اقدامی صورت نگرفته است. (۱)

۴-۱- آستان بابا خلیل الله

این مکان را پادشاهان چک، برای بابا خلیل الله ساختند. مکان خیلی عظیمی بود و عمارت های آن تا کناره های رود خانه جهلم کشیده شده بود. اگر بین پادشاهان چک و دیگر امراء کدورتی پیش می آمد بابا خلیل الله طرفین را در آن جمع می کرد و بین آنها صلح و صفا برقرار می کرد. بابا خلیل الله در آنجا ریاضت و تبلیغ می کرد. این مکان در نواکدل سرینگر واقع بود و در جنگ های فرقه ای به آتش کشیده شد و این مکان به ویرانه تبدیل شده است. (۲)

۵-۱- قبرستان (مقبره) شاهی

مقبره پادشاهان چک در محله گوجواره متصل به اسلامیه سکول سرینگر واقع است در کنار این مقبره یک مکان و حمام بود و لیکن تمام نشانه های

مقبره محو گردیده است و اهل تسنن سنگ های این مقبره را برداشتند و در ساخت مسجد جامع بکار بردند و نیز خیلی از سنگ های باقی مانده را راجه های دوگره در قلعه شیر گرهی گذاشتند و

ص: ۲۸۷

۱- همان کتاب، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۳۰.

۲- همان کتاب، شیعیان کشمیر، ص ۳۲۱؛ آئینه کشمیر، شفیق، محمد یوسف آئینه کشمیر، ص ۱۴۲.

چند تا سنگهای گران بها (نیز برای مقبره یکی از بزرگان اهل تسنن بنام شیخ نور الدین ولی معروف به علمدار کشمیر) را به چار شریف بردند. الآن روی این مقبره سبزیجات می کارند و چنان به نظر می رسد که گویا هیچگاه در اینجا مقبره نبوده است. (۱) کشمیری ها این حرکات ناپسند را با آن کسانی روا می دارند که برای آزادی کشور تا آخرین قطره خون در برابر بیگانگان جنگیدند.

۲- مساجد تاریخی شیعیان

۱-۲- پنهری مسجد (مسجد سنگی)

نام این مسجد، مسجد نو، مسجد سنگی و مسجد شاهی است. این مسجد در طرف چپ دریای جهلم در مقابل آستان سید علی همدانی متوفی ۷۸۶ هجری قمری واقع است. این مسجد را ملکه نور جهان (۲) در سال ۱۰۳۲ هجری مطابق با ۱۶۲۲ میلادی برای شیعیان کشمیر ساخت. و صحن این مسجد از سنگ های زیبا و تراشیده به گونه ای تزئین شده است که همه آن سنگ ها فقط یک سنگ به نظر می رسد. (۳) در کشمیر قبل از تسلط شاهان مغول، در دوره چک ها تمام مسلمانان نماز عیدین و نماز جمعه را در عیدگاه و مسجد جامع با هم می خواندند. اکبر جلال الدین با اهداف سیاسی و برای تقویت

ص: ۲۸۸

۱- همان، ص ۲۲۱.

۲- نور جهان همسر پادشاه مغول جهانگیر بود. ایشان ایرانی الاصل و شیعه مذهب بوده اند.

۳- همان، ص ۲۲۴؛ تاریخ حسن از حسن شاه، ج ۱، ص ۴۲۹.

حکومت خود، بین شیعه و سنی تفرقه انداخت در نتیجه شیعه و سنی که زندگی مسالمت آمیز در کنار یکدیگر می کردند تشنه خون یکدیگر شدند. (۱)

با این وضعیت دیگر ممکن نبود که شیعه و سنی مانند گذشته در یک مسجد نماز ادا کنند. لذا دروازه مسجد جامع بر روی شیعیان بسته شد. آنان مسجد جدا گانه ای برای خود نداشتند که فرائض را در آنجا انجام دهند با چنین وضعیتی شیعیان احتیاج مبرم به یک مسجد داشتند. ملکه نور جهان همسر پادشاه جهانگیر که حامی شیعه بود وقتی برای تفریح به کشمیر آمد، شیعیان از او خواستند مسجدی برای آنان بسازد. او نیز در منطقه سرینگر مسجد پتھر را برای آنان ساخت. سپس فاضل خان در دوره خود ۱۱۰۹ هجری قمری در کنار این مسجد حمام و یک مدرسه بنا کرد. شیعیان در مناسبت های مختلف در آنجا جمع می شدند و مراسم دینی و مذهبی خود را انجام می دادند، اما بخاطر ظلم و ستم های مغول و افغان نتوانست این شیوه آنان ادامه پیدا کند.

در زمان حکومت مغولان و افغان، شیعیان کشمیر ظلم و ستم و مشکلات زیادی را متحمل شدند. به همین دلیل برخی از شیعیان مجبور شدند از کشمیر هجرت کنند و برخی دیگر نیز در روستاها ساکن شدند. برخی دیگر نیز در کام اختلافات فرقه ای سقوط کردند، به همین دلیل تناسب جمعیت شیعیان در سرینگر با مناطق دیگرشان

ص: ۲۸۹

۱- همان کتاب، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۳۲۲.

تفاوت بسیاری پیدا کرد و جمعیت آنان در سرینگر به طور چشمگیر کاهش پیدا کرد. وضعیت به حدی بحرانی بود که دعوت برای انجام فرائض به آن مسجد به معنی دعوت به مرگ بود. (۱) به دلیل استفاده کم شیعیان و به خاطر بروز اختلافات فرقه ای بین شیعه و سنی، اهل تسنن این مسجد را زیر سلطه خود درآوردند و اجازه ندادند شیعیان به این مسجد بیایند. اما چون بانی آن مسجد یک بانوی شیعه بود لذا اهل تسنن نیز در این مسجد نماز نمی خواندند.

احمد شاه درانی افغانستانی در سال ۱۱۶۷ هجری مطابق با ۱۷۵۳ میلادی سوککهه جیون که پیرو مذهب هندو بود را به فرمانداری کشمیر منصوب کرد، او از مسجد پتھر به عنوان انبار برنج استفاده کرد اما در برابر این کار سوککهه جیون، احمد شاه درانی و یا اهل تسنن هیچ اعتراضی نکردند (۲) چرا که آنان این مسجد را عبادتگاه تصور نمی کردند و الا ممکن نبود آنان ساکت بمانند.

ص: ۲۹۰

۱- همان، ص ۲۲۴.

۲- همان، ص ۲۲۴.

در دوره وزرای چک ها ۹۵۸ الی ۹۶۲ هجری قمری آنان در حسن آباد مسجد عظیم و بزرگی ساختند اما این مسجد بر اثر اختلافات فرقه ای تخریب شد. حاکمان سیک ها سنگ های

این مسجد را از اینجا برداشتند و در ساخت شهرک سیک ها در بسنت باغ سرینگر، از آنها استفاده کردند(۱۱)) در حال حاضر آثار آن مسجد ویرانه ای بیش نیست. مسلمانان شیعه در محله های خود مساجد بزرگی بنا کرده بودند که در آتش اختلافات فرقه ای سوختند. وقتی این اختلافات گسترش یافت، شیعیان به ساختن مسجد های کوچک و معمولی روی آوردند زیرا در صورت تخریب توسط اهل تسنن، باز سازی آن مشکلات زیادی در بر نمی داشت و از نظر اقتصادی نیز مشکلی برای آنها پدید نمی آمد.

۲-۳- مسجد حاجی عیدی جدی بل

خاندان حاجی عیدی در اصل کشمیری بود اما از کشمیر هجرت کرده در پیشاور پاکستان ساکن شدند. حاجی عیدی تاجر برجسته و رئیس پیشاور بود. او در جدیبل یک مسجدی به شیوه هندوستان بنا کرد. فرزندش حاجی صفدر کار این مسجد را به پایان رساند.

ص: ۲۹۱

۱- (الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، ص ۹۸.

این مسجد بزرگی است و در کنار این مسجد مسافر خانه و حمام هم هست در این جا نماز عیدین خوانده می شود و تنها مسجد بزرگی در سرینگر است که شیعیان در آن اقامه فرائض می کنند.

۴-۲- مسجد بُدگام

این مسجد را الحاج سید یوسف بنا کرد. مسجد در کنار حسینیه واقع شده است و مسجد وسیعی است و سید یوسف نماز جمعه و عیدین را در این مسجد می خواند. از سرینگر و دیگر مناطق شیعیان برای انجام فرائض به این مسجد می آیند و الآن تولیت آن دست انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر شاخه مصطفوی است.

۳- حسینیه های تاریخی شیعیان کشمیر

۱-۳- حسینیه زدی بل

کاجی چک از سال ۹۲۴ تا سال ۹۳۴ هجری قمری سه بار به نخست وزیری رسید. او در زمان وزارت خود در جدیل یک حسینیه بزرگی بنا کرد^(۱) و تا زمان حکومت دوگره تنها حسینیه شیعیان بود. داستان این حسینیه هم خیلی درد ناک است. این حسینیه اولین بار توسط میرزا حیدر کاشغری در سال ۹۵۵ ه مطابق با ۱۵۴۸ میلادی به آتش کشیده شد سپس دولت چک در زمان وزارت خودش در سال ۹۵۸ هجری دوباره آن را باز

ص: ۲۹۲

(۱) همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۲۷.

سازی کرد، اما ظفر چک کپواری فرزند شمس چک بنا بر تعصب مذهبی در سال ۹۹۴ هجری مطابق با ۱۵۸۵ میلادی این حسینیه و آستانه میر شمس الدین را مجدداً سوزاند اما حسینیه توسط شیعیان بار دیگر ساخته شد سپس مخالفین در سالهای ۱۰۴۵ هجری و ۱۰۹۶ ه و ۱۱۳۲ هجری و ۱۱۵۸ هجری و ۱۱۷۵ هجری دوباره آن را سوزاندند. در زمان حکومت افغان ها عزاداری و هیئت های عزاداری ممنوع بود. اما شیعیان در زمان عبدالله خان افغان در سال ۱۲۱۶ هجری مراسم عاشورا و مرثیه خوانی امام حسین علیه السلام را دوباره در حسینیه شروع کردند. او از این مسأله ناراحت شد و با همراهی اهل تسنن به حسینیه حمله کرد و آن را سوزاند. (۱)

در دوره حکومت سیک ها در عاشورای سال ۱۲۴۲ هجری مطابق با ۱۸۳۰ میلادی توسط اهل تسنن بار دیگر این حسینیه سوزانده شد. در آن زمان حکیم مهدی خان وزیر ناصر الدین پادشاه اوده هند بود. وقتی او شنید مبلغ مناسبی برای حاجی باقر فرستاد تا حسینیه را باز سازی کند. حاجی باقر از تجار ایرانی بود و در کشمیر کار می کرد او با دختری از خاندان سید رضا ازدواج کرده بود. حاجی باقر با کمک حاتم میرزا حسینیه را دوباره ساخت. حاجی باقر از وارثان محمد رضا زمینی در کنار این حسینیه خرید و آن را به این حسینیه اضافه کرد. این حسینیه آخرین بار در دوران حکومت مهاراجه رنیر سینگ در سال ۱۲۸۹ هجری مطابق با ۱۸۷۲ میلادی بر

ص: ۲۹۳

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۱ ص ۵۶۲)

اثر بروز اختلافات فرقه ای در آتش سوخت. سپس در زمان مهاراجه تقریباً حسینیه دوباره تعمیر شد. (۱) اما نظم و انتظام آن رضایت بخش نبود. اکنون تولیت این حسینیه در دست مولوی افتخاری است که چند سال پیش وی آن را خراب کرد و با کمک بی مثال مردم برای بازسازی آن با هزینه صد و سی میلیون روپیه معادل با دو میلیارد و شش صد میلیون تومان ایرانی یک حسینیه بی نظیر بجای آن ساخت. حتی بعضی از آلات تزئینی آن را از جمهوری اسلامی ایران برد.

۲-۳- حسینیه حسن آباد

سنگ بنای این حسینیه را میرزا محمد علی گذاشت او یک تاجر برجسته و از خیرین کشمیر بود. سپس حکومت دو گره ها

حسینیه حسن آباد را به آقا موسوی بدگامی دادند. مقداری از این حسینیه تخریب شده بود. آقای سید احمد آن را بازسازی کرد. سپس آقا سید یوسف این حسینیه را مجدداً توسعه داد و با هزینه بیش از یک میلیون روپیه یک عمارت بسیار زیبا ساخت. در حال حاضر این حسینیه از وضعیت خوبی برخوردار است و توسط انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر شاخه مصطفوی اداره می شود.

ص: ۲۹۴

۱- (همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۲۸؛ تاریخ حسن، ج ۱، ص ۵۶۳.

این حسینیه را آقای سید محمد موسوی متوفی ۱۳۵۰ هجری قمری در سال ۱۳۱۵ هجری قمری بنا کرد. (۱) اما بعد از چند سال به دلیل ازدیاد جمعیت، آقای سید احمد موسوی فرزند آقای سید محمد این حسینیه را توسعه داد. سپس آقا سید یوسف این حسینیه را دوباره در سال ۱۳۷۵ هجری قمری توسعه داد و با هزینه میلیون ها روپیه یک عمارت بسیار زیبا ساخت. (۲) این حسینیه تا چند سال قبل (۱۴۲۵ هجری) در ایالت جامو و کشمیر از تمام حسینیه ها بزرگ تر بود. (۳) اکنون بعد از اختلاف بر سر جانشینی آقای سید یوسف در سال ۱۴۰۲ هجری قمری، سرپرستی این حسینیه در دست انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر شاخه مصطفوی است. در فصل تابستان مجلس عمومی در این حسینیه برگزار می شود و بیش از صد هزار نفر در آن شرکت می کنند.

۳-۴- حسینیه احمد پوره ماکام

در احمد پوره (واقع در ۳۰ کیلومتری غرب سرینگر) برای برگزاری مجلس عمومی

ص: ۲۹۵

۱- حیدری، دکتر اکبر، مقدمه بهارستان شاهی، ص ۹۸.

۲- حیدری، دکتر اکبر، مقدمه بهارستان شاهی، ص ۱۰۰.

۳- اما چهار سال پیش آقای مولوی افتخار حسین انصاری حسینیه زدی بل را خراب کرد و بجای آن یک حسینیه خیلی بزرگ و بسیار زیبا با کمک بی دریغ مردم بنا کرد که از تمام حسینیه های این ایالت از جمله بدگام بزرگ تر است.

وسراسری حسینیہ ای نبود بلکه یک زمین وسیعی بود که در سه طرف آن دیوار و طرف چهارم یک خانه ای بود که هنگام برگزاری مجلس در آن زن ها می نشستند

در این زمین چهار درخت چنار بود که مردم هنگام برگزاری مجلس زیر سایه آن چنار ها مرثیه می خواندند.

در اینجا سالی دوبار (یکی در اوائل فصل تابستان و دوم در فصل پاییز) این مجالس برگزار می شد.

این سلسله تا سال ۱۳۵۹ هجری قمری ادامه داشت تا اینکه مولوی محمد جواد در سال ۱۳۵۹ هجری ق یک حسینیہ بزرگ در این منطقه ساخت.

۴- ساخت باغات و پارک های عمومی توسط شیعیان

۴-۱- باغ پادشاه حسین چک (۹۷۱ تا ۹۷۸ ه- ق)

حسین چک در نزدیکی سرینگر در موضع نوهته سرینگر یک باغ وسیع و زیبا درست کرد، در وسط باغ یک جوی آب هم جاری کرد که از آن آبشار درست می شد،

وقتی که تسلط چک ها از بین رفت در دوره مغول خواجه خاوند محمد و نقشبندی که یکی از بزرگان صوفیه اهل تسنن بود این باغ را در تصرف خود در آورد و کاخ حسین شاه را نیز که در آن باغ قرار داشت خود قرار داد. و الآن به همین اسم معروف است. (۱)

ص: ۲۹۶

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۳۶۴.

۲-۴- باغ یوسف شاه چک

یوسف شاه در دوره خود ۹۸۹ هجری تا ۹۹۴ هجری یک باغ بزرگ و وسیعی در کنار رود خانه معروف کشمیر «جهلم» در فتح کدل سرینگر ساخت. او در این باغ انواع و اقسام درختان و گل ها کاشته بود. و این باغ طبقه ای ساخته شده بود و در مجموع ۱۳ طبقه داشت. تا دوره افغان آثاری از این باغ باقی بود اما الآن در اینجا خانه ها هستند و هیچ آثاری از باغ وجود ندارد.

لازم به ذکر است این یوسف شاه بود که زیبایی های

گلمرگ (۱۱) را برای اولین بار کشف کرد. (۲) ایشان علاوه بر باغات متعدد چند کاخ تاریخی نیز برای زندگی درست کرده بود اما در حوادث روزگار آنها باقی نماندند.

۳-۴- باغ ملکه نور جهان

ملکه نور جهان (۳) در کرانه دریاچه سدرد کهن یک باغ زیبا بنا کرد. اسم آن باغ را «بحار آرا» یعنی چشمه حسن گذاشت. او یک کشتی کوچک خیلی زیبا نیز در

ص: ۲۹۷

۱- (گلمرگ یکی از جاهای تفریحی بسیار زیبای کشمیر است که در سال ده ها هزار نفر از سراسر جهان برای گردش و تفریح به آنجا می روند.

۲- (حکیم صفدر همدانی، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۳۳؛ تاریخ حسن، ج ۱، ص ۳۶۴.

۳- (نور جهان همسر پادشاه مغول جهانگیر بود. ایشان ایرانی الاصل و شیعه مذهب بوده اند.

آنجا درست کرده بود که در شب های نورانی با همسر پادشاه خود بنام جهانگیر برای تفریح به دریاچه نگین می رفت. او یک باغ دیگر را در عیدگاه سرینگر به اسم خود «نورباغ» درست کرد. (۱۱) گرچه این باغ از بین رفت اما اسم آنجا تا این زمان هم نور باغ معروف است. او در اطراف سرینگر در صفا پور نیز یک باغ خوب و زیبا و ساختمان هایی مجلل در آن درست کرده بود. آثار آن اکنون نیز مشهود است.

در کوتهار (۱۲) نیز یک باغ و حمام و چند ساختمان خوب درست کرده بود (۱۳) که به اسم بیگم آباد معروف بود. اما دیگر اثری از آنها پیدا نیست.

۴-۴- باغ رئیس الملک میرزا حیدر ملک جادوره

میرزا حیدر ملک در جنوب کشمیر در جایی بنام ویری ناگ یک باغ خیلی زیبا و تاریخی ساخت که از عجایب روزگار بود. در آن باغ ساختمانهای خوب و زیبا و نیز آبشارها درست کرده بود. اشعار ذیل درباره آن است:

حیدر بحکم شاه جهان پادشاه دهر

شکر خدا ساخت چنین آبشار جوئی

این جوئی داده است زجوئی بهشت

یاد

زین آبشار بافته کشمیر آبروی

تاریخ آب جوی بگفتار سروش غیب

از چشمه بهشت برون آمده است جوی

ص: ۲۹۸

۱- همان ۲۳۳؛ الطاف حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون شاهی ص ۶۷.

۲- کوتهار در جنوب کشمیر در نزدیکی باغ معروف جید بیل واقع است.

۳- همان ص ۳۷۴؛ همدانی، حکیم صفدر تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۳۳.

مصراع آخر به حروف ابجد ۱۰۳۶ هجری است.

۵-۴- باغ آصف جاه

او برادر ملکه نور جهان بود. او یک باغ در کنار دریاچه «دل» بنام نشاط باغ ساخت (۱) که الآن هم مشهور و معروف و بی نظیر از سائر باغات کشمیر است. این باغ نیز طبقه ای است. در شرق این باغ کوه های سرسبز و در غرب آن دریاچه زیبا «دل» وجود دارد که زیبایی این باغ را افزوده کرده است. در این باغ آصف آبشارها را نیز جاری کرده بود و درخت های بلند قامت چنار هم در آن وجود داشت. در آن از انواع و اقسام گل ها هست. در روزهای یکشنبه در تابستان ده ها هزار نفر برای سیر و تفریح به آنجا می روند. (۲)

درباره تاریخ ساختن آن اشعار ذیل گفته اند.

چون

باغ نشاط شد شگفته

از

یا سمن و طیان گلها

خورشید

جهان آصف دهر

گسترده

بساط و خورد ملها

در

گوش نسیم گفت سالش

گلزار

نشاط و عیش دلها

که مصراع آخر به حروف ابجد سال ۱۰۴۴ هجری ق و ۱۶۳۴ م است.

ص: ۲۹۹

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد، شمس الدین، ج ۱، ص ۳۷۸؛ صفدر همدانی، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۳۳۶.

۲- (از مشاهدات خود نویسنده.

صادق خان ایرانی بوده است. و یکی از وزرای شاه جهان بود. صادق خان در غرب دریاچه «دل» در برابر باغ نشاط یک باغ زیبا بنام خود صادق آباد بنا کرد. در آن باغ ساختمان های زیبا و قشنگ نیز ساخته بود. الآن این باغ بنام حضرت بل معروف است. (۱۱) علاوه بر آن یک باغ خوب و زیبای دیگری نیز درست کرد و در آن از هر نوع درختان، گل ها و میوه ها کاشته بود، خودش نیز در همان باغ زندگی می کرد. در ایام محرم شیعیان در آن باغ یک خیمه بزرگ می زدند و مراسم عزاداری در آن انجام می دادند اما حاکم بعد از او بنا بر تعصب مذهبی همه آن ساختمان ها و این باغ را خراب کرد. و دیگر آثاری از آن یافت نمی شود اما این جا هنوز به اسم امیر آباد معروف است.

ایشان در دریاچه «دل» یک جزیره بنام «سونه لانکه» یعنی جزیره طلا درست کرده بود. در آنجا نیز یک باغ بسیار زیبا و دلکش درست کرد بود و یک ساختمان هفت طبقه نیز در آنجا بنا کرده بود. با وسائل محدودی که در آن زمان داشت آب را به طبقه هفتم رساند و از آن آبشارهای زیبا درست کرد. در آن باغ علاوه بر درختان انواع گل ها و درخت های چنار نیز کاشته بود.

ص: ۳۰۰

۱- (همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۳۶؛ حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم، احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۳۸۵.

گرچه ساختمان‌ها در آنجا از بین رفته‌اند اما جزیره هنوز باقی است.

۷-۴- باغ ظفر خان احسن

اشاره

ظفر خان در سال ۱۰۴۳ هجری قمری از طرف شاه جهان پادشاه حاکم کشمیر معرفی شد. او در کشمیر چهار باغ بسیار زیبا و بی نظیر بنا کرد.

الف - باغ ظفر آباد

او این باغ را در جایی بنام بریه وار زنی مر درست کرد. میرالهی شاعر معروف آن زمان در باره این باغ گفته است:

ظفر خان کرد از طبع ملون بعرض چارده مه جا گلشن (۱)

ب - باغ گلشن

ظفر خان این باغ را در سال ۱۰۴۴ هجری قمری در جایی بنام «بوته کدل» (۲) ساخت. برای این دو باغ از ایران انواع و اقسام بوته‌های گل و میوه آورد.

ص: ۳۰۱

۱- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲- ددَمری، محمد اعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۲۲۵.

ج - باغ احسن آباد

این باغ را در منطقه شیعه نشین درست کرد. اسم آن باغ احسن آباد بود احسن اسم مستعارش بود. اما چون اسم آن منطقه شیعه نشین حسن آباد بود ابتدا به همان اسم «حسن آباد» معروف گردید. او در آنجا چند ساختمان و یک حسینیه زیبا نیز درست کرده بود که از نقاشی مزین شده بود. (۱)

د - باغ عنایت

این باغ را ظفر خان در نزدیکی زیارت سید محمد مدنی درست کرده بود. علاوه بر اینها باغات دیگری هم وجود دارند که شیعیان ساختند اما بخاطر عدم شهرت و معروف بودن آنان صرف نظر می کنیم. (۲)

۸-۴- باغ علی مردان خان

علی مردان خان ایرانی الاصل بوده است. در زمان حکومت خود در جایی بنام نوشهر یک باغ وسیع و زیبا بنام حیدر آباد درست کرد. و در این باغ کاخ علی مردان خان نیز وجود داشت. که با نقاشی های زیبا تزئین شده بود. آثار آن باغ در

ص: ۳۰۲

۱- (حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۳۸۲)

۲- (از جمله باغ شیرازی، باغ جعفر خان، باغ علی رضا خان، باغ افضل آباد.)

حوادث زمان از بین رفته است اما اینجا هنوز به اسم باغ علی مردان معروف است. این باغ در آن زمان بی نظیر بود و انواع و اقسام گل ها در آن بودند. علی مردان این باغ را برای مشهد مقدس بارگاه حضرت امام رضا علیه السلام وقف کرد. (۱)

۹-۴- باغ کفایت خان

کفایت خان از طرف پادشاه افغان بنام زمان شاه درانی حاکم کشمیر بود. ایشان در خانیار یک باغ زیبا درست کرده بود که بنام کفایت خان معروف بود. الآن هیچ آثاری از آن باغ موجود نیست. اما مصنف تاریخ حسن متوفی ۱۳۱۵ هجری در کتاب خود می نویسد که تا آن دوره این باغ در تصرف یکی از هندو ها بنام مهاند جو دراست. (۲)

۵- علمای بزرگ شیعیان کشمیر

اشاره

گرچه شیعیان از دوره مغول بخاطر تعصب مذهبی افراطی بعضی از امراء و حاکمان کشمیر مجبور شدند در گمنامی زندگی کنند و از حقوق مسلم خود صرف نظر کنند و در نتیجه از هر نوع تسهیلات از جمله عدم امکان درس و تدریس بخاطر نبودن

ص: ۳۰۳

۱- ددَمری، محمداعظم، واقعات کشمیر، مترجم احمد شمس الدین، ص ۲۳۰.

۲- حسن شاه، تاریخ حسن، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ج ۱، ص ۳۸۸.

امنیت محروم ماندند، اما همین که فرصتی هنگام رد و بدل شدن حاکمان و در بعضی اوقات با انتخاب حاکمان کمی غیر جانبدار، پیدا می کردند از آن فرصت خوب استفاده می کردند که در نتیجه خدمات خوبی به جهان تشیع و شیعیان کشمیر کرده اند. شیعیان کشمیر علمای برجسته ای به جهان تشیع تحویل دادند. بعضی از آنان در داخل کشمیر و بعضی در خارج از کشمیر زندگی می کردند. اما آنان که در داخل کشمیر زندگی کردند زیاد ند و ما نمی توانیم همه آنان را در اینجا ذکر کنیم لذا ما فقط معروف ترین آنان را در اینجا معرفی می کنیم.

۱-۵- سید مهدی موسوی صفوی

نسب ایشان با سیزده واسطه به میر شمس الدین عراقی می رسد. ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در کشمیر برای ادامه تحصیل و دروس عالی به عراق رفت و پس از گذراندن ۲۷ سال تحصیل علوم دینی و رسیدن به کمالات عالی معنوی و علمی، در حوزه علمیه نجف، به میهن خویش مراجعت کرد. ایشان یک شخصیت علمی و عرفانی بودند و به عنوان «مجتهد اول کشمیر» شناخته شدند^(۱) پس از بازگشت به کشمیر کارهای بزرگی انجام دادند. از جمله تشکیل نماز جمعه و جماعت، تعلیم و تعلم،

ص: ۳۰۴

۱- مقاله سیدهادی موسوی، مجله آفاق، شمار ۱۳، ۱۴، سال سوم فروردین ۱۳۸۴ مدرسه امام خمینی، قم.

سعی و تلاش فراوان جهت ایجاد اتحاد بین مسلمانان و غیره. (۱) ایشان ۱۲ سال در کشمیر زندگی کردند و طی این سال ها شاگردان بسیاری را به زیور علم و دین آراسته ساختند. شایان ذکر است که تالیفات بسیاری از وی برجای مانده است. ترجمه لمعه دمشقیه، رساله الغنا، رساله نیت (فارسی) و غیره. بعد از ۱۲ سال تبلیغ ایشان در سال ۱۳۰۹ هجری مطابق با ۱۹ آوریل ۱۸۹۲ میلادی از دنیا بسوی آخرت انتقال یافت. (۲) و در کربوه بدگام (بلندی در بدگام) دفن است و بر قبر ایشان فرزندانیش یک روضه بنا کرده اند که مرجع خلائق است.

۲-۵- سید محمد

او فرزند آقای سید مهدی بود و بعد از وفات پدر جانشین او شد. او یک انجمن مذهبی بنام «حامی الاسلام» تأسیس کرد و به نام این انجمن در محل های

مختلف مدارس دینی تأسیس کرد که در آن مدارس به بچه ها قرآن، نماز، اصول دین و دیگر مسائل ابتدایی دین یاد می دادند. او به بینوایان و فقرا کمک می کرد. هیچ سائلی از در او با دست خالی بر نمی گشت. او در بدگام زندگی می کرد و در آنجا حسینیه

ص: ۳۰۵

۱- برای آشنایی بیشتر به کارهای تبلیغی آیه الله سید مهدی موسوی بدگامی به اول فصل هفتم نگاه شود. که بمناسبت بحث در آنجا به تفصیل بیان می شود.

۲- فوق، محمد الدین، تاریخ اقوام کشمیر، ج ۲، ص ۱۷؛ مقدمه بهارستان شاهی، اکبر حیدری، ص ۹۸.

بزرگی را در سال ۱۳۱۵ ق بنا کرد و در آن حسینیّه در مناسبت های مختلف مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام برپا می شد. در روز دوشنبه سال ۱۳۵۰ ه مطابق با ۷ مارچ ۱۹۳۱ میلادی سید محمد از دنیا رحلت کرد. آثار او عبارتند از: ۱- جواهر ایمانی ۲- منهاج الصّلاح ۳- ضیاء الهدی ۴- تمریض المشکین. کتاب منهاج الصّلاح به زبان کشمیری نوشته شده که در آن مسائل فقهی بیان شده است. (۱)

۳-۵- سید احمد

او فرزند بزرگ سید محمد بود. او در سال ۱۳۵۳ هجری قمری مقبره میرشمس الدین عراقی را مجدداً بنا کرد. (۲) سپس در سال ۱۳۵۵ هجری ق حسینیّه حسن آباد را بازسازی کرد. در سال ۱۳۵۶ انجمنی به اسم انجمن موسوی تأسیس کرد و در سال ۱۳۶۴ هجری قمری از دنیا رفت.

۴-۵- سید یوسف

او فرزند سید محمد موسوی بود و نسبش با سی و هفت واسطه به امام موسی

ص: ۳۰۶

-
- ۱- (فوق، محمد الدین، تاریخ اقوام کشمیر، ج ۲، ص ۱۸؛ دکتر اکبر حیدری کاشمیری، تاریخ کشمیر بهارستان شاهی، چاپ اول، ناشر انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر، سال ۱۹۸۲ م مطابق با ۱۴۰۲ ق، ص ۹۸.
- ۲- (فوق، محمد الدین، تاریخ اقوام کشمیر، ج ۲، ص ۱۹.

کاظم علیه السلام و با پانزده واسطه به میر شمس الدین محمد عراقی می رسد. ولادت او را در سال ۱۳۲۱ هجری نوشته اند (۱). علوم ابتدایی را از پدرش آقا سید محمد آموخت. سپس در سال ۱۳۵۳ هجری قمری به عراق رفت و در نجف اشرف از فقهای بزرگی مانند: سید ابوالحسن اصفهانی، آقا سیدحسین طباطبائی قمی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقا شیخ محمد اصفهانی، آقا محسن حکیم، آقا سید محمد الحسینی، شیخ محمد کاظم، آیت الله آقای شیرازی، آقای جمال موسوی گلپایگانی و دیگران بهره گرفت. پس از وفات پدر و برادرش، وی با همه وجود به تبلیغ و اشاعه مذهب اثنا عشری پرداخت. مردم او را به نام آقا صاحب می شناختند. امام خمینی توجه خاصی به او داشتند. ارتباط وی با امام راحل سبب شد که امام اولین بار توسط وی در کشمیر شناخته شوند. مرجعیت امام نیز اولین بار توسط او در سال ۱۳۷۲ هجری برابر با ۱۹۵۲ میلادی در کشمیر مطرح شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز او حامی سرسخت امام راحل و جمهوری اسلامی ایران بود. او برای معرفی و شناساندن انقلاب اسلامی ایران در کشمیر تمام توان خود را صرف نمود تا مردم، با انقلاب اسلامی ایران آشنا شوند. گفتنی است آقای سید یوسف از همان دوران تبعید حضرت امام به عراق با ایشان مکاتبات شخصی داشته که نامه های متعدد حضرت امام در حال حاضر نزد پسر بزرگ وی بنام آقای سید محمد فضل الله الموسوی محفوظ است علاوه بر آن وی مسؤولیت سرپرستی

ص: ۳۰۷

برنامه های استقبال از هیأت های سیاسی و فرهنگی ایرانی که به کشمیر سفر می کردند را بر عهده داشت. وی سهم زیادی در فراهم نمودن زمینه های تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر دارد.

رؤسا و امرای کشمیر از هر ملت و مذهبی، او را بزرگ می داشتند

و وزرای اعلی از جمله شیخ محمد عبدالله، بخشی غلام محمد، خواجه غلام محمد صادق و سید میر قاسم به خدمت او برای دست بوسی می آمدند، بویژه شیخ محمد عبدالله احترام خاصی برای او قائل بود. وی سنگ بنیاد «انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر» را گذاشت. سرپرستی و نظارت این انجمن به او وابسته بود. با کمک این انجمن مذهب اثنا عشری تبلیغ می شد. او در بدگام و در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۷۰ هجری باب العلم را باز کرد و در همان سال در این مدرسه تعلیم و تدریس شروع شد. علاوه بر مدرسه باب العلم او در جاهای مختلف مدرسه های

متعددی برای علوم دینی باز کرد. وی برای ترقی و بهبودی باب العلم، زمین های زیادی را به قیمت صدها هزار روپیه وقف کرده است علاوه بر تأسیس مدارس ابتدائی علوم دینی او کارهای دیگر دینی و فرهنگی انجام می داد که حسینیه بدگام و حسن آباد از آنها شایان ذکر است. وی حسینیه بدگام را در سال ۱۳۷۵ه با مبلغ صدها هزار روپیه بنا کرد.

در این حسینیه فن سنگ تراشی و فرش سنگی به زیبایی وجود دارد و در آن سنگ ها مراثی محتشم کاشانی و اشعار دوازده بند او با مهارت کامل و به شکل زیبایی نوشته شده است. در کنار حسینیه، آقا سید یوسف مسجدی نیز ساخته است،

۵-۵- ملا فضل علی

وی از نوادگان ملا محمد انصاری (۲) است. او از هوش سرشاری برخوردار بود و در دوران جوانی از پدرش علم آموخت. پس از آن برای ادامه تحصیل از روستای تانتری پوره به سرینگر آمد و از ملا محمد مقیم، قرآن، احادیث و دیگر علوم را فرا گرفت. حکیم محمد مقیم وقتی کمالات علمی او را دید به او پیشنهاد داد در سرینگر بماند تا مردم بیشتری از او بهره ببرند او نیز این پیشنهاد را پذیرفت و منطقه تانتری پوره را ترک کرد و در سرینگر و در محله آرامگاه سوخته نواکدل ساکن شد.

ص: ۳۰۹

۱- (لازم است که این همت بلند در زمینه ساخت مساجد نیز بکار برده شود تا مایه افتخار تشیع در کشمیر باشد و جلوی سوء تفاهات گرفته شود. البته این مسئله روشن است که برای مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام به جهت اجتماع پرشور مردم یک شهر در یک جا نیاز به مکان وسیع تری است تا انجام مراسم امکان پذیر باشد و در ضمن محدودیت هایی که در حضور مساجد برای زنان و مردان است در آنجا نیست. (محقق)

۲- (ملا محمد انصاری کسی است که با سید حسین قمی در سال ۸۲۱ هجری قبل از ورود میر شمس الدین وارد کشمیر شده بود.

او فرزند ملا-فضل علی انصاری بود. وی در علم و فضل و تقوی و زهد یگانه روزگار بود و کرامات او زبان زد عام و خاص است. مردم احترام خاصی به او قائل بودند به گونه ای که برای غذا خوردن وی ظرف مخصوصی را تعیین کرده بودند(۱۱).

۷-۵- ملا عبدالله انصاری

او فرزند مولوی محمد عباس بن ملافضل علی بود. او به عربی، فارسی، فلسفه، منطق، علم قرآن و احادیث و تاریخ اسلامی مسلط بود. سخن او خیلی تأثیر داشت و مهاراجه رنیر سینگ با دیدن کمالات علمی او، او را در مدرسه دولتی به یک مقام عالی منصوب کرده بود.

او به انجام خدمات دینی خیلی علاقه داشت و لذا او از کارمندی دولت استعفا کرد و برای تبلیغ مذهبی به پنجاب و سند سفر کرد و در آنجا مذهب شیعه را تبلیغ کرد و در نتیجه تبلیغ او نوجوانان آن منطقه مذهب شیعه را انتخاب کردند. بزرگان محل احترام زیادی برای او قائل بودند و این موقعیت او در بین مردم آتش

ص: ۳۱۰

۱- در کشمیر مرسوم است که در مراسم مردم در ظروف بزرگ به صورت مشترک غذا می خوردند و افرادی که دور یک ظرف غذا هستند فرقی نمی کنند که در چه سطحی باشند و مرسوم نیست که کسی در یک ظرف به تنهایی مشغول غذا باشد. (محقق)

کینه و حسد را در دل حسودان شعله ور ساخت و سر انجام او را با کمک خادمش مسموم کردند. (۱)

۸-۵- مولوی حیدر علی انصاری

او فرزند مولوی مصطفی بود. وی تحصیلات ابتدایی را به پایان رسانده و برای ادامه تحصیل به عراق سفر کرد. در عراق از فقهاء و مجتهدین علم دین را فرا گرفت. در این ایام شیعیان کشمیر به جناب آقا میرزا نامه نوشتند که ملا حیدر علی انصاری را به کشمیر اعزام نماید اما وی نپذیرفت زیرا تحصیلاتش نیمه تمام می ماند. وی پس از بازگشت به کشمیر به موعظه پرداخت و در سرینگر و مناطق دیگر به تبلیغ اسلام مشغول بود. در آن ایام پادری تندل بسکو که از مبلغان مسیحی بود در سرینگر، در منطقه فتح کدل یک مدرسه تأسیس کرده بود که در آنجا علوم روز را آموزش می دادند. او مسلمانان را به تحصیل علوم روز تشویق کرد. او فرزندان خود را برای تحصیل به مدرسه دولتی فرستاد. یکی از فرزندان او بنام مولوی محمد عباس به غیر مسلمانان درس عربی و فارسی می داد و خود او از آنها انگلیسی یاد می گرفت. او آرزوی اتحاد مسلمین و بلکه همه انسانها را داشت. در سخنرانی او هیچ حرفی دیده نمی شد که دیگران از آن آزرده شوند. او به عالمان و فاضلان احترام می گذاشت. هر عالمی که از خارج می آمد او را میهمان می کرد و از او در

ص: ۳۱۱

۱- همان کتاب، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۱۹۶.

خواست می کرد تا در مجلس سخنرانی کند و خودش نیز به سخنرانی آنان گوش می داد. حجت الاسلام جناب شیخ علی اصغر وقتی به کشمیر بازگشت او را در خانه خود میهمان کرد و امکانات اولیه زندگی برای او را فراهم کرد او در دهم رمضان المبارک سال ۱۳۳۳ هجری درگذشت. (۱)

۹-۵- سید محمد

او در سال ۱۳۳۹ هجری در منطقه «ایچه گام بدگام» واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب غرب سرینگر به دنیا آمد. او فرزند سید مصطفی بود. وی در هشت سالگی پدرش را از دست داد. او تعلیم ابتدائی را نزد برادرش فرا گرفت. بعد از آن در سرینگر پیش شیخ محمد حسین به تحصیل ادامه داد. پس از فارغ شدن از تعلیم ابتدایی برای ادامه تحصیل به لکهنو هند رفت و از مدرسه بنام سلطان المدارس رتبه صدرالله فاضل را بدست آورد. علاوه بر این مدارک دیگری هم از اینجا بدست آورد. صلاحیت و فطانت او در اعضای مدرسه تأثیر گذاشت که او را برای فراگیری بیشتر علم به عراق فرستادند. در عراق او زیر نظر سر کار ابوالحسن تحصیل خود را به اتمام رساند. وقتی که از تعلیم فارغ شده هنگامی که به طرف وطن باز می گشت، سید علی حائری در لاهور از او خواست در همین جا بماند. اما با در نظر گرفتن ضرورت کشور این امر را قبول نکرد. وقتی به کشمیر رسید بیمار گشت. با

ص: ۳۱۲

۱- همان کتاب تاریخ شیعیان کشمیری، ص ۲۰۱.

وجود ناسازگاری صحت او به مدرسه برادرش سید جعفر توجه خاص داشت و نصاب درسی را طبق شرایط زمان خود تعیین کرد و نظارت این مدرسه را به عهده گرفت و اساتید این مدرسه را از علمای درد آشنا و از ایثارگران انتخاب کرد که در آنها شوق خدمت به ملت وجود داشت. در این مدرسه علاوه بر علوم دینی، علوم روز هم تدریس می شد و به اخلاق و آداب شاگردان خیلی توجه می شد. شاگردان با هوش برای ادامه تحصیل به خارج از کشور فرستاده می شدند. این دو برادر با مخالفت شدیدی روبرو شدند اما این مخالفت ها خللی در عزم آنان ایجاد نکرد. او در ماه شوال سال ۱۳۷۸ه در گذشت. سپس در سال ۱۳۸۴ه ق برادر بزرگش که خود عالم بزرگی بود از دنیا رفت.

۱۰-۵- ملا محمد مهدی

ملا محمد مهدی از نوادگان شیخ محمد رضا بود او از پدرش ملا عبدالعلی علوم دینی را فرا گرفت و از علوم احادیث آگاهی زیادی داشت. او کتابخانه بزرگی داشت که در آن صدها نسخه خطی کتاب نگهداری می شد (۱) اما این کتابخانه قدیمی او در اختلافات فرقه ای بین شیعه و سنی در آتش سوخت. وی از این حادثه خیلی غمگین شده وطن را ترک کرد و به بلتستان رفت و در کهرسنگ سکونت کرد. سپس تا آخرین لحظات زندگی در همانجا به انجام وظیفه پرداخت. او مجالس حسینی را در هر شهر و

ص: ۳۱۳

۱- (همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۱۶).

روستایی برگزار می کرد. او در فصل تابستان برای اینکه امام حسین علیه السلام در روز های

گرم کشته شد برنامه مجالس ده روزه اجرا می کرد(۱۱)). او در بلستان از دنیا رفت و در همانجا به خاک سپرده شد.(۲)

۱۱-۵- ملا محمد مقیم

او برادر کوچک ملا محمد مهدی بود. او در زهد و تقوی، عبادت و ریاضت و در علم و فضل دریای بی کران بود. به همین علت در حال حاضر شیعیان کشمیر اسم او را با عزت و احترام می برند و کتاب کشکول او نشانه علم اوست. این کتاب کمیاب هنوز هم چاپ نشده است و نزد فرزند آقا سید احمد رضوی است. او در سال ۱۱۹۵ میلادی از دنیا رفت.(۳)

۱۲-۵- حاجی سید حسن رضوی

او در محله زدی بل سرینگر چشم به جهان گشود و از خاندان سید حسین قمی بود. خانه او با توجه به زهد و تقوی و عبادت و ریاضت او خیلی ممتاز تصور می شد

ص: ۳۱۴

۱- این سلسله عزاداری در فصل تابستان هنوز هم در بلستان ادامه دارد. علاوه بر بلستان این عزاداری در فصل تابستان در کشمیر برگزار می شود. و این مجلس بنام «مجلس اسد» معروف است.

۲- غروب آفتاب، ص ۸.

۳- همان، ص ۹؛ تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۱۶.

و مردم اهل این خانه را با نظر عزت و تکریم نگاه می کردند.

او عالم و فاضل و متقی بود و خیلی عبادت می کرد و در اثر سجده زیاد بر پیشانی اش پینه بسته بود. در خانه خود مجالس میلاد النبی | و مجالس عزاداری برگزار می کرد و در هر سال ماه مبارک رمضان درس قرآن می داد. او ترجمه آیات قرآنی را به مردم یاد می داد و اصول دین را به زبان کشمیری به نظم نوشته بود. یک کتاب به نام مجالس الابرار در چند جلد نوشت. وی در سال ۱۳۴۶ هجری قمری برابر با ۱۹۲۸ میلادی از دنیا رفت و او را در مصلايش بخاک سپردند.

۱۳-۵- شیخ علی اصغر

او در یک خاندان فقیر به دنیا آمد و از کوچکی اشتیاق به فراگیری علوم دینی داشت و ابتداءً تعلیم را در منطقه خود تحصیل کرد و بعداً در آغاز جوانی برای ادامه علوم دینی به نجف اشرف رفت که در نجف، کربلا و دیگر شهرهای

عراق حدود چهل سال به فراگیری علوم دینی پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. او در عراق ازدواج کرد و در سن پیری به کشمیر بازگشت و در کشمیر نزد ملا علی انصاری اقامت کرد. او زندگی ساده داشت. رفتار و کردار و زندگی او بسیار ساده و در خانه ای معمولی و گلی زندگی می کرد و لباس او خیلی ساده و خشن بود، او صاحب اخلاق عالی و بلند بود. خیلی مکسر المزاج بود و با هر یک محبت و آشتی می کرد و هیچ وقت عصبانی نمی شد. در علم و فضل در زمان خود کسی مثل او نبود. اما در

ص: ۳۱۵

زمان او شیعیان کشمیر دچار تفرقه شده بودند. با اینکه وی به درجه اجتهاد رسیده بود اما شیعیان حرمتش را نگه نداشتند و خیلی به او توجه نکردند. او در سال ۱۳۵۳ هجری از دنیا رخت بر بست و در منطقه اسکندر پوره واقع در ۴۰ کیلومتری در غرب سرینگر به خاک سپرده شد. غیر از اینان نیز علمائی گرانقدر در کشمیر بودند از جمله آقای عبد العلی، سید صادق رضوی تینگن، سید قاسم موسوی چترگام، شیخ مهدی خنده، سید مصطفی موسوی بدگام، علامه شیخ هادی غروی اما ذکر همه آنان در این رساله ممکن نیست لذا فقط به اسامی آنان بسنده کردیم.

اینک درباره بعضی از علمائی که در خارج از کشمیر زندگی می کردند اشاره کوتاهی می کنیم.

۶- علمای کشمیر خارج از کشور

اشاره

در خارج از کشور علمائی زیادی (از جمله خانواده امام راحل) از کشمیر زندگی می کردند و خدمات ارزشمندی به جهان تشیع نمودند. چون آنان خیلی زیادند لذا ما فقط بعضی از آنان را در اینجا معرفی می کنیم. (۱)

ص: ۳۱۶

۱- (محققان و پژوهشگران می توانند برای تفصیل آنان به الذریعه و اعیان شیعه مراجعه نمایند.

ایشان معروف به «خان علامه» است ایشان کشمیری بوده است و یک عالم برجسته و والائی بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی از علوم دیگری نیز آگاهی داشت. سید عبدالطیف خان که خود یکی از شخصیت های

بزرگ بود و از دوستان خانه علامه بود در تحفه العالم نوشته است که «وی از اعظم فضلائی نامدار و سر آمد حکمای روزگار و در جمیع فنون علمی فاضلی بی نظیر و علامه ای

تحریر بود خاصه در حکمیات و الهیات، افلاطونِ عصر و ارسطو دهر می نمود» (۱).

علامه تفضل حسین خان کشمیری زبان عربی، فارسی، انگلیسی، رومی و یونانی را کاملاً بلد بود و به این سبب بسیاری از کتب حکمی فرهنگی را به عربی ترجمه نموده است. (۲)

او علاوه بر ترجمه ها، تألیفاتی نیز از خود داشت. بعضی از آنها به این شرح هستند:

۱- شرحی بر مخروطات اپلونوس (۳)؛

۲- شرحی بر مخروطات دیونپال و مخروطات سمن.

ص: ۳۱۷

۱- محمد علی آزاد کشمیری، نجوم السماء، تصحیح میر هاشم محدث ص ۳۴.

۲- همان ص ۳۴۷؛ شیخ محمد اکرم، رود کوثر، ص ۶۳۹.

۳- apollunios ریاضیدان مشهور حوزه علمی اسکندریه بود که در قرن سوم پیش از میلاد می زیست.

محمد علی نویسنده نجوم السماء درباره وی می نویسد که «در طی مباحثات مطالعه آن قدر حواشی و تعلیقات بر کتب حدیث و فقه فریقین و حکمیات اسلامی و سایر علوم نگاشته است که احصای آنها عسیر و کمتر فاضلی را میسر شده است که سزا است کشمیری ها و هندی ها به استظهار او دم از فضل و دانش زنند و به وجود او افتخار کنند و دیگر هر قدر فلک بگردد چون او دیگری را به عرصه ظهور نیارود» (۱). ایشان اینقدر در علم فقه فریقین تبحر داشت که قبل از ظهر درس فقه امامیه و بعد از ظهر درس فقه حنفیه می داد. (۲)

آصف الدوله پادشاه لکهنو (یکی از مناطق شیعه نشین هند) او را به دربار خود آورد. و منصب قضاوت به او سپرد اما علامه هیچ تمایلی به آن نشان ندادند با اصرار زیاد آصف الدوله آنرا به اجبار قبول کرد. اما به آن دل نیست. لذا بعد از فوت آصف الدوله برادرش هر چه اصرار کرد اما علامه از آن استعفا کرد و دیگر حاضر نشد منصب قضاوت را به عهده بگیرد. (۳) در سال ۱۲۱۴ هجری قمری بیماری فلج و

ص: ۳۱۸

۱- محمد علی کشمیری، نجوم السماء، ص ۳۴۹.

۲- شیخ محمد اکرم، رود کوثر، ص ۶۳۹.

۳- محمد علی کشمیری، نجوم السماء، ص ۳۴۹.

معالجه نمودند و همگی متفق اللفظ بودند که از کثرت مطالعه و دقت در مسائل حکمی به این مرض مبتلا شده است. سپس در سال ۱۲۱۵ هجری به ملا اعلی انتقال یافت. (۱)

۲-۶- ملا محمد علی کشمیری

وی کشمیری بوده است اما در دهلی زندگی می کرد. عالم برجسته و والائی بود. به مباحث جدلی با اهل تسنن خیلی مأنوس بود و همواره با آنان بحث و گفتگو می کرد.

در اواخر قرن هجدهم و اوائل قرن نوزدهم میلادی در هند برای شیعیان یک حادثه سخت بوجود آمد و آن این بود که یکی از علمای بزرگ هند که خیلی متعصب بود برای کم کردن اثرات تشیع در شبه قاره هند یک کتاب ضخیم بنام تحفه اثنا عشریه نوشت، او در آن کتاب از منابع شیعی اما ضعیف استفاده کرده بود. این کتاب علیه تشیع و شیعیان شبه قاره یک تهدید بزرگ به حساب می آمد چون مصنف آن عبدالعزیز دهلوی ادعا کرده بود شیعیان جرأت جواب این کتاب مستند و مدلل را نخواهند داشت. این کتاب بین عموم مردم هم جا پیدا کرده بود.

اما طولی نکشید ملا محمد علی کشمیری کتابی در ردّ و جواب آن با منابع خود

ص: ۳۱۹

اهل تسنن بنام «نزہت اثنا عشریہ» نوشت. (۱۱) و اثر تحفہ اثنی عشری را از بین برد.

تصنیفات ملا محمد علی کشمیری از قرار زیر است:

۱- نزہت اثنا عشریہ؛

۲- تاریخ العلماء؛

۳- منتخب کتوز العمال؛

۴- تنبیہ اهل الکمال و الانصاف علی اختلال رجال اهل الخلاف.

در آخر عمر توسط یکی از افراتیون سنی مسموم گردید و در اثر آن در سال ۱۲۳۶ هجری قمری برابر با ۱۸۲۰ میلادی از دنیا رفت.

۳-۶- ملا عبدالغنی بن ابوطالب کشمیری متوفی ۱۱۳۹ هجری

محمد

علی در نجوم السماء درباره او چنین می نویسد: ایشان از افاضل امجاد و صاحب طبع وقار و ذهن نقاد و اصحاب صلاح و سداد بوده و از ارشد تلامذہ ملا صالح مازندرانی شارح کافی کلینی است. از تصانیف ملاغنی مذکور که در این دیار مشهور

ص: ۳۲۰

(۱) محمد اکرم، رود کوثر، ص ۶۳۸.

کتاب جامع رضوی ترجمه فارسی شرائع الاسلام است. (۱)

۴-۶- ملا مراد کشمیری

مُلا مراد کشمیری از تلامذه شیخ حر عاملی بوده است عالم وارسته ای در زمان خود بوده است و تصانیف زیادی هم داشته است از جمله حاشیه بر من لایحضره الفقیه، شرح کتاب بدایة الهدایه موسوم به دلیل ساطع که به اشارت شیخ حر عاملی مصنف بدایه، تحریر نموده است. و آن شرحی است مسبوط.

شرح

مختصر دیگری نیز از بدایة موسوم به نور الساطع تحریر نموده است. (۲)

۵-۶- ملا محمد جعفر کشمیری

ایشان از فضلا و علمای بزرگ بوده اند و از شاگردان عالم ربانی میرزا محمد بن الحسن الشیروانی معروف به ملا میرزا بوده است و از شاگردان ملا جعفر موصوف میرزا ابراهیم قاضی اصفهان بود و از وی روایت حدیث داشته است. برخی از شاگردان او عبارتند از: امیر عبدالباقی بن امیر، محمد حسین بن محمد صالح حسینی خاتون آبادی و از او روایت داشته اند.

محمد علی در نجوم السماء درباره او چنین می نویسند: «مولانا محمد باقر بن

ص: ۳۲۱

۱- محمد علی کشمیری، نجوم السماء، ص ۲۴۶.

۲- همان.

هزار جریبی نجفی در اجازه خود که برای بحرالعلوم آقا سیدمهدی طباطبائی در سنه یکهزار و یک صد و نود و پنج ۱۱۹۵ هجری داشته می فرماید:

«قال شیخنا الفقیه الجلیل میرزا ابراهیم القاضی اقول واروی عن جماعه من مشیختی الذین صادفتهم او قرأت علیهم مؤلفاتهم، منهم الفاضل الجلیل المولی محمد جعفر کشمیری رحمه الله وقد قرأت علیه وهو من تلامذته العلامه الاجل الاوحد المولی میرزا محمد بن الحسن الشیروانی صاحب التالیفات الدقیقه و الحواشی الکبیره و مما قرأت علیه کتاب الشافی للسید الاجل المرتضی علم الهدی قدس سره» (۱)

خلاصه

گرچه شیعیان کشمیر - بجز زمان کوتاهی - همواره تحت تعقیب دولتمران محلی و مذهبیون افراطی بوده اند اما باز هم آنان در طول تاریخ کار های زیادی برای ترویج فرهنگ کشمیری و نیز مذهب خود انجام داده اند. فعالیت شیعیان بیشتر در زمینه های زیر انجام بوده است:

ساخت مساجد و حسینیه ها و اماکن، ساخت باغات و پارک های عمومی معروف ترین آستان های شیعیان مرقد میر شمس الدین عراقی در زدی بل، مرقد میر سید محمد همدانی و مرقد بابا خلیل الله می باشد.

از مساجد می توان مسجد پتھر، مسجد حسن آباد، مسجد بدگام و مسجد حاجی عید زدی بل را نام برد و از حسینیه ها نیز حسینیه زدی بل، حسینیه حسن آباد، حسینیه

ص: ۳۲۲

بدگام، حسینیه احمد پوره را نام برد. از باغات و پارک ها ویری ناگ، باغ نشاط، باغ علی مردان خان معروف ترین آنها است و باغ نشاط و باغ ویری ناگ هنوز نیز وجود دارند.

ص: ۳۲۳

شیعیان کشمیر در حال حاضر از تمام فرقه ها و ادیان موجود در کشمیر در همه زمینه ها عقب مانده هستند اما اگر تلاش کنند تا به وحدت و همدلی برسند طولی نخواهد کشید که تمام عقب ماندگی های خود را پشت سر گذاشته به قله های پیشرفت خواهند رسید.

اگر هم گروه های عمده بنا بر دلایلی نتوانند جمع شوند ولی باز هم علما و فضلاء بویژه طلاب کشمیری که در حوزه علمیه قم مشغول درس هستند اتحادی که با تشکیل مجمع اسلامی کشمیر بوجود آمده است را حفظ کنند که یقیناً گره بسیاری از مشکلات مادی و معنوی شیعیان باز خواهند شد و گرنه وضعیت روز به روز بدتر خواهد شد و نسل های آینده درباره آنان همان قضاوتی را خواهند کرد که ما درباره گذشتگان می کنیم.

نگارنده خیلی سعی و تلاش کرده است در این فصل مسائل پوشیده و نهفته را که اصلاً مورد توجه نیستند، نمایان کند تا فکری در حل آنان شود و برای اتحاد و وحدت از دوستان تقاضا دارم در این باره بیش از پیش تحقیق کنند.

ص: ۳۲۷

شیعیان کشمیر در هفت شهرستان دَرّه کشمیر به ترتیب ذیل زندگی می کنند:

استان سرینگر ۷۲ در صد

استان بدگام ۶۳ در صد

استان باره مولا ۳۳ در صد

استان اسلام آباد ۴/۱ در صد

استان پلوا مه ۶/۱ در صد

استان کپواره ۱۶/۰ درصد

استان لداخ ۸۵/۳ درصد^(۱)

در مجموع از ۱۲ تا ۱۵ درصد جمعیت کشمیر، شیعیان می باشند^(۲)، اما جمعیت کشمیر از هم پاشیده است و هیچ نوع انسجامی بین آنان وجود ندارد. این معضل اجتماعی باعث عقب ماندگی شیعیان کشمیر شده است. در اهل تسنن در حد و هایت این مشکل وجود داشته است. اما شیعیان کشمیر در حالی که همه شان شیعه امامیه هستند حداقل در چهار گروه متفرق هستند.

۱- گروه مصطفوی، حامیان آقای سید مصطفی متوفی ۱۴۲۳ هجری قمری برابر با ۲۰۰۲

ص: ۳۲۸

۱- گزارش از پروژه تحقیقاتی مؤسسه تنظیم المکاتب بمنه سرینگر.

۲- آمار رسمی شیعیان کشمیر در دسترس نمی باشد تمام آمار تخمینی و غیر رسمی می باشد.

م و الآن فرزندش آقای سید حسن الموسوی متولد ۱۳۷۸ هجری قمری، رئیس و رهبر این گروه هستند.

۲- گروه محمدی، حامیان آقای سید محمد فضل الله موسوی متولد ۱۳۶۸ هجری قمری هستند.

۳- گروه افتخاری، حامیان آقای مولوی افتخار حسین انصاری متولد ۱۳۶۵ هجری قمری برابر با ۱۹۴۴ م هستند.

۴- گروه عباسی حامیان آقای محمد عباس انصاری متولد ۱۳۵۶ برابر با ۱۹۳۸ م هستند.

دو گروه اول را فرقه جدید و دو گروه آخر را فرقه قدیم می گویند.

این فرقه بندی باعث شد شیعیان در علم، فرهنگ و سیاست منسجم نباشند و به آن جایگاهی که شایستگی آن را دارند نرسند. چون بخاطر گروه بندی، شیعیان یک خط مشی و برنامه نداشته اند که در نتیجه آن نه روزنامه، نه دانشگاه و نه چیز دیگری دارند که در ارتقاء فکری و فرهنگی و علمی آنها مؤثر باشد. تا مدتی قبل اگر یک روحانی، با یکی از این چهار گروه مرتبط و وابسته نمی بود نمی توانست در جامعه فعالیت دینی گسترده و مناسبی داشته باشد. الآن نیز هر کدام به نوبه خود کاری انجام می دهند ولی به خاطر جزئی بودن آن به نظر نمی آید و به صورت کلان هیچ کاری انجام نگرفته است. در اینجا مناسب است قبل از ورود به بحث نگاهی گذرا به تاریخچه گروه بندی شیعیان بیندازیم.

در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری برابر با نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، صنعت شال بافی و دیگر فنون دستی در کشمیر به اوج خود رسیده بود و تعدادی از شیعیان نیز کارخانه های شال بافی و غیره داشتند و تمام کارگران آنها نیز شیعیان بودند وضعیت اقتصادی و مالی عموم شیعیان خیلی وخیم بود چون آنان همه داروندار خودشان را در درگیری های مذهبی اهل تسنن در سال ۱۲۴۶ هجری قمری و بویژه ۹۰-۱۲۸۹ هجری قمری برابر با ۱۸۷۲ م از دست داده بودند(۱) و بخاطر تعصب مذهبی عموم اهل تسنن نیز به آنان کار نمی دادند و خود کارخانه داران و سرمایه داران شیعیان نیز از این وضعیت سوء استفاده می کردند

و مزد خیلی مختصر به آنان می دادند لذا بخاطر فقر، وضعیت علمی و دینی شیعیان نیز بحرانی بود، حتی آنان از فرائض مذهبی و دستورات آن اطلاع کافی نداشتند.(۲)

در همین ایام مبلغی بنام سید ابراهیم از ایران به کشمیر آمد، او وقتی وضعیت مذهبی شیعیان را اینگونه دید، برنامه نماز جماعت و سپس سخنرانی به راه انداخت. اما چون عموم کارگران در برنامه او شرکت می کردند این منجر به افت کاری کارخانه ها می شد لذا مالکان کارخانه های شیعیان، با نفوذی که در دربار حاکم کشمیر داشتند توانستند

ص: ۳۳۰

۱- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۰۳.

۲- همان.

سید ابراهیم را به اتهام تبلیغ علیه دین و تشیع، تبعید کنند. (۱)

سید ابراهیم با دل ناخواسته از کشمیر رفت در حالی که می گفت

شیعیان کشمیر حسین علیه السلام را (بخاطر عزاداری) می شناسند اما خدا را نمی شناسند. (۲)

بعد از مدتی آقای سید مهدی موسوی بعد از ۲۷ سال تحصیل در نجف اشرف در سال ۱۲۹۷ هجری قمری برابر با ۱۸۸۰ میلادی به کشمیر برگشت. (۳)

وی چون خودش از خانواده متوسط و معمولی شیعیان کشمیر بود لذا درد فقرا را درک می کرد. لذا علاوه بر دنبال کردن برنامه های دینی و تبلیغی سید ابراهیم سعی و تلاش برای بر طرف کردن مشکلات آنان می کرد.

در این زمان دیگر علمای شیعیان کشمیر، از خانواده معروف انصاری (۴) بودند آنان در خانه هایشان به مردم درس می دادند اما بخاطر نامساعد بودن وضعیت مالی شیعیان، فقط سرمایه داران می توانستند از درس شان استفاده کنند. درآمد طبقه عموم مردم آنقدر کم بود که آنان به ناچار از کودکان نیز کار می کشیدند تا زندگی شان بچرخد. (۵)

ص: ۳۳۱

۱- همان، ص ۲۰۳.

۲- همان، ص ۲۰۴.

۳- یدری، دکتر اکبر، مقدمه بهارستان شاهی، ص ۹۷.

۴- رئیس این خانواده ملا عالم انصاری بود که پیش از میرشمس الدین عراقی، با سید حسین قمی وارد کشمیر شد.

۵- همدانی، حکیم صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، ص ۲۰۴.

آقای سید مهدی موسوی که به درجه اجتهاد رسیده بود در حسینیه زدی بل نماز جماعت و سخنرانی اقامه می کرد، او با سعی و تلاش افکار و اذهان عموم مردم را منقلب ساخت. روزه روز جمعیت در نماز جماعتش و در سخنرانی اش بیشتر می شد که منجر به افت کاری صاحبان کارخانه ها می شد

بخاطر این، طبقه سرمایه داران شیعیان، از سید مهدی ناراضی شدند و دست به توطئه و سازش علیه او زدند و در نهایت تهمت جاسوسی از حکومت کشمیر برای حکومت عراق و حجاز نزد حاکم دوگره بنام مهاراجه رنبیر سینگ به او زدند^(۱) تا او را نیز همچون سید ابراهیم از کشمیر اخراج کنند. این ناراحتی و ناراضی سرمایه داران روزی به اوج خود رسید که یک فقیر و یک سرمایه دار هر دو یک روز سید مهدی موسوی را به خانه خود دعوت کردند، سید مهدی موسوی بجای خانه سرمایه دار به خانه آدم فقیر رفت که جلوتر از سرمایه دار دعوت به عمل آورده بود. سرمایه داران این را توهین به خود تلقی کردند و به حسینیه زدی بل رفته درگیری بین شیعیان راه انداختند و دیگر اجازه ندادند سید مهدی در حسینیه سخنرانی کند. علاوه بر آن سعی برای تبعید ایشان نیز کردند اما موفق نشدند^(۲) سرمایه دارن باز هم از مخالفت با سید مهدی دست نکشیدند و دست به تبلیغات وسیعی علیه وی در داخل و خارج از کشور زدند که در نتیجه علمای عراق

ص: ۳۳۲

۱- فوق، محمد الدین، تاریخ اقوام کشمیر، ج ۲، ص ۱۶.

۲- همان، ص ۲۰۶.

علیه سید مهدی مقالات، جزوات و امثال آن در عراق نوشتند. (۱) این درگیری طبقه مستضعف با سرمایه داران روز به روز طول کشید. طبقه سرمایه داران از خانواده انصاری حمایت می کردند درحالیکه مردم متوسط و فقیر از سید مهدی موسوی حمایت می کردند با گذشت زمان این ناهمدلی و نا اتفاقی به تدریج به دو خانواده موسوی و انصاری نیز کشیده شد و معمولاً برای بدست آوردن تولیت اوقاف شیعیان اعم از حسینیه ها و مساجد و مرقد های علمای بزرگ، بین طرفداران آن دو درگیری ایجاد می شد این درگیری و اختلاف بین شیعیان از طرف حکومت کشمیر تأیید می شد. و آنان بخاطر عدم قیام علیه دولت شان این درگیری و اختلاف را تشویق و تشدید می کردند تا این که روزی حاکم هندو، رؤسای هر دو گروه را جمع کرد و رسماً شیعیان را به دو گروه تقسیم کرد!!! چون جدّ خانواده انصاری زودتر از جدّ موسوی ها (سید مهدی) به کشمیر آمده بود آنان را فرقه قدیم و موسوی ها را فرقه جدید نام گذاری کرد. و نیز اوقاف شیعیان را هم بین دو رئیس تقسیم کرد. رؤسای دو گروه این تعهدنامه را امضاء کردند و الآن نیز در بایگانی دولت موجود است. (۲)

بعد از این قرار شد هر گروه فقط به مسجد، حسینیه، منبر و غیره خود برود. آنان نیز این تقسیم بندی را پذیرفتند و تا الآن هم همین رسم ادامه دارد که

ص: ۳۳۳

۱- همان.

۲- گزارش اجمالی در رابطه با اوضاع شیعیان کشمیر، ص ۱.

موسوی ها (بدگامی ها) نمی توانند بر منابر و در حسینیه های انصاری ها

بروند و همچنان انصاری ها نیز نمی توانند

بر منابر و حسینیه موسوی ها بروند. این گروه بندی به شیعیان ضربات سخت و جبران ناپذیری وارد کرده است.

از این دو گروه فرقه قدیم در سال ۱۳۷۶ هجری قمری برابر با ۱۹۵۶ میلادی به دو گروه بنام افتخاری و عباسی و فرقه جدید نیز در سال ۱۴۰۲ هجری قمری ۱۹۸۲ برابر با میلادی به دو گروه بنام مصطفوی و محمدی تقسیم شدند.

شیعیان کشمیر بخاطر فاصله ای که گروه بندی ها دارند بجای یک ملت چهار ملت به نظر می رسند و احساس می شود

که هیچ نقطه اشتراکی باهم ندارند در حالی که تمام شیعیان کشمیر شیعه دوازده امامی هستند. به برکت انقلاب اسلامی ایران این گروه بندی ها تا حدودی نسبتاً کاهش پیدا کرده است و شدت آن نیز در میان مردم از بین رفته است بخصوص نسل جوان و تحصیل کرده فهمیده اند که این تفرقه چقدر به ما ضربه زده است اما باز هم هنوز تا نتیجه مطلوب فاصله فراوان است.

تاکنون از طرف جمهوری اسلامی ایران و دیگر افراد دلسوز ملت کشمیر، ده ها بار سعی شده است که بین رؤسای گروه شیعیان آشتی دهند اما هر دفعه بعضی از آنان از اتحاد و یگانگی سرباز زدند.

منشی محمد اسحاق (۱) متوفی ۱۳۸۹ هجری قمری برابر با ۱۹۶۹ میلادی اولین نفر

ص: ۳۳۴

۱- وی در آخر وضعیت اجتماعی شیعیان در همین فصل بطور کامل معرفی گردیده است.

است که برای ایجاد وحدت و اتحاد بین شیعیان خیلی سعی و تلاش کرد، او که در دولت مسئولیت خوبی (مسئول اورژانسی شهرستان بدگام) داشت تلاش کرد بین رهبران آشتی دهد و رؤسای گروه را به حسینیه های یکدیگر ببرد اما موفق نشد. (۱)

در سال ۱۳۹۵ هجری قمری برابر ۱۹۷۵ میلادی نیز از طرف آیت الله گلپایگانی آقای شیخ حسین کرمانی به کشمیر آمدند. آقای حسین کرمانی نیز سعی کرد علما و دانشمندان شیعیان را متحد و همدل کند (۲) اما باز هم بعضی از افراد نگذاشتند سعی و تلاش آقای کرمانی به ثمر برسد و در نتیجه اتحاد پیدا نشد. یک سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک سفیر ویژه ای از طرف امام خمینی به کشمیر آمدند ایشان تمام علما را در مسجد حاجی عید شهر علمگری بازار جمع کرد و برای دوری از حزب بازی و گروه بندی، پیغام ویژه امام خمینی را برای تشویق وحدت، در جمع خواند و گفت که در دل امام یک محبت خاصی نسبت به کشمیر وجود دارد (۳) اما باز هم آنان جمع نشدند.

اما در سال ۱۴۱۱ هجری برابر با ۱۹۹۱ میلادی روحانیونی که حامی جنبش آزادی بخش کشمیر بودند نهضت اسلامی کشمیر را تشکیل دادند و در آن مجلس علمای کشمیر

ص: ۳۳۵

۱- لازم به ذکر است که حسینیه ها و دیگر تمام اوقاف شیعیان بین رؤسای گروه تقسیم شده اند و غیر از رئیس گروه، کس دیگری حق ورود به آن حسینیه و آن اوقاف ندارد.

۲- غروب آفتاب، ص ۲۴.

۳- همان ص ۲۵.

را نیز بنیان گذاشتند(۱) اما با از بین رفتن منافع بعضی از افراد، طولی نکشید هم مجلس علما و هم نهضت اسلامی کشمیر از بین رفت.

۲- پیامدهای انقلاب اسلامی ایران در کشمیر

اشاره

انقلاب اسلامی ایران در زمانی به پیروزی رسید که جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود و در کشورهای مختلف جهان تفکر کمونیستی، سوسیالیستی و لیبرالیستی رواج یافته بود و کشورهای جهان به ویژه کشورهای اسلامی مورد شیخون فرهنگی غرب قرار گرفته بودند و از اسلام جز نام، چیزی باقی نمانده بود. اسلام ناب انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه برای ایران در دیگر کشورها دست آوردهای فراوانی در سطح فرهنگ، دین، سیاست و اقتصاد به وجود آورد، با تفکر امام خمینی مبتنی بر صدور انقلاب به کل جهان اسلام نیز توانست در کشورهای مختلف جهان تحولات قابل توجهی را به وجود آورد، این تغییر و تحول ها در کشورها و منطقه هایی که زیر ظلم و ستم قرار گرفته بودند، واضح تر و بیشتر بوده است.

کشمیر که به «ایران صغیر» در جهان معروف است نیز از خصوصیت هایی برخوردار بود که انقلاب اسلامی می توانست تأثیرهای چشمگیری بر آن داشته باشد. این تأثیرهای انقلاب اسلامی ایران در کشمیر در زمینه های فرهنگی، عقیدتی و سیاسی

ص: ۳۳۶

مانند ورود اسلام، فرهنگ و هنر به وسیله مبلغان ایرانی مانند سید علی همدانی و میرشمس الدین وجود داشت.

۱-۲- تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جامعه کشمیر

۱-۱-۲- تأثیرات مذهبی

مسلمانان کشمیر به سوی تفکر سکولاریستی و ناسیونالیستی کشیده شده بودند اما با پیروزی انقلاب اسلامی دوباره به اسلام ناب پناه بردند و دینداری در احیاء مساجد، نماز جمعه و جماعت، تغییر و تحول در مراسم دینی و... تجلی پیدا کرد.

۲-۱-۲- تأثیرات فرهنگی

فرهنگ اسلامی دوباره زنده شد و حجاب، بیداری زنان و آموزش عمومی رواج پیدا کرد.

۳-۱-۲- تأثیرات سیاسی

چون مردم کشمیر با بیش از سه دهه مبارزه - تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران - نتیجه ای نگرفته بودند، نوعی ناامیدی به آنان دست داده بود اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران به نهضت آزادی جامو و کشمیر روح و جان تازه ای بخشید و مسلمانان کشمیر برای حل مسأله کشمیر به ایران چشم دوختند.

ص: ۳۳۷

گرچه آخرین درگیری مذهبی بین شیعیان و اهل تسنن در سال ۱۸۷۲ میلادی به وقوع پیوست اما با گذشت بیش از یک قرن اهل تسنن هنوز با شیعیان علی علیه السلام تعصب می ورزیدند و برخورد نامناسبی با شیعیان داشتند و چیزهای عجیب و غریبی را به شیعیان نسبت می دادند. گرچه این تعصب با فعالیت شبانه روزی آقایان سید حسین جلالی و منشی محمد اسحاق کاهش یافته بود اما هنوز برای شیعیان این امکان وجود نداشت که به طور علنی عقاید مذهبی خود را بیان کنند.

۲-۲-۲- احیای فکر اصیل اسلامی

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان کشمیر دچار تفرقه بودند. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت تغییر پیدا کرد و افراد آگاه فهمیدند که این عدم اتحاد شیعیان چقدر به آنها ضربه زده است بر این اساس سعی می کنند مردم را از خطرات آن آگاه کنند. شیعیان کشمیر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حتی یک نماز جمعه برگزار نمی کردند و کمتر جایی پیدا می شد که از نمازهای روزانه حتی فقط نماز مغرب و عشا را برگزار کنند اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی اقامه نماز جمعه و جماعت بیش از پیش در کشمیر رواج پیدا کرد و شیعیان در حال حاضر در بیش از ۳۰

شهر و روستا نماز جمعه برگزار می کنند و روز به روز وضعیت بهتر می شود. با پیروزی انقلاب اسلامی این تفکر غلط که تنها روحانیانی که لباس دارند می توانند نماز جمعه و جماعت اقامه کنند، از بین رفت.

۳-۲-۲- احیای تفکر دینی

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شیعیان کشمیر مایل نبودند تا فرزندان خود را به مدارس دینی بفرستند، بر این اساس تنها فرزندان و خویشاوندان رؤسای فرقه ها درس حوزوی می خواندند که تعدادشان از ده الی پانزده نفر تجاوز نمی کرد اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شیعیان به تحصیل علوم دینی و حوزوی خیلی علاقمند شدند و با افتخار فرزندانشان را به مدارس دینی می فرستند و اکنون علاوه بر طلاب دینی که در سه حوزه علمیه کشمیر درس می خوانند، بیش از ۵۵ نفر در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل علوم دینی هستند. انقلاب اسلامی سبب شد تا جامعه زنان شیعه مبلغینی از جنس خود یعنی از خواهران انتخاب کنند. از آغاز تشیع تا چند سال پیش آنان حتی یک عالمه دینی را ندیده بودند اما به برکت انقلاب اسلامی ایران دو حوزه علمیه خواهران در کشمیر به وجود آمد.

عدم اتحاد بین رؤسای چهار گروه چند عامل دارد. آن عوامل سبب می شوند که علماء و به تبع آنان عموم شیعیان متحد نشوند. (۱)

الف - توطئه دولت و حکومت، (۲) دولت چون می داند که اگر شیعیان جمع شوند می توانند بخاطر پی گیری حقوق از دست رفته، برای دولت دردسردست کند، لذا بهتر است بین علمای شیعه اختلاف باشد از اینرو بعضی از آنها را حمایت، در حالی که بعضی دیگر را مخالفت می کند. دولت می داند

شیعیان در کشمیر بیش از دیگر ملت ها، از امکانات اولیه نیز محروم اند. اتحاد علما که بیداری مردم را نیز به دنبال خواهد داشت می تواند تهدید بزرگی (برای بدست آوردن حقوق از دست رفته خود) برای دولت باشد، به همین دلیل دست به توطئه علیه علمای شیعه می زند و نمی گذارد بین آنها وحدت بوجود بیاید.

ص: ۳۴۰

۱- آنچه مسلم است اینکه اختلاف نظر بین افراد و اندیشمندان یک جامعه امری طبیعی است و صرف این مسئله نباید به عنوان تفرقه یا عدم اتحاد بحساب آورد. اما نباید این اختلاف نظرات منجر به جدایی و تفرقه بین مردم و خصوصاً بزرگان یک جامعه شود و آنان با توجه به اهمیت وحدت باید حول محور مشترک اسلام و شیعه جامعه را به سوی یکدلی و صمیمیت راهنمایی کرده و به پیشرفت برسند. (محقق)

۲- همان.

ب - ترس از بین رفتن امتیازات شخصی^(۱)، در این شکی نیست که عده ای از افراد نفع خود را در تفرقه شیعیان می جویند و طبعاً آنها با وحدت شیعیان موافق نبوده و مانع تراشی می کنند.

لذا اینان بخاطر مسائل مادی و دنیوی جمع نمی شوند

و اگر هم در نهضت اسلامی و در مجلس علمای کشمیر جمع شده بودند پای اسکناس ها وسط بود. و همین که مادیات و منافع در آن از بین رفت هم نهضت اسلامی و هم مجلس علما سقوط کرد.

۱-۳- عوامل تفرقه شیعیان کشمیر

اما اختلاف و تفرقه بین عموم شیعیان علاوه بر سه عامل گذشته عوامل دیگری نیز دارد:

الف - منافع شخصی بعضی از افراد.

ب - عدم درک از اهمیت اتحاد و وحدت و منافع آن.

ج - حزب بازی و گروه گرایی.

د - جهالت و بی سوادی.

ه - عدم احساس مسئولیت از طرف علماء و دانشمندان غیر وابسته.^(۲)

ص: ۳۴۱

۱- پرسش نامه از مسرور عباس انصاری، فارغ التحصیل از حوزه علمیه، قم ایران.

۲- بین آنها اگر نگوییم اختلاف است اما هیچ گونه هماهنگی و همفکری وجود ندارد. (در حالی که بعضی جاها اختلاف شدیدی نیز مشاهده شده است) بعضی از آنان؛ مثل رؤسای چهار گروه حزبی و گروهی برای خود تشکیل دادند.

خرافات یکی دیگر از علل مهمی است که جامعه شیعیان را عقب نگه داشته است (۱). خرافات بین بعضی از شیعیان رواج پیدا کرده است. و زندگی آنان را مختل کرده است آقای منشی حسن علی (۲) یکی از عوامل عقب ماندگی شیعیان را همین وجود خرافات بین شیعیان می دانند. خرافات سبب شده است شیعیان بجای احکام دین مبین اسلام به باورهای عرفی حساسیت نشان بدهند این خرافات بین شیعیان در تمام ابعاد زندگی دیده شده است حتی در کارهای معمولی روز مره زندگی، همه مردم به آنها حساسیت نشان می دهند.

۱-۴- عوامل گسترش برخی خرافات در بین شیعیان

وجود برخی خرافات در بین شیعیان هندوستان می تواند علت های متعددی داشته باشد.

ص: ۳۴۲

۱- البته خرافات کم و بیش در ملل دنیا و حتی در کشورهای پیشرفته نیز وجود دارد مثلا اعتقاد به نحس بودن بعضی از اعداد و یا اعتقاد به خوش یمن بودن بعضی از اشیاء یا ترس از بعضی از چیزهای افسانه ای و... (محقق)

۲- یکی از دانشمندان و پدر منشی محمد اسحاق است.

همزیستی با هندوها(۱))، چون در دوران مغول و افغان شیعه و هندو، هر دو تحت تعقیب حکومت افراطی اهل تسنن بودند لذا بخاطر دشمن مشترک شیعیان و هندوها همزیستی نزدیکی داشته اند از آنجا که آئین هندو پر از اعتقاد به نجوم و غیره است لذا این خرافات به شیعیان نیز سرایت کرده است. علاوه بر همزیستی چون افراد باسواد در کشمیر بیشتر هندوها بودند شیعیان برای هر کار اداری و غیره حتی برای نامه نوشتن و خواندن آن پیش هندوها می رفتند

لذا بخاطر تماس مستمر شیعیان با هندوها خرافات به شیعیان سرایت کرده است.(۲)) همینطور عدم آشنایی با دین، بی سوادی شیعیان، نبود مبلغان دینی، فقدان رهبری واحد، توطئه و سیاست کاری دولت، را می توان به عنوان عوامل گسترش خرافات شمارش کرد.

بخاطر وجود خرافات، عموم شیعیان در کشمیر خیلی علاقه مند به تعویذ نویسان و دعانویسان و یا به اصطلاح محلی پیر صاحبان هستند. عموم مردم برای یک کار عادی و روز مره حتی برای شیردهی گاو و گوسفند به آنان مراجعه می کنند.

در بعضی از روستای های شیعیان افرادی به تعویذ نویسی و دعانویسی مشغولند.

ص: ۳۴۳

۱- پرسش نامه، جو، مقبول حسین، مدیر حوزه علمیه جامعه امامیه، بمنه سرینگر؛ پرسش نامه، گلزار، غلام علی، محقق و نویسنده.

۲- همان.

شیعیان کشمیر همزیستی مسالمت آمیز با دیگر ادیان و مذاهب بویژه با اهل تسنن دارند و هیچ نوع اختلاف و درگیری با ادیان و مذاهب دیگر ندارند و مثل دو برادر در کنار هم زندگی می کنند. بعد از آخرین درگیری که در سال ۱۲۸۹ هجری قمری ۱۸۷۲ میلادی بین شیعیان و اهل تسنن اتفاق افتاده است دیگر گزارشی از درگیری بین شیعیان و اهل تسنن اعلام نشده است، اگر هم جایی اتفاق افتاده است آن درگیری محلی و سطحی بوده است که به مناطق دیگر سرایت نکرده است.

شیعیان کشمیر به تمام ادیان و مذاهب بویژه مذاهب چهارگانه اهل تسنن احترام قائلند و بالعکس آنان نیز به تشیع احترام قائلند.

در کشمیر شیعیان و اهل تسنن به راحتی در اجتماعات یکدیگر حتی در پشت سر یکدیگر شرکت کرده نماز می گذارند. بویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران فضا بطور کلی در کشمیر عوض شده است و در نتیجه آن شیعیان و اهل تسنن بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شده اند.

در کشمیر این شعار در زمان انقلاب خیلی معروف بود «ایران سی خبر آئی شیعه سنی بهائی بهائی» یعنی از ایران خبر رسید شیعه و سنی برادر یکدیگرند و عملاً نیز آن مشاهده شده است. زمانی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مسئولان جمهوری اسلامی ایران بویژه رهبر معظم انقلاب در سال (۱۴۰۰ هجری قمری) به کشمیر رفتند

بیشتر برنامه‌ها در مراکز اهل تسنن برگزار می‌گردید و در اجتماعات و برنامه‌ها اهل تسنن بیشتر از شیعیان شرکت می‌کردند. در کشمیر اهل تسنن نیز همچون شیعیان، جمهوری اسلامی ایران را دوست دارند و آنان منور شدن به نور اسلام خود را مدیون مبلغان ایرانی می‌دانند و یک وابستگی عجیبی به ایران اسلامی دارند. گرچه این وابستگی آنان به ایران اسلامی بخاطر:

الف - ادامه پیدا نکردن حمایت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از جنبش آزادی بخش کشمیر،

ب - روابط بیش از پیش جمهوری اسلامی ایران با هند،

ج - بویژه شرکت رئیس جمهوری سابق ایران جناب آقای سید محمد خاتمی در مراسم ۲۶ ژانویه روز جمهوری هند کمی کاهش پیدا کرده است (۱) اما باز هم دل‌های کشمیری‌ها مملو از محبت جمهوری اسلامی ایران است و جنبش آزادی بخش جامو و کشمیر نیز از انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته است. این علاقه و شوق کشمیری‌ها نسبت به جمهوری ایران را نشان می‌دهد.

خلاصه شیعیان کشمیر هیچ مشکلی با اهل تسنن ندارند. اما در چند سال اخیر وهابیت گسترش چشمگیری در کشمیر پیدا کرده است که آنان هر چند وقت با پخش نرم افزارها و وسائل دیگر از جمله مجلات و کتابهای ضد تشیع مخصوصاً در آستانه محرم

ص: ۳۴۵

۱- چون کشمیری‌ها هند را اشغالگر کشمیر، و عامل جنایت بیش از صد هزار نفر می‌دانند. لذا عموم مردم با هند نفرت می‌ورزند.

و صفر، دل های شیعیان را جریحه دار می کنند و خواهان برهم زدن همزیستی مسالمت آمیز آنان هستند.

آنان مدرسه های زیاد کوچک و بزرگ در شهرها و روستاها دائر کرده اند و در آن افکار ضد تشیع را ترویج می کنند. الآن آنان در کشمیر دو حوزه علمیه خیلی بزرگ بنام رحیمه واقع در باندی پور در شمال سرینگر و بلالیه واقع در باغوان پوره سرینگر دارند و اینها با تمام امکانات و تسهیلات مدرن مجهز هستند. آنان به طلبه ها طوری آموزش می دهند

که دیگر نیاز به کشور دیگر برای ادامه تحصیل نباشد. هر دو مشغول به ترویج افکار ضد تشیع هستند و چندی پیش دو کتاب علیه تشیع چاپ و نشر کرده اند.

گسترش وهابیت یک تهدید و چالش بزرگ برای شیعیان کشمیر است که باید شیعیان بویژه علما، دانشمندان و طلاب کشمیری مقیم حوزه علمیه قم برای مقابله و رد شبهات آنان از همین امروز آمادگی آن را داشته باشند و نیروهای خودشان را برای تحصیل تمام علوم تقسیم کنند. این وحدت و اتحاد شیعه و سنی که بوجود آمده بود حاصل زحمات آقایانی همچون سیدمهدی^(۱)، سیدحسین جلالی^(۲)، منشی محمد اسحاق^(۳)، و

ص: ۳۴۶

۱-) نسب ایشان با سیزده واسطه به میر شمس الدین عراقی می رسد. ایشان بعد از گذراندنِ دروس ابتدائی برای ادامه تحصیل و دروسِ عالی به عراق می رود و پس از گذراندنِ ۲۷ سال تحصیل علوم دینی و رسیدن به کمالات عالی معنوی و علمی، در حوزه علمیه نجف به میهن خویش مراجعت کرد. ایشان یک شخصیت علمی و عرفانی بودند و به عنوان «مجتهد اول کشمیر» شناخته شدند. او اولین برگزار کننده نماز جمعه و جماعت در کشمیر است.

۲-) وی یکی از دانشمندان شیعیان کشمیر بوده است و یکی از همزمان شیخ محمد عبدالله، رهبر محبوب اهل سنت، در قیام علیه حکومت دوگره بوده است. او علاوه بر فعالیت سیاسی فعالیت دینی و مذهبی زیادی انجام داد. او برای رواج کسب علوم دنیایی بین شیعیان در سال ۱۳۵۸ هجری قمری برابر با ۱۹۳۸م مدرسه اکادمی بنام امامیه پبلک هائی اسکول در سری نگر باز کرد و برای اتحاد مسلمین تلاش زیادی کرد؛ او برای گرفتن مجوز عزاداری از دولت بیش از دیگران سعی و تلاش کرد.

۳-) منشی محمد اسحاق متولد ۱۳۱۹هجری برابر با ۱۹۰۱ م است یکی از دانشمندان شیعیان کشمیر بوده است و علاوه بر منادی وحدت داخلی بین شیعیان، خواستار اتحاد مسلمانان جهان بود. او یکی از همزمان شیخ محمد عبدالله، رهبر محبوب اهل سنت، در قیام علیه حکومت دوگره بوده است و زمانی که در سال ۱۹۴۷-۴۸ مسؤلیت اورژانسی شهرستان بدگام بود کارهای زیادی برای شیعیان منطقه انجام داد. و طبق گزارش ۳۶ مدرسه کوچک و بزرگ در آنجا دائر نمود. او اختلاف زیادی با رؤسای فرقه های قدیم و جدید بر سر اوقاف از جمله اماکن مذهبی داشت. دغدغه اصلی او آزاد سازی اوقاف شیعیان، از دو خانواده مذکور برای بهبودی اوضاع شیعیان بود. او در سال ۱۹۴۹ برای بهبودی وضعیت شیعیان انجمنی بنام شیعه فیدریشن تشکیل داد، و در سال ۱۳۸۹ هجری ق برابر با ۱۹۶۹م از دنیا رفت.

۱- (وی در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۹۳۶ م به دنیا آمد. ۷ سال در حوزه علمیه نجف درس خوانده است. در همان ابتدا به خاطر فن خطابت خیلی معروف گشت. در سال ۱۹۵۶ میلادی بین فرقه قدیم در باره جانشین مولوی جواد رئیس فرقه قدیم اختلاف افتاد که در نتیجه وی رئیس شاخه عباسی شد. در سال ۱۹۶۳ م در هنگام سرقت موی مبارک پیامبر اعظم از سوی دولت او در افق سیاست کشمیر ظهور کرد. سپس در سال ۱۹۶۳ م حزبی بنام اتحاد المسلمین تأسیس کرد. او چندین سال را؛ بخاطر مبارزه با اشغال هند بر کشمیر در زندان گذراند. و الان یکی از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی کشمیر است. وی علاوه بر ده ها مقاله چندین جلد کتاب؛ نوشته است.

۲- (غلام علی گلزار یکی از دانشمندان کشمیر است و یکی از پرتحرک ترین نویسندگان شیعیان کشمیر است، ایشان اولین کسی است که در شبه قاره هند بعد از فتوای تحریم قمه زنی از طرف رهبر انقلاب اسلامی ایران به جهت فهماندن منزلت و منصب ولی فقیه یک کتاب بسیار ارزنده و مهم بعنوان ولی امر و ولایت فقیه را به زبان اردو نوشت، ایشان علاوه بر آن؛ ده ها کتاب کوچک و بزرگ و بیش از پنجاه جزوه و پوستر نوشت. وی حامی سرسخت امام و انقلاب اسلامی بوده و هست. لذا سهم زیادی در فراهم نمودن زمینه های تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر دارد. علاوه بر آن وی مسؤلیت سرپرستی برنامه های استقبال از هیأت های سیاسی و فرهنگی ایرانی که به کشمیر سفر می کردند را بر عهده داشت.

اتحاد و وحدت مسلمین بوده اند.

۲-۵- تعامل شیعیان با دیگر ادیان و مذاهب

همان گونه که در فصل اول گفته شد در کشمیر ۹۴ درصد مسلمان هستند. (۱) لذا

ص: ۳۴۸

۱- سید ناصری، حمید رضا، کشمیر گذشته حال آینده، ص ۲۴.

خیلی کم جاهایی پیدا می شوند که هندوها (پندت ها)، سیک ها یا پیروان ادیان دیگر در همسایگی شیعیان زندگی کنند. اما در هر جایی که هستند شیعیان برای آنان احترام قائل اند و با قطع نظر از دین و مذهب شان مثل برادر با آنان برخورد می کنند. آنان نیز با شیعیان برخورد خوب و بسیار مناسب می کنند. از زمانی که تشیع به کشمیر وارد شد تا کنون هیچ گزارشی از درگیری بین شیعیان و هندوها، سیک ها یا پیروان ادیان دیگر در کتاب های تاریخ نیامده است. برعکس هندوها بعضی از اوقات برای جلوگیری از حملات اهل تسنن جبهه واحد با شیعیان تشکیل داده بودند.

اکنون حساسیتی که گه گاهی بین شیعیان و اهل تسنن یافت می شود اما با هندوها هیچ نوع حساسیتی دیده نمی شود. از لحاظ اجتماعی آنان روابط دوستانه تر از اهل تسنن با شیعیان دارند. علت آن می تواند در اقلیت بودن هر دو شیعیان و هندوها (پاندتها) در کشمیر باشد.

۳-۵- نیازمندی های اجتماعی شیعیان

۱- مساعده و کمک برای ازدواج دختران شهداء کشمیر و محرومین

۲- ساخت یتیم خانه برای ایتام بویژه برای ایتام شهدای کشمیر.

۶- وضعیت اقتصادی شیعیان کشمیر

اشاره

وضعیت اقتصادی کشمیر در دوران بعد از اشغال توسط هند در سال ۱۹۴۷ میلادی

ص: ۳۴۹

رو بزوال می باشد و در حالی که منطقه کشمیر از نظر آبی سرشار است و این منطقه را می توان با وسائل مدرن و پیشرفت هایی که در زمینه دامداری و کشاورزی وجود آمده به سر حد خود کفائی رساند. اما هند برای این که سلطه خود را محکم کند در این زمینه هیچ تلاشی نکرده است.

از میان تمام فرقه ها و مذاهب شیعیان کشمیر بیشتر از همه متأثر شده و وضعیت مالی و اقتصادی آنها بدتر شده است. هم اکنون ۲۵ درصد شیعیان زیر خط فقر زندگی می کنند(۱) و کمترین امکانات و وسائل برای بهبود و بالا بردن این وضعیت دارند. بیشتر پیروان اهل بیت علیهم السلام در کشمیر در گذشته به صنایع دستی و کشاورزی وابسته بودند ولی نسل کنونی به این صنایع علاقه ای

ندارند و لذا از این کارهای هنری و سنتی بی بهره ماندند و در نتیجه این منبع قوی اقتصادی به دست دیگران رسید که لطمه سنگینی به اقتصاد شیعیان کشمیر وارد نموده است.

۱-۶- امکانات موجود

شیعیان کشمیر برای بالا بردن وضعیت اقتصادی، فرهنگی و آموزشی خود بانبود یا کمبود امکانات مواجه اند. اگر هم امکانات کمی فراهم می شود

بخاطر عدم برنامه ریزی و نبود کمک سازمان های دولتی و غیر دولتی نمی توانند از این امکانات

ص: ۳۵۰

۱- گزارش اجمالی از شیعیان اهل بیت، اتحاد المسلمین جامو و کشمیر، ص ۶.

درست استفاده نمایند.

دولت ایالتی نیز در این زمینه با شیعیان تبعیض رواداشته و آنها را از صحنه اقتصادی و دولتی کنار زده است شیعیانی که در دولت ایالتی مسئولیت یا پستی دارند نیز کمتر در جهت بهبود وضعیت عموم شیعیان قدم برمی دارند. اوقاف و وجوهات شرعیه که می توانست در این زمینه کمک کند و با مصرف صحیح آن مشکلات اقتصادی، فرهنگی و آموزشی را تا حد زیادی از شیعیان کم کند اما همان طور که قبل از این نیز به آن اشاره شد اوقاف شیعیان در دست چند حزب و گروه مخصوص تقسیم شده اند.

با بدتر شدن وضعیت اقتصادی، و کمبود امکانات و عدم ثبات سیاسی و امنیتی، سطح زندگی شیعیان کشمیر در حد پائین و در بعضی از مناطق تا حد متوسط می باشد.

۲-۶- وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال در میان شیعیان کشمیر بدتر از همه فرق و مذاهب دیگر می باشد

حتی ادیان دیگر مانند سیک و بودائی که خیلی کمتر از شیعیان هستند، از وضعیت اشتغال بهتری برخوردارند. بویژه در اداره های

دولتی مرکزی و ایالتی اشتغال شیعیان بیشتر از ۲ درصد نیست. در حالی که آنها ۱۵ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. حتی در سطح بالا در اداره های دولت مرکزی یعنی (۲) IPS - (۱) IAS)) یک نفر از شیعیان نیست و در سطح بالا و

ص: ۳۵۱

INDIAN ADMINISTRATIVE SERVICE (۱-)

INDIAN POLICE SERVICE (۲-)

متوسط در اداره های ایالتی یعنی (۱) K.P.S و (۲) K.A.S و civil sectrait بیشتر از ۱۰ نفر از شیعیان وجود ندارند. (۳)

بخاطر فقر، کارکشی از کودکان پسر و دختر بین شیعیان معمول و معروف است. در ۷ شهرستان کشمیر کارکشی از کودکان به ترتیب زیر بوده است.

درباره وضعیت اشتغال شیعیان کشمیر تا حالا بطور رسمی تحقیقی صورت نگرفته است تا آمار دقیقی بدست بیاید.

اما بطور غیر رسمی تحقیقاتی که به عمل آمده است وضعیت اشتغال شیعیان در زمینه های مختلف به شرح ذیل است:

از صنایع دستی: ۲۰ در صد الی ۳۰ درصد

کشاورزی: ۵۰ در صد الی ۶۰ درصد

تجارت و آزاد: ۱۰ در صد الی ۱۵ درصد

اداره های دولتی: ۱ در صد الی ۲ درصد

بیکار: ۲۰ در صد الی ۲۵ درصد (۴)

ص: ۳۵۲

(-۱) KASHMIR POLICE SERVICE

(-۲) KASHMIR ADMINISTRATIVE SERVICE

(-۳) گزارش اجمالی از شیعیان اهل بیت، اتحاد المسلمین جامعه کشمیر، ص ۸.

(-۴) پرسش نامه، انصاری، مسرور عباس، فارغ التحصیل، حوزه علمیه قم؛ گزارش اجمالی از شیعیان اهل بیت، اتحاد المسلمین جامو و کشمیر، ص ۹.

۳-۶- عوامل عقب ماندگی اقتصادی شیعیان

۱- بی سوادی؛

۲- دیدگاه تبعیضی دولت؛

۳- نبود کار؛

۴- عدم آشنایی و نبود برنامه ریزی برای سرمایه گذاری.

اما علت اصلی عقب ماندگی اقتصادی شیعیان، بی سوادی آنان است که عوامل دیگر از آن نشأت گرفته اند. چون وقتی آنان درس نخوانده اند دیگر نمی توانند

مقام و پست بالائی در دولت داشته باشند لذا به شغل های معمولی و کارگری ساده روی آورده اند. سود آن کارها نیز بجای این ها، به جیب کارخانه دار و سرمایه دار می رود.

۴-۶- راه های اشتغال زائی

شیعیان کشمیر در گذشته بیشتر با صنایع دستی از جمله فرش بافی، شال بافی، نمد بافی، پپیر ماشی (۱) و کارهای چوبی وابسته بودند و می توان با وام های

بلند و

ص: ۳۵۳

۱- پپیر ماشی papermashie یک نوع نقاشی است که مواد آن از کاغذ های باطله درست شده به شکل های مختلف ریخته می شود و بعد از سائیدن با رنگ های گوناگون با قلم مو طرح های متنوع بروی آن نقاشی می شود. سپس برای چیزهای مختلف از قبیل: گلدان ها، شمعدان ها، جعبه های کوچک و بزرگ از آنها استفاده می شود.

کوتاه مدت آنها را به همین کارهای هنری تشویق نمود تا با همین کارهای سنتی، وضعیت اشتغال بهبود یابد. این کارهای هنری و سنتی هم اکنون رو بزوال است در حالی که زمانی ویژه شیعیان بوده است. هم چنین می توان با سرمایه گذاری در کارخانه های کوچک تولیدی و صنعتی آنها را فعال کرد یا از نوره اندازی کرد و برای جوانان تحصیل کرده و افراد مستحق و کارمند مواقع و امکانات اشتغال فراهم نمود.

۵-۶- راه های فقر زدائی و بالا بردن سطح معیشتی مردم

الف- تعداد زیادی از خانواده های شیعیان از طریق قالی بافی امرار معاش می کنند اما سودی که عائدشان می شود فقط ضروریات اولیه آنان را تأمین می کند و نمی توانند

سطح زندگی را بالا ببرند(۱) اما سود اصلی را کسانی می برند که وسائل لازم را به این مردم فقیر می دهند و در عوض فرش را، خیلی ارزان از آنها تحویل می گیرند.

با چنین وضعیتی بعضی از کارگران تا آخر عمر از آن قرض بیرون نمی آیند.

ص: ۳۵۴

۱- این قشر از صبح ساعت ۸ به کار قالی بافی می روند و تا ۶ بعد از ظهر یکسره کار می کنند. مزدی که یک نفر در این مدت می برد ۵۰ الی ۶۰ روپیه معادل هزار الی هزار و دویست تومان است.

یکی از کارهای مهم در راستای بهبود وضع معیشتی شیعیان کشمیر، آزاد ساختن این صنعت از دست این سودجویان است. طوری که سود اصلی به مردم زحمت کش برسد برای این لازم است یک سازمان اسلامی و سائل لازم را به این مردم مستضعف بدون سود یا کم سود بدهد و سپس آن را بصورت قسطی از آنها بگیرد.

ب - استفاده از امکانات دولتی و بانکی، در کشمیر بانک ها به افراد بی کار وام های مختلف می دهد که اگر بصورت سامانی و سیستماتیک با این امکانات برخوردار شود می توان برای جوانان بیکار از آنها استفاده کرد. (۱)

ج - استفاده از آزمون ها، در کشمیر هر ساله یکسری آزمون هایی از طرف مراکز آموزش دولتی برگزار می شوند، هم در سطح کشمیر و هم در سطح سراسر کشور، از طریق این آزمون مدیران ارشد گزینش می شوند. هر دانشجویی که دارای مدرک لیسانس باشد می تواند در این آزمون شرکت کند. در این آزمون ۴۰ درصد سوالات از اطلاعات عمومی می باشد و ما بقی درباره رشته ای که داوطلب شرکت کرده می باشد.

کارشناسانی که در این زمینه کار کردند اگر یک سازمان عهده دار شود که هر ساله برای دارندگان مدرک لیسانس کلاس های تقویتی و آماده سازی و به اصطلاح کارگاه آموزشی برگزار کند و از اساتید مجرب استفاده کند و برای این داوطلبان شبانه روز در این کارگاه تمامی امکانات لازم اعم از غذا،

ص: ۳۵۵

۱-) مثلاً اگر تعدادی از جوانان دارای مدرک لیسانس بصورت گروهی، یک پروژه به بانک ارائه دهند در زمینه گاوداری، دامداری، کاشت سبزی، کارخانه کوچک و غیره بانک به اینها وام می دهد از این وام ۳۰ الی ۴۰٪ یارانه (سوبسید) حساب می شود و مابقی هم با سود کمی به بانک پرداخت می شود.

خوابگاه و اساتید رایگان فراهم باشد اگر ما فرض کنیم این کارگاه برای ۳۰ نفر دایر شود و از این ۳۰ نفر فقط ۲ نفر بتوانند قبول شوند همین یک گام بزرگ و بسیار مهم خواهد بود چون قبول شدن این دو نفر معنایش این است که دو پست مهم دولتی را شیعیان بدست گرفتند و درسیستم دولتی نفوذ پیدا کردند و این دو نفر می توانند بتدریج برای صدها نفرشغل فراهم کنند این آزمون یک فرصت طلائی است و کسانی که خواهان بهبود بخشیدن وضع معیشتی شیعیان هستند نباید از این فرصت غفلت کنند. اگر یک سازمان یا مؤسسه ای فقط همین هدف را دنبال کند این بسی ارزشمند است چون نتایج این کار در دراز مدت ظاهر می شود.

د - تشویق سواد آموزی، برای بهبود وضع اقتصادی شیعیان لازم است آنان را به سوادآموزی تشویق کنیم و فرهنگ سواد آموزی میان شان رایج و معمول شود.

ه - باید یک سازمان عهده دار برگزاری کلاس های عمومی کوتاه مدت در مناطق شیعیان باشد تا آموزش صحیح و درست شغل و تجارت به آنان را یاد دهد چون خیلی دیده شده است مردم پول دارند اما راه های سرمایه گذاری را نمی دانند.

و - تأسیس صندوق قرض الحسنه جهت پیدا کردن شغل.

۶-۶- نیازهای اقتصادی شیعیان کشمیر

۱- تشویق و کمک مالی برای دایر نمودن مراکز برای آموزش هنرهای دستی و سنتی و تولید این صنایع که در گذشته ویژه شیعیان بود و هم کنون از بین رفته اند.

۲- وام به جوانان و افراد تحصیل کرده برای راه اندازی کارخانه های کوچک

۳- کمک مالی به کارگران، هنرمندان، کشاورزان و تاجران.

۴- راه اندازی بانک قرض الحسنه. (۱)

۷- وضعیت آموزشی شیعیان کشمیر

اشاره

از قرن یازدهم هجری بویژه بعد از ۱۹۴۷ میلادی سعی شده است مسلمانان کشمیر از آموزش در سطح متوسط و بالا محروم بمانند و لذا وضعیت آموزش مسلمانان در کشمیر بدتر شده است در این میان شیعیان کمترین آمار در سوادآموزی دارند. درصد سوادآموزی در ایالت جامو و کشمیر ۴۰ تا ۴۵ درصد می باشد در حالی که در میان شیعیان فقط ۱۵ درصد جمعیت باسواد است. (۲) وضعیت سوادآموزی در میان زنان بدتر

ص: ۳۵۷

۱- (هم چنان که قبلاً بیان شد دولت مردان سنی نسبت به شیعیان تعصب می ورزند و به مشکل شغل های دولتی به آنها می دهند اما با این حال هم یک فرد دارای مدرک بالا می تواند با خرج پول شغل دولتی بدست بیاورد. مدیران سازمان ها افراد و واسطه هایی دارند که از طریق آنها شغل ها را به اصطلاح می فروشند افراد و جوانان شیعی که تحصیلات بالا دارند اما بخاطر فقر و عدم توان مالی نمی توانند از این فرصت استفاده کنند اگر به این افراد کمک شود اینها می توانند در مراکز دولتی شغل پیدا کنند. همانطور که سازمانهای وهابی و مسیحی اینگونه تسهیلات را به افراد خودشان می دهند و افراد خودشان را در دولت نفوذ می دهند.

۲- گزارش اجمالی وضعیت پیروان اهل بیت علیهم السلام جامو و کشمیر، طرف اتحاد المسلمین جامو و کشمیر. و مؤسسه الایمان مبنی. اما در گزارش گلزار، غلام علی، محقق و نویسنده برجسته کشمیر، میزان سواد شیعیان ۶٪ اعلام شده است.

از همه است و فقط ۸ تا ۱۰ درصد تخمین زده شده است (۱۱) و حتی در بعضی از مناطق شیعه نشین زیر ۵ درصد زنان با سواد هستند. در سال های اخیر بخاطر جنگ مسلحانه مسلمانان با ارتش هند، مدارس و مؤسسات آموزشی آسیب های جدی دیدند و اکثر مدارس دولتی به آتش کشیده شده و باقی مانده به پایگاه های نظامی ارتش تبدیل شده است و بدین طریق خیلی از مدارس دولتی در کشمیر کاملاً تعطیل شدند. مدارس غیر انتفاعی نیز بخاطر هزینه های زیاد قابل دسترس عموم شیعیان نیستند. در روستاهای شیعه نشین فقر و بی سوادی زیاد شد و مردم بچه ها و کودکان خود را بجای فرستادن به مکتب ها و مدارس، به کارهای مختلف گماشتند. در چنین وضعیتی لازم بود که مسأله آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان شیعه در اولویت قرار بگیرد اما شیعیان آنقدر در فرقه پرستی غرق شده اند که هیچ توجهی به آن نمی کنند. گرچه شیعیان دو سه تا مؤسسات آموزشی و فرهنگی دارند اما بعضی از آنها از نظم و انضباط و قوانین لازم برخوردار نیست و هیچ نظارتی بر فعالیت آنها غیر از افراد مربوط به خود نیست.

۱-۷- مؤسسات آموزشی شیعیان کشمیر

شیعیان کشمیر با آن که جمعیت شان بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر

ص: ۳۵۸

(۱- همان، ص ۱۰.

می باشد اما فقط سه تا مؤسسه علمی آموزشی آکادمی دارند دو تای آنها توسط رؤسای دو گروه از گروه های چهار گانه مذکور اداره می شود. و آنها در مجموع برای شیعیان خوب و مفید باشد، و تنها یک مؤسسه وجود دارد که مستقل و بطور آزاد فعالیت خوبی انجام می دهد.

۱- باب العلم؛(۱)

۲- کمیته امداد العباس؛(۲)

۳- مؤسسه ایجوکیشنل ترست(۳).

باب العلم در واقع یک حوزه علمیه شیعیان کشمیر است که در سال ۱۳۷۰ هجری توسط آقای سید یوسف موسوی بنا شده است و تحت سرپرستی انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر اداره می شود(۴) اما بعد از سال ۱۴۱۰ این انجمن تقسیم به تأسیس مدارس آکادمی گرفت و چند مدارس از دبستان تا راهنمایی در روستاهای مختلف تأسیس کرد. مرکز اصلی آن در شهرستان بدگام است.

ایجوکیشنل ترست کشمیر(۵)، این مؤسسه در سال ۱۳۸۹ هجری قمری برابر با ۱۹۶۹

ص: ۳۵۹

۱- BABUL ELEM BUDGAM

۲- AL ABBAS TRUST

۳- EDUCATINAL TRUST

۴- انجمن شرعی شیعیان را، رئیس فرقه جدید بنام آقا سید یوسف بنا کرده بود.

۵- EDUCATINAL TRUST

میلادی، برای بهبود وضعیت آموزشی شیعیان بنا شده است. این مؤسسه خدمات زیادی به شیعیان کرده است و تا به حال صدها دانشجوی فعال به جامعه تشیع کشمیر تحویل داده است. این اداره به صورت آزاد و مستقل از گروه های چهارگانه شیعیان فعالیت خودش را ادامه می دهد. در مدارس این مؤسسه فرزندان حامیان هر چهار گروه، بدون امتیاز درس می خوانند برخلاف دو مؤسسات دیگر که اغلب دانش آموزان آن مدارس کودکان همان گروه هستند. چون رئیس فرقه معمولاً در جایی مدرسه تأسیس می کند که طرفدارانش در آنجا باشند. مدارس این مؤسسه از طرف دولت تأیید شده هستند. و از لحاظ نظم و انضباط نیز نسبتاً بهتر است. برای رفع سوء تفاهم مالی که گاهی دفتر چه حساب مالی خود را نیز منتشر می کنند. نحوه اداره این مؤسسه بصورت شورائی است. (۱) این اداره اکنون، ۱۸ مدرسه (۲) در کشمیر دارد که بیش از دو هزار دانش آموز در آن درس می خوانند.

کمیته امداد العباس (۳)، این مؤسسه توسط رئیس یکی از گروه های

مذکور بنام مولوی محمد عباس انصاری رهبر فرقه قدیم شاخه عباسی تأسیس شده است. این اداره علاوه بر کارهای فرهنگی کارهای علمی آموزشی هم می کند.

این مؤسسه در منطقه پتن و حوالی سرینگر ده ها

مدارسه بنام مدارس عمومی مدینه (۴) دائر نموده است که حدوداً

ص: ۳۶۰

۱- گزارش اجمالی در رابطه با اوضاع شیعیان کشمیر، ص ۷.

۲- پرسشنامه، گلزار، غلام علی محقق و نویسنده حسن آباد سرینگر.

۳- AL ABBAS TRUST

۴- MADINA PUBLIC SCHOOLS

۲۰۰۰ دانش آموز در این مدارس آموزش می بینند.

علاوه بر مدارس مذکور در بعضی از مناطق شیعه نشین، مدارس غیر انتفاعی دیگری نیز توسط بعضی از شیعیان اداره می شوند اما تعداد آنها زیاد نیست. فعالیت آنان نیز مستقل و آزاد از گروه های چهار گانه مذکور می باشد.

۲-۷- علل و عوامل عدم توسعه علمی شیعیان کشمیر

اشاره

انحطاط و عقب ماندگی شیعیان علل و عوامل متعددی دارد از جمله:

۱-۲-۷- تلاش های دولت و حکومت

از آنجا که کشمیری ها بخصوص شیعیان همواره حاکمان خارجی را اشغالگر کشمیر تلقی می کردند و همواره سعی و تلاش برای آزادی وطن و میهن خودشان می کردند از اینرو دولت همواره سعی می کرد مسلمانان از جمله شیعیان را در جهل نگه دارد تا آنان حکومت را تقدیر و سرنوشت خود از طرف خدا بدانند و دست به شورش علیه آنان نزنند. (۱)

ص: ۳۶۱

۱- (عده ای مخالفت بعضی از علمای آگاه در گذشته را برای تحصیل در مدارس دولتی و آکادمی در کشورهایی که حکومت غیر اسلامی دارند را مخالفت با علم آموزی دانسته اند و آنرا یکی از عوامل عدم توسعه به حساب آورده اند، در حالی که این مسئله توجه عمیق آنها به روش استعمارگران بوده است که با توسعه مدارس دولتی و ترویج فرهنگ و زبان غیر اسلامی راهی برای نفوذ آنها در جوامع ایجاد کرده و با حیلہ آموختن علوم روز در صدد از بین بردن فرهنگ محلی و اسلامی و استیلای فرهنگ غربی بوده اند. به طوری که در حال حاضر در کشورهایی مانند هند و پاکستان و حتی کشمیر، زبان رسمی آنها انگلیسی شده و زبان محلی آنها کم کم تحت الشعاع فرهنگ و زبان انگلیسی واقع شده است و در نتیجه کتاب های اصیل آنها که به زبانهای عربی و فارسی نوشته شده برای نسل جدید آنها بی استفاده مانده است. (محقق)

این نیز یکی از عوامل عقب ماندگی شیعیان کشمیر است. شیعیان، چون از قرن ها از دولت و ادارات دور نگهداشته شده بودند و از آن طرف در درگیری های مختلف همه سرمایه های خود را از دست داده بودند، لذا وضع مالی شان اجازه تحصیل کودکان را نمی داد.

۳-۲-۷- عدم فرهنگ دانش آموزی شیعیان

اگر فرهنگ دانش آموزی حاکم باشد والدین به هر نحو ممکن، حتی با قرض کردن، کودکان خود را به مدرسه می فرستند. ولی اگر فرهنگ سواد آموزی نباشد فقرا که هیچ پولدارن نیز کودکان را به مدرسه نمی فرستند.

لذا خیلی دیده شده و اکنون نیز در اکثر مناطق دیده می شود

که مردم فقیر نیستند، اما بخاطر نبودن فرهنگ دانش آموزی بچه ها را به مدرسه نمی فرستند.

۴-۲-۷- خود کم بینی شیعیان

احساس شیعیان نیز یکی از عوامل عقب ماندگی شیعیان کشمیر است. شیعیان احساس می کنند فقط دیگران می توانند دکتر، پروفیسور، مهندس، مدیر عامل و امثال آن باشند، ما کجا و این کارها کجا؟ امروز یا فردا بالاخره ما باید تن به همین کارها بدهیم لذا چه بهتر از همین امروز شروع کنیم.

۵-۲-۷- نبود مدارس و امکانات درس

۳۰-۴۰ سال پیش خیلی از مناطق شیعه نشین امکان دسترسی به مدارس را نداشتند.

۶-۲-۷- گروه بندی و فرقه پرستی

این هم می تواند علتی برای عقب ماندگی شیعیان باشد، چون شیعیان اگر با هم متحد و همدل می بودند و درد خود را احساس می کردند، به دنبال درمان آن می رفتند. اما گروه بندی آنها را به خود مشغول کرده است و امکانات و استعدادها و نیروهای آنها صرف رقابت های گروهی می شود.

۷-۲-۷- اختلاف مذهبی با اهل تسنن و نبودن امنیت

بخاطر درگیری های مذهبی، شیعیان و اهل تسنن هر دو تعصب خاصی نسبت به یکدیگر داشتند. حتی اهل تسنن در کشمیر شایع کرده بودند که شیعیان آدم خوار

ص: ۳۶۳

هستند و یا خونِ آدمِ ها را می‌مکند. (۱۱) لذا شیعیان در مدارسی که تحت سلطه اهل تسنن بودند و حدوداً ۹۰ درصد دانش آموزان از آنها در آن بودند، احساس عدم امنیت می‌کردند. لذا بخاطر پائین بودن سطح سواد آموزی در میان شیعیان کشمیر و عدم وجود امکانات فرهنگی و اقتصادی سطح معلومات عمومی در میان شیعیان نیز تا حدی پائین می‌باشد.

۳-۷- راهکارها برای فرهنگ سازی علمی و آموزشی شیعیان کشمیر

۱- برای حل مسئله بی سوادی باید مدارس با محوریت تربیت اسلامی در مناطق شیعه نشین بویژه در جاهائی که شیعیان بی سواد زیادی دارند تشکیل شوند. این مدارس باید این ویژگی ها را داشته باشند:

الف - کادر آموزشی مجرب و متعهد اعم از معلمین، مدیران و کارمندان داشته باشند، تا بتواند بر اساس انگیزه دینی و معنوی به خدمت پردازند، که در این صورت ممکن است بی سوادی را ریشه کن کرد.

ب - در این مدارس باید به مسئله تربیت اسلامی اهمیت داده. شود چون یکی از دغدغه های والدین علاوه بر آموزش مسئله تربیت دینی می باشد چون در حال حاضر بد

ص: ۳۶۴

۱- (گفتن این مطالب از ناحیه آنها با توجه به سابقه تهاجمی و خونریزی و چپاول تاریخی آنها به شیعیان بسیار تعجب آور است. (محقق).

آموزه‌هایی که دانش آموز از طریق مدارس دانش آموز کسب می‌کند برای والدین نگران کننده است.

ج- این مدارس باید برای بالا بردن سطح آموزشی از وسایل آموزشی مدرن استفاده کنند تا والدین و دانش آموزان به مدارس دیگر که استاندارد آنها، به روز و مدرن تر است جلب نشوند (مانند مدارس که سازمان های مسیحیت راه اندازی می کنند).

د- در این مدارس باید پیشرفت های تحصیلی دانش آموزان هر ماه کنترل شود و برای هر دانش آموز باید پرونده آموزشی تشکیل داد تا از این طریق دانش آموزانی که دارای استعداد قوی و فوق العاده هستند شناسایی شوند و نسبت به آنها برنامه ریزی کرد. همانطور که سازمانهای دیگر این کار را می کنند حتی بعضی سازمان های مسیحی دانش آموزان و دانشجویان ممتاز و دارای استعداد قوی را به شهر یا کشور های دیگر می فرستند.

ه- در این مدارس باید فرزندان شهداء و ایتام کشمیر بطور رایگان و بچه های فقیر و تهی دست باید با شهریه کمتر آموزش ببینند و برای فرهنگ سازی علمی باید «حق ورود» و شهریه دانش آموزان و تمام هزینه های آنان کمتر از مدارس دیگر باشد تا والدین شیعیان را به خود جذب کنند.

-۲

فراهم نمودن امکانات برای دانشجویان برای آموزش عالی در کشمیر و خارج از کشمیر خصوصاً در دانشگاه های ایران در رشته های مختلف.

۳- تشویق افراد خیر و سرمایه داران برای مدرسه سازی و نیز تشویق آنان برای کمک مالی برای بهبود وضعیت مراکز آموزشی.

ص: ۳۶۵

وضعیت فرهنگی شیعیان کشمیر یکی از سوژه های اصلی است که از سوی دولت مردان هندی مورد بهره برداری سیاسی قرار گرفت. دولت هند، همه امکانات خود را در جهت تغییر فرهنگ بومی و اسلامی مسلمانان کشمیر به کار گرفت و تا حدود زیادی توانسته است فرهنگ اصیل کشمیر را تغییر دهد. مردم مسلمان کشمیر در این سال ها شاهد بدترین نوع تهاجم فرهنگی بوده اند. هندی ها زبانهای محلی را از مدارس آنها بطور کلی حذف نموده اند.

۱-۸- انواع تهاجم فرهنگی به مسلمانان کشمیر

۱-۱-۸- نظری

دولت مردان هند از طریق صدا و سیما سریال و فیلم های زیادی را درباره ارزش و عقائد دین هندوها ساخته و در سراسر کشمیر پخش کرده اند، آنها در این باره برنامه های وسیعی تدارک دیده اند. ۶۰۰،۰۰۰ نیروی ارتش و نظامی آنان در کشمیر مستقر و در این زمینه فعال هستند. (۱)

۲-۱-۸- عملی

دولتمردان هندی، فرهنگ هندی و غربی را با وسائل ارتباط جمعی از جمله

ص: ۳۶۶

(۱) - متو، غلام حسین، گزارشی درباره شیعیان کشمیر آنچه هست و آنچه باید باشد.

رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و مجلات ترویج می کنند.

مجلات و فیلم های مبتذل هندی و غربی را در دسترس عموم قرار داده اند، نوشته های ضد اسلامی و ضد اخلاقی را تشویق نموده اند و یا شبکه های ماهواره ای

برنامه های مبتذل و ضد اخلاقی برای تغییر و استحاله فرهنگ اصیل اسلامی در کشمیر پخش می نمایند. (۱)

خیلی از روستاها در کشمیر وجود دارند که آب آشامیدنی بهداشتی ندارند اما شبکه های ماهواره ای در آنجا با کمک نیرو های هند رسیده است و در اکثر مناطق کنترل ماهواره در پادگانهای ارتش هند است.

پخش فیلم های مبتذل و ضد اخلاق، پخش مواد مخدر و خمر بوسیله دلالان خود میان جوانان کشمیری کار معمولی و روزمره نظامیان هند در کشمیر است.

تا چند سال اخیر جوانان و نوجوانان شیعه سعی نمودند در برابر این طوفان تهاجم فرهنگی ایستادگی نشان بدهند ولی در سالهای اخیر این مسأله بصورت جدی مطرح شده است. جوانان و نوجوانان شیعه بسوی فرهنگ غربی و هندی کشانده می شوند و برای مقابله با این تهاجم فرهنگی شیعیان کشمیر هیچ نوع امکانات و وسائل در اختیار ندارند. (۲)

ص: ۳۶۷

۱- گزارش اجمالی از وضعیت پیروان اهل بیت علیهم السلام در جامو و کشمیر، اتحاد المسلمین جامو و کشمیر، ص ۱۲.

۲- بویژه در چند سال اخیر، فرار دختران شیعیان با پسران اهل تسنن و حتی با هندو و سیک ها بطور چشمگیر رواج پیدا کرده است.

با آنکه جمعیت شیعیان کشمیر بیش از یک میلیون و دویست هزار تا پانصد هزار است هیچ روزنامه، هفته نامه، یا ماهنامه و مراکز چاپ و نشر در دسترس ندارند، شیعیان کشمیر حتی یک چاپخانه هم از خود ندارند.^(۱)

وجود کانال تلویزیون خصوصی هنوز برای شیعیان کشمیر یک خواب است. آنان حتی یک سایت اینترنتی فعال نیز ندارند که بتوانند کارهای فرهنگی و غیره انجام دهند و صدای خود، مشکلات و نیازمندی ها را با این وسیله به پیروان اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان برسانند.

گرچه تا حال ۳ تا ۴ سایت اینترنتی بعضی از افراد و گروه های شیعیان باز کرده اند اما بخاطر مسائل مالی و سیاسی کاری بعضی از افراد، نتوانسته اند فعالیت شان را ادامه بدهند.

یک روزنامه بنام کشمیر آبزورور KASHMIR OBSERVER و یک سایت بنام اطلاعات نیز به تازگی توسط شیعیان راه افتاده است اما در هر دو آن معارف و فرهنگ تشیع نشر نمی شود بلکه هر دو به اخبار سیاسی جهان می پردازند.

بخاطر نبودن مراکز چاپ و نشر و همینطور چاپخانه، بیشتر نویسندگان نمی توانند کتابها و نوشته های خود را چاپ کنند.

در حالی که در میان شیعیان افراد دارای فکر و ایده و تحلیلگران و

ص: ۳۶۸

۱- گزارش اجمالی از وضعیت پیروان اهل بیت علیهم السلام در جامو و کشمیر، اتحاد المسلمین جامو و کشمیر، ص ۱۴.

روزنامه نگار های جوان وجود دارند اما آنها برای دیگران کار می کنند. در این زمینه یکسری افراد اقدام کرده بودند اما آنها با پول شخصی وارد شده و کسی از آنها پشتیبانی نکرد و ناچار بخاطر مشکلات، کارشان تعطیل شد.

رؤسای چهار گروه شیعیان نیز اقدام مؤثر و چشمگیری تا حالا در این زمینه انجام ندادند. بجز اینکه گروه عباسی یک ماه نامه بنام «سفینه» از چند سال پیش و گروه محمدی یک فصلنامه بنام «الارشاد» راه انداخته اند.

۲-۸- نویسندگان معروف شیعیان کشمیر

در میان شیعیان کشمیر نویسندگان زیادی وجود دارد، اما همانطور که پیش از این ذکر شد بخاطر مشکلات مادی و فنی نمی توانند دستاوردهای خود را به بازار بیاورند. دیگر اینکه فرهنگ کتاب خوانی نیز بین شیعیان، بخاطر مشکلات مادی وجود ندارد. به همین دلیل نویسندگان شیعیان مجبورند برای دیگران کار کنند. اما با این حال بعضی از نویسندگان با تحمل این همه مشکلات کتاب های خود را به مرحله نشر و چاپ می رسانند.

یکی از آنان مولانا محمد عباس انصاری است که حدوداً ۲۰ عنوان و ده ها مضمین و رساله چاپ نموده است.

دیگر نویسنده ها در میان کشمیر عبارتند از: غلام علی گلزار، اکبر حیدری، حکیم امتیاز حسین، دکتر صادق رضوی، سید محمد باقر موسوی، سجاد سیلانی، عرفان

ترابی، شبیر آذر و سید ابوالحسن که تاکنون کتاب‌هایی با عناوین مختلف و متنوع در ارتباط با معارف اهل بیت علیهم السلام به زبانهای کشمیر و اردو نوشته و چاپ نموده‌اند.

بخاطر پائین بودن سطح سواد آموزی در میان شیعیان کشمیر علاقه به مطالعه کتب و مجلات در میان آنها نیز در سطح پائین است ولی بخاطر وضعیت ویژه سیاسی علاقه به مطالعه روزنامه و نیز بخاطر علاقه فراوان قلبی به جمهوری اسلامی ایران اخبار سراسری را به طور چشمگیر دنبال می‌کنند. (۱۱)

۳-۸- مؤسسات فرهنگی شیعیان کشمیر

۱- مؤسسه تنظیم المکاتب بمنه سرینگر

۲- کمیته امداد العباس سرینگر

۳- اداره ابوالفضل عباس ماگام

۴- اداره نشر علوم اهل بیت علیهم السلام سرینگر

۵- مرکز اطلاعات تحقیقات اهل بیت علیهم السلام سرینگر

۶- امام حسین علیه السلام ریسرچ ایندیلشننگ سنتر سرینگر

ص: ۳۷۰

۱- (مخصوصاً در دوران جنگ تحمیلی ایران و عراق اغلب شیعیان به اخبار رادیو تهران، رادیو زاهدان، رادیو بی بی سی برای پیگیری خبرهای جنگ، اخبار گوش می‌دادند و الآن نیز بخاطر حساسیت اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و بخاطر احتمال وقوع جنگ، شیعیان کشمیر اخبار مربوط به ایران را به اهتمام زیادی دنبال می‌کنند.

۷- اداره امام حسین علیه السلام سلطان پوره باره مولا اما بعضی از آنها غیر فعال و غیر منظم هستند.

۴-۸- مراکز فرهنگی

۱-۴-۸- مساجد

کم و بیش در تمام محله ها و روستاهای شیعه نشین مساجد وجود دارند اما حدوداً در ۵۰ درصد مساجد روزانه یک وقت نماز (مغرب و عشاء) با جماعت برگزار می شود. پنج درصد مساجد به کلی ویرانند و در آنها هیچ نوع فعالیتی انجام نمی شود.

بعد از تحقیق و مشاهده مساجد شیعیان کشمیر، در این شکی نمی ماند که آنان به ساخت و تزئین مساجد نسبت به حسینیه ها کم و تا حد پائین اهمیت می دهند. بیش از نیمی از مساجد فاقد دستشوئی و ۹۵ درصد فاقد وضوخانه گرمایشی محلی (بنام حمام) می باشند، که در زمستان حضور مردم در مساجد بخاطر سرمای شدید بدون آنها خیلی دشوار و سخت است. (۱) شیعیان کشمیر حتی در مراکز شیعه نشین نیز مسجد جامع و وسیع درخور شأن خود ندارند. (۲) لازم است که در ساخت و رونق مساجد به اندازه

ص: ۳۷۱

۱- در مقابل بیشتر و نزدیک به همه مساجد اهل سنت مزین و دارای دستشوئی و سیستم وضوخانه گرمایشی هستند.

۲- در همه مناطق شیعه نشین حسینیه ها، خیلی بزرگ و خیلی تزئین شده اند و میلیونها روپیه برای آنها هزینه می شود. اما برای ساخت مساجد ده بیست درصد از آن هم خرج نمی کنند. فقط مساجد ماگام، دلگیت، کرااله پوره، بالهامه، حبه کدل، حسن آباد در حالت مناسب هستند.

حسینیه ها همت گماشت. البته ساخت حسینیه ها در محل های مختلف باعث شده که اقامه نماز و مراسم دینی دیگر نیز در آنجا انجام شود و منعی برای حضور افراد نباشد. در اکثر مناطق شیعه نشین نمازهای عید فطر، عید قربان و غیره بخاطر قابلیت و وسعت در حسینیه ها برگزار می شود.

۲-۴-۸- حسینیه ها

در تمام محله ها و روستاهای شیعه نشین حسینیه های کوچک و بزرگ وجود دارند، طبق آماری که توسط مؤسسه الایمان ممبئی هند در سال ۱۹۹۸ صورت گرفت شیعیان کشمیر دویست و چهل و دو، حسینیه کوچک و بزرگ دارند. (۱) همانطور که قبلاً ذکر شد شیعیان علاقه، جذب و غیرت دینی خاصی نسبت به ساخت و ساز حسینیه ها دارند و در این راه از هیچ چیز دریغ نمی کنند حسینیه های

شیعیان حال و هوای خاصی دارد. به انواع و اقسام آلات تزئینی مزین شده هستند.

گرچه در بعضی از حسینیه ها علاوه بر دهه محرم درسگاه های آموزش قرآن و احکام وجود دارند. اما بیشتر حسینیه ها فقط در دهه محرم مورد استفاده قرار می گیرند.

ص: ۳۷۲

۱- آماری که توسط مؤسسه الایمان ممبئی در سال ۱۹۹۸ صورت گرفت.

در کشمیر مرقد‌های علمای بزرگ زیادی وجود دارد و بخاطر زیارتِ عموم مردم در آمد های

زیادی نیز دارند و می توان از پول آنها، خیلی از کارهای فرهنگی و غیره برای شیعیان انجام داد. اما اغلب این مرقد ها بین گروه های چهارگانه شیعیان تقسیم شده اند و تمام در آمد آنها را رئیس آن گروه بر می دارد. (۱) یکی از مواردی که باعث اختلاف شیعیان در کشمیر شد همین موقوفات بوده اند که هر گروه می خواست

هر چه بیشتر بر این موقوفات تسلط پیدا کند.

معروف ترین زیارتگاه های شیعیان مرقد میر شمس الدین عراقی واقع در چادوره، مرقد سید حسین قمی واقع در سید پوره زین گیر سوپور، زیارتگاه گپکار، و زیارتگاه بدگام است. اما همه این زیارتگاه ها بناهای خوب و مناسب ندارند. آستان میر شمس الدین عراقی که یک بنای تاریخی و جزء میراث فرهنگی کشمیر محسوب می شود

بخاطر عدم نگهداری و محافظت به تازگی سازمان میراث فرهنگی کشمیر باز سازی آن را شروع کرد. (۲)

ص: ۳۷۳

۱- حتی بعضی از رئیس گروه ها، بعضی از اماکن مذهبی را سالانه به دیگران اجاره می دهند.

۲- پرسش نامه، گلزار، غلام علی، نویسنده و محقق.

بین شیعیان یک سازمان اوقات همه گیر که در آمد اماکن مذهبی و دیگر وجوهات شرعی از قبیل خمس، زکات، نذورات، در آمد های تعزیه و ذوالجناح (۱) و حسینیه ها را جمع آوری کند وجود ندارد. گرچه منشی محمد اسحاق خیلی سعی و تلاش کرد که اوقاف را از انحصار در بیاورد اما تا آخر عمر موفق نشد.

یکی از راه حل هائی که می تواند شیعیان کشمیر را از وضع نامناسب موجود نجات بدهد و نیز کمبود مالی را جبران کند همین نظم و انضباط دقیق در آمد های اوقاف می باشد.

۵-۸- کتابخانه های شیعیان کشمیر

شیعیان کشمیر کتابخانه بزرگ و جامعی حتی در پایتخت کشمیر ندارند. مدتی پیش، یکی از انجمن ها بنام اداره نشر علوم اهل بیت علیهم السلام برای تأسیس یک کتابخانه بزرگ اقدام کرده بودند اما فعلاً بعد از حدود ده سال اثری از آن مشاهده نمی شود.

چند کتابخانه نسبتاً مناسب موجود هستند اما بعضی از آنها اختصاص به مؤسس و خانواده او دارد، لذا در دسترس عموم شیعیان قرار نمی گیرند.

در حال حاضر فقط

ص: ۳۷۴

۱- در کشمیر در مناسبت های مختلف به خصوص در روز عاشورا در ده ها روستا و شهرها اسبی را شبیه ذوالجناح امام حسین علیه السلام درست می کنند و به خیابان با دسته های عزاداری می آورند. مردم حتی از مذاهب دیگر امثال اهل سنت و هندوها پول زیادی به آن نذر می کنند لذا در آمدی زیادی دارد.

دو کتابخانه موجود، فعال و کارهای فرهنگی انجام می دهند.

۶-۸- اسامی کتابخانه های شیعیان

۱- کتابخانه باب العلم

۲- کتابخانه سید باقر موسوی

۳- کتابخانه خانواده انصاری

۴- باقر العلم، کردن نگر، سرینگر

۵- کتابخانه ابوالفضل عباس، ماگام

۶- کتابخانه اداره امام حسین[×]، سلطان پوره ماگام

۷- کتابخانه مطهری بمنه سرینگر تحت اشراف تنظیم المکاتب.

از کتابخانه های مذکور چهار تای اول در دست رؤسای گروه است و در دسترس عموم مردم نیستند. مورد آخر نسبتاً بهتر است و کارهای مناسب فرهنگی نیز انجام می دهد. اما بخاطر مشکلات مالی و دیگر مسائل، فعالیت آن محدود است.

اما یکی از مؤسسات فعال و پر تحرک شیعیان کشمیر، اداره (کتابخانه) ابوالفضل العباس علیه السلام است. این اداره در سال ۱۴۰۳ هجری برابر ۱۹۸۳ م تأسیس شده است و در اول یک کتابخانه صرف بوده است، اما با گذشت زمان به یک اداره فرهنگی کامل تبدیل شده است. در کتابخانه آن بیش از ده هزار جلد کتاب اعم از شیعه و سنی وجود دارد. این اداره عضوهای زیادی در سراسر شهرستان های سرینگر، بدگام،

ص: ۳۷۵

باره مولا دارد. این اداره مستقل از دیگر احزاب و گروه ها کار می کند و منابع مالی آن افراد خیر هستند.

این اداره علاوه بر کارهای فرهنگی، خدمات رفاهی نیز انجام می دهد از جمله آن پرداخت حقوق مستمر به یتام و زنان بی سرپرست است.

۷-۸- نیازمندی فرهنگی شیعیان کشمیر

۱- فراهم نمودن امکانات برای چاپ و نشر کتب، مجلات و روزنامه ها در کشمیر.

۲- فراهم نمودن امکانات برای چاپ خانه.

۳- کارهایی برای پرکردن اوقات فراغت برای نوجوانان و جوانان از جمله امکانات ورزشی، کتابخانه ها و مراکز آموزش کامپیوتر و زبان.

۹- وضعیت سیاسی شیعیان کشمیر

بخاطر پائین بودن سطح سواد آموزی در میان شیعیان کشمیر و عدم وجود امکانات فرهنگی و اقتصادی سطح معلومات عمومی و بالندگی سیاسی در میان آنها نیز در حد پائین می باشد.

شیعیان بعد از دوره چک ها از صحنه سیاست کنار گذاشته شدند بویژه در دوره ۶۶ ساله افغان ها شیعیان بطور کلی عقب نگه داشته شدند و هر نوع فعالیت علمی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی ممنوع اعلام شده بود.

لذا بخاطر عدم امکان حضور شیعیان در صحنه سیاست، آنان در سیاست دخالت

ص: ۳۷۶

نمی کردند. علاوه بر آن بی سواد شیعیان نیز یکی از عوامل مهم انحطاط سیاسی شیعیان است. زیرا تا وقتی که انسان علم و آگاهی نداشته باشد نمی تواند شعور تحصیل حقوق و آینده بهتر سیاسی، داشته باشد.

اما با این حال بعضی از افراد محدود با سواد شیعه در سیاست می آمدند، اما شیعیان بطور رسمی در سال ۱۹۳۱ میلادی به سیاست وارد شدند. زمانیکه آقای سید حسین جلالی (۱) همگام با اهل تسنن برای به دست آوردن حقوق عموم کشمیری ها دست به فعالیت سیاسی زد و سپس با رهبران اهل تسنن در سال ۱۹۳۱ کنفرانس تشکیل دادند. علاوه بر سید حسین جلالی افراد دیگر از شیعیان همچون منشی محمد اسحاق (۲) نیز نقش فعال در سیاست کشمیر داشتند. هر دو اینها منادی اتحاد المسلمین بوده اند. اینان بر خلاف دنبال کردن حقوق شیعیان، دنبال حقوق عموم مسلمانان کشمیری بودند. گرچه از مسؤلیت خود در برابر شیعیان لحظه ای بی خبر نمی ماندند.

و این سید حسین جلالی بود که اولین مدرسه اکادمی بنام امامیه هائی سکول در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۹۳۶ میلادی در سرینگر برای ترویج علوم دنیوی باز کرد. اینها دوش بدوش با رهبران سیاسی اهل تسنن در جنبش آزادی بخش کشمیر از دست حاکمان دوگره حرکت می کردند.

منشی محمد اسحاق بعد از الحاق کشمیر به هند از طرف حاکم و رهبر محبوب

ص: ۳۷۷

۱- تعارف اجمالی وی قبلاً در آخر وضعیت اجتماعی ذکر گردید.

۲- همان.

اهل تسنن بنام شیخ عبدالله متوفی ۱۴۰۰ هجری قمری معروف به شیر کشمیر مسئول اورژانسی گردید. (۱)

در سال ۱۹۶۳ م موی

مبارک پیامبر اعظم | که در زیارتگاه حضرت بل نگهداری می شد از طرف دولت از جا بر داشته شد. (۲) مسلمانان کشمیر برای بازیابی آن دست به تظاهرات عظیمی زده به خیابان ها ریختند. برای بازیابی آن یک کمیته تشکیل داده شد. شیعیان نیز همراه اهل تسنن در نهضت بازیابی آن شرکت کردند بویژه رئیس اتحاد المسلمین آقای مولوی محمد عباس انصاری که سخنگوی این کمیته معرفی بود نقش بسزائی ایفا کردند. (۳)

سپس

در سال ۱۹۷۷ م یکی از رؤسای چهار گروه شیعیان کشمیر بنام مولوی افتخار حسین انصاری در انتخابات پارلمانی کشمیر با همسر شیخ محمد عبدالله بنام «بیگم» رقابت کرد که موجب افزایش بیشتر آگاهی سیاسی شیعیان شد.

اما در مجموع بیشتر شیعیان کشمیر هنوز هم از حوادث و مسائل روز کشور و جهان بی خبرند. بخاطر همین عدم آگاهی سیاسی شیعیان آنان به دنبال حقوق از دست رفته خود نمی روند. لذا اغلب مناطق شیعیان از امکانات و ضروریات اولیه نیز

ص: ۳۷۸

۱- جزوه گزارش اجمالی در رابطه با اوضاع شیعیان کشمیر، تنظیم شده بوسیله چند تن از دانشمندان کشمیر.

۲- مولوی عباس انصاری کا اجمالی تعارف، ناشر اتحاد المسلمین جامو و کشمیر سرینگر، ص ۹.

۳- همان.

محروم اند. بجز چهار پنج شهر و روستا در تمام مناطق شیعیان، مدارس دولتی از دبستان تا راهنمایی می باشد. از مدارس بالا از جمله دبیرستان، دانشکده، و دانشگاه به کلی محروم اند.

با وجود اینکه جمعیت شیعیان در کشمیر بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر می باشد اما آنان حتی یک کرسی مستقل هم در مجلس ندارند. (۱)

و اینکه چرا آرای شیعیان در کشمیر مؤثر واقع نمی شود؟

می تواند

علت های زیر را داشته باشد.

۱- توطئه دولت در تقسیم آرای شیعیان (۲)

دولت محلی با یک توطئه حساب شده در مناطقی که بیشتر جمعیت شیعیان در آن زندگی می کنند طوری برنامه ریزی کرد که آرای شیعیان در چند ناحیه تقسیم شد.

ص: ۳۷۹

۱- در حالی که در این چند سال اخیر که در هند و در کشمیر حکومت های مخلوط از چند حزب و گروه سیاسی روی کار آمدند. حتی یک نماینده و کرسی در مجلس با اهمیت زیادی بر خوردار است. مثلاً تا قبل از چند سال اخیر در کشمیر گروه کمونیست ها در مجلس یک نماینده داشتند که خیلی اهمیتی نداشت اما زمانی که دولت های مخلوطی سر کار آمدند اهمیت زیادی پیدا کردند و دو نماینده به مجلس آمدند و در دولت سهم دارند و به نماینده آنان گروه خواهان تشکیل دولت در صورت الحاق به آنان پیشنهاد وزارت هم دارند. اما شیعیان هیچ نماینده و کرسی مستقلی در مجلس ندارند.

۲- پرسش نامه، جو، مقبول حسین مدیر جامعه علمیه امامیه بمنه سرینگر.

مثلاً در مناطق ماگام، زدی بل، دل، میربحری، سوناواری، پتن و لداخ می تواند نماینده شیعه رأی بیاورد. اما بخاطر فریب و توطئه کاری دولت آرای شیعیان تقسیم شده اند و هیچ کدام بجز یکی دو جا و آن هم با حمایت حزب سیاسی دیگر رأی نمی آورند.

۲- خود سیاستمداران شیعیان کشمیر برنامه ای در این زمینه نداشتند. (۱)

۳- عدم وجود یک حزب سیاسی بین شیعیان که بتواند برای مؤثر واقع شدن آرای شیعیان اقدامات عملی انجام دهند.

۴- گروه بندی آنها در مقابل جریانات و گروه های غیر شیعه و نداشتن جبهه متحد.

گروه بندی شیعیان نیز یکی از علت های مهم است که آرای شیعیان مؤثر واقع نمی شود.

چون شیعیان کشمیر وابستگی شدیدی با رئیس گروه خود دارند. لذا با آنکه می دانند نفر مورد نظر رئیس گروه شان رأی نمی آورد باز هم به همان طرفدار رئیس خودشان رأی می دهند. و به این ترتیب خسارت جبران ناپذیر عائد شیعیان می شود، هم اینکه رأی شان به هدر می رود. و هم کسی که رأی می آورد چون می داند

مردم این روستا و منطقه به او رأی ندادند دیگر توجهی به آن روستا و منطقه نمی کند.

ص: ۳۸۰

(۱) پرسش نامه، انصاری، مسرور عباس فارغ تحصیل حوزه علمیه قم و رئیس اتحاد المسلمین جامو و کشمیر.

لذا در این مقطع زمانی لازم است بیش از پیش به مردم آگاهی سیاسی داده شود تا به حقوق پذیرفته جهانی آشنا شوند و برای بدست آوردن حقوق از دست رفته خود به میدان بیایند و با ایجاد یک جبهه متحد درباره آینده خود تصمیم بگیرند.

۱۰- راهکارهای ارتقای آگاهی و شعور سیاسی شیعیان

۱-۱- ترویج سواد آموزشی عمومی بین شیعیان

۱- در این صورت و با گسترش فرهنگ علم آموزی آگاهی و شعور سیاسی مردم ارتقاء پیدا می کند و آنان می توانند آینده سیاسی بهتری را برای خود ترسیم کنند.

۲- باید به آنان درس «سیاست عین دیانت است» فهماند(۱). خیلی از شیعیان کشمیر فکر می کنند ما را به سیاست چه کار؟ سیاست کار دنیا داران، فریب کاران، دروغ گویان و امثال آنان است و مرد مؤمن نباید وارد سیاست شود(۲). او باید فقط از خانه تا مسجد برود. باید این نوع تفکر را از اذهان شیعیان بیرون کنیم. گر چه بعد از انقلاب اسلامی ایران این تفکر کاهش پیدا کرد اما هنوز وجود دارد.

ص: ۳۸۱

۱- پرسش نامه، جو، مقبول حسین مدیر حوزه علمیه جامعه امامیه، یمنه سرینگر.

۲- اما برای رقابت با دیگر فرقه شیعه رؤسای گروه را از آن مستثنی می دانند.

۳- تأسیس یک حزب سیاسی مقتدر و همه گیر، که در این زمینه به مردم آگاهی برساند.

۲-۱۰- تشکل های سیاسی شیعیان کشمیر

شیعیان حزب و گروه سیاسی مقتدر و همه گیر ندارند. گرچه تا حدودی اتحاد المسلمین در این زمینه قدم بر می دارد، اما محدود است.

تحریک وحدت به تازگی تأسیس شده است. بجز اعلامیه ها، تا اکنون وجود خارجی آن در افق سیاست کشمیر دیده نشده است.

علاوه بر آن شیعیان، بعد از شروع انتفاضه آزادی بخش کشمیر در سال ۱۹۸۹ میلادی یک حزب سیاسی و شبه نظامی به نام حزب المؤمنین هم تأسیس کرده بودند. این حزب صدها شهید و مجروح در راه استقلال کشور تقدیم نموده است. اما این حزب بخاطر وابسته شدن به یک خانواده مخصوص نتوانست جای خود را بین جامعه شیعه باز کند و یا به فعالیت قابل ملاحظه ای دست بزند. الآن خیلی وقت است این حزب در کشمیر فعالیتی ندارد و کمک مختصری که از سوی این حزب شبه نظامی به فرزندان شهدای انتفاضه می شد الآن سالهاست قطع شده است. فرزندان شهدای کشمیر نیز از سوی هیچ نهاد و یا ارگانی حمایت نمی شوند

و بیشتر آنان محتاج نان شب هستند. و لذا در کم سنی کار کشی می کنند. هزینه مدارس بعضی از آنها را بجای شیعیان اهل تسنن

۱۱- وضعیت دینی و مذهبی شیعیان کشمیر

اشاره

نیمی از جمعیت شیعیان بویژه در مناطق دور افتاده از مسائل ابتدائی و روزمره نیز بی خبرند بسیاری از آنان از دین یک تلقی سطحی دارند. تلقی شان از دین این است که یکسری مراسم عبادی را مطرح کرده و باید به آنها عمل کرد.

پایین بودن سطح سوادآموزی و وضعیت اقتصادی ناسالم بر مسائل و مشکلات مذهب و اعتقادی شیعیان نیز افزوده است. در سالهای اخیر که کشمیر شاهد جنگ مسلحانه می باشد بیشتر از همه بر شیعیان کشمیر ضربه های سنگینی وارد شده است سایر مذاهب اسلامی با تشکلهای مقتدر و امکانات اقتصادی و رفاهی خوب توانسته اند در این اوضاع یک صدای واحد داشته باشند. شیعیان کشمیر از زمان گذشته در گروه های مختلف تقسیم شده اند. این عدم اتحاد در میان شیعیان باعث شده که آنها در

ص: ۳۸۳

۱-) لازم به ذکر است که متأسفانه شیعیان کشمیر حتی یک یتیم خانه هم در کشمیر ندارند که در آنجا بچه های یتیم و این فرزندان شهدا پرورش یابند. هیچ اداره ای نیست از این یتیمان حداقل حالشان را پرسد. برعکس اهل سنت که ده ها بلکه صدها یتیم خانه در کشمیر دارند. نویسنده که خود؛ بعضی از عزیزان و دوستان را در این راه از دست داده است. حرف های زیادی در این رابطه برای گفتن دارد اما بیان کردن آنها در این رساله مقدور نمی باشد.

زمینه های مختلف عقب بمانند و نتوانند پیشرفت کنند.

۱-۱- فعالیت علمی و آموزشی مؤسسه تنظیم المکاتب

در سال ۱۹۸۲ در کشمیر یک مؤسسه علمی، آموزشی بنام تنظیم المکاتب (تحت اشراف تنظیم المکاتب لکهنو هند) با همت یکی از دانشمندان بنام حاج غلام علی گلزار^(۱) بوجود آمد. ایشان با دیگر دوستان خود تمام همت خود را برای سواد آموزی دینی شیعیان گذاشت و در این راه از هیچ چیز دریغ نکرد.

ایشان و همراهان او شهر به شهر، قریه به قریه رفتند و در اکثر مناطق شیعیان مدارس آموزش دینی برای کودکان باز کردند و به این وسیله خدمات ارزشمندی به شیعیان در راستای قرآن آموزی کردند. توسط این مؤسسه وضعیت شیعیان تغییر محسوسی پیدا کرده است. این مؤسسه بیش از ۳۰۰ مکتب و مدرسه دینی تا کلاس پنجم ابتدایی دارد. این مؤسسه سبب شده است که هزاران نفر شیعه و حتی سادات که در حوادث روزگار شیعی شده بودند و یا در تقیه مانده با گذشت زمان از دین خود بی خبر بودند، به تشیع برگردانده شدند.^(۲) افراد این مؤسسه به مناطقی از شیعیان رفتند که بطور کلی فراموش شده بودند و هیچ روحانی ای به آنجا نرفته بود. باتلاش بی پایان اعضای این مؤسسه شیعیان در آن روستاهای دور افتاده «همچون اوری»

ص: ۳۸۴

۱- معرفی اجمالی وی قبلاً در آخر وضعیت اجتماعی ذکر گردید.

۲- مصاحبه از جناب آقای مولوی غلام رسول وانی.

کرناه، ترال و ده ها روستاهای کوچک دیگر» هویت خودشان را پیدا کردند.

اعضاء این مؤسسه داوطلبانه کار می کردند و هیچ حق و حقوقی دریافت نمی کردند و چه بسا از جیب خود هزینه های مختلف می کردند. در برابر مخالفت ها از خود ایستادگی نشان دادند و با کارهای منظم و کارشناسانه به کار خود ادامه دادند و انقلاب اسلامی ایران نیز توسط اعضای این مؤسسه بخوبی برای مردم کشمیر بویژه شیعیان معرفی و شناخته شد.

گرچه قبل از این مؤسسه مدارس دیگری نیز به وجود آمده بود که فعالیت های قرآنی انجام می دادند اما به گستردگی این مؤسسه نبوده است.

مؤسسه تنظیم المکاتب سبب شده است حدوداً ۷۰ درصد نوجوانان دختران و پسران شیعیان قرآن و مسائل روزمره را یاد بگیرند. این مؤسسه فعال ترین و منظم ترین مؤسسه از مؤسسات علمی و فرهنگی شیعیان کشمیر است و مکاتب آن نیز در روستاها و شهرهای هواداران هر چهار گروه وجود دارد و دانش آموزان آن نیز از طرفداران چهار گروه هستند.

این مؤسسه بخوبی به فعالیت دینی می پرداخت. اما متأسفانه کم کم بعضی از اعضای این مؤسسه دچار افراط و تفریط شدند و چون رساله عملیه متعددی از مراجع عظام به زبان های مختلف - از جمله اردو -

ترجمه شدند، بعضی از آنان با مطالعه این رساله عملیه دچار این توهم شدند که دیگر نیازی به روحانیت نیست و گاهی در مسائلی وارد شدند که در محدوده آنان نبود و برای پذیرش نظریه خود خیلی

نقد دیگری که بر اعضای این مؤسسه وارد است این است که مسئولین آن تمام نیاز شیعیان کشمیر را تنها در ایجاد و تأسیس مدارس دینی برای کودکان می دانند و از نیازهای دیگر از جمله نشر و اشاعه و یا شعبه های تبلیغات و غیره برای ارتقای سطح فکری جامعه صرف نظر می کنند. علاوه بر آن مسئولین این مؤسسه هیچ گاه سعی نکردند و نمی کنند با دیگر مؤسسات مستقل و غیر وابسته همگرایی و هم فکری ایجاد کنند و با سعی و تلاش مشترک به اهداف بلند و دراز مدت دست یابند. آنان سعی می کنند هر اداره و سازمانی که باشد بعنوان زیر مجموعه این مؤسسه کار کند. این عوامل ضربه های سنگینی به این اداره خوب و منظم وارد کرده است لذا از سال ۱۹۹۰ میلادی به بعد فعالیت این مؤسسه با آن سابقه درخشان کندی پیدا کرده است و مسئولین آن نیز دیگر نوعی محافظه کارانه عمل می کنند. اگر این اشکالات برطرف شوند این اداره می تواند کارهای زیاد و اساسی برای شیعیان انجام دهد.

مدارس دیگری نیز از طرف انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر شاخه مصطفوی و شیعه ایسوسیشن «گروه افتخاری» در بعضی از مناطق فعالیت دینی و آموزشی انجام می دهند.

نماز جمعه و جماعت در کشمیر از زمان آقای سید مهدی رواج پیدا کرد. او اولین نماز جمعه را در سال ۱۲۹۷ هجری قمری در زدی بل برگزار کرد. اما بعد از وی بین شیعیان معروف شد که هر کسی نمی تواند

امامت نماز جمعه و جماعت بکند. (۱۱)) لذا کمتر شهر و روستائی از شیعیان کشمیر پیدا می شد که اقامه نماز جماعت و نماز جمعه در آن برگزار می شود.

اما بعد از انقلاب اسلامی ایران جامعه شیعیان خیلی تغییر پیدا کرد و کم کم شیعیان به برگزاری نماز جمعه و جماعت رو آوردند. در حالیکه در سال ۱۳۵۴ هجری قمری برابر با ۱۹۳۴م مرحوم منشی محمد اسحاق و بعضی دیگر از افراد روشن فکر با کسب اجازه از مراجع وقت توسط حاج آقای عبدالعلی در شهر سرینگر اقامه نماز جمعه و جماعت برگزار کرده بودند، اما با مخالفت بعضی گروه ها و هواداران شان برگزارکنندگان نماز جمعه و جماعت مجبور شدند از برگزاری آن صرف نظر کنند. (۲))

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با فعالیت شبانه روزی مؤسسه تنظیم المکاتب و دیگر علماء، شیعیان علاقه مند به اقامه نماز جمعه و جماعت شده اند. گرچه هنوز هم در این زمینه فاصله خیلی زیاد با نتایج مطلوب داریم

ص: ۳۸۷

۱- (کتابچه پیام عمل، ناشر شیعه فیدریشن.

۲- (کتابچه «گروه بندی سی بلند شیعیان ریاست کی تنظیم کاتعارف، ناشر فیدریشن، ص ۹ و منشی محمد اسحاق، چودھوس صدی ص ۴۴، پیام عمل ص ۱۲، ناشر شیعه فیدریشن؛ غروب آفتاب، ص ۱۵.

بطوریکه در صدها شهر و روستای شیعیان فقط در ۲۹ شهر و روستای آنان نماز جمعه برگزار می شود. (۱) همینطور در میان شیعیان کشمیر در مساجد کمتری وجود دارد که نمازهای پنجگانه در آن با جماعت خوانده شود و در بیشتر مساجدی که در آن نماز جماعت برگزار می شود روزانه فقط یک وقت نماز «مغرب و عشاء» با جماعت خوانده می شود.

۳-۱۱- عزاداری و مراسم دینی شیعیان کشمیر

یکی از مواردی که شیعیان کشمیر به آن خیلی حساس و اهمیت زیادی برای آن قائل اند. عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است. آنان در این راه از هزینه کردن هیچ چیز دریغ نمی کنند. آن قدر برای برگزاری مجالس حسینی پول هزینه می کنند که بطور یقین با تناسب جمعیت شان هیچ ملتی در دنیا آن قدر هزینه نمی کند. با اینکه در تمام زمینه ها از امکانات و حقوق دولتی صرف نظر کردند اما در این مورد کوتاهی نکردند و توانسته اند در دهه اول محرم در دو روز، اول و دهم محرم

ص: ۳۸۸

۱- نماز جمعه شیعیان در این شهر و روستا برگزار می شود. بد گام، حسن آباد، رکهه شالنه، باغوان پوره بالهامه، چادوره، چهر گام، ماگام، و ترگام، گانگو، پارس، سونه پاه، دیوسر ناگ هارکهاه، و کهرون، چهته بل، شلوت، اندرکوت، نوگام، سلطان پوره گامدو، میرگند، هانجی ویره، بلگام، سیدپور، دلنه، دب، شالیمار، گندحسی بت.

برنامه عزاداری از شبکه رادیویی پخش کنند. در آن دو روز صبح تا بعد از ظهر شبکه محلی رادیو برنامه عزاداری پخش می کند.

علاوه بر آن توانسته اند در سه روز در خیابان های اصلی سرینگر مجوز عبور هیئت های مذهبی بگیرند تا آزادانه مراسم عزاداری برگزار کنند.

شیعیان کشمیر علاوه بر مجالس دهه محرم و صفر و دیگر مناسبات در طول تابستان، مجالس زیادی در شهرها و روستاهای مختلف شیعه نشین برگزار می کنند. رؤسای هر چهار گروه در هفته در دو و یا حداقل در یک شهر و روستا مجلس حسینی برگزار می کنند که مجموعاً ۴ الی ۸ مجلس در هفته برگزار می کنند. در هر مجلس بویژه روز جمعه بیشتر طرفداران آن گروه شرکت می کنند. آنان از تمام نقاط کشمیر خودشان را به آن روستا و یا شهر می رسانند. این مجالس صبح از ساعت ۹ - ۸ شروع شده تا ۵ بعد از ظهر ادامه پیدا می کنند. مردم محلی روستایان برای طرفداران شرکت کننده خود انواع و اقسام غذا تهیه می کنند و با دلگرمی حتی با التماس از مهمانان برای پذیرفتن دعوت شان، پذیرائی مثالی می کنند. در این مجالس ذاکرها و مداح ها که مخصوص به این فرقه هستند به نوبت مرثیه می خوانند و مردم نیز مرثیه آنان را از نیم بند تحویل گرفته با آنان دست جمعی می خوانند. در آخر مجلس رئیس گروه یک سخنرانی ۴۰ - ۳۰ دقیقه می کند و مجلس به پایان می رسد.

با

استفاده صحیح از این مجالس می شود خیلی از کارها را انجام داد. تمام گره های مشکلات شیعیان را می توانیم در این اجتماعات عظیم و پیاپی، باز کنیم.

ص: ۳۸۹

علاوه بر مراسم عزاداری، شیعیان کشمیر آداب و رسومات خاصی که با اکثریت اهل تسنن مختلف باشند ندارند^(۱) غیر از اینکه آنها ایام ولادت و شهادت معصومین علیهم السلام را برگزار می کنند. اما ایامی که متعلق به شیعیان است و دولت نیز آن روزها را تعطیل اعلام کرده فقط روز عاشورا و عید نوروز است.^(۲) شیعیان کشمیر معتقد هستند که عید غدیر در همان روز عید نوروز یعنی ۲۱ مارس واقع شده است.

شاعر چه زیبا گفته است:

نوروز شد و جمله جهان گشت معطر از بوی گل لاله و نسرين و صنوبر

بر تخت خلافت نشست آن شه سرور دام-اد نبی شیر خ-دا ساق-ی کوثر-

در عید نوروز دید و بازدید و رفتن به سر قبرهای گذشتگان جنبه عمومی دارد. دعاهای مخصوص نوروز خوانده می شود، بخاطر خوش آب و هوا بودن کشمیر و عدم احتمال خراب شدن، شیعیان انواع و اقسام غذا را در آن روز درست می کنند طوری که دیگر تا چند روز نیاز به غذا پختن ندارند. حتی یک غذا بنام پالک را تا هفته ها و یا بیش از یک ماه کم کم می خورند. در عید نوروز برای تمام اعضای خانواده لباس نو خریده

ص: ۳۹۰

۱-) گرچه این حقیقت دارد که شیعیان عید قربان و همچنان عید فطر را نسبت به اهل سنت خیلی اهمیت نمی دهند و اهتمام شیعیان به اعیاد عمومی مسلمانان فقط تا برگزاری نماز عید است.

۲-) پرسش نامه، انصاری، مسرور عباس، فارغ تحصیل از حوزه علمی قم و رئیس اتحاد المسلمین جامو و کشمیر.

می شود. به کودکان عیدی داده می شود. آنان بعد از ماه ها انتظار کشیدن در این روز حال و هوای خاصی پیدا می کنند. چندین سال قبل بین مردم رسمی بود که یک سفره را قبل از تحویل سال پهن می کردند و روی آن چیزهای مختلف از جمله فرنی می گذاشتند و اعتقادشان بر این بود که حضرت علی علیه السلام آن را تبرک می نماید و آن را «سفره شاه» می نامیدند.

۵-۱۱- حوزه های علمیه شیعیان کشمیر

۱-۵-۱۱- باب العلم

باب العلم حوزه علمیه ای است که در سال ۱۳۷۰ هجری قمری توسط آقای سید یوسف موسوی بنا شده است و تحت سرپرستی انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر اداره می شد. این حوزه علمیه از قدیمی ترین حوزه های علمیه کشمیر به حساب می آید و تاکنون بیش از یکصد نفر از این حوزه علمیه فارغ التحصیل شدند و خدمات زیادی به شیعیان کشمیر نمودند.

طلاب این حوزه علمیه به گونه ای تربیت می شدند که برای تکمیل تحصیلات خود نیاز به سفر به ایران و عراق نداشتند. این حوزه علمیه از برنامه های بسیار خوب و دقیق برخوردار بود اما پس از تقسیم شدن گروه مدیریتی حوزه به مصطفوی و محمدی برنامه های این مدرسه تاحدودی به هم خورد و دیگر مثل سابق اداره نمی شد گرچه در مجموع برای شیعیان کشمیر خوب و مفید است اما انتظاری که از این حوزه علمیه

ص: ۳۹۱

می رود، خیلی کم برآورده می شود.

این حوزه علمیه با حمایت سازمان مدارس خارج از کشور ایران اداره می شود و در وزارت آموزش و پرورش کشمیر نیز رسمیت دارد و مدارک آن رسمی است اما تاکنون کمتر از ده نفر از طلاب این مدرسه در حوزه علمیه قم پذیرفته شده اند.

۲-۵-۱۱- جامعه علمیه امام رضا

یکی

از گام های مهم بعد از انقلاب اسلامی ایران تأسیس مدارس علمیه در سراسر کشمیر بود. یکی از حوزه های علمیه ای که بعد از انقلاب اسلامی تأسیس شد، جامعه علمیه امام رضا علیه السلام است. این حوزه علمیه به وسیله مسئولین مربوطه ایران و تلاش های بعضی از علمای کشمیر در «سرینگر» و در خانه کوچکی شروع به کار کرد و از دیگر نواحی طلاب را جذب کرد. همگام با پیشرفت انقلاب اسلامی ایران این مدرسه به اطراف سرینگر و ناحیه «گند حسی بت» منتقل شد و با مساحت هزاران متر زمین دارای ساختمان های اداری، آموزشی، خوابگاه، مسجد بزرگ، آشپزخانه، غذاخوری و خوابگاه اساتید متاهل ساخته شد.

این مدرسه تاکنون ده ها فارغ التحصیل داشته که بیش از ۲۰ نفر آنان در حال حاضر در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل هستند. گرچه این حوزه علمیه تا حدودی بهتر کار می کرد و می کند اما انتظاری که از این حوزه علمیه - که با هزینه ای بالغ بر ده میلیون روپیه معادل با صدها میلیون تومان احداث گردیده - بیش از

ص: ۳۹۲

آن است که اکنون انجام می دهد. در حال حاضر کمتر از ۴۰ نفر در آن مدرسه درس می خوانند در حالی که با امکانات موجود آن صدها نفر می توانند به تحصیل علوم دینی مشغول شوند. این حوزه علمیه نیز با حمایت کامل سازمان مدارس و حوزه های علمیه خارج از کشور (ایران) اداره می شود. این حوزه علمیه که مستقل کار می کند، می توانست کارهای زیادی برای شیعیان کشمیر انجام دهد اما به دلایل مختلف فعالیت این حوزه علمیه محدود ماند و گرنه زمینه فعالیت این حوزه علمیه با توجه به آن که از شهر و روستاهای مختلف طلبه در آن مشغول تحصیل بودند خیلی زیاد بود و می توانست برای ارتقای سطح علمی، فکری شیعیان کار کرده و به یکی از مراکز و پایگاه اصلی شیعیان تبدیل شود اما در حال حاضر به نظر می رسد که ارتباط مردم با این حوزه علمیه خیلی محدود است.

۳-۵-۱۱- «جامعه امامیه»

جامعه امامیه نیز در اطراف شهر «سرینگر» و در محلی به نام bamino قرار دارد. این حوزه علمیه با حمایت مؤسسه تنظیم المکاتب اداره می شود و مستقل است که به خاطره تازه تأسیس بودن تاکنون فعالیت قابل ملاحظه ای از خود نشان نداده است. این حوزه علمیه در سازمان مدارس ایران به صورت کامل رسمیت ندارد. و اگر بتواند برنامه ریزی صحیح و کارشناسی شده انجام دهد - با توجه به وجود بیش از ۳۰۰ مدرسه ابتدایی و کلاس های قرآن و احکام در شهرها و روستاهای مختلف -

می تواند پایگاهی برای تبلیغ و ارتقای فکری شیعیان باشد(۱۱)). اما بنا به گزارشات رسیده، این حوزه به علت نامعلوم بسته شد.

۴-۵-۱۱- مکتبه الزهرا

این حوزه علمیه ویژه خواهران و در حسن آباد «سرینگر» قرار دارد. این حوزه علمیه در حدود ده سال پیش با سعی و تلاش رهبر انجمن شرعی شیعیان کشمیر آقای سید حسن موسوی تأسیس شد. در این حوزه علمیه دهها نفر از خواهران تا مدارج سطح درس خواندند و مشغول خدمت در جامعه خود هستند بعضی از آنها برای ادامه تحصیلات تکمیلی در حوزه علمیه جامعه الزهرا قم مشغول تحصیل هستند.

۵-۵-۱۱- جامعه الزهرا

باید اعتراف کنیم که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در بین زنان جامعه شیعیان کشمیر حتی یک عالمه دینی هم وجود نداشت. البته بعضی از همسران و مادران رؤسای گروه، علوم دینی را از عالمان آموخته بودند و آن هم به خاطر احترام و تقدس زیادی بود که شیعیان کشمیر برای عالمان دینی قائل بودند، آنان فقط در خانه های خود به زنانی که به خانه های آنها می آمدند، قرآن و دیگر احکام یاد می دادند به همین دلیل درصد زنان بیسواد و جاهل به احکام دینی بیش از

ص: ۳۹۴

۱-) این حوزه به علت نامشخص سال پیش تعطیل شد.

مردان در جامعه شیعیان کشمیر بوده است. بر این اساس تشکیل و تأسیس حوزه هایی برای دختران بیش از پسران احساس می شد. در ابتدا جامعه الزهرا علیها السلام در کنار جامعه علمیه امام رضا علیه السلام در خوابگاه معلمین زیر نظر مدیریت حوزه علمیه جامعه امام رضا علیه السلام شروع به کار کرد سپس بعد از مدتی به ساختمان دیگری واقع در شریف آباد سرینگر منتقل شد. در حال حاضر بیش از ۵۰ نفر از خواهران در آن به تحصیل علوم دینی مشغول هستند. ده ها نفر از خواهران از آن مدرسه فارغ التحصیل شده و برای تکمیل تحصیلات خود به حوزه علمیه جامعه الزهرا علیها السلام قم آمدند.

۶-۱۱- مسائل و مشکلات اعتقادی و مذهبی شیعیان کشمیر

شیعیان کشمیر مسائل و مشکلات اعتقادی و مذهبی فراوانی دارند از جمله کمبود مبلغین بومی و محلی^(۱۱)، عدم دسترسی به علماء و روحانیون در مناطق دور دست و روستاهای دور افتاده، شبهه پراکنی در مورد اعتقادات مذهبی از سوی مذاهب

ص: ۳۹۵

۱-) برای بیش از یک میلیون و دویست هزار شیعه فقط ۳۰ نفر مبلغ فارغ التحصیل از حوزه های علمیه قم و نجف هستند گرچه تعدادی از فارغ التحصیلان از حوزه های علمیه کشمیر نیز فعالیت دینی انجام می دهند.

دیگر خصوصاً وهابیت، کمبود کتابخانه ها، مجلات و کتب و وسائل مذهبی و عقیدتی، عدم استفاده از وسائل سمعی و بصری در تبلیغ مذهب تشیع، کمتر استفاده علمی از مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام و روضه خوانی برای تبلیغ مذهب و نشر و ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام، فقدان رهبری، عدم درک صحیح دین از جمله مسائل و مشکلات اعتقادی و مذهبی شیعیان کشمیر می باشند.

۷-۱۱- راه حل

در تمام محله ها و روستاهای شیعه نشین مساجد، حسینیه ها و مکاتب آموزش قرآن کریم کم و بیش وجود دارند ولی نیاز مردم به روحانی، امام جماعت و مبلغین بیشتر احساس می شود. مراکز شیعی در کشمیر بخاطر کمبود کادر خوب و ورزیده نمی توانند فعالیت منظم داشته باشند، کمک نقدی و غیر نقدی از جمله کتب مذهبی، نسخه های قرآن مجید و نهج البلاغه، نوارهای صوتی قرآن، سرودهای اسلامی، نرم افزارهای صوتی و تصویری، مجلات علمی و مذهبی، می توانند این مشکلات را تا حدودی حل کنند.

یک نماینده خصوصی از جانب مقام معظم ولایت فقیه و ولی امر مسلمین برای جامو و کشمیر نامزد و انتخاب شود و این کار می تواند مشکلات و مسائل مذهبی شیعیان کشمیر را حل کند و تمام اداره ها و تشکیلات و ائمه جماعت و جمعه می توانند تحت نظارت و هدایت آن نماینده خصوصی بصورت منظم و فعال کار کنند. قبلاً ائمه جمعه و جماعت از

سوی دفتر ولی امر مسلمین کمک مالی می شدند ولی بعداً این مساعده قطع شده است و این جمع یک بار دیگر پراکنده شد. نیاز است که ائمه جماعت و جمعه شیعی در سراسر کشمیر بوسیله یک مرکز فعال و مقتدر منظم هدایت و راهنمایی شوند تا بتوانند مؤثر و خوب تبلیغ کنند. پذیرش بیشتر طلاب کشمیری در حوزه علمیه قم و اعزام طلاب مقیم قم بعنوان مبلغین در ماه های محرم و صفر و رمضان و اعزام بلند مدت سه سال به مناطق محلی آنها می تواند در حل این مشکل کمک نماید.

۸-۱۱- نیازمندی های شیعیان کشمیر در زمینه تبلیغی و مذهبی

- ۱- آگاهی دادن و آموزش طلاب علوم در زمینه های مختلف از جمله سیاسی و فرهنگی.
 - ۲- مساعده به مبلغین ائمه جمعه و جماعت و منظم کردن آنها.
 - ۳- کمک مالی به مدرسین مراکز آموزش قرآن و احکام.
 - ۴- تشویق مردم برای نماز جماعت و آمدن به مساجد از طریق امام جماعت خوش لهجه، امکانات فرهنگی و ورزشی و غیره در این مساجد.
 - ۵- استفاده صحیح از مجالس عزاداری از طریق انتشار و پخش کتب، مجلات و رساله ها به زبان های محلی.
- در آخر این فصل، نویسنده از فرزندان رهبران کشمیری که اغلب آنان اکنون

در حوزه علمیه قم درس می خوانند تقاضا و التماس می کنم به درستی جامعه شیعیان کشمیر نگاه کنند.

خلاصه

به نظر اینجانب این فصل می تواند حاصل زحمات این پژوهش باشد. چون تاریخ گذشته را ما نمی توانیم تغییر دهیم اما با شناسایی عوامل انحطاط و آسیب شناسی گذشته خود، می توانیم با برنامه ریزی دقیق و کارشناسی شده مسیر آینده خود را تغییر دهیم و آینده خوب و با نشاط داشته باشیم. همان گونه که گذشت شیعیان کشمیر در حال حاضر از تمام فرقه ها و مذاهب موجود در کشمیر در تمام زمینه ها عقب مانده هستند. علت اصلی عقب ماندگی شیعیان عدم اتحاد آنها است.

گرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران این گروه بندی ها تا حدی کم شده است اما هنوز در سطح بالائی وجود دارد.

برای نمونه از عوامل اختلاف بین شیعیان به موارد زیر اشاره می شود:

مسائل شخصی بعضی از روشنفکران، عدم آگاهی از اهمیت اتحاد و وحدت، تقلید کورکورانه، جهالت و بی سوادى، عدم اتحاد و حزب بازی و گروه بندی کوچک توسط علمای غیر وابسته می باشد.

شیعیان از لحاظ اقتصادی نیز از دیگر فرقه ها ضعیف تر هستند. لذا کارکشی از کودکان همچون قالی بافی اعم از پسر و دختر معمول و معروف است. در اداره های

دولتی (مرکزی و ایالتی) اشتغال شیعیان، بیشتر از دو در صد نیست. در حالیکه ۱۵ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. بین شیعیان سواد آموزی ۱۰ الی ۱۵ در صد است و بین دختران و زنان پنج الی شش در صد می باشد.

عوامل انحطاط علمی بین شیعیان بترتیب ذیل هستند:

الف - تلاش های دولت برای بی سواد نگه داشتن شیعیان.

ب - فقر و افلاس شدید.

ج - نبودن فرهنگ دانش آموزی بین شیعیان.

د - کارکشی از کودکان.

ه - گروه بندی و عدم اتحاد روشنفکران.

و - اختلاف مذهبی با اهل تسنن و نبودن امنیت در مدارس آنان.

وضعیت فرهنگی کشمیر یکی از سوژه های اصلی است که از سوی دولت مردان هندی مورد بهره برداری سیاسی قرار گرفته است آنان دو نوع تهاجم فرهنگی در کشمیر دنبال می کنند:

الف - نظری: از قبیل ساخت سریال ها و فیلم های زیاد درباره ارزش و عقائد دین هندو.

ب - عملی: از قبیل پخش ۲۴ ساعته فیلم های ضد اخلاق، پخش خمر و مواد مخدر بین جوانان.

شیعیان برای مقابله با این تهاجم فرهنگی هیچ نوع امکانات و وسائل در

ص: ۳۹۹

اختیار ندارند. با وجود جمعیت بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر، هیچ روزنامه، هفته نامه، مراکز چاپ و حتی یک چاپخانه و یک سایت معمولی از خود ندارند. کانال تلویزیونی هنوز برای آنان یک خواب است!!!

بخاطر پائین بودن سطح آموزش در میان شیعیان کشمیر و عدم وجود امکانات فرهنگی و اقتصادی سطح معلومات عمومی و بالندگی سیاسی نیز در میان شیعیان در حد پائین است. شیعیان بعد از بین رفتن حکومت در سال ۹۹۴ هجری از سیاست کنار گذاشته شدند اما با تلاش مصلحانی همچون سید حسین جلالی، منشی محمد اسحاق، نیر مولوی محمد عباس انصاری و با شرکت مولوی افتخار حسین انصاری در انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۷۷ میلادی تا حدودی بین شیعیان شعور سیاسی پیدا شده است. اما هنوز نیز اکثریت شیعیان از حوادث و مسائل روز جهان بی خبرند. این عدم آگاهی سیاسی شیعیان سبب شده است که با وجود جمعیت بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر حتی یک کرسی مستقل در مجلس نداشته باشند.

وضعیت دینی شیعیان نیز وضع مطلوبی ندارد. حدوداً نیمی از جمعیت شیعیان کشمیر از مسائل ابتدائی و روزمره از جمله مسائل تقلید نیز بی خبرند. در سال ۱۹۸۱م مؤسسه ای بنام تنظیم المکاتب با سرپرستی یکی از دانشمندان کشمیر - حاج غلام علی گلزار - بوجود آمد. وی تحت شعار «شمع روشن کردن بهتر از ماندن در تاریکی است» با دیگر اعضای این مؤسسه که بدون حقوق و داوطلبانه کار می کردند تمام توان خود را آموزش دینی کودکان گذاشت. وی در این راه موفق شد در اکثر

روستاها و شهرهای کشمیر مدارس آموزشی دینی تأسیس کند. تاکنون ده ها هزار کودک از مدارس این مؤسسه فارغ التحصیل شدند. این مؤسسه اکنون نیز در سراسر کشمیر بیش از سیصد مدرسه ابتدائی دینی در شهرها و روستاهای مختلف دارد.

می توانیم ادعا کنیم که شیعیان کشمیر به تناسب جمعیت بیش از تمام دیگر ملت ها برای عزاداری امام حسین علیه السلام پول خرج می کنند.

اما با دلایلی که در این فصل گذشت متأسفانه این مجالس خیلی کمک چشمگیری به معلومات دینی شیعیان نمی کنند. علاوه بر آن چون در این مجالس که صبح از ساعت ۹ - ۸ شروع شده تا ۵ بعد از ظهر ادامه پیدا می کنند

فقط مرثیه خوانده می شود و فقط در آخر یک سخنرانی مختصر از طرف رئیس گروه ایراد می گردد. البته باید به محتوا توجه بیشتری شود.

فصل هفتم: نتیجه

نتیجه

ص: ۴۰۳

کشمیر در قلب آسیا، شمال شبه قاره هند قرار دارد و از شمال و شرق با چین و از شمال غربی با افغانستان و از غرب با پاکستان و از جنوب با هند دارای مرز مشترک است. از جمعیت کل ایالت جامو و کشمیر ۶۵ در صد مسلمان، ۳۰ درصد هندو و ۵ در صد بودائی، سیک و مسیحی هستند اما به طور کل در وادی (دره) کشمیر حدود ۹۴ درصد مسلمان، ۴/۴۲ هندو، ۱/۲ در صد سیک زندگی می کنند.

کشمیر در بین ۱۶۰ کشور مستقل و دارای حاکمیت عضو سازمان ملل متحد، مسافتی بیش از ۶۸ کشور و جمعیتی بالاتر از ۹۰ کشور مستقل دارد. از نقطه نظر قومی نیز کشمیر هویت منحصر به فرد دارد و از نظر فرهنگی، مردم کشمیر نژادی جدا از همسایگان خود هستند.

کشمیری ها عادات، آئین ها، مراسم، لباس و غذای مخصوص خود دارند. کشمیر با تاریخ جغرافی، نژاد، زبان و فرهنگ خود یک ملت را تشکیل می دهد. این ملت استقلال خود را در سال ۹۹۴ هجری به دست امپراتور مغول از دست داد اما اراده به تجدید استقلال کشور در میان ملت کشمیر گم نشده است.

ص: ۴۰۵

تبلیغ دین اسلام در کشمیر به وسیله جهانگردان، بازرگانان و ماجراجویان آغاز شد و بعد با سفر روحانیون و مبلغینی از ایران و آسیای مرکزی تحرک بیشتری یافت. سید شرف الدین موسوی اولین صوفی است که توانست پادشاه کشمیر به نام رینچن شاه را مسلمان کند. با ورود میر سید علی همدانی اسلام پیشرفت بزرگی کرد.

تشیع گرچه خیلی زودتر از میر شمس الدین عراقی به کشمیر وارد شد. اما بنابر دلایل گفته شده در فصل دوم تشیع تا زمان ورود میر در همان مناطق محدود بود.

اما فعالیت میر سبب شد که تشیع بیش از پیش در کشمیر رواج پیدا کند. او توانست با کمک ملک موسی رینه نخست وزیر کشمیر ۲۴ هزار خانواده هندو ها را به تشیع هدایت کند.

کاجی چک اولین نفر از دولت مردانی است که با تلاش میر به تشیع پیوسته بود، در سال ۹۲۴ هجری به مقام نخست وزیری رسید. وی توانست سه حمله پیاپی مغول در سال های ۹۲۷، ۹۲۸ و ۹۲۹ هجری را ناکام بسازد. پس از او دولت چک (نام شخص) در سال ۹۵۸ هجری به مقام نخست وزارت رسید. این طائفه (چک) در سال ۹۶۲ هجری به پادشاهی دست پیدا کرد. دوره چک ها که شیعه بودند یک دوره استثنائی و طلائی در تاریخ پرنشیب و فراز تشیع کشمیر به حساب می آید. در این دوره که ۳۲ سال به طول انجامید ۶ نفر از شیعیان حکومت کردند. این دوره سبب شده است که تشیع بیش از گذشته در کشمیر توسعه و گسترش یابد به گونه ای که بیشتر جمعیت کشمیر را شیعیان تشکیل می دادند.

شهید قاضی نور الله

شوشتری که در سال ۱۰۰۵ هجری از کشمیر دیدار کرده در کتاب مجالس المومنین گزارش می دهد که فقط در منطقه شهاب الدین پوره ۲۰۳ روستا از شیعیان دیده است و علاوه بر آن در مناطق دیگر نیز شیعیان وجود داشتند.

بزرگان و علمای اهل تسنن نتوانستند ترویج روز افزون تشیع را تحمل کنند. آنان با استفاده سیاسی از دین، حاکمان مغول را برای حمله بر کشمیر تشویق و تحریک کردند و برای از بین بردن تشیع بویژه خانواده چک ها حتی حاضر شدند در این راه از آزادی و استقلال کشور بگذرند و غلامی و بردگی بیگانگان را قبول کنند.

ارتش مغول با کمک آنان در سال ۹۹۴ هجری به کشمیر حمله کرد. اهل تسنن با تمام تجهیزات جنگی به ارتش مغول ملحق شدند.

حاکمان مغول با ظلم و ستمگری خود شیعیان را یکی یکی دستگیر کرده به قتل رساندند. طبق نقل اعظم ددّمری، یکی از حاکمان مغول بنام اعتقاد خان، چنان شیعیان را گزینش کرد چنانکه از خوشه برنج دانه را در می آورند. چک ها

مجبور شدند در این دوره حتی فامیلی و نیز لباس، شکل و شباهت و شغل خود را هم عوض کنند تا شناخته نشوند. در این دوره شیعیان علاوه مورد ظلم و ستم واقع شدن حاکمان مغول از سوی عموم اهل تسنن نیز بارها مورد تهاجم و حمله واقع شدند. در این درگیری ها شیعیان علاوه بر قتل و غارت، مال و اموال حتی ناموس خود را نیز از دست دادند.

ص: ۴۰۷

بعد از مغول، افغان‌ها در کشمیر به حکومت رسیدند. این دوره بدتر از دوره مغول برای شیعیان ثابت شد. در این دوره هر نوع فعالیت حتی عزاداری امام حسین علیه السلام نیز ممنوع اعلام گردید.

در این دوره برای کشتن مخالف کافی بود به وی نسبت شیعه داده شود. شیعیان که قبل از این دوره بیشترین جمعیت کشمیر را تشکیل می دادند

زیر اثر ظلم و ستم های افغان‌ها به اقلیت مبدل گردیدند. (۱) شیعیان علاوه بر ظلم و ستم حاکمان افغان از سوی عموم اهل تسنن نیز مورد تهاجم واقع شدند. در این دوره قطع اعضای شیعیان از جمله دست، پا، گوش و بینی نیز صورت می گرفته است. به یقین می توان گفت شیعیان کشمیر در طول تاریخ خود دوره ای بدتر از افغان‌ها ندیدند. با دیدن

ص: ۴۰۸

۱- چون خیلی از آنان به ناچار تغییر مذهب دادند و خیلی‌ها مجبور شدند در تقیه بمانند. اما تا آخر عمر حتی نزد فرزندان‌شان نتوانستند اظهار مذهب خود بکنند در نتیجه با گذشت یکی دو نسل آنان به کلی سنی شدند. لذا الان ما ده‌ها روستا با مشخصات شیعیان (از جمله سادات حسینی، تقوی، نقوی و غیره و محبت اهل بیت علیهم السلام و اسم روستاها؛ نام‌های مردم از قبیل جعفر، کاظم، باقر، قاسم و زینب، کلثوم، سکینه و غیره. لازم به ذکر است که این نوع اسم‌ها در کشمیر در بین اهل سنت معروف و رایج نیست) می بینیم حتی سادات ما سنی مذهب اند گرچه بعضی از آنان با فعالیت مؤسسه تنظیم المکاتب به تشیع برگشتند اما اکثریت چشمگیر آنان سنی هستند شیعیان مجبور شدند در این دوره از خوف جان از مراکز اصلی و شهرها به مناطق کوهستانی و صعب العبور و همین‌طور به وسط دریاچه دل که ارتباط زمینی ندارد کوچ کنند.

ظلم و ستم های افغان ها در کشمیر معروف شده بود «سر بریدن پیش این سنگ دلان گل چیدن است».

حکومت افغان توسط سیک ها سقوط کرد. گرچه سیک ها نیز خیلی ظلم و ستم بر مردم کشمیر روا داشتند اما شیعیان بطور مستقیم و یا بخاطر مذهب در این دوره تحت تعقیب نبودند. در این دوره نیز شیعیان مورد تهاجم اهل تسنن قرار گرفتند و علاوه بر قتل و غارت خسارات زیادی بر آنان وارد شد.

سیکها در سال ۶۱۸۴ میلادی بدست دو گره (قومی از هندوها) برچیده شدند. شیعیان در این دوره نیز اوضاع همچون دوره سیک ها داشتند و نسبت به دوره های قبل در آرامش بودند. اما گرچه از طرف حاکمان در امان بودند ولی از سوی اهل تسنن هنوز نتوانستند در امنیت باشند. و در سال ۱۲۸۹ هجری برابر ۱۸۷۲ میلادی مورد حمله سراسری قرار گرفتند. این درگیری از تمام درگیری های قبل وحشتناک تر برای شیعیان ثابت شد.

گرچه با آغاز قرن بیستم علم و صنعت ترقی چشمگیری کرد و ملت ها مشکلات و موانع خود را پشت سر گذاشته حرکت رو به جلو را آغاز کردند اما شیعیان در درون خود دچار دسته بندی شدند. این مسئله سبب شده است که ترس از بین رفتن امتیازات شخصی، تلاش دولت و حکومت از عوامل اختلاف بین رهبران شیعه به حساب می آید.

اما عوامل اختلاف بین شیعیان علاوه بر عوامل گذشته علت های زیر را نیز دارد: مفاد شخصی بعضی از افراد، عدم آگاهی از اهمیت اتحاد و وحدت، تقلید

کورکورانه مردم، عدم اتحاد بین علماء، کم بودن سواد بین شیعیان، حزب بازی و گروه بندی کوچک توسط علمای غیر وابسته.

شیعیان از لحاظ اقتصادی نیز دچار عدم پیشرفت هستند. در اداره های دولتی (مرکزی و ایالتی) اشتغال شیعیان، بیشتر از دو در صد نیست. در حالی که ۱۵ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. بین شیعیان سوادی آموز ۱۰ الی ۱۵ در صد است و بین دختران و زنان ۵ الی ۶ درصد می باشد. عوامل انحطاط علمی بین شیعیان بترتیب ذیل هستند:

۱- تلاش های دولت برای بی سواد نگه داشتن شیعیان

۲- فقر وافلاس شدید

۳- عدم فرهنگ دانش آموزی بین شیعیان

۴- گروه بندی و فرقه پرستی

۵- اختلاف مذهبی با اهل تسنن و نبودن امنیت در مدارس آنان

در کشمیر دو نوع تهاجم فرهنگی از سوی دولت مردان هندی دنبال می شود:

الف - نظری؛ از قبیل ساخت سریال ها و فیلمهای زیاد درباره ارزش و عقائد دین هندو هندو.

ب - عملی؛ از قبیل پخش ۲۴ ساعته فیلم های ضد اخلاق، پخش خمر و مواد مخدر بین جوانان.

اما شیعیان برای مقابله با این تهاجم فرهنگی هیچ نوع امکانات و وسائل در

ص: ۴۱۰

اختیار ندارند. با وجود جمعیت بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر هیچ روزنامه، هفته نامه، مراکز چاپ و حتی یک چاپخانه و یک سایت معمولی از خود ندارند.

بخاطر پائین بودن سطح آموزش در میان شیعیان کشمیر و عدم وجود امکانات فرهنگی و اقتصادی سطح معلومات عمومی و بالندگی سیاسی نیز در میان شیعیان در حد پائین است. این عدم آگاهی سیاسی شیعیان سبب شده است، با وجود اینکه جمعیت شیعیان بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر است اما حتی یک کرسی مستقل در مجلس پارلمان نداشته باشند.

وضعیت دینی شیعیان نیز کاستی هایی دارد. حدوداً نیمی از جمعیت شیعیان کشمیر از مسائل ابتدائی و روزمره از جمله مسائل تقلید اطلاع کاملی ندارند.

می توانیم ادعا کنیم که شیعیان کشمیر به تناسب جمعیت بیش از تمام دیگر ملت ها برای عزاداری امام حسین علیه السلام پول خرج می کنند

اما با دلایلی که در فصل ششم گذشت متأسفانه این مجالس برای شیعیان فایده کافی ندارد.

۱- آموزشی

- ۱- کمک مالی برای بهبود وضعیت مراکز آموزشی موجود در حال حاضر و دائر کردن مراکز و مدارس دیگر در جاهایی که نیاز است.
- ۲- فراهم نمودن امکانات برای دانشجویان برای آموزش عالی در کشمیر و خارج از کشمیر خصوصاً در دانشگاه های ایران در رشته های مختلف.

۲- فرهنگی

- ۱- فراهم نمودن امکانات برای چاپ و نشر کتب، مجلات و روزنامه ها.
- ۲- فراهم نمودن امکانات برای چاپخانه برای شیعیان کشمیر.

۳- اجتماعی

- ۱- کارهایی برای پر کردن اوقات فراغت برای نوجوانان و جوانان از جمله امکانات ورزشی، کتابخانه ها، مراکز آموزش کامپیوتر و زبان.
- ۲- مساعده و کمک برای ازدواج دختران شهداء و محرومین.

۴- پزشکی و بهداشتی

- ۱- ساخت بیمارستان های کوچک و دیگر مراکز درمانی و پزشکی در مناطق شیعه نشین.

۲- فراهم نمودن امکانات کمک های اولیه در روستاهای شیعه.

۳- فراهم نمودن امکانات برای راه اندازی یک بیمارستان موبائل (۱۱).

۴- کمک برای ساخت دانشگاه علوم پزشکی.

۵- اقتصادی

۱- تشویق و کمک مالی برای دائر نمودن مراکز برای آموزش هنرهای دستی و سنتی و تولید این صنایع که در گذشته ویژه شیعیان بود و هم اکنون از بین رفته اند.

۲- وام به جوانان و افراد تحصیل کرده برای راه اندازی کارخانه های کوچک تولیدی و صنعتی.

۳- وام و کمک مالی به کارگران هنری، کشاورزان و تاجران.

۴- راه اندازی بانک قرض الحسنه.

۶- تبلیغی و مذهبی

۱- آگاهی دادن و آموزش طلاب علوم دینی در زمینه های مختلف از جمله سیاسی و فرهنگی.

۲- مساعده به مبلغین، ائمه جمعه و جماعت و منظم کردن آنها.

۳- کمک مالی به مدرسین مراکز آموزش قرآن و احکام.

ص: ۴۱۳

۱- (بیمارستان سیار.

۴- تشویق مردم برای نماز جماعت و آمدن به مساجد از طریق فراهم نمودن امام جماعت خوش لهجه، امکانات فرهنگی و ورزشی.... در این مساجد.

۵- استفاده صحیح از مجالس عزاداری از طریق انتشار و پخش کتب، مجلات و رساله ها در زبان های محلی. پایان

ص: ۴۱۴

گرچه بنده برای نوشتن این تحقیق، به بیش از صد و پنجاه کتاب مراجعه نموده ام. اما در بیش از ۵۰ الی ۶۰ کتاب کلی و جزئی مطالب مربوط به بحث نیافتم. بیشتر این کتابها نیز فقط به اوضاع سیاسی شیعیان در دوره ۳۲ ساله حکومت خود اکتفا نمودند. کتابهایی که اینجانب برای نوشتن این رساله کمک گرفتم دو گونه بوده است: منابع کهن از جمله بهارستان شاهی، تحفه الاحباب، واقعات کشمیر، تاریخ حسن، تاریخ ملک حیدر چادوره و منابع جدید از جمله تاریخ شیعیان کشمیر، کشمیر بهشت زخم خورده، شیعه در هند، کشمیر گذشته، حال، آینده، تاریخ تحریک اسلامی جامو و کشمیر. اینک درباره بعضی از آنها بحث خواهیم کرد.

۱- منابع کهن

۱-۱- بهارستان شاهی

این کتاب یکی از معتبر و مستند ترین کتابهای تاریخی کشمیر است و از کتابهای منابع تاریخ کشمیر به حساب می آید. اما اکنون این کتاب که به زبان

ص: ۴۱۷

فارسی نوشته شده است کمیاب است. چندین نسخه این کتاب در کتابخانه های جهان از جمله کتابخانه ملی هند و موزه لندن نگهداری میشود. چون مصنف در این کتاب از ظلم و ستم های

مغول بویژه اکبر شاه و میرزا حیدر پرده برداشته از اینرو از خوف و ترس، اسم خود را در هیچ جای کتاب ذکر نکرده است و فقط به ذکر اسم جد خود بنام حسان الدین اکتفا نموده است.

مصنف بعد از ذکر حمله ذوالقدر خان در سال ۷۲۰ هجری قمری به کشمیر می نویسد تا اکنون ۲۷۰ سال از آن حادثه گذشته است از این بر می آید

که این کتاب در سال ۹۹۰ هجری قمری نوشته شده باشد. و نیز از حروف ابجد آخرین بیت اشعار وی که در پایان کتاب نوشته شده است بر می آید که در سال ۱۰۲۳ هجری قمری به اتمام رسیده است مانند:

به پرسیدم ز عقل راست تدبیر بگفتا نامه شاهان کشمیر

درباره مذهب وی نیز بین مورخین اختلاف وجود دارد. اما از مطالب کتاب بر می آید که وی شیعه بوده است. این کتاب در نه باب نوشته شده است. مطالب آن از ابتدای تاریخ تا سال ۱۰۲۳ هجری قمری نوشته شده است. این کتاب از میان کتاب های تاریخی، برای آشنائی و اطلاعات درباره حکومت شیعیان بهترین و مناسب ترین کتاب است. یکی از ویژگی های این کتاب این است که مصنف خودش در آن دوره (دوره حکومت شیعیان) زندگی می کرده

ولذا شاهد مستقیم حوادث آن دوره بوده است. گرچه در این کتاب مطالب راجع به شیعه زیاد است اما بیشتر مطالب راجع به اوضاع سیاسی آنان تا

سال ۱۰۲۳ هجری قمری بیان شده است و تا حدودی وضعیت فرهنگی نیز بیان شده است.

از مطالب و محتوای کتاب بر می آید که نویسنده کتاب یکی از علمای برجسته زمان خود بوده است و با قرآن و احادیث نبوی آشنائی عمیق داشته است. وی مطالب کتاب را طبق واقعیت آورده و در نوشتن مطالب، راستگویی را اصل خود قرار داده است. وی اگر از یک سو از حاکمان شیعیان در بعضی حوادث سیاسی دفاع می کند اما در بعضی از جاها از آنها انتقاد شدید به عمل آورده است.

دکتر اکبر حیدری در سال ۱۴۰۴ هجری قمری یک مقدمه تحقیقی طولانی بر این کتاب نوشته است که مشتمل بر دو فصل طولانی و دویست صفحه است این مقدمه که به زبان اردو است بخاطر در دسترس بودن و فراهم نمودن امکان استفاده عمومی از آن، ارزش این کتاب را بیش از گذشته بالا برده است چون الآن بخاطر عمومی نبودن زبان فارسی در کشمیر و در نتیجه عدم امکان استفاده عمومی از این کتاب باعث کاهش مراجعه کنندگان به این کتاب شده بود.

این کتاب بخاطر شیعی بودن مصنف آن داشتن مطالب برخلاف میل عموم مورخان اهل تسنن، تا حالا به زبان محلی و اردو ترجمه نشده است.

ص: ۴۱۹

این کتاب که در زبان فارسی است نیز یکی از قدیمی ترین کتابهای تاریخی است و منبع اصلی بسیاری از کتاب های بعدی واقع گردیده است. در این کتاب نیز از ظلم و ستم هایی که میرزا حیدر بر شیعیان روا داشته است بطور آشکار پرده برداشته شده است لذا مصنف این کتاب نیز بخاطر خوف و ترس از میرزا حیدر که مصنف در دوره او از ۹۴۷ تا ۹۵۷ هجری قمری می زیسته نتوانسته اسم خود را در کتاب، بیان کند و فقط به اسم پدرش بنام جمال الدین خلیل الله که مرید خاص میر شمس الدین عراقی بوده است اکتفاء نمود. اما گمان می شود که اسم وی محمد علی کشمیری بوده است.

در این کتاب سال نوشتن کتاب، در جایی درج نشده است اما مطالب آن تا کشته شدن میر دانیال فرزند میر شمس الدین عراقی در سال ۹۵۷ هجری قمری توسط میرزا حیدر کاشغری است. از آن بر می آید که این کتاب در همان سال نوشته شده است.

این کتاب بخاطر هم عصر بودن مصنف با میر شمس الدین عراقی و شاهد بودن در وقایع و حوادث آن روزگار تا سال ۹۵۷ هجری قمری یکی از پر ارزش ترین کتاب های تاریخی است.

موضوع اصلی این کتاب زندگی میر شمس الدین عراقی و فعالیت دینی و فرهنگی و تبلیغی وی است. اما به نظر محقق بعضی از جاها مطالب غلو آمیزی به میر شمس الدین نسبت داده شده است که سبب پائین آمدن ارزش این کتاب شده است.

مصنف در جای جای کتاب میر شمس الدین را از القابی همچون «حضرت قطب المحققین، مکمل الکاملین، مزفی الواصلین، آفتاب فلک سیادت، خورشید سپهر دودمان ولایت، مظهر آثار معارف الهی، منبع متأثر حقایق نامتجاهی، حامی قواعد شریعت مصطفی، رافع اعلام طریقه ائمه هدی، اللامع مصابیح ولایت انوار الحقائق و المعارف الفاضل فمّن ینابیح ارشادات، اسرار کمالات العوارف المنتحص بعنايات الله، ملک الباقی، شمس الحق و الحقیقت و الملت و الدین» یاد کرده است. این کتاب نیز اکنون نایاب است و فقط دست افراد خاصی نسخه های اصلی این کتاب یافته می شود.

۳-۱- واقعات کشمیر

مصنف این کتاب خواجه محمد اعظم ددمری متوفی ۱۱۷۹ هجری برابر با ۱۷۶۵ میلادی است این یکی از کتاب های قدیمی تاریخ کشمیر است که در زبان فارسی نوشته شده است. در این کتاب علاوه بر حالات سیاسی کشمیر ذکر صوفی ها، علماء، بزرگان، و ادباء به کثرت وجود دارد. این کتاب یکی از منابع تاریخ نویسان بعدی است.

نسخه های اصلی این کتاب در کتابخانه های نسخی هند و بریتانیا نگهداری می شود. ترجمه اردو این کتاب اولین بار در سال ۱۸۴۶ م در دهلی نو به چاپ رسید. در این کتاب مطالب نسبت به شیعیان خوب است اما خیلی پراکنده و متفرقه است و برای پیدا کردن آن محقق باید ساعتهای زیادی وقت بگذارد، گرچه اوضاع سیاسی حاکمان شیعه را در یکجا بیان نموده است.

ص: ۴۲۱

در این کتاب ذکر مختصری هم از میر شمس الدین عراقی مؤسس اصلی تشیع در کشمیر شده است. علاوه بر آن، ذکر فرمانداران شیعه که در دوره های

مغول و افغان بر کشمیر حکومت کردند، نیز در این کتاب یافت می شود و از شاعران و ادیبان شیعه نیز تا حدودی بحث کرده است.

اما از مطالب کتاب بر می آید که نویسنده این کتاب نسبت به شیعیان خیلی متعصب بوده است. بطوریکه در هیچ جای کتاب برای شیعیان از لفظ شیعه استفاده نکرده است بلکه همواره آنان را از الفاظی همچون رفض یا روافض مورد خطاب قرار داده است و نسبت به میر شمس الدین عراقی نیز بی احترامی و تهمت های زیادی روا داشته است.

مصنف کتاب هر جا که ذکر اختلاف شیعه و سنی در کتاب خود می کند قبل از پرداختن به واقعیت، پیش داوری یک جانبه می کند سپس بطور جانبدار و بدور از حقیقت و واقعیت، حادثه را با دخالت عقائد خود بیان می کند، و در نوشتن تاریخ بجای رعایت اصول و اخلاق تاریخ نگاری از عقائد و دین خود طرفداری می کند.

و در تمام حوادث و درگیری ها، شیعیان را مقصر اصلی و اهل تسنن را بی گناه قلمداد کرده است. و در تمام این درگیری ها حتی یک مورد هم در این کتاب یافت نمی شود که وی همچون مورخ حسن بخاطر کارهای خلاف شرع شورشیان از آنان انتقاد کرده باشد. از یک سو می نویسد

حاکمان شیعه بر اهل تسنن سخت گرفتند و بر آنان ظلم و ستم ها روا داشتند اما برای اثبات مدعای خود حتی یک مورد مصداق نیز ذکر نمی کند از سوی

دیگر هنگامیکه مظالم اهل تسنن بویژه میرزا حیدر کاشغری بر شیعیان را برمی شمرد بجای اینکه عدالت را هنگام قضاوت و داوری پیشه خود سازد، او را تقییح کرده با خوشحالی می نویسد:

«آنکه عوض دارد گله ندارد»!!!

در این کتاب شیعیان، خطا کار، خشونت طلب و اهانت کنندگان به ادیان و مذاهب دیگر معرفی شده اند. از آنجا که این کتاب منبع اصلی بسیاری از کتاب های بعدی کشمیری واقع شده است متأسفانه این مطالب نادرست به کتاب های بعدی نیز سرایت کرده است که بیشتر برای شیعیان مشکل ساز شد. در سال ۲۰۰۲ میلادی دکتر شمس الدین احمد حاشیه های

مفصل و توضیحات زیادی بر این کتاب نوشت. او یکی از متعصب ترین اهل تسنن افراطی ها است. (۱) لذا بیش از مؤلف به شیعیان توهین کرده است و تمام حوادث را به نفع خود سوق داده است. اما شیعیان بخاطر نداشتن مورخ تا حالا هیچ جوابی به او نداده اند. او در حاشیه این کتاب ادعاهای جدیدی علیه شیعیان کرده است. و حتی بزرگان و علمای برجسته آنان همچون سید محمد مدنی و

ص: ۴۲۳

۱- بطوری که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمام مردم کشمیر اعم از شیعه و سنی عکس امام راحل را در خانه ها و بروی میز کار می گذاشتند اما او برای جریحه دار کردن احساسات کارمندان بویژه شیعیان که در آنجا کار می کردند بجای عکس امام رضا شاه و همسرش فرح گذاشته بود. او در حاشیه این کتاب مطالب نادرست زیادی را به شیعیان نسبت داده است.

سید محمد نور بخش را نیز به اهل تسنن نسبت می دهد.

او هنوز زنده است و مشغول فعالیت علیه شیعیان است.

۴-۱- تاریخ حسن

این کتاب نیز یکی از مهم ترین کتاب های تاریخی کشمیر است که توسط کشمیری های فارسی زبان نوشته شده است این کتاب از سه قسمت تشکیل شده است:

قسمت اول درباره جغرافیای کشمیر نوشته شده است.

قسمت دوم درباره اوضاع سیاسی کشمیر از آغاز تا سال ۱۳۰۲ هجری قمری نوشته شده است.

قسمت سوم درباره عالمان، بزرگان محلی کشمیری یا از علمائی که از جاهای دیگر به کشمیر آمدند نوشته شده است. این کتاب نیز یکی از منابع اصلی اینجانب در نوشتن این رساله بوده است. مطالب شیعه در آن فراوان است اما پراکنده و متفرق که برای پیدا کردن مطلب ساعت ها طول می کشد. مصنف این کتاب تاحدودی غیر جانبدار بوده است.

وی در اکثر جاها بر خلاف دیگر مورخان بر شیعیان از همین لفظ شیعه استفاده می کند و اسم میر شمس الدین را نیز با احترام در کتاب برده است اما با این حال از فعالیت میر شمس الدین عراقی خیلی بحث نکرده است و او را تا شیعه کردن

ص: ۴۲۴

خاندان چک ها محدود ساخته است. اما با این حال وی نیز بعضی از اتهامات را به میر شمس الدین نسبت داده است.

وی در این کتاب، تمام تجاوزات اهل تسنن به شیعیان را به تفصیل نگاشته است و در بعضی از جاها شیعیان را بی گناه قلمداد کرده، اغتشاشگران را به شدت سرزنش کرده و یک جمله تاریخی در کتاب خود آورده است که برای بی گناهی شیعیان تا قیامت کافی خواهد بود. وی در جایی از این کتاب پیامد این درگیری ها را محاسبه می کند و می نویسد که: «تجربه ثابت کرده است که هر بار بعد از تجاوز اهل تسنن بر شیعیان نوعی بلا به صورت زلزله، خشک سالی، و با از طرف خدا بر کشمیر نازل شده است». با این حال در هنگام نوشتن همین درگیری ها خیلی عقائد خود را بر اصول تاریخ نگاری غلبه داده است و علت درگیری ها را سب و شتم شیعیان بر صحابه می داند و وقائع را جانبدارانه طبق عقیده خود تجزیه و تحلیل کرده است. از آنجا که شیعیان (جز یک دو کتاب سابق الذکر که تا مقطع زمانی خاص نوشته شدند) کتاب تاریخی از خود ندارند برای آشنایی به تاریخ خود این کتاب بهتر از

ص: ۴۲۵

کتاب های دیگر است. و در مجموع با وجود نقاط ضعفش کتاب خوب و مفیدی است.

۵-۱- تاریخ رشیدی

نویسنده این کتاب میرزا حیدر کاشغری است. وی این کتاب را در کشمیر در زمان حکومت خود ۹۴۷ تا ۹۵۷ هجری قمری نوشته است این کتاب یکی از مشهور و معروف ترین کتاب هایی است که در زبان فارسی درباره ترکان آسیای میانه نوشته شده است.

این کتاب در سال ۱۳۱۲ هجری قمری برابر با ۱۸۹۵ م به چاپ رسید. در این کتاب اطلاعات خوب و مفیدی درباره حملات سلطان سعید الدین در سال ۹۳۵ هجری قمری برابر ۱۵۳۲ م بر کشمیر، تبت ولداخ موجود است و نیز در آن ذکر مناسب درباره حالات سیاسی کشمیر در دوره حکومت وی ۹۴۷ تا ۹۵۷ هجری قمری موجود است.

در این کتاب مطالب زیادی مربوط به شیعیان نیست. از محتوای کتاب بر می آید که مصنف آن نسبت به شیعیان خیلی متعصب بوده است. او همان کسی است که طبق نقل تمام مورخین آستان میر شمس الدین عراقی را آتش زد و قبر وی را نیز بعنوان مزبله قرار داد.

ص: ۴۲۶

۱-۲- کشمیر بهشت زخم خورده

این کتاب در سال ۱۴۱۲ هجری قمری برابر با ۱۹۹۱ م توسط الطاف حسین کشمیری نوشته شده است در این کتاب تاریخ کشمیر از آغاز تا سال ۱۴۱۲ هـ.ق بطور فشرده نوشته شده اما بخش اصلی این کتاب، وضعیت سیاسی کشمیر پس از تسلط هند بر کشمیر در سال ۱۳۶۷ هـ.ق برابر با ۱۹۴۷ م تا اکنون است. در این کتاب بجز حکومت ۳۲ ساله شیعیان مطالب زیادی درباره شیعیان نیست.

از مطالب کتاب به نظر می رسد که مصنف این کتاب غیرجانبدار بوده و مطالب کتاب را طبق واقعیت نقل کرده است. این کتاب برای آشنائی تاریخ کشمیر کتاب خوبی است اما این کتاب از دسته بندی لازم برخوردار نیست و مطالب آن نیز پراکنده است.

۲-۲- تاریخ شیعیان کشمیر

این کتاب در سال ۱۳۸۹ هـ.ق برابر با ۱۹۷۰ م توسط یکی از شیعیان کشمیر بنام حکیم صفدر همدانی نوشته شده است. موضوع این کتاب همان گونه که از اسم آن پیداست تاریخ تشیع کشمیر است اما مطالب این کتاب خیلی فشرده است.

در این کتاب، تاریخ شیعیان کشمیر از آغاز تا سال تألیف نوشته شده اما این کتاب فاقد دسته بندی های لازم است. نویسنده این کتاب که یک کارمند دولت

بوده است در مقدمه کتاب چنین می نویسد که: «من یک تاریخ نویس نیستم و کلاس های تاریخ را نیز تجربه نکرده ام. اما (چون شیعیان حتی یک کتاب تاریخی از خود ندارند) بنابر احساس مسؤلیت می خواهم تاریخ شیعیان را بنویسم که خالی از اشتباهات نخواهد بود» لذا می بینیم که مطالب این کتاب پراکنده است و نیز شیعیان را از تمام جهات بررسی نکرده است، بلکه کتاب را به همان روال سنتی در تحریر درآورده است.

بخاطر نبودن کتاب های دیگر تاریخ شیعیان کشمیر این کتاب برای عموم شیعیان کشمیر کمتر از غنیمت نیست، تا بتوانند کمی از تاریخ خود آشنا شوند. اما این کتاب نیز اکنون کمیاب است و بخاطر عدم شوق مطالعه و نیز عدم فرهنگ کتاب خوانی شیعیان کشمیر، این کتاب دیگر بعد از سال ۱۳۸۹ هـ.ق برابر با ۱۹۷۰ م به چاپ نرسیده است.

۳-۲- شیعیان کشمیر هندوستان تا دوره پایان مغول

در واقع این پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد است که توسط سید محمد نجفی نوشته شده است. موضوع این پایان نامه تاریخ شیعیان کشمیر تا دوره مغول بوده است، اما نویسنده بخاطر نبودن منابع مجبور شده که بیشتر به وضعیت سیاسی ۳۲ ساله حکومت شیعیان بحث کند. این پایان نامه نیز از دسته بندی های لازم برخوردار نیست.

۴-۲- تاریخ بلتستان

این کتاب توسط غلام حسین سهروردی، نوربخشی در سال ۱۴۱۵ هـ.ق برابر با ۱۹۹۲م نوشته شده است موضوع این کتاب همان گونه که از اسمش پیدا است تاریخ بلتستان است. اما از آنجا که بلتستان در گذشته نه چندان دور یکی از ایالات کشمیر بوده است و اسلام و تشیع نیز در بعضی از مناطق آن توسط میر شمس الدین عراقی و میر سید علی همدانی رسیده است لذا وی زندگی نامه آنان را در این کتاب نوشته است.

اما غیر از موارد گذشته مطالب دیگری مربوط به شیعیان در این کتاب یافت نمی شود. اما لازم به ذکر است چون نویسنده کتاب خودش پیرو نوربخشی است لذا سعی کرده است میر شمس الدین عراقی را پیرو مذهب خود نوربخشی امروزی جلوه دهد.

۵-۲- کشمیر، گذشته، حال، آینده

این کتاب در سال ۱۴۲۲ هـ.ق برابر با ۲۰۰۲ میلادی توسط سید حمید رضا ناصری (ایرانی) نوشته شده است. موضوع اصلی این کتاب تاریخ سیاسی کشمیر بویژه از سال ۱۳۶۷ هـ.ق برابر با ۱۹۴۷ م است. این کتاب در موضوع خودش بسیار کتاب خوبی است.

ص: ۴۲۹

در این کتاب، مطالب راجع به شیعیان به ندرت یافت می شود. و فقط به همان ۳۲ سال حکومت شیعیان در کشمیر اشاره مختصری کرده است.

۶-۲- شیعه در هند

این کتاب توسط میرزا اطهر حسین رضوی نوشته شده است. موضوع این کتاب تاریخ شیعیان هند است اما در ادامه تشیع در هند، یک فصل کتاب به تاریخ تشیع در کشمیر اختصاص داده شده است اما همچون دیگر تمام مصنفان (بخاطر نبودن منابع) فقط ۳۲ سال حکومت شیعیان و آن نیز فقط از لحاظ سیاسی بحث کرده است در این کتاب توضیحی خیلی مختصر راجع به میر شمس الدین عراقی نیز داده شده است اما ناکافی است. بغیر از این باب ذکر مطالب شیعیان کشمیر در هیچ جای کتاب دیده نمی شود. این کتاب برای آشنائی تاریخ شیعیان هند کتاب خوبی است اما برای شناساندن شیعیان کشمیر فرق زیادی با سایر کتاب های دیگر نمی کند.

۷-۲- تاریخ شیعیان علی

نویسنده این کتاب سید علی حسین رضوی است. موضوع این کتاب شیعیان علی علیه السلام در سراسر دنیا است اما وی از بیشتر حکومت های شیعیان در آن بحث کرده است. او نیز در این کتاب یک فصل را به شیعیان کشمیر اختصاص داده است اما مثل

ص: ۴۳۰

نویسندگان دیگر، فقط از ۳۲ سال حکومت شیعیان بحث کرده است. علاوه بر آن مطالب دیگری راجع به شیعیان در آن یافت نمی شود. گرچه محقق از کتاب های زیاد دیگری نیز برای نوشتن این رساله استفاده کرده است اما مطالب آنان جزئی بوده است که بررسی همه آنان باعث طولانی شدن بحث خواهد بود از اینرو از آنان صرف نظر کرده به همین اندازه بسنده می کنیم.

ص: ۴۳۱

۱. لسان العرب، ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین، قم نشر ادب الحوزه، سال نشر ۱۴۰۵ هجری قمری، ۱۳۶۳ شمسی، ج ۸.
۲. مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد، و ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران ۱۳۵۲ شمسی ج ۱.
۳. مقالات الاسلامین، اشعری، ابی الحسن علی بن اسماعیل، مکتبه النهضه المصریه، ج ۱.
۴. تاج العروس، زبیدی، سید محمد مرتضی، انتشارات اشراق العربی، دار الهدایه، ۱۴۰۴ ه.ق. ۱۹۸۴ م، ج ۲۱.
۵. الملل و النحل، شهرستانی، ابی الفتح محمد بن عبد الکریم، بیروت دار المعرفه، ج ۱.
۶. القاموس المحيط، فیروز آبادی، مجد الدین، مکتبه تجاریه کبری، شرکت فن الطباعه، جزء ۳.

۱. تاریخ حسن، حسن شاه، ترجمه کشمیری، مترجم احمد شمس الدین، ناشر جامو ایند کشمیر اکادمی آف آرٹ کلچر ایند لینگویجز سرینگر ج ۱، ۲، ۳، ۴ سال ۲۰۰۲.
۲. بهارستان شاہی، مجهول المؤلف، تنظیم دکترا، اکبر حیدری، ناشر انجمن شرعی شیعیان جامو و کشمیر، سال ۱۹۸۲ م.
۳. تاریخ فرشته، فرشته، محمد قاسم، ترجمه عبدالحی خواجہ، ناشر شیخ غلام ایند سنز لمیتید انار کلی لاہور.
۴. تحفۃ الاحباب، کشمیری، محمد علی، مترجم، آخوند زاد، محمد رضا، شاہ ایند سنز فچیتر جی رود اردو بازار لاہور.
۵. شوشتری، قاضی نور اللہ، مجالس المؤمنین، انتشارات کتابفروشی اسلامیہ، تہران ۷۷۱۳ ه.ش.
۶. واقعات کشمیر، دڈمری، محمداعظم، مترجم احمد شمس الدین، جامو ایند کشمیر اسلامک سنتر سرینگر کشمیر.
۷. تاریخ رشیدی، دوغلت، میرزا حیدر، ترجمہ و تصحیح قلی غفاری فرد، عباس، تہران انتشارات مکتوب ۱۳۸۳ ه.ش.
۸. ہمدانی، سید علی، دعوات صوفیہ امامیہ، ترجمہ خورشید عالم انجمن فلاح و بہبود سرمون کراچی، پاکستان.
۹. نجوم السماء، کشمیری، محمد علی آزاد، تصحیح میر ہاشم محدث، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابستہ بہ مؤسسہ انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲ ه.ش.

۱. شیعه در هند، رضوی، سید اطهر حسین، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم ایران، چاپ اول تابستان ۱۳۷۶ ه.ش.
۲. تاریخ اقوام کشمیر، فوق، محمد الدین، گلشن پبلشرز، مدینه چوک گاو کدل سرینگر کشمیر، ج ۱ و ۲، ۲۰۰۲ میلادی.
۳. تاریخ شیعیان کشمیر، اهدمانی، حکیم صفدر، مام حسین ریسرچ ایند پبلشنگ سنتر سرینگر کشمیر.
۴. تاریخ بلتستان، سهروردی، غلام حسین، ویری ناگ پبلشر آزاد کشمیر، پاکستان، ۱۹۹۲ م.
۵. کشمیر گذشته حال آینده، سید ناصری، انتشارات ذکر تهران، ۱۳۷۹ ش.
۶. تاریخ تحریک اسلامی جمون و کشمیر، کاشمیری، عاشق، ناشر اداره معارف، لاهور پاکستان ج ۱، ۲.
۷. کشمیر بهشت زخم خورده، الطاف حسین، ترجمه فریدون دولتشاهی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ ش.
۸. مطالعه کشمیر تشنه، پروفیسور، ایم نذیر احمد، مقبول اکیدمی شاهراه قائد اعظم لاهور.
۹. آئینه کشمیر، شفیق، محمد یوسف، غیر مطبوعه.
۱۰. آب کوثر، اکرم، محمد، اداره ثقافت اسلامی، ۲ کلب روز لاهور، ۲۰۰۲ م.
۱۱. قدیم لداخ، کاجو سکندر، سکندر خان، کاجو پبلشرلیه لداخ.

۱. مجموعه رسائل، ترجمه، غلام عباس، و غریبی، اعجاز حسین، زیر نظر شیخ سکندر حسین کراچی، محمود آباد، ۱۹۹۹ م.
۲. اختر درخشان، موسوی سید، محمد باقر، اکرم حسین پریس پرهلاء گہات بنارس ہند.
۳. عالمی اور کشمیر، آزاد، عباس احمد، کشمیر لتریجری ایند کلچرل سوسائٹی و نیشنل تھنکرز فورم پاکستان.
۴. لغت نامہ ده خدا، ده خدا، علی اکبر، مادہ حرف ک، مؤسسہ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دور ج ۱۰.
۵. تاریخ شیعه و فرقه های اسلامی تا قرن چهارم، مشکور، محمد جواد، انتشارات اشراقی، تهران.
۶. اکرم، شیخ محمد، - ناشر اداره ثقافت اسلامیہ، پاکستان.
۷. کحل الجواهر، موسوی، سید علی، ناشر مطبع اسلامی لاهور، ۱۲۶۴ھ.ق.
۸. کشمیر عہد بہ عہد، دکتر، ایم ایس، مقبول اکیدمی، سر کلر رود، چوک انار کلی لاهور ۱۹۹۵ میلادی.
۹. تاریخ شیعیان علیؑ، رضوی، علی حسین، عباس بک ایجنسی رستم نگر لکھنؤ اند یا ۱۴۲۳ھ.ق برابر با ۲۰۰۱ میلادی.

۱. گروه بندی سی بلند شیعیان ریاست کی (سیاسی و سماجی) تنظیم، ناشر، جامو و کشمیر شیعه فیدریشن، سرینگر، جنوری ۲۰۰۶ میلادی.
۲. گزارش اجمالی از وضعیت پیروان اهل بیت در جامو و کشمیر، ناشر اتحاد المسلمین جامو و کشمیر سرینگر.
۳. آفاق، دو ماهنامه فرهنگی و اجتماعی، مدرسه عالی امام خمینی، سال سوم شماره سیزدهم و چهاردهم، فروردین و تیر ۱۳۸۵ هجری شمسی.
۴. زمزم معارف، دو ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، قم، ایران، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۸۳ ه.ش.
۵. ماهنامه سفینه، صفر ۱۴۲۶ ه.ق ناشر جامو و کشمیر اتحاد المسلمین سرینگر.
۶. غروب آفتاب، ناشر، اداره العلمیه الشهدین، نابدی پوره، جدی بل سرینگر کشمیر، ذی القعدة ۱۴۲۰ ه.ق، فروری ۲۰۰۲ میلادی.
۷. حجت الاسلام و المسلمین مولوی عباس انصاری کا ایک اجمالی تعارف، ناشر اتحاد المسلمین جامو و کشمیر سرینگر.
۸. پیام عمل، ناشر شیعه فیدریشن، جامو و کشمیر.
۹. چودھوین صدی، ناشر شیعه فیدریشن جامو و کشمیر
۱۰. فعالیت اسلامی و انقلابی آقای غلام علی گلزار.

۱. گزارشی اجمالی در رابطه با اوضاع شیعیان کشمیر.

۲. چار بر □ اولیاء کشمیر، بخاری، سید عتیق، مسلم ویلفر سوسائتی، جامو و کشمیر ۱۹۹۸ م.

پایان نامه ها

۳. تاریخ شیعه در کشمیر هندوستان، موسوی، سید محمد، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، قم ۱۳۸۴ ه.ش.

۴. تاریخ نور بخشیه در کشمیر و بلتستان (از آغاز تا پایان قرن بیستم)، جوهری، غلام حسین، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، قم ۱۳۸۵ ه.ش.

۵. تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشمیر، سید رضوی، اعجاز حسین، پایان نامه کارشناسی ارشد، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، قم ۱۳۸۵ ه.ش.

پرسشنامه ها و مصاحبه ها

۶. انصاری، مسرور عباس، طلبه فارغ تحصیل حوزه علمیه قم. و دبیر کل اتحاد المسلمین جامو و کشمیر.

۷. جو، مقبول حسین، مدیر مدرسه جامعه امامیه، بمنه بد گام کشمیر.

۸. گلزار، غلام علی، رئیس سابق تنظیم المکاتب کشمیر.

۹. مصاحبه از آقای وانی، غلام رسول، طلبه سطح چهار،

ص: ۴۳۸

۱. مصاحبه از آقای سید طاهر مصطفی، میرگنہ بلگام کشمیر.

نرم افزارها و اینترنت

www.aftab.com

ص: ۴۳۹

عکس هایی از مساجد و عبادتگاه های کشمیر

ص: ۴۴۱

بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَظُنُّونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

